



مهرهای زیبای کشور

اداره کل بوزها و فرهنگ عامه

شماره ۳

یپود ایران
https://t.me/yahud_elran

پوشاک باستانی ایرانیان

از کهن ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان

از

حلیل ضیاء پور

یهود ایران
https://t.me/yahud_iran

از این کتاب هزار نسخه‌ی زرکوب در چاپخانه‌ی سازمان سعی و بصری هنرهای زیبای کشور
بچاپ رسیده است .

این کتاب دارای (۴۸۴) عکس و طرح میباشد . همه‌ی عکس‌های این کتاب توسط آقای مرتضی
رستمی عکاس موزه‌ی ایران باستان تهیه و از روی مدارك استنساخ شده است .

فروردین ماه ۱۳۴۳

اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور موظف است که در سراسر زندگی مادی و معنوی ایرانیان (صنعتها، پیشه‌ها، کشاورزی، معتقدات، رسمها و آئینها، دانشها و هنرها و ادبیات عامیانه، گویشها، سرگرمیها، شیوه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و سازمانهای آن) از کهن‌ترین زمان تا امروز به بررسی پردازد و نتیجه‌های آن را از سه راه زیر در دسترس همگان بگذارد:

۱- چاپ و نشر یک سلسله انتشارات.

۲- بنیادگذاری موزه‌های گوناگون در پایتخت و شهرستانها و تکمیل

موزه‌های موجود.

۳- برپا کردن نمایشگاهها.

بخشی از وظایف اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه بررسی در پوشاکهای ملی است که خود دو بخش جداگانه (تاریخی و کنونی) دارد.

بررسی در پوشاکهای کنونی ایران از پنج سال پیش آغاز شد و گروههایی که به چندین استان فرستاده شدند توانستند که بسیاری از پوشاکهای محلی را گردآوری و بررسی نمایند. از روی این پوشاکها نمونه‌های فراوان به اندازه‌های گوناگون دوخته و در موزه‌ها و نمایشگاهها (در ایران و کشورهای دیگر) به نمایش گذاشته شد.

کار بررسی در پوشاکهای پیشین نیز از همان پنج سال پیش (از راه مطالعه در نوشته‌ها و نقشها و تندیسها) آغاز شد و نمونه‌هایی از برخی از این پوشاکها فراهم و به نمایش گذاشته شد.

آقای جلیل ضیاءپور از هنرمندانی بودند که به بررسی در پوشاکهای باستانی ایران دلبستگی فراوان داشتند و پس از چند سال همکاری و کوشش در این راه خواستار شدند که نوشتن کتابی درباره پوشاکهای ایران از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان به عهده ایشان گذاشته شود. برای این که بررسیهای ایشان کامل گردد چندبار برای دیدن آثار باستانی ایران به شهرستانهایی که لازم بود فرستاده شدند و سرانجام به نوشتن این کتاب به مسئولیت و شیوه و سلیقه خاص خود موفق گردیدند.

اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه امیدوار است که بررسیهای خود را درباره پوشاکهای دوره‌های دیگر و همچنین پوشاکهای کنونی ایران به زودی نشر دهد و در دسترس همگان بگذارد.

دکتر صادق کیا

یهود ایران

https://t.me/yahud_iran

توضیحات و مقدمات

پوشاک، همیشه متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی و آب و هوایی و حفاظت و ترقیات قومی و لزوم تبدیل به احسن « برای کارآمد بودن » تهیه میشود؛ و سپس میل بجلوه‌گری سبب میشود که در آن بعنوان بهترین دستکاری کنند و قشنگتر و باشکوهترش بنمایند.

برای ایران وسیع بعلت داشتن مناطقی با آب‌وهوای مختلف، ایجاب میکرده است که مردمش دارای پوشاک گونه‌گون باشند (هم‌اکنون، ساکنین مناطق مختلف ایران دارای بیش از بیست نوع پوشاک اند).

لباس مردم منطقه‌ی پارس هم در قدیم متناسب با آب و هوای آن منطقه فراهم شده بوده و با پوشاک مردم ماد که در منطقه‌ی شمالی ایران می‌زیستند تفاوت فاحش داشته است (هنوز هم در مناطق جنوبی پارس، هستند مردمی که از لونگی بعنوان دامن « که یادآور دامنهای پارسی زمانهای گذشته است » استفاده میکنند و از همان جنس هم یک روانداز برای حفاظت از سرما و موارد دیگر، بردوش می‌افکنند) ولی مردم ماد بعلت سرمای مناطق خود ناگزیر از پوشیدن لباس مناسب سرما « چنانکه با کارهای روزانه‌شان وفق بدهد و بتوانند بدلخواه خود بکار پردازند » بودند.

اومستد . ا.ت « استاد تاریخ شرق » میگوید : (این مادیها هنوز نیمه صحراگرد بودند . روی نقشهای آسوری آنها را با موی کوتاه که آنرا با نوار سرخی بسته‌اند ، و با ریش پیچیده و تابدار کوتاه نقش کرده‌اند ؛ روی پیراهن ، يك نیم‌تنه‌ی پوست گوسفند در بر دارند ، که هنوز بهترین دوست و رهسپاران در زمستان سخت فلات است که نیز نیازمند به پای افزارهای بلند برای گذشتن از میان برف بود . سلاح آنها فقط نیزه‌ی بلند بود و در پناه سپرهای سبذبافته‌ی چهار گوش می‌جنگیدند . با این نیمه صحراگردان و بیاری پارسیان ، فرورتنش ، دلیری داشت که با سوراخت آورد . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۴۲ - سطر - ۱۲ - ») .

*

دیرتر که پارسیان و هخامنشیان خود را نیازمند پوشاک مرتب و کارآمد دیدند ، علاوه بر اینکه به لباس خود با دادن تزئینات و چین‌های پر جلوه ، صورتی بخشیدند ، برای تأمین کافی نظرات خود از مردم ماد نیز سلیقه گرفتند و بخواستهای خود جامه‌ی عمل پوشاندند .

*

در جلد اول ایران باستان صفحه‌ی ۲۲۲ - سطر - ۱۸ - چنین میخوانیم : (که شاهان هخامنشی چیزهای زیاد از ماد اقتباس کردند و همین نکته که بسیاری از تزئینات دوره هخامنشی شبیه دوره ماد بود ، یکی از جهاتی است که نمیتوان محققاً معلوم کرد ، از چیزهایی که در دوره هخامنشی می‌بینیم ، کدامیک مادی و کدام هخامنشی است . فقط در موارد کمی میدانیم که اقتباس پارسی‌ها از مادی‌ها چه بوده ، مثلاً هرودوت و سترابون نوشته‌اند که پارسی‌ها شکل لباس را از مادی‌ها اقتباس کردند و بنابراین تصور می‌رود که کلاه نم‌دین ، قبای آستین‌دار و کفش‌های پارسی‌ها از چیزهایی است که از مادها اقتباس شده) .

نیز در صفحه‌ی ۲۲۳- سطر ۱۸- میخوانیم: (. . . و دولت هخامنشی کاری را که ماد شروع کرده بود ادامه داد. این نکته یکی از جهاتی است که محققین، دوره هخامنشی را متمم دوره مادی میدانند).

یهود ایران

*

بنابراین، موافقت هخامنشیان در دنبال کردن نظرات مردم ماد، میرساند که خود در استفاده از نوع البسه‌ی مادی « که کارآمدتر بوده » رغبت نشان داده‌اند.

*

سرپرسی سایکس میگوید: (لباس ارغوانی شاهنشاه پارس، همان جامه بلند و باوقار مردم ماد بود و بر سر تاجی داشت بلند و مشعشع و این تاج منحصر بشاهنشاه بود و در حجاریهای تخت جمشید منقوش است. « تاریخ ایران جلد اول صفحه‌ی ۲۲۶ - سطر ۱۴ - »).

*

۱. ت. اومستد در استفاده‌ی مردم پارس از پوشاک مادی میگوید: (. . . و آماده‌ی بجا آوردن بازپسین آذینهای بخاک سپردن در پرتو شعله‌ی لرزان شدند. نسای^۱ کوروش را در تابوتی از زر گذاشتند که بر تختی نهاده شده بود که پایه‌هایش از زر ساخته بود. میزی برای برات گذاشته شده بود که بر آن شمشیرهای کوتاه پارسی، گردن‌بندها و گوشواره‌هایی از سنگهای گرانبها در زر نشانده، نهاده بودند. سندس^۲ و کتان دوخت بابل، تنبانه‌ی مادی، جامه‌های آبی ارغوانی و رنگهای

۱ - نسا = Corpse (نسا کده = Necropolis - «۳۶»). در روایات داراب هرمز دیار به صورت نسا - خانه آمده است. نعش صورتی دیگر از واژه‌ی «نسا» است) تاریخ شاهنشاهی هخامنشی.
 ۲ - سندس: بضم = (دیبا، نوعی از دیبای تنگ، معرب است. فرهنگ منتهی‌الارب).
 (سندس = نوعی از دیبای لطیف نازک بافته با زر و سیم. فرهنگ اشتاین گاس).

دیگر « کاوناکس^۱ » و بافته‌های گل و بوته‌دار بابلی، همه را رویهم چیده بودند تا پادشاه در گذشته، با شکوه شایسته و آئین درست بجهان دیگر نیاکان آریائیش درآید. « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۹۱ - سطر - ۱۶ - » .

* یهود ایران
<http://www.yahud-iran.com>

در تأیید استفاده‌ی هخامنشیان از پوشاک مادی، گزنفون نیز تعریف میکند که چگونه کوروش از قصر خود در دفعه‌ی اول بیرون آمد و دوستان خود را خواست و گفت: (میخوام بمعابد رفته مراسم قربانی را بجا آرم و این کار باید با طمطراق و تجملات فوق‌العاده بشود. فردا صبح در دربار حاضر شوید و موافق ترتیبی که « فرولاس » بشما خواهد گفت صف ببندید. بعد او لباسهای مادی از رنگهای مختلف یعنی ارغوانی، سیاه، سرخ و پُررنگ بسرداران داد. « کتاب - ۸ - فصل - ۳ - گزنفون . جلد اول ایران باستان . صفحه‌ی - ۴۲۴ - سطر - ۶ - » .)
 و نیز میگوید: (کوروش این قاعده را اعمال میکرد که اگر پادشاهی میخواد دیگران را نسبت بخود علاقمند کند نه فقط باید به از آنان باشد، بلکه باید در مواردی تدبیر عملی « بقول گزنفون مصنوعی » بکار ببرد، مثلاً او لباس مادی را اقتباس کرد و نزدیکان خود را بر آن داشت که این لباس را بپوشند .

حسن این لباس آنست که معایب بدن را می‌پوشاند و اشخاص را بزرگتر و شکیل‌تر مینماید. کفش‌های مادی چنان ترتیب داده شده بود که شخص می‌توانست در آن چیزهائی بگذارد تا بلندتر بنماید بی‌آنکه کسی ملتفت آن بشود. کوروش سرمه کشیدن و آرایش صورت را تصویب میکرد تا چشمان و صورت اشخاص زیباتر از آنچه هست بنظر آید « گزنفون . کتاب - ۸ - فصل - ۱ - ایران باستان - جلد اول صفحه‌ی - ۴۱۷ - سطر - ۱۹ - » .

۱ - کاوناکس = در چگونگی آن لاروسهای بزرگ فقط بتوضیح نوعی لباس اکتفا کرده‌اند .

در باره‌ی لباس کوروش « حین حرکت او از میان صف سپاهیان » گزنفون مطلبی دیگر دارد؛ گوا اینکه نوشته‌هایی از تاریخ‌نویسان دیگر برای تأیید نوشته‌ی گزنفون در این مورد موجود نیست و در هیچ جای نقوش سنگی تخت‌جمشید هم از آنگونه لباس که گزنفون بکوروش پوشانده اثری نیست، با این وصف، آگاهی از آن بیفایده نیست. او میگوید: (. . . . تمام سواره نظام هم در اینجا جمع شده، سواره‌ها پیاده شده جلو اسبهایشان را گرفته‌اند و سربازان دستهایشان را در روپوش « شنل » پنهان کرده‌اند. این ترتیب امروز هم وقتی که در حضور شاه ایستاده‌اند رعایت میشود. پارسی‌ها در طرف راست راه ایستاده‌اند و متحدین در طرف چپ. عرابه‌ها هم نصف بنصف از دو سمت راه صف بسته. درب قصر باز شد. اول چهار گاو نر بیرون آوردند، اینها را باید برای زوس « مقصود خدای بزرگ است » و خدایان دیگر چنانکه مغها معین کرده‌اند، قربان کنند. این قاعده‌ایست نزد پارسیها که باید در امریکه راجع بخدایان است موافق عقیده اشخاصی که در این کار خبره‌اند رفتار کنند. بعد از گاوهای نر، اسبهای را که باید برای آفتاب قربانی کنند آوردند. سپس گردونه زوس که مال‌بندی از طلا داشت و باگل آراسته بود نمودار شد. پس از آن گردونه سفیدی که به آفتاب اختصاص داشت و نیز با گل‌ها آرایش یافته بود. بالاخره گردونه سوم که اسبهای آن جل‌های ارغوانی داشت پدیدار گشت. از دنبال این گردونه‌ها اشخاصی حرکت میکردند که بدست مجمرهای بزرگی پرآتش داشتند، بعد کوروش بیرون آمد. او بر گردونه‌ای قرار گرفته بود و بر سر تیاری^۱ داشت نوکتیز « گزنفون مانند اغلب مورخین یونانی کلاه شاه را تیار نامیده » بر تن قبائی نیم‌ارغوانی و نیم سفید که اختصاص بشاه دارد و یک نیم‌شلواری که رنگی تند داشت و ردائی از ارغوان. تیار او را افسری احاطه دارد.

۱- تیار « Tiara » را که فارسی آن باید همان تارك باشد؛ برهان قاطع چنین معنی میکند: (کله سر و فرق سر و میان سر آدمی باشد و هر چیز که آنرا در جنگ بر سر گذارند، همچو کلاهخود و مفقر و امثال آن). سرپرسی سایکس تیار را در مبحث اشکانیان تاجی گرد میدانند که پادشاهان بر سر میگذاشتند. « مؤلف ».

اقربای شاه هم این زینت را که امتیازی است، دارا بودند، چنانکه امروز هم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند. دستهای او از آستین‌ها بیرون آمده و پهلوی او گردونه رانی نشسته که دارای قامتی است بلند ولی پست‌تر از قامت کوروش. واقعاً قامت کوروش بلند بوده یا بوسیله‌ی مصنوعی باین نتیجه رسیده بود معلوم نیست. همینکه مردم کوروش را دیدند همه بخاک افتادند. بامر این کار شد یا از حیرتی که از این شکوه و عظمت کوروش و سیمای خوش او بمردم دست داده بود معلوم نیست ولی بهر حال تا آنروز یک نفر پارسی در پیش کوروش بخاک نیفتاده بود. « گزنفون کتاب - ۸ - فصل - ۳ - ایران باستان جلد اول صفحه‌ی - ۴۲۵ - سطر - ۴ - » .

*

رویه‌مرفته، این توضیح: که کوروش تیاری نوک‌تیز با افسری پیچیده بدور آن برسر، و یک نیم شلواری پیا داشت « با توجه باینکه در نقوش سنگی تخت جمشید برای هیچیک از اقوام و ملل تابعه‌ی دور و نزدیک چنین شلواری ساخته نشده است » و اینکه دست را از آستین قباد آورده باشد « با توجه باینکه اگر آستین قبا گشاده نبوده و مانند آستین قبا‌ی مادی تنگ بوده باشد، در آوردن دست از آن غیر عملی است، مگر که لباس، پارسی باشد و آنهم ساختمانش بنحوی است که آستین سرخود بوده و مانند شنل است و بآن قبا نمیشود گفت « فهم موضوع و نوع پوشش کوروش را مشکل میکند و خواننده، در جور کردن و پذیرفتن آن مجبور باندیشه و درنگ است (گو اینکه گزنفون گفته است: کوروش عقیده داشت که برای تحبیب اقوام تابع از خصوصیات مناسب آنان باید استفاده کرد، و بهمین جهت نزدیکان خود را و میداشت تا از لباس مادی که عیب‌پوش بود و اشخاص را شکل مینمود بپوشند، و تا آنحد بزیبائی پای‌بند بود که سورمه میکشید و آرایش صورت را تصویب میکرد و روی همین اصل هم امکان داشته که از کلاهی نوک‌تیز به افسر پیچیده « که بفرآوانی از آنها در تخت جمشید برای اقوام

مختلف ساخته شده است « استفاده کرده باشد ، ولی نیم‌شلواری پوششی است که با قبای موصوف آنچنانی و کلاه نوک‌تیز پیچیده به افسر هیئتی بوجود می‌آورد که با سلیقه‌ی کوروش جور نمی‌آید ، زیرا کوروش بقول گزنفون ، لباس مادی را بخصوص از اینجهت که عیب پوش بوده اقتباس کرده بوده است) پس کوروش لباس کوتاه تن‌نما را نمی‌پسندیده « و لباس قومی او نیز که همان لباس پارسی دامن چین‌دار بوده و آنرا آنقدر بلند می‌گرفته‌اند که برای پوشیدن پاها تا حد زیاد مزاحم راه رفتن نبودن ، مناسب باشد « چگونه کوروش ، نیم شلواری‌ای را که قطعاً بحدود زانو و ساق میرسیده ، می‌پوشیده است ؟

*

گزنفون میگوید : (سربازان دستهایشان را در روپوش « شنل » پنهان کرده‌اند « این ترتیب امروز هم وقتی که در حضور شاه ایستاده اند رعایت میشود « یا « اقربای شاه هم این زینت را که امتیازی است دارا بودند . چنانکه امروز هم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند «) .

با این گفته‌ها « که این ترتیب (امروز) هم رعایت میشود و یا (امروز) هم اقربای شاه خوب نشان میدهد که گزنفون توضیح پوشش کوروش را در این صحنه « که پیش از زمان خود او بوده است « درست برداشت نکرده ، یا چه بسا ممکن است که خوب جوری استنباط نکرده باشد . بنابراین ، از آن میگذریم و برای آشنائی بیشتر ، به لباس مادی « که مورد استفاده‌ی مردم نواحی پارس بوده « می‌پردازیم .

پوشاک مادی

اومستد می‌نویسد : کیاکسارس (اووخشتره) جانشین پدرش فروورتش شده بود ، فراخور او بود که کنیه‌ی بغجنگک ور ثرغنه (بهرام) را گرفته بود . سپاه را او روی طرح امروزمین از نو سازمان داده و به نیزه‌دار ، کماندار و سوار بخش کرده بود . بنظر می‌آید که اووخشتره بود که تن‌پوش و سلاحها را نیز تغییر داد . دو صورت بکلی مختلف روی پیکره های تراشیده‌ی^۱ تخت جمشید مرتب نموده شده است . مادی ها با پوشیدن لباسهای اصلی‌تر ایرانی بازشناخته میشوند . بر سرشان کلاه گرد نمدی مایل بجلو با دنباله‌ی آویزان روی گردن دارند . يك تنزیب^۲ چرمی تنگ آستین دراز که تا بالای زانو میرسید در بر کرده‌اند که يك کمر دوتا با گل‌کمر گرد آنرا نگاه میدارد ؛ روی تنزیب هنگام آذین شاید جبه‌ای می انداختند . شلوار بلند چرمی و کفش بند دار با نوک برجسته ، نشان میدهد که پوشندگان آنها بسیاری از وقت خود را بسواری میگذرانند . يك ریش نوک تیز کوتاه ، سبیل و موی دسته شده روی گردن ، همه پرتاب

۱ - تغییراتی که در ترجمه و تعویض برخی کلمات متن کتاب فارسی اومستد « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی » داده شده است ، با نظر و موافقت خود مترجم شده است .

۲ - تنزیب (تنزیب) = جامه کوچکی باشد که در زیر قبا پوشند و ترکان ارخالق گویند . برهان قاطع . (دراینجا ، تنزیب که در برابر Tunic آمده در لاتین بزیر جامه‌ی نازک با آستین که مرد و زن هر دو می‌پوشند گفته میشود ؛ و در انگلیسی جامه‌ی گشاد را گویند) .

و پرچین و گوشواره و گردن بند بزبور آنها می‌افزود . سلاح عمده‌ی تاخت ، همان نیزه‌ی از چوب سخت با نوک پرنگی^۱ لبه برجسته و تهنلی بود ؛ و بسیاری از جنگجویان نیز کمانی در کماندان پرکار و بسیارنقش و ترکش پر از تیر همراه داشتند « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۴۳۳ - سطر - ۱۲ - » .

*

هرودوت ، در باره‌ی پوشاک مردم ماد چنین شرح میدهد : (پس از شمارهٔ نفرات ، جنگی‌ها را نظر به قومیت آنها بگروهائی تقسیم کردند و ترتیب چنین بود :

۱ - پارسی‌ها این لباس و اسلحه را داشتند « کلاهی نم‌دین که خوب مالیده بودند و آن را تیار میگفتند بر سر ، قبائی آستین‌دار رنگارنگ در بر . زرهی که حلقه‌های آهنین آن بفلس‌های ماهی شباهت داشت بر تن . شلواری که ساقها را می پوشید در پا . سپری از ترکهٔ بید بافته و در زیر آن ترکی آویخته . زوبین^۲ هائی کوتاه و کمانی بلند . تیرهائی از نی داشتند و قمه‌ای کوتاه از طرف راست بکمر بند بسته بودند .

۲ - مادی‌ها اسلحه‌شان مانند پارسی‌ها بود ، چه اسلحه‌ای که شکلش را بیان کردیم در واقع اسلحهٔ مادی است نه پارسی (« ایران باستان . جلد اول . صفحات - ۷۳۰ - سطر - ۲ - و - ۷۳۱ - سطر - ۷ - » .

*

اینک با توجه بگزارش تاریخ نویسان ، لباس مردم ماد را از تخت جمشید استناد میکنیم . با اینکه اومستد نیز از تخت جمشید برای توضیح لباس مادی استفاده نموده است ، در مواردی اشتباهات عمده دارد .

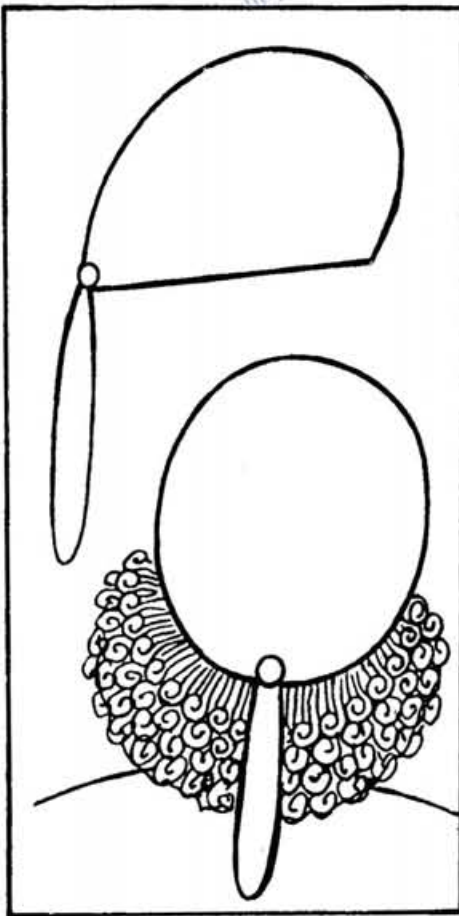
۲ - زوبین = نیزه‌ی کوتاه .

۱ - پرنگی = برتری . برنجی .

کلاه مادی

در نقوش سنگی تخت جمشید کسانی که لباس مادی را پوشیده و قمه‌ی آنانرا بکمر بسته و کفش آنانرا پوشیده‌اند و از نظر ظاهر از همه‌ی پوشش مادی استفاده نموده‌اند. پنج نوع کلاه بر سر دارند. این کسان، یا از سپاهیان مختلط

ملبس پوشاک مادی هستند که برای مشخص بودن، فقط کلاه قومی خودرا حفظ کرده‌اند، یا از ایل و تبار مستقیم مادیان درباری میباشند که در نواحی دور از پایتخت « چون سکاهاى تیز خود و سغدی‌ها » زندگی میکردند. بهر جهت آنچنان که نقوش سنگی مینماید، استنباط چنین است که پوشندگان لباس مادی با کلاههای گونه‌گون باید از ایل و تبار مادیان درباری باشند، و این انواع کلاه را که بر سر دارند، یا خود در اصل داشته‌اند، یا از دیگران گرفته‌اند؛ و بهر صورت در نقوش سنگی تخت جمشید مورد استفاده‌ی مادپوشان است و اینهاست:



شکل ۱ کلاه مادی نوع اول

۱ - نوعی کلاه گرد ساده‌ی نمدی

است که قسمت جلوی آن « پیشانی

کلاه » اندکی جلو آمده‌تر است و در پشت سر آن روی لبه، دنباله‌ای دوخته شده است. بلندی این دنباله در پشت گردن و مهره‌های پشت اغلب تا بمحاذی

زیر بغل میرسد « شکل‌های ۱ - و - ۲ - » .

این نوع کلاه را ماد پوشان مقرب که با پارسیان محشورند بر سر دارند .

*

۲ - نوع دوم ، کلاه گرد نمدی ایست که علاوه بر آن در دنباله‌ی پشت سر ،



شکل ۲ کلاه مادی نوع اول

دارای گوش‌پوش است و در مواقع بی‌نیازی ، گوش‌پوش‌ها را بی‌الا زده ، بوسیله‌ی

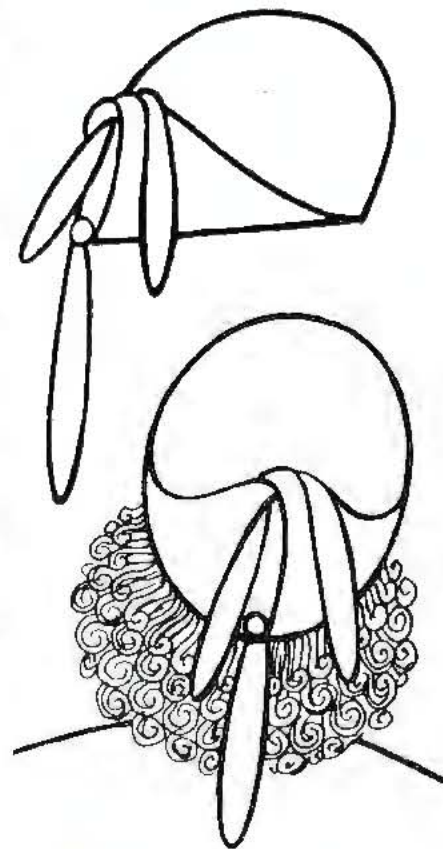
دنباله‌ی خودشان مانند گره از هم رد میکنند « شکل‌های ۳ - و - ۴ - » .
این کلاه را مادپوشانی که هدیه می‌آورند بر سر دارند .

*

۳ - نوع سوم ، کلاه گرد نمندی‌ایست که در پشت سر بجای دنباله‌ی دراز ،



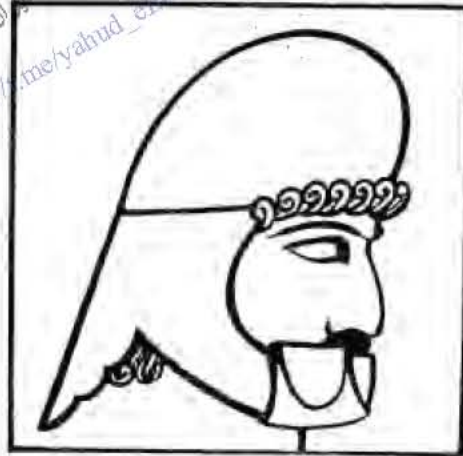
شکل ۴ نوع دوم کلاه مادی پوشان



شکل ۳ - نوع دوم کلاه مادی پوشان

دنباله‌ای منظم بخود دارد و با کلاه یکسره مالیده شده و بآن دوخته نیست ، و در دو پهلوی خود کنگره‌های محدب دارد و آخرش نیز نوک‌تیز ختم میشود ، و کلاه در دو پهلوی خود گوش پوشهائی « چون نوع دوم ، منتهی بلندتر » دارد ، بطوریکه قسمت ریش و چانه را می پوشاند و در مواقع لزوم یکی را در زیر چانه روی دیگری قرار داده مقداری از آخر گوش‌پوش روئی را در بغل گوش‌پوش

زیری فرو کرده قسمت آخری دنباله را بیرون میگذارند . این کلاه را مادپوشانی به سر دارند که در صف يك در میان پارسی از پلکان بالا می روند و هر يك هدیه‌ای به دست دارند « شکل‌های ۵ - و - ۶ - » .

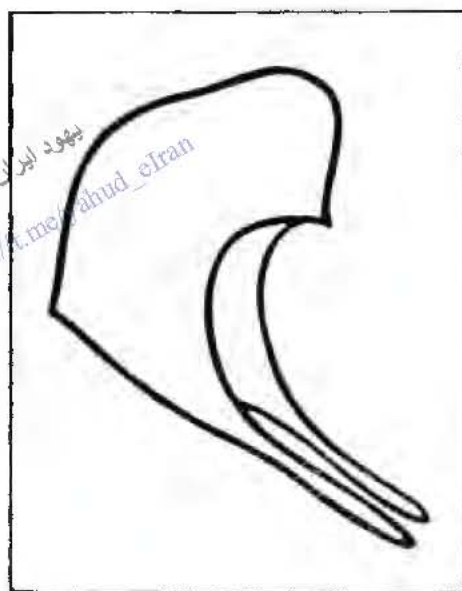


شکل ۵ نوع سوم کلاه مادی پوشان



شکل ۶ نوع سوم کلاه مادی پوشان

۴ - نوع چهارم ، کلاه نمدی بی دنباله ایست که دارای دو گوش پوش



شکل ۷ نوع چهارم کلاه مادی پوشان



شکل ۸ نوع چهارم کلاه مادی پوشان

نوکتیز بلند است و در زیر چانه بهم بسته میشود. این کلاه در بالای خود « پیشانی کلاه » بر جسته و گرد است. میگویند این مردم از اهالی سغد میباشند « شکل‌های ۷ - و - ۸ - » .



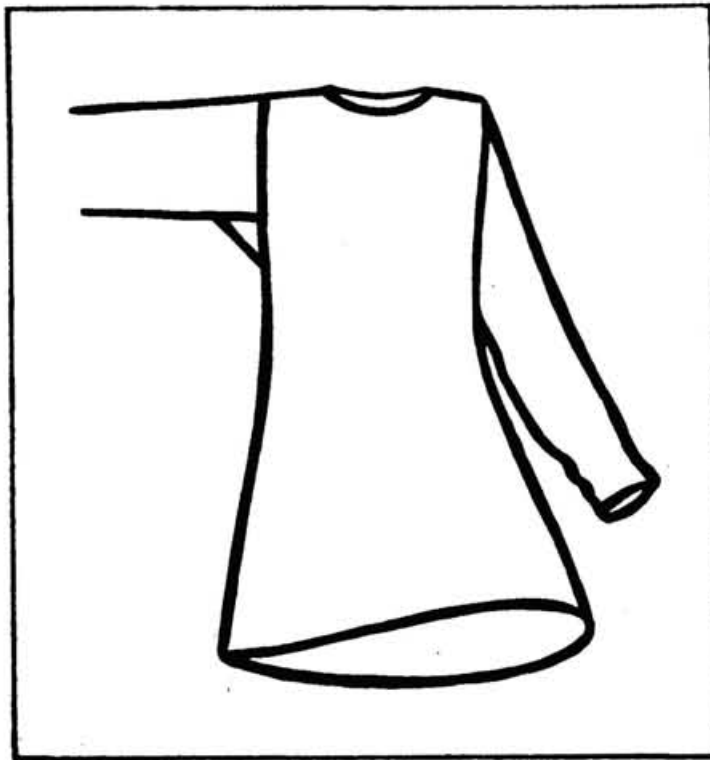
شکل ۹ کلاه نوع پنجم مادی پوشان

۵ - نوع پنجم ، کلاه بلند نوکتیزی است که قسمت آخر نوک آن ، ملایم بسمت عقب سر و بیلا متمایل است . این کلاه بر لبه‌ی عقبش نظیر کلاه نوع سوم ، دنباله‌ای دارد ، و بعلاوه برای مقاومت در برابر باد بوسیله‌ی بندی که بنوک یکی از گوش پوش‌های کلاه وصل است از زیر چانه به پس سر رفته یکدور روی کلاه گشته بصورت علامت ضربدر دوباره بجلوی پیشانی آمده به پس سر ، بند میشود . این کلاه را ماد پوشانی بسر دارند که بوسیله‌ی یکنفر مادی مقرب دربار برای معرفی هدایت میشوند « شکل - ۹ - » .

پیراهن مادی

پیراهن مادی ، يك پوشش بلند است كه تا بزانو میرسد . در نقوش تخت جمشید سه جور یخه در این نوع پیراهن دیده شده است « شكل - ۱۰ - » .

۱ - نوعی ، گرد است و چال گردن را می پوشاند .



شكل ۱۰ پیراهن مادی

۲ - نوعی ، سه گوش بسیار ملایم و نزدیک بخط مستقیم است « این يك هم بر چال گردن قرار دارد » .

۳ - و نوع سوم از سر يك شانه مستقیم بسر شانهی دیگر رفته است « نوع اخیر فقط در يك نقش برجسته دیده شده است » .

پیراهن مادی ، دارای آستین بلندی است که با يك ملايمت از سر شانه بسوی مچ دست تنگ شده چسبان و اندکی چین دار میشود . (در سه جا بر نقوش سنگی دیده شده است که پیراهن مادی دارای چند چین میباشد « دو تاي آن در نقش داریوش در موزهی ایران باستان هست که یکی مرد مادی حرمت گزار و دیگری اسلحه دار است » و نقش سوم در تخت جمشید « شکل ۱۱ » میباشد) .



شکل ۱۱ پیراهن مادی

بر هیچ جای این پیراهن های مادی « که از روبرو نیز تراشیده اند »

درزی را نشان نداده‌اند. استنباط این است که برای دوخت، درز را برشانه و دوپهلوی تعبیه کرده‌اند.

شلوار مادی

شلوار مادی یکرسته بوده تا میج پا و بر روی کفش میرسد. شلوار که از بالا تا پائین بتدریج بتنگی گزیده است بر میج آن نواری دارد که بر روی جلوی دهانه‌ی کفش گره دار شده دمپای شلوار را جمع و تنگ میکند و دنباله‌ی آن بر روی کفش می‌افتد. علاوه بر این، شلوار، یک نوار دیگر نیز بسمت پائین



شکل ۱۲ شلوار مادی

دارد که برای نگاهداری ساقه‌ی آن « که بیلا کشیده نشود » چون رکابی کار گذارده‌اند. این رکاب که از دو سو بلبه‌ی شلوار دوخته است بمانند حلقه‌ایست که کفش از آن عبور کرده وسطش روی رکاب شلوار قرار میگیرد. « شکل ۱۲ ».

بر نقوش سنگی تخت جمشید چنین ساخته شده است که گاهی دو سر رکاب، در قسمت جلوی دمپای شلوار و گاهی در میان کتفلی میچ پا کار گذارده شده است « شکل ۱۳ » .

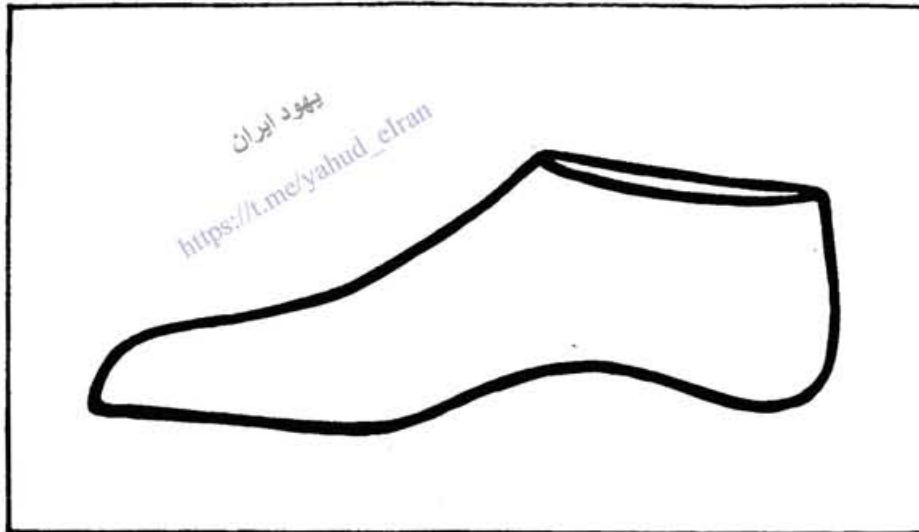


شکل ۱۳ شلوار مادی بر تن دو مرد طرفین نقش

کفش مادی

کفش مادی از چرمی يك تکه است و مانند جوراب بپا کشیده شده و بی تخت اضافه است و هیچ نوع درزی در نیمرخ آن دیده نشده است . بنظر می‌رسد که درز کفش در پشت پاشنه و بر رویه‌ی آن باشد . کفش مادی دارای پاشنه‌ای گرد است . این پاشنه بوسیله‌ی چرم يك تکه‌ای کفش ، از بیرون پوشیده و بی‌سریاشنه می‌باشد . پنجه‌ی آن کشیده و سر پنجه پهن و بریده و بنجوی ملایم بسوی زمین و بطرف بیرون پا کج است . « شکل ۱۳ و ۱۴ » .

(این تمایل پنجه‌ی کفش بکجی در جهت بیرون ، باید برای بهتر بندشدن



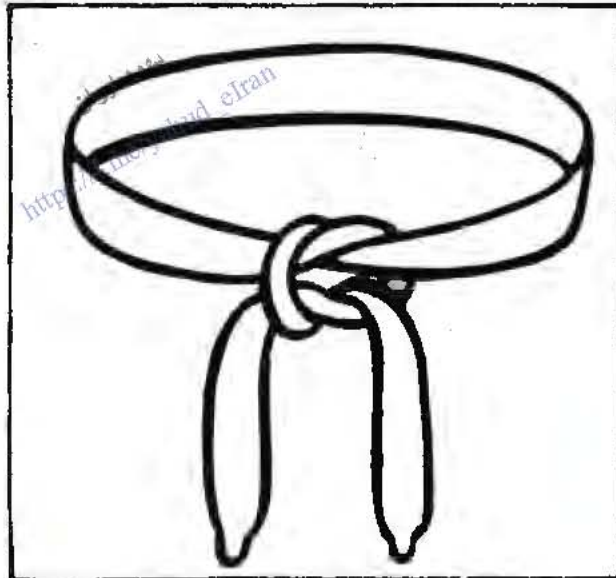
شکل ۱۴ کفش مادی

کفش برکاب در حین سواری باشد). از این نوع کفش ، پادشاهان هخامنشی نیز استفاده کرده‌اند ، و در پارساگد و تخت جمشید ، اغلب بچشم میخورد .

کمر بند مادی

از روی نقوش سنگی تخت جمشید ، کمر بند مادی يك تکه چرم بلند به اندازه‌ی دو برابر دور کمر است که در محل ختم یکدور کمر ، در جلو از پهنایش کاسته شده ، پس از یکدور از همدیگر رد و زیرورو شدن ، دوباره گره میخورد . پس از آن ، شکل کمر بند عوض شده دو سر آن از حالت باریکی بدر آمده هریک از دو طرف بشکل محدب ، منحنی میشود و در انتهای خود چون نوك پستان ، يك گردی میگیرد « شکل‌های ۱۵ و ۱۶ » .
مردم ماد ، علاوه بر این کمر بند عادی دو کمر بند دیگر نیز داشتند که

یکی برای آویختن کماندان و دیگری برای قمه بوده است، و درمواقع لزوم هرسدی آنها را با هم می بستند .



شکل ۱۵ کمر بند مادی



شکل ۱۶ کمر بند مادی

۱ - کمر بند قمه - يك سر این کمر بند دارای گل میخ و سر دیگر آن دارای سوراخ است و چنگک غلاف قمه در جایی از این کمر بند، بند است؛ و کمر بند پس از آنکه از راه پشت بجلوی بدن آمد سر سوراخدار آن بگل میخ بند میشود « قمه را معمولاً در جلوی بدن متمایل بسمت راست می‌آویختند؛ و انتهای قمه

بوسیله‌ی بندی چرمی که بدور ران می‌پیچید در جای خود نگاهداشته میشد
« شکل‌های ۱۷ و ۱۸ » .

(در جایی از نقوش سنگی تخت جمشید، حاملین قمه‌ی مادی « سغدی‌ها » بند غلاف آنرا سه تا کرده بوسیله‌ی يك بند بهم بسته‌اند . « شکل ۸ ») .



شکل ۱۷ یک نفر مادی با قمه



شکل ۱۸ کمر بندهای مادی

(سوراخهای سربند کمرهای مادی بر نقوش تخت جمشید فقط بر روی تکه سنگی در حوالی کاخ تَچَر دیده شد . این تکه سنگ دارای پنج نقش « دو نفر پارسی و سه نفر مادی » است) . « شکل ۱۹ »

بهداد ایران

http://t.me/yahud_eIran

*

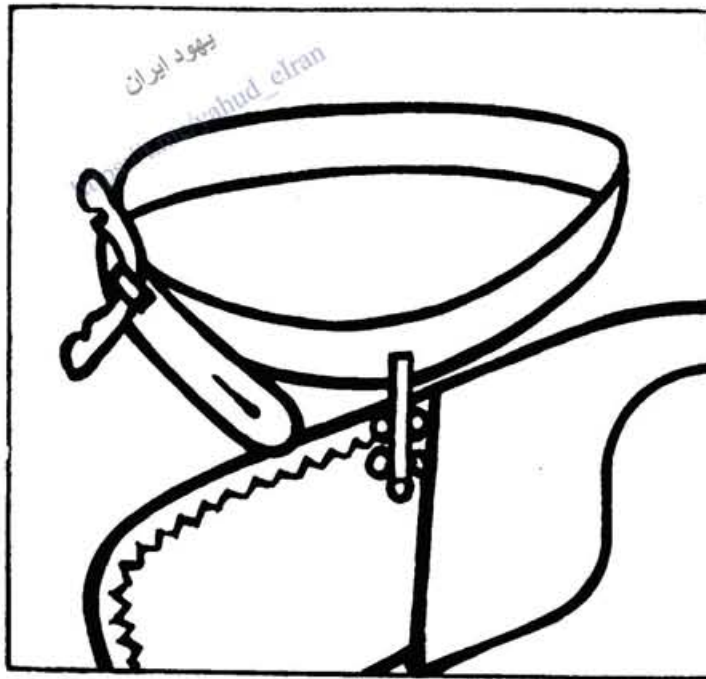
۲ - کمر بند کماندان - يك سر این کمر بند باریک است و بمیان يك چوب یا



شکل ۱۹ کمر بند میخدار مادی

استخوانی که شبیه دست و پای بز یا حیوان دیگری است محکم بند شده است .

دو سر این دست و پای سمدار را مانند هم درست کرده‌اند. « شکل‌های ۲۰ و ۲۱ ». (سر کمر بند کماندان در شکل ۲۱ بدست چپ اسلحه‌دار مادی میباشد) .



شکل ۲۰ کمر بند کماندان مادی

این کمر بند نیز مانند کمر بند قمه بر تهی‌گاه و چال کمر ، گیر است و کماندان را که در قسمت چپ مرد مادی واقع میشود بخود آویخته دارد . « شکل ۲۲ » و قمه‌ی مادی که از شاهکارهای سنگتراشی در جهان است . « شکل ۲۳ »

جبه و شل مادی

طبق نقوش سنگی تخت جمشید ، مردم ماد جبه‌ای که آستین‌های آنرا بخوبی و مشخص تراشیده اند ، بردوش افکنده اند ، و سراسر لبه‌ی آن از پائین يك بر ، بیالا تا پشت گردن و سوی دیگر لبه ، حاشیه‌ی پوستی دارد ، و بر روی



شکل ۴۱ سریند کماندان بندست چپ اسلحه‌دار مادی است.



شکل ۲۴ کماندان مادی

این حاشیه ، حاشیه‌ی دیگری نیز پوستی بر دور یخه ، دوخته اند . در دو انتهای حاشیه‌ی دومی دو دنباله تعبیه کرده‌اند که در مواقع لزوم آنها را در جلوی سینه بهم گره میزنند تا جبهه بی‌آنکه از آستین‌هایش استفاده شود ، چون شنل بر دوش قرار گیرد . « شکل ۲۴ »

شنل مادی

مردم ماد ، طبق نقوش سنگی تخت جمشید ، شنلی دارند که مستطیل است ، و قد آن از جبهه بلندتر است و تا بنزدیک مچ پا میرسد . بر دو گوشه‌ی بالای شنل دو بند تعبیه شده که در جلوی سینه بهم گره زده میشده است . این شنل در نقوش تخت جمشید بر دوش قوم ماد اغلب بچشم میخورد . « شکل‌های ۲۵ و ۲۶ »

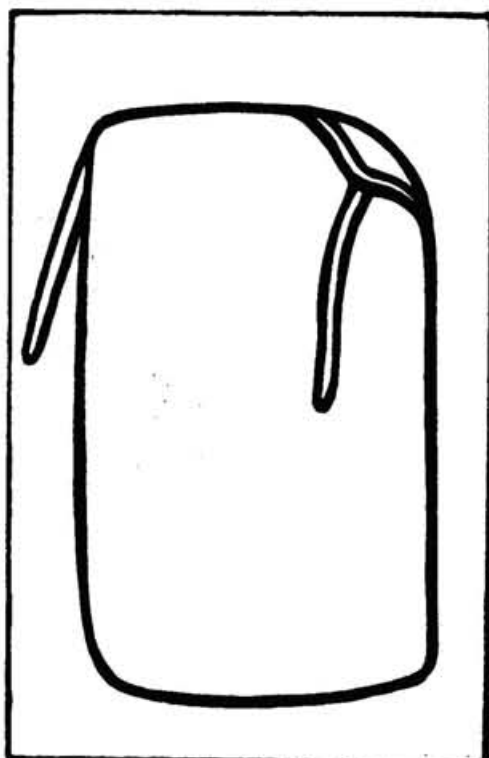


شکل ۲۳ قمه‌ی مادی

قوم ماد ، دارای تزییناتی چون گوشواره‌های حلقه‌ای ، دستبند و گردن‌بند بوده اند ؛ و بطوریکه نقوش سنگی نشان می‌دهند مردان ماد در برخی جاها يك نیزه‌ی کوتاه قدی نیز بدست دارند ، و در جائی ، یکنفر (که میگویند مادی است « شکل ۲۷ ») نیزه‌ای بلند در دست دارد که در حوالی دستگیره‌ی آن مانند يك نعلبکی بر نیزه تعبیه شده که مانع غلتیدن دست بر روی نیزه باشد .



شکل ۴۴ جبهی مادی



شکل ۴۵ شل مادی



شکل ۳۶ چه و شغل پردوش قوم ماد که يك درمیان ، پارسیان قرار دارند



يك سوار مادی

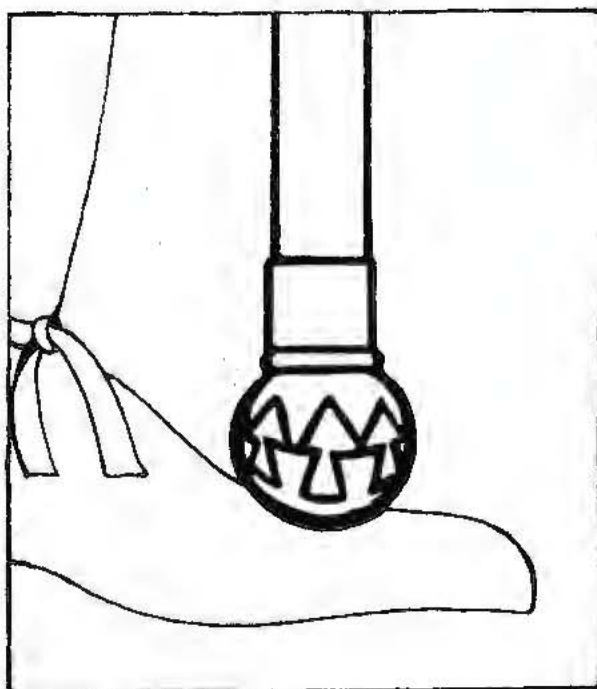
از کتاب لوزارد موسوم به کلت دومیترا گرفته شده است

شکل ۳۷

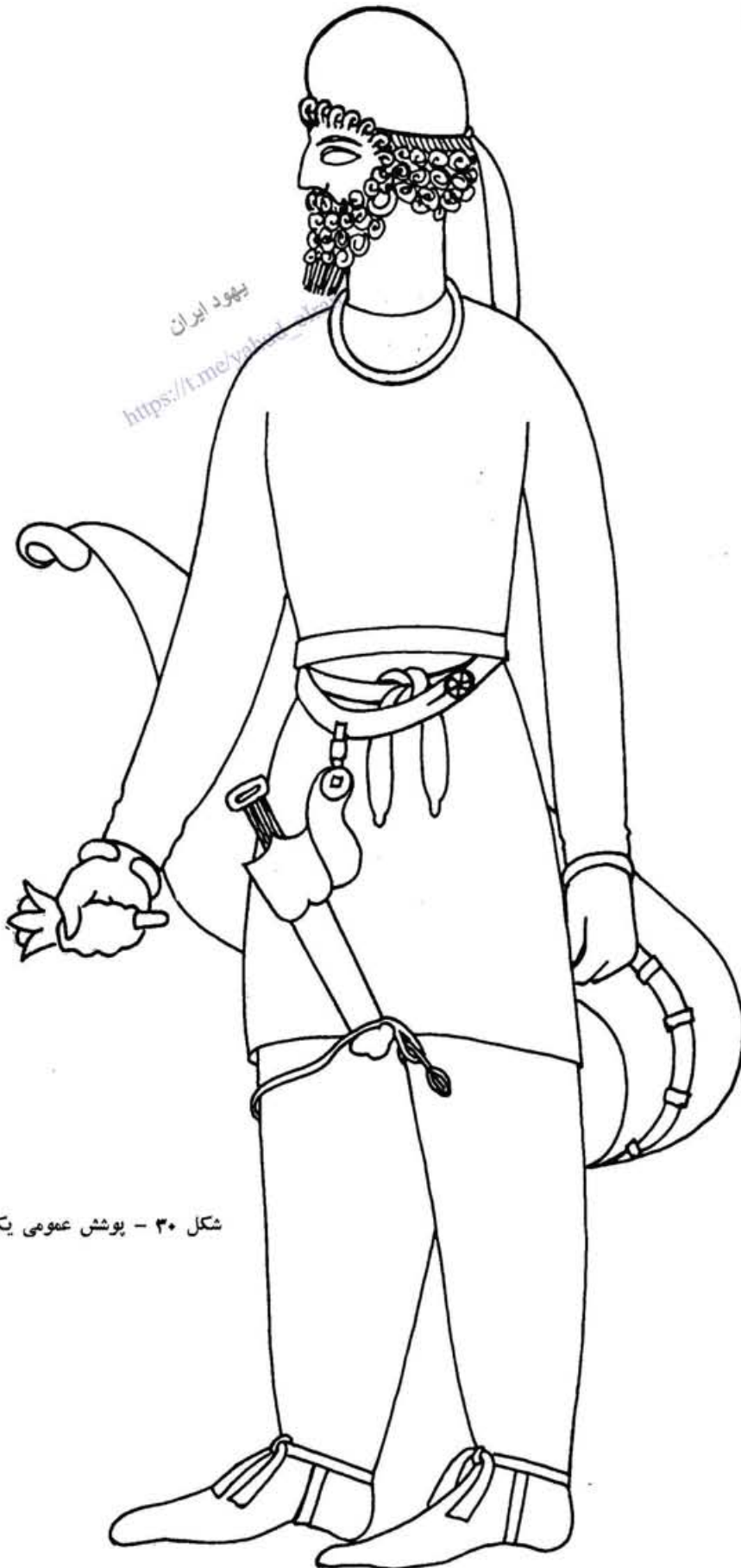
گوی نیزه‌ی یکنفر مادی دارای نقشی جالب است . این مادی در میان دو نفر پارسی « که ته نیزه‌شان ساده است » ایستاده است « شکل‌های ۲۸ و ۲۹ » .



شکل ۲۸ نقش برجسته‌ی ته نیزه‌ی یکنفر مادی در تخت جمشید



شکل ۲۹ طرح گوی نیزه‌ی مادی



شکل ۳۰ - پوشش عمومی یکنفر مادی

پوشاک پارسیان

اینک که بوسیله‌ی نقوش سنگی تخت جمشید با لباس مادی ، آشنائی و آگاهی روشن دست داد ، بچگونگی لباس پارسیان «نخست ، طبق نوشته‌ی محققان و تاریخ نویسان و سپس روی مدارك سنگی » می پردازیم .

*

سترابون میگوید : (لباس رؤسا عبارت است از زیر شلواری سه قسمتی ، کمرچین دو قسمتی که دامنه‌ایش تا زانو میرسد ، لباس زیر سفید است و لباس رو از رنگهای گوناگون . جامه‌ تابستانی ارغوانی یا بنفش است و جامه‌های زمستانی از رنگهای مختلف . دستارها مانند دستار مغها است و کفش‌هایشان گود است . بیشتر مردم قبائی می‌پوشند که دامنه‌ایش نصف ساق پا را میگیرد ، و پارچه‌ای از کتان بدور سر می‌پیچند . هرکس کمان و فلاخنی دارد و نگاهداری پارسی‌ها گران تمام میشود « جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۵۴۵ - سطر - ۱۲ - ») .

*

سترابون در باره‌ی البسه‌ی پارسیان « چنانکه آمد » از جامه‌ی تابستانی

با رنگهای ارغوانی و بنفش و جامه‌ی زمستانی با رنگهای مختلف سخن گفته و دیگران چون هرودوت از شلواری که ساقها را می‌پوشیده ، و گزنفون از نیم‌شلواری که کوروش پیا داشته « با اینهمه اختلاف » صحبت کرده‌اند . صرفنظر از نوشته‌های متناقض اکثر تاریخ نویسان ، اصولاً باید توجه داشت که در تخت جمشید نیز مدارکی از پوشاک مردم گوناگون و مادیان و پارسیان هست . گویانکه تاریخ نویسان در ذکر پوشاک پارسیان هر یک نوعی از انواع البسه‌ی سپاهیان مختلط ایرانی را کلاً بنام پارسی وصف کرده‌اند و گاهی نیز شده که گزارش آنان بر حسب تصادف با هم جور آمده و با مدارک زنده نیز موافق است ، ولی این نوشته‌ها جزئیات لباس‌ها را روشن نمی‌کند و حتی تاریخ نویسان متأخر و کسانی که با تخت‌جمشید آشنائی دور و نزدیک داشته‌اند ، نیز توضیح روشن و قابل تجسم از پوشاک آندوره نداده‌اند و در برخی موارد نیز نظرات آنان درباره‌ی لباس ، پاك مشکوك بوده مورد بحث است (مثلاً طرحهائی موجود است که اشخاص آنها را از روی لباس در دیف پارسیان گذارده‌اند ، در صورتیکه بنظر میرسد بعلی چنین نمی‌تواند باشد) .

شکل ۳۱



يك منظره از شكار ایرانی از روی يك ظرف دارای نقاشی الوان . موزه هرمیتاج

در صفحه‌ی (ی) از جلد اول تاریخ ایران نوشته‌ی سایکس ، طرحی هست « شکل ۳۱ » که در آن کلاه و شل مرد سمت راستی ، و ، زن واقع

در وسط ، بونه Bonnet یا باشلق مهریان « میترائیست‌ها » ی اشکانی است و نظیر کلاه و شنل مهر در جنگ با گاو « شکل ۳۲ » و ، مهر با بونه Bonnet و برهنه در شکل ۳۳ میباشد .



شکل ۳۲ جنگ مهر با گاو نر

در طرح ۳۱ پیراهنی که بر تن مرد سمت راستی و زن است ، از همان نوعی است که برای اشکانیان نام برده شده است ! و لباس مرد سمت چپی بلباس اشکانیان بیشتر شباهت دارد تا بلباس پارسی - هخامنشی .

*

در شکل ۳۴ - مردی که ب حیوان بالدار حمله کرده است نیز کلاه مهری بر سر دارد و کمر بند او هیچ شباهتی بکمر بند پارسیان ندارد .



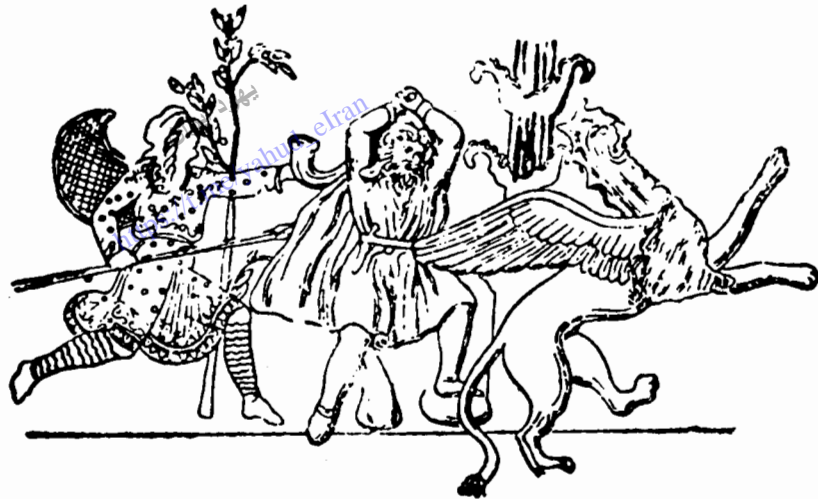
شکل ۳۳ مهر، برهنه با باشلوق

در شکل ۳۵ - شکارچیان زن و مرد، پیراهن زن این نقش « که حاشیه‌ای از زیر گردن بر روی سینه تا بیابین و بندی زیر پستانها و کمر بندی بر کمر دارد، از نوع پیراهن زنان اشکانی است .

*

باین ترتیب ، نظریه‌ی پارسی بودن اشخاص این طرحها مورد تردید قرار

ميگيرد ، و بنا بر اين ، در نوشته ها و گفته هاى آنان بايد بيشتر دقت كرد و با مدارك زنده مقايسه نمود .



قسمتى از منظره شكار ايرنى
(تصوير روى يك ظرف گلى در موزه هرمتاج)

شكل ۳۴



قسمتى از منظره شكار پارسىيان
اقتباس از يك ظرف سفالين در موزه هرمتاج

شكل ۳۵

اومستد میگوید : (تن پوش مادی‌ها ، با آنچه بنام تن پوش پارسی خوانده شده بسیار فرق دارد . تن پوش پارسی بکلاه نمدی خیاره دار ، لباس بلند تا میچ پا و کفش‌های کوتاه بازشناخته میشود « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۴۴ - سطر - ۵ - ») .

* یهود ایران
https://www.yahud_eIran.com/

این ، ظاهر لباسی است که اومستد « با اینکه از مشخصات لباس بلند تا میچ پا چیزی نگفته است » چون با نقوش سنگی تخت جمشید و نقوش کاشی لعابدار شوش بظاهر مطابقت دارد ، قابل پذیرش است .

*

در جائی از نقوش سنگی یا کاشی لعابدار دیده نشده است که در زیر این لباس روئی ، زیرپوشی وجود داشته باشد . حتی در برخی جاها که بالاتنه‌ی لباس در محل آستین بالا زده شده و روی شانه قرار گرفته است ، بدن بکلی برهنه است و اثری از پوشش زیری نیست « شکل ۳۶ » .

با این وصف ، نمیشود پذیرفت که پارسیان فقط دارای همین یک تکه لباس روئی بوده و برای هوای سرد محیط خود جز اینها پوششی نداشته‌اند و یا زره‌های خود را بر تن برهنه می‌پوشیده‌اند .



شکل ۳۶

لباس پارسیان طبق دقتی که روی مدارك سنگی بعمل آمده ، عبارت است از يك بالاپوش شبیه بشنل و يك دامن پُرچین « که خود بر دو نوع است » . بالاپوش و دامن در محل كمر دارای يك كمر بند چرمی میباشند .

یهود ایران

https://t.me/yahud_iran

بالاپوش پارسیان

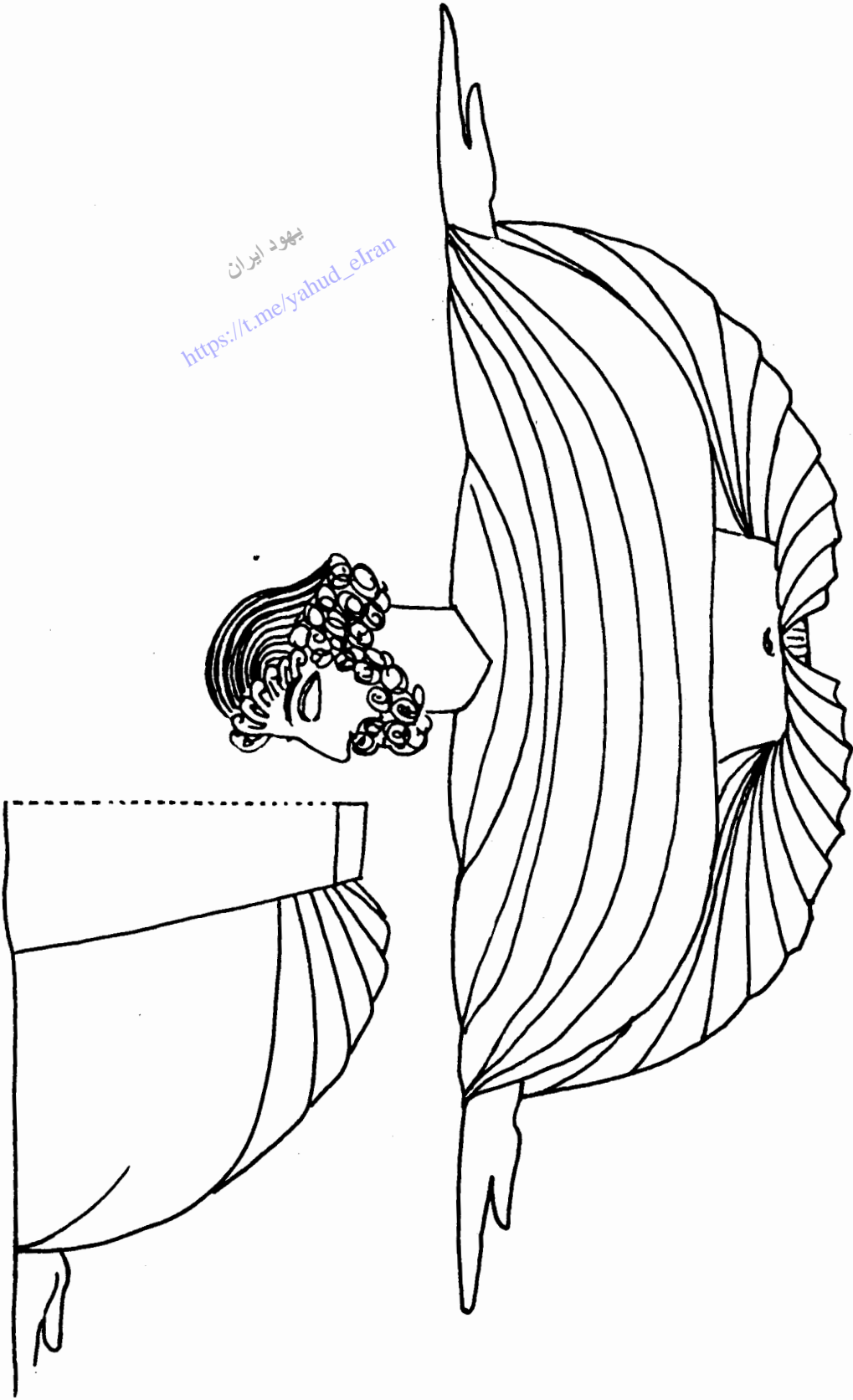
بالاپوش ، پوششی مانند شنل است . در برخی‌ها جلوی آن باز و در برخی دیگر بسته است . بالاپوش جلو بسته « که از سر پوشیده میشود » دارای یخه‌ایست که از نقطه‌ی چال‌گردن بشکل هفت « ۷ » است . قسمت پائین بالاپوش در جلو آزاد است و در محاذی ناف رها و افتاده است . پوشنده‌ی آن اگر دستهایش را بطرفین باز کند ، بالاپوش از يك مچ تا مچ دست دیگر شکل‌کمانی را « که در وسط تورفتگی دارد » خواهد داشت « شکل ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ » .

بلندی این بالاپوش به اندازه‌ی بالاتنه است و در محل كمر و ناف ، بلندی آن ختم میشود ، و در این قسمت ، دارای كمر لیفی است که سر چینهای فراوان پشت بالاپوش را که از بعد از پهنای پشت و از طرفین آن شروع میشود ، بجلو تا جائیکه سر كمر لیف در برابر ناف بهم می‌آید بخود میگیرد « جز چهار چین اولی پشت بالاپوش را » که آنها از كمر لیف بیالا ، به دو پهلو ی پارچه‌ی پشت دوخته میشود و در كمر لیف جا ندارد .

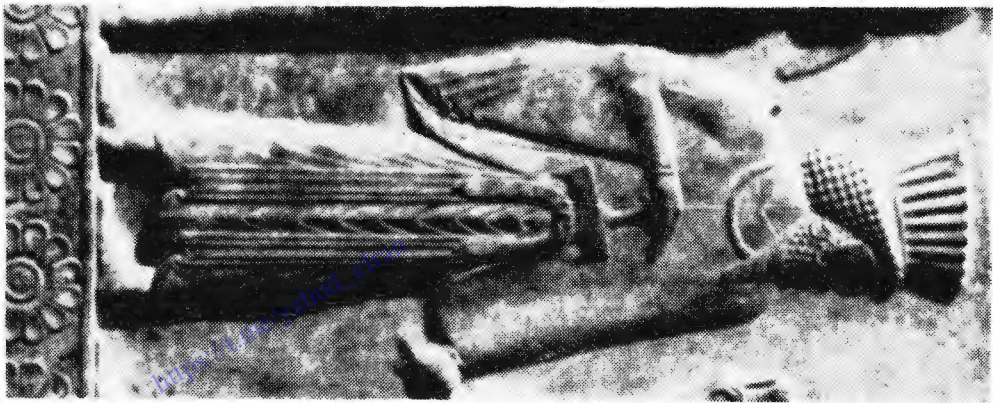
*

بالاپوش جلو باز روی چال‌گردن بوسیله‌ی دگمه‌ای بهم می‌پیوندد « شکل ۴۰ » .

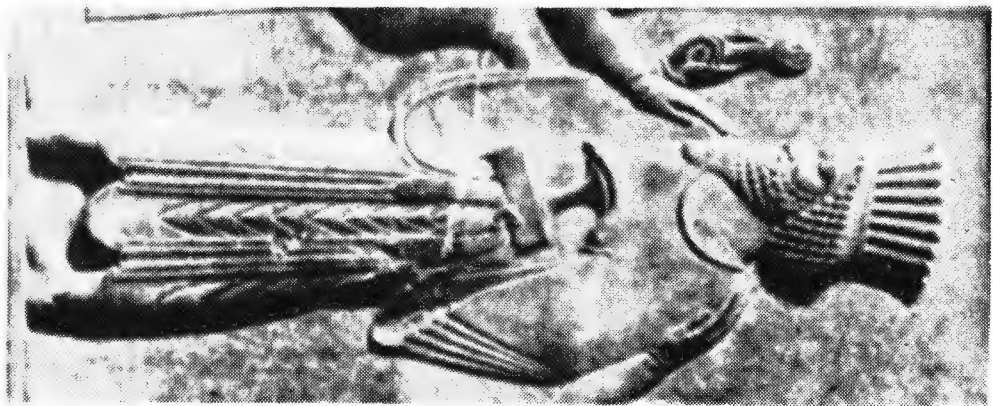
یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran



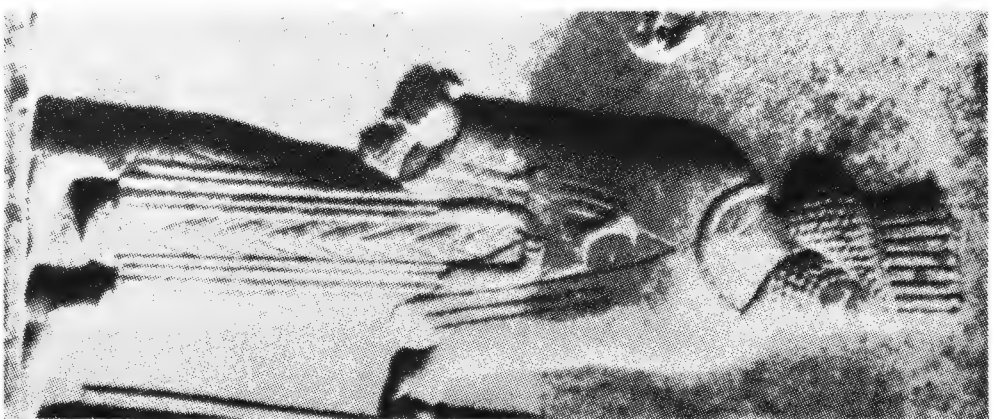
شکل ۳۲ بالابوش پارسی



شکل ۳۸ بالابوش



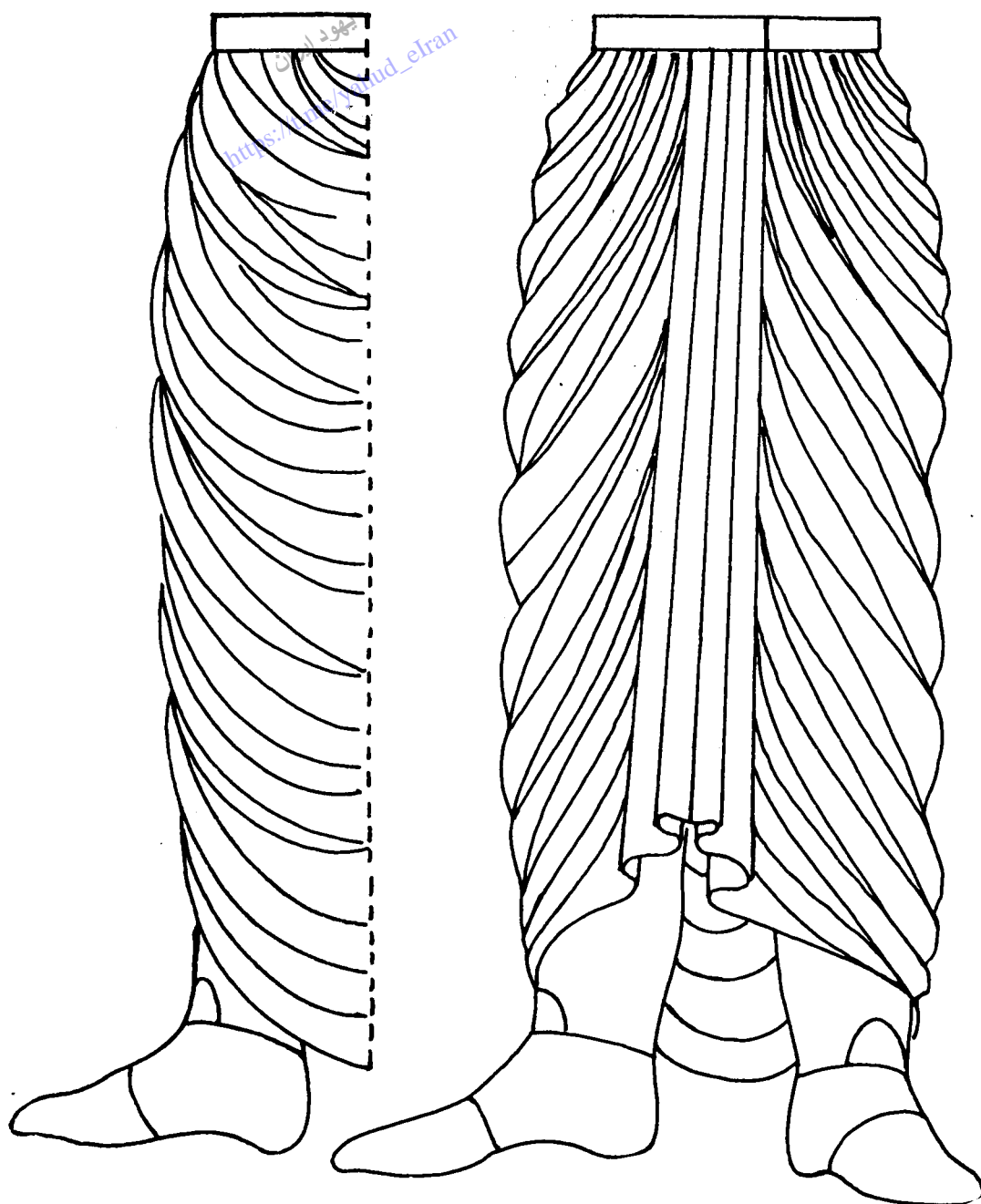
شکل ۳۹ بالابوش



شکل ۴۰ بالابوش جلو باز

دامن پارسیان

دامن پارسیان بر دو نوع است : نوعی دارای یک راسته چین است و نوع



شکل ۴۱ طرح دامن پارسی از روبرو و پشت

دیگر دارای دو راسته چین میباشد .

۱ - دامن يك راسته چین ، در جلو و میان راستای دو پا دارای چین‌هائی است که از دو سمت چپ و راست بصورت منحنی‌های افتاده به پشت دور میزند . دوسر این چین‌های دامن در جلو ، به پهلوهای يك راسته چین مرتب چهارتائی « که در میان راستای دو پا قرار دارد » دوخته شده است . دامن در محل کمر دارای حاشیه یا لیف کمر میباشد « شکل‌های ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ » .

۲ - دامن دو راسته چین ، از پهلوها و پشت ، همان دامن يك راسته چین



شکل ۴۳ دامن پارسی از پهلو و روبرو



شکل ۴۲ دامن پارسی

است ، ولی در جلو بجای يك راسته چین چهارتائی ، دارای دو راسته چین چهارتائی است « که از همدیگر بوسیله‌ی يك پارچه‌ی با چین‌های منحنی افقی به بلندی دامن ، فاصله دارند » . « شکل‌های ۴۴ و ۴۵ » و دامن دو راسته چین در حال

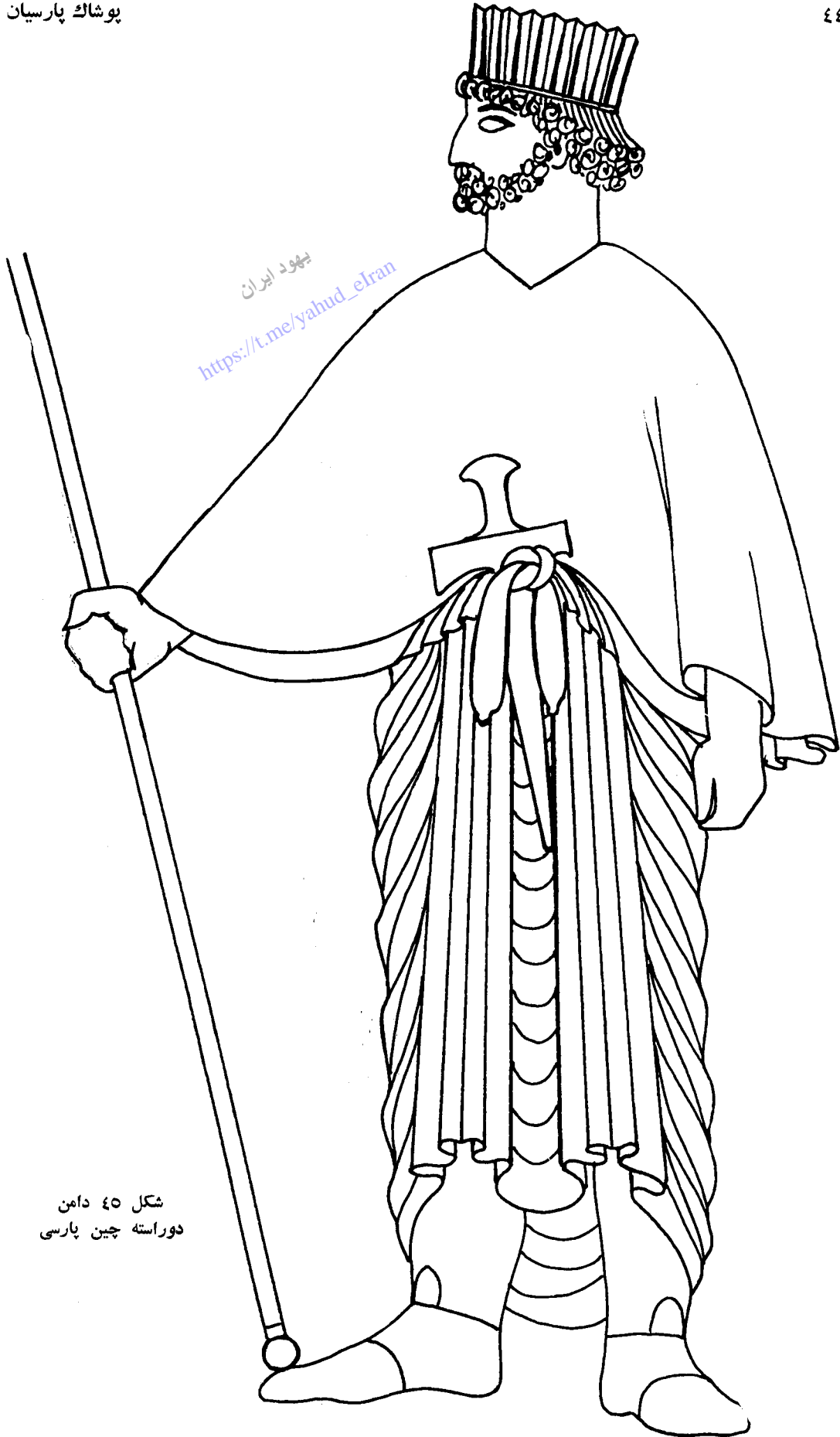


شکل ۴۴ دامن دوراسته چین پارسی

حرکت « شکل ۴۶ » و مقایسه‌ی دامن یکرسته چین با دو راسته چین در شکل ۴۷ .

*

در حالیکه دامن و بالا پوش برتن استوار است و کمر لیف ایندو بر رویهم منطبق است و هریک جداگانه بوسیله‌ی بند لیف محکم شده‌اند ، روی هر دو را



یهود ایران
https://t.me/yahud_eyran

شکل ۴۵ دامن
دوراسته چین پارسی



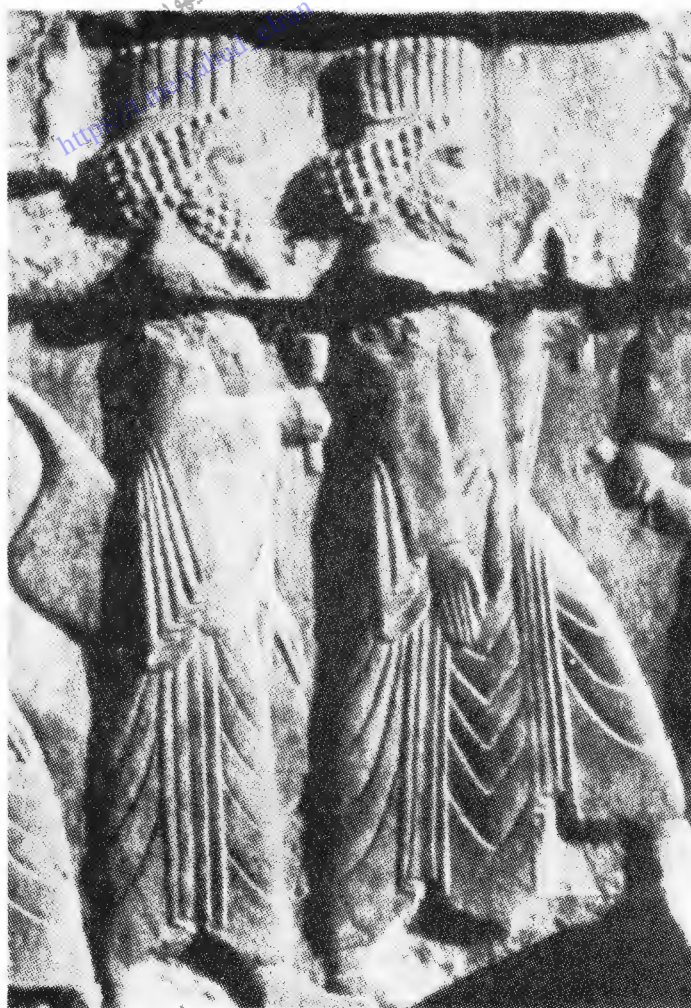
شکل ۴۶ دامن دو راسته چین در حال حرکت

کمربندی چرمی بمنظور نگاهداری سلاح می‌پوشاند « شکل‌های ۴۸ و ۴۹ » .

*

البته خاورشناسان و تاریخ نویسان ، هیچیک درباره‌ی دو تکه بودن لباس پارسیان « که دامن از بالا پوش جدا باشد » ذکری نکرده اند ، و در نقوش سنگی

تخت جمشید نیز علی‌الظاهر مدرکی که دلیل بر این نظر باشد وجود ندارد. ولی نقوشی از مٔهرها هست که این نظر را تأیید میکند:



شکل ۴۷ دامنه‌های یگراسته و دوراسته چین پارسی

مٔهری هست که مردی را در حال زراعت نشان میدهد « زارع فقط یکدامن بر تن دارد و گوئی بالاپوش خود را بعلت گرمای کار بکناری افکنده است ». « شکل ۵۰ »

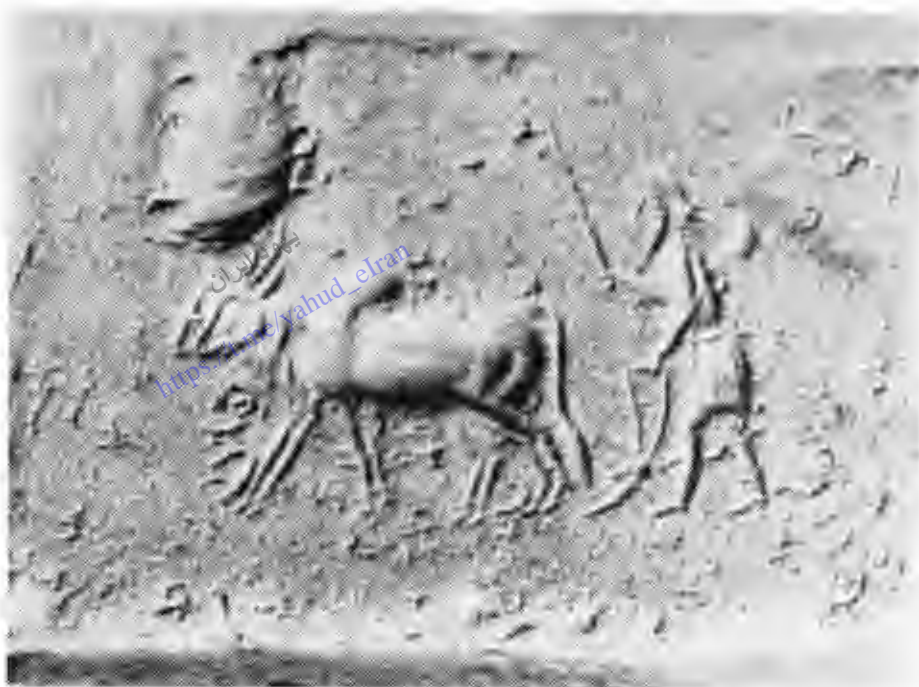


شکل ۴۸ وضعیت کمر بند و اسلحه

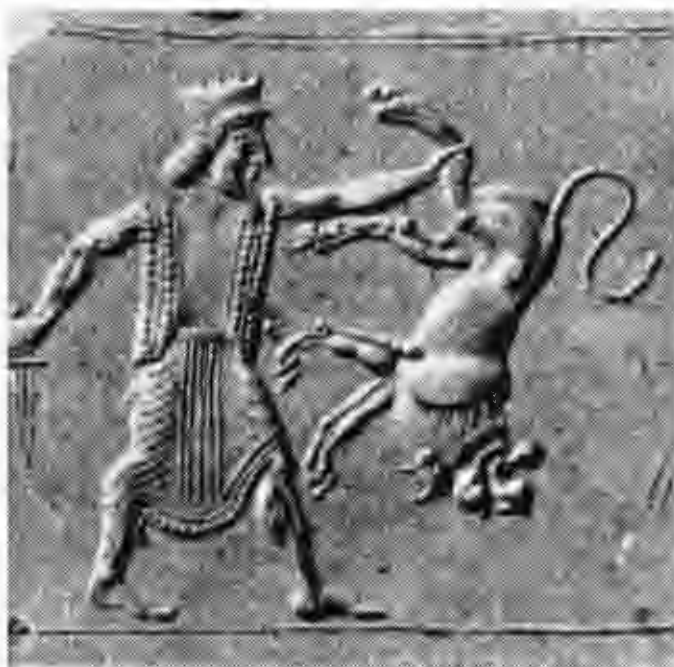


شکل ۴۹ وضعیت کمر بند پارسی در نیمرخ پشت

و مٲهری دیگر هست مردی را که بنظر میرسد شاه باشد « چون تاج بر سر دارد » در حال شکار شیر نشان میدهد « شکل ۵۱ ». شکارچی با دست چپ یکپای شیر را چسبیده از زمین بلند کرده است و بدست راست ، قمه‌ای را



شکل ۵۰ زارع پارسی با بالانتهی برهنه با یکدامن



شکل ۵۱ شکار شیر

آماده‌ی ضربه زدن گرفته است . شکارچی ، دامنی يك راسته چین پوشیده و دور دامن

دارای تزئینات گرد ردیف هم است و در بالا ، حاشیه یا لیف کمر دارد . بالاتنه‌اش پوشیده از يك جلیتقه است که دارای دو رج تزئینات گرد ردیف هم در هر طرف است . جلوی جلیتقه کاملاً باز است و سروسینه و بازوان برهنه میباشد . در این شکل بخوبی پیداست که دامن از پوشش بالائی « که هر چه میخواهد باشد » جداست .

*

مُهری دیگر هست که پادشاهی را در حال شکار شیر با عرابه نشان میدهد . در اینجا نیز شاه دارای دامن و جلیتقه میباشد . « شکل ۵۲ » .



شکل ۵۲ شکار شیر با عرابه

مُهری دیگر هست که پادشاهی را در جدال با دوشیر نشان میدهد . در اینجا نیز پادشاه دامن و جلیتقه پوشیده و پیداست که ایندو ، از هم جداست . « شکل ۵۳ » .

*

و نقشی برجسته بر سنگ هست که مردی را نشان میدهد شیری را با دست



پادشاه هخامنشی در حال جدال با دو شیر (مهر استوانه‌ای در موزه بریتانی)

شکل ۵۳ جدال شاه با دو شیر

چپ بغل زده میفشرد و با قمه‌ای که بدست راست دارد، قصد کشتن او را دارد
« شکل ۵۴ » .

اینمرد نیز دامن یگراسته چین، پوشیده، جلینقه‌ای بتن دارد؛ و نیز میشود
فهمید که دامن از بالا پوش جداست .

*

بهر حال، در همه‌ی این نقوش که ارائه شد شکارچیان دارای يك دامن
و يك جلینقه هستند که نظر دوتکه بودن لباس پارسی را تأیید میکنند؛ خاصه وجود
مجسمه‌ی کوچک نقره‌ای که در موزه‌ی بریتانیا موجود است، مدرك دیگری برای
منظور میباشد . « شکل ۵۵ » .

*

(جلینقه‌ای که بر تن شکارچیان دیده میشود، از نوع جلینقه‌های خیاره‌دار



شکل ۵۵ مجسمه‌ی نقره‌ای

شکل ۵۴

نمدی کُردی است که هم‌اکنون کُردان ما از آنها استفاده میکنند) .

*

پارسیان ، این لباس مرکب از دامن و بالا پوش خود را « طبق نقوش کاشی رنگی شوش » از پارچه‌های نقش و نگاردار و با رنگهای گِیرا و پرشکوه تهیه میکرده‌اند . این لباس از نظر ساختمان هیچگونه تفاوتی با لباسهای مشروحی



شکل - ۵۶ - پیراهنهای منقش شوشی

پارسی « جز در تزئینات » ندارد . لباس پارسی منتقش و مزین شوشی ، از دورنگ پارچه تهیه شده است . (نوعی : نارنجی - قهوه‌ای و نوعی دیگر : سفید - زرد است) .

یهود ایران

http://t.me/yahud_elfran

*

لباس نارنجی - قهوه‌ای ، دارای دامن نارنجی است ، دوره‌ی لبه‌ی دامن و کناره‌های راسته چین جلوی آن ، دارای حاشیه‌ای قهوه‌ایست « این حاشیه ، خود دارای دو حاشیه‌ی باریک متشکل از زیگزاگ‌های برنگ « سبز - آبی و سفید ، و در وسط ، گردیهای زرد است » . پشت پیراهن در زیر کمر بند و بالای دامن ، پارچه‌ای زائد قهوه‌ای رنگ و بشکل نیم دایره « آنهم با حاشیه‌ای از همان قبیل » دارد . گرداگرد لبه‌ی بالا پوش و پیش سینه ، دارای همین حاشیه‌ی برنگ قهوه‌ایست . پارچه‌ی چین‌های بالا پوش نیز هم‌ه‌اش قهوه‌ای رنگ میباشد . کمر بند در اینجا چرمی نیست و از شال سبز و زرد « طلائی » بوده ، و یخه‌ی پیراهن ، سبز - آبی است (بر روی پارچه نقوشی از ستاره‌های سفید در گردیهای سبز - آبی دارد) .

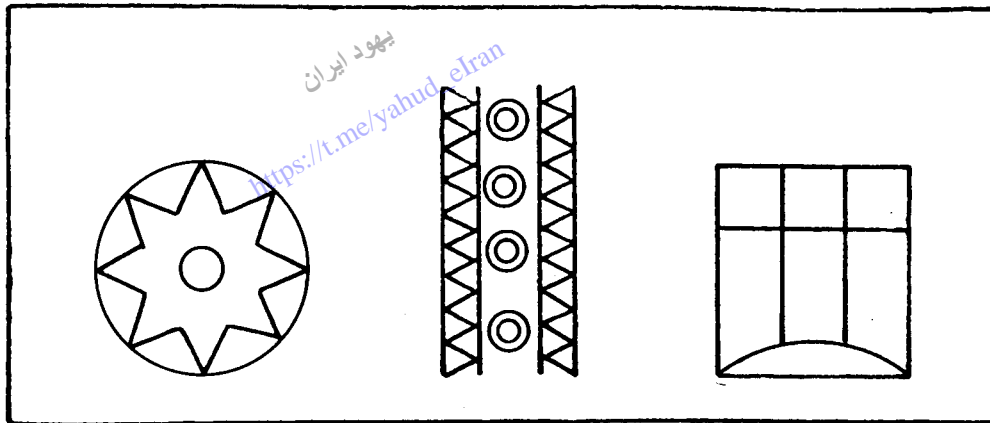
*

در لباسی دیگر « که دارای زمینه‌ی زرد و سفید است » حاشیه‌ها دارای زمینه‌ی سبز - آبی و چین پشت بالا پوش و جلوی سینه ، هم‌ه‌اش زرد و با حاشیه‌اند . نقوش روی پارچه‌ی این لباس ، مرکب از چهار گوش‌هائی است که داخل آنرا با تقسیمات هندسی بمربعات و یک قوس برنگهای زرد و سبز در آورده‌اند . « شکلهای ۵۶ و ۵۷ » .

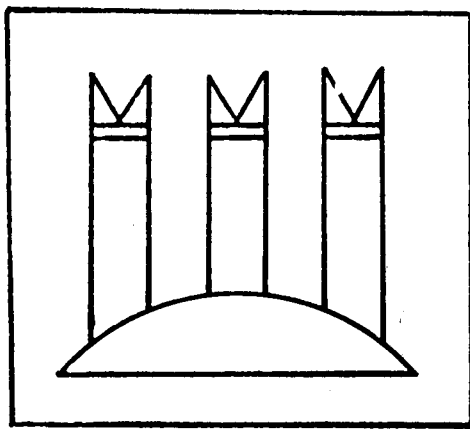
*

(در برخی از نقوش رنگی شوش « که یک نمونه‌ی آن در موزه‌ی ایران

باستان موجود است « نقشهای روی پیراهن بصورت دیگری طرح و رنگ آمیزی شده است : « در روی این پیراهن ، قوسی مانند تپه‌ای در داخل يك چهارگوش



شکل ۵۷ نقوش تزئینی روی البسه شوشی



شکل ۵۸ نقش تزئینی دیگر لباس شوشی

و در قسمت پائین آن برنگ سفید و در برخی دیگر فیروزه‌ای طرح کرده‌اند ؛ و روی تپه سه مستطیل بلند برنگهای زرد و سفید ، عمود بر تپه ساخته‌اند که روی هر يك از آنها دو مثلث برنگ زرد در امتداد ضلع طرفین مستطیلها ، نقش کرده‌اند « بطوریکه مجموعاً هیئت برجهای جنگی را دارند » . زمینه‌ی خود چهارگوش برنگ قهوه و بند زیر مثلث فیروزه‌ای میباشد « شکل ۵۸ » .

*

اومستد ، در باره‌ی این پوشاک پارسی و ابهتی که شاه با آن در اردوگاه پارسیان در پارساگد داشته وصف جالبی دارد و میگوید : (روی درگاههای

پیش و پس ساختمان ، این صحنه چهار بار نمایانده شده بود . شاه در جامه‌ی شاهانه‌ی بلند دامن‌کشان که چین دار میان پاهایش آویخته بود ، پاپوش شاهانه پیا ، و چوبدستی شاهانه بدست ، درحالی که از کاخ برای گردش در پردیز بیرون میرفت دیده میشد . ابروان و مژگانهایش ، تاجینها و گل‌های جامه‌اش زمانی زرنشان بوده . پشت سر شاه ، بنده‌ی کوچکتزی که با لباس فراخورش میرفت ، بیگمان آفتابگیری را که از روزگار سارگون آسوری فقط برای پادشاه بکار میرفت روی سر شاه نگاهداشته بود . روی این صحنه‌ی بیرون رفتن از کاخ ، نوشته‌ای بسه زبان لقبهای شاهانه را میداد و برخانه ، بر پیکر و بر نوشته‌ی او آفرین در میخواند . بر چین جامه‌اش به ایلامی و اکدی افزوده شده بود : (کوروش شاه بزرگ ، هخامنشی) « تاریخ شاهنشاهی صفحه‌ی ۸۸ - سطر - ۱۰ - » .

*

نقوش برجسته‌ی فراوان تخت جمشید و آنهمه پوشش مختلف که روی سنگ تیره ساخته شده است ، نظر کنجکاوان را همیشه معطوف این پرسش میکند : « که آیا پوشاک این مردم بچه رنگهائی می‌باید بوده باشد ؟ » و خیلی دیر زیر بار این باور میروند که چه شکوه و جلالی از رنگ آمیزی در آن زمانها وجود داشته ، و که ، اگر همان رنگهائی مورد استفاده‌ی آن زمانها را هم اکنون بر همه‌ی نقوش برجسته‌ی تیره‌ی سنگی بنظر آورند چه خیره گیها ، بچشم دست خواهد داد !

*

اومستد میگوید : (کاخ جنوبی ، که در آنجا بیشتر در يك جدا افتادگی بغ مانندی بسر می‌برد ، از يك گذرگاه خلوت ، شاه به ایدان می‌آمد . بر سرش افسر^۱ بلند شاهانه بود ، که به لبه‌ی آن موی فر زده بسوی بالا روی پیشانی شانه

۱ - افسر در برابر کلمه‌ی Citaris — Kitaris یونانی و بمعنی تاج پادشاهان است . (افسر بمعنی تاج باشد و آنرا بعربی اکلیل گویند « برهان قاطع ») .

زده شده و روی گردن انداخته شده و پف کرده ؛ گاهی تارك افراشته را سر میگذاشت که گرد آن دیهیم^۱ ، نوار آبی با خالهای سفید پیچیده شده بود . گوشواره‌هایش از زر گوه‌ر نشان بود . اگر نزدیک در پیشگاه شاه بایستیم ، می‌بینیم که چشمش برآمده و ابروانش مشخص ، بینی‌اش اندکی خمیده ، دهانش استوار است ؛ سیبها افتاده ولی نوکش تاییده است . ریشش در کمر ، چهار گوش بریده شده و با رجهای افقی شکنهایش تقلیدی از رسم آسوری است . جامه‌ی سندس‌اش با ارغوانی گرانبهای فینیقی ، رنگ شده ، و با قلابدوزی زر که بازها یا غولهای جنگی را نشان میدهد سنگین شده است . سر زبانها افتاده بود که بهای آن دوازده هزار قنطار بود . این سندس روی کتان ارغوانی با خالهای سفید که ویژه‌ی شخص شاه بود پوشیده میشد . کناره‌ی شلوار سفید یا قرمز که کمی از زیر جامه نمایان است ارغوانی است . کفش‌های نوک‌تیز پاشنه‌دار ساده‌اش ، آبی یا زعفرانی است . بازوبندهای زر ، و یک یخه‌ی زر به جلوه‌ی او می‌افزاید ، و کمر بند زرین شمشیر کوتاه پارسی را ، که غلافش گفته شده است از یک سنگ گرانبهای یکپارچه بوده ، نگاه میدارد . در دست راستش چوبدستی‌ای از زر ، باریک و گره‌دار ، دارد ؛ در دست چپش نیلوفری با دوغنچه نگاهداشته‌است . هنگامی که سرانجام چشم خود را از این دیدار تابناک « که ما را وامیدارد بپذیریم که برستی داریم بخداوندگار روی زمین نگاه میکنیم » بر میگردانیم ، چشم ما بدو پیشکار می‌افتد . آنها جامه بر تن و کفشهای ارغوانی بپا دارند . ولی کلاه آنها کوتاه‌تر و ریششان گرد است نه چهار گوش (« تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۳۸۳ - سطر - ۱۶ - » .

*

این صحنه‌های رنگین که اومستند با قدرت تخیل آنها را پرورانده است ،

۱ - دیهیم = تاجی که مخصوص پادشاهان است و بمعنی تخت و چهار بالش و چتر هم گفته‌اند و بعضی گویند دیهیم افسری بوده که آنرا در قدیم بجهت تیمن و تبرک بالای سر پادشاهان می‌آویختند ، و کلاه مرصع را نیز گویند « برهان قاطع » .

البته بی پایه و بی هیچ زمینه و مایه‌ای نمیتوانسته است رنگ آمیزی شود، و بقول خود او: (اگر پرده‌های رنگارنگی که در کتاب استر وصف شده، پوشیده و خاک شده، آجرهای لعابدار آن را با همهی شکوهش میتوان از تکه‌های بیشماری که مانده باز شناخت. چه بسا که نمی‌دانیم آنها را کجا باید جا بدهیم، ولی اقلاناً نقش‌ها را میتوان سرهم کرد. از این نقش‌ها میشود نمایش رنگها را که چشم فرستادگان یونانی را خیره میکرد و به آنها ثروت و نیروی شاه بزرگ را میفهمانید بیانگاریم) « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۲۳۲ - سطر - ۷ - » .

*

این ده هزار بیمرگ، بجز پارسیان، دسته‌هایی از مادیان و ایلامیان نیز دربر داشت. کاشی‌های لعابدار رنگین در شوش عکس این ایلامیان را زنده و جاندار میکنند. برخی، پوست تیره‌رنگ، تقریباً سیاه دارند؛ دیگران رنگ و آب بازتر دارند؛ ولی همه سلاحمند اند و لباسهای همانند پوشیده‌اند. سرها برهنه است، با موهایی که بانوار تاییده‌ی سبزمی تنگ، پائین نگاهداشته شده؛ ریش کوتاهشان تابدار است، همچنین دسته‌ی موئی که برگردنشان افتاده؛ جایی که ریش و زلف بهم می‌پیوندند؛ یک گوشواره‌ی زرین نموده شده. هر سربازی خشک و سخت ایستاده هر دو دستش که با دستبندهای زرین بزرگ آویزان آرایش یافته نیزه‌ای را که از چوب سخت است، سفت چسبیده که تیغی سیمین و زیور انار مانند سیمین‌اش را با فشار روی پنجه‌های پا گذاشته و نشان میدهد که از « ده هزار » است. یک لباس پرکار همهی تن او را از گردن تا مچ و قوزک می‌پوشاند؛ و فقط کمی بالای کفش‌های چرمی نرم که تکمه‌دار یا بنددار است و زبانه‌ی بلند پیش‌آمده دارد گوشت برهنه‌ی پا پیدا است. در ترکش، لباس و کفش است که قرینه سازی دقیق فراموش شده و نقش بافت و رنگ آمیزی پر آشوب است. تکه‌های چرم که بشکل هلال بریده شده زینت ترکش است؛ رنگ آنها زرد رنگ پریده

یا آبی کم‌رنگ روی مایه‌ی گوناگون قهوه‌ای ، یا قهوه‌ای روی زمینه‌ی سفید است . تمام ترکش ، میشود دارای یک نقش و رنگ باشد مگر باریکه‌ای از سه‌گوش‌های یکی در میان - قهوه‌ای سفید یا آبی سفید - که از حلقه‌ی آنها رشته‌ها و منگله‌های رنگین آویزان است . کفش‌ها زرد یا آبی است . گاهی لباس‌ها زرد ساده یا ارغوانی خیلی باز است ؛ در این صورت یک رو دوشی قهوه‌ای پرکار مخملی با حاشیه‌ی سبز که با چند رج دایره‌های سفید آرایش یافته روی سینه و زیر بازو انداخته شده که برآمدگی‌های ران را بپوشاند . لباسهای پرکارتر ، زیور نشان شده است : ستاره‌های سفید یا زرد روی دایره‌های آبی یا قهوه‌ای پررنگ ، یا چهارگوش‌های بزرگ نزدیک هم که با خط‌های قهوه‌ای نصف یا چهاربخش شده روی پارچه‌ی زرد یا سفید دوخته شده است . برای بیمرگان پارسی و مادی تخت‌جمشید باید همینگونه رنگها را انکار کنیم . اینجا سربازانی که کتیبه‌ها را نگاهبانی میکنند یا از پلکانها بالا می‌روند یا در برابر بزرگانی که برای دیدن خداوندگارشان می‌روند صف کشیده‌اند ، یا برای سان دیدن شاه خبردار ایستاده‌اند ، همه کلاه بر سر دارند ، « یا کلاه خیاره‌دار نمدی ، یا کلاه نمدی مایل بجلو » . بسته باینکه از نیاکان پارسی یا مادی باشند ، تن‌پوش آنها جامه‌ی پارسی یا ژاکت و شلوار مادی است . سلاح آنها فقط نیزه یا کمان و ترکش است . یا هردو با هم ، و گاهی کماندان بآن افزوده شده است . میان آنها دسته‌ی « هزار » نفری را میتوان یافت که نامشان را به « هزار بد » داده‌اند ، زیرا اینها از بازمانده‌ی « ده هزار » از روی زیور انار مانند زرین که دارند باز شناخته میشوند . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی . شوش صفحه‌ی - ۳۲۲ - سطر - ۷ - » .

*

شوش که مرکز کار و کوشش و جنب‌وجوش و بازار بزرگ جهان‌آنروز بوده آثاری باین گرانبھائی بجهان امروز عرضه کرده است . از قراری که اومستد

می گوید ، لوحه‌هایی فراوان از آن ناحیه بدست آمده است که حاکی بسا سیاهه‌های سوداگری و درآمد و باج و سازوبرگ سپاهیان و وضع زندگانی روزانه‌ی مردم شوش ، بافندگی و پارچه در ایران آن روزگاران میباشد . واضح است که چگونگی وضع ماده‌ی اولیه‌ی لباس ، در هرجائی نحوه‌ی پوشاک اهالی آنجا را چنانکه باید روشن میکند . اومستند می‌گویند : (هرچند که این لوحها خشک و خسته‌کننده بنظر بیایند ، آنها نیز به آگاهی ما از آثرمان ، بسیار می‌افزایند . از حیث مقدار درآمدی که جمع میشده نخست پارچه‌های بافته هستند که باگوناگونی سرگردان‌کننده‌ای از رنگها و شیوه‌های محلی دیده میشوند . تنزیب‌های مادی در دروازه‌های کاخ همچو يك انحصار شاهانه فراهم میشده است ، یا ختی‌های سوری‌های شمالی آنها را می‌آوردند . از یکصدویست جامه که برای دادوستد دوخته شده و دو شکل وزن رنگ ارغوانی گرانها که در رنگریزی آنها بکار رفته خبر داریم . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۹۶ - سطر - ۲۵ - » .

*

در شوش ، اسکندر خزانه داریوش را تصرف کرد . روایات در باب مقدار ذخائر آن مختلف است « جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۴۰۶ - سطر - ۲۱ - » . پلوتارک گوید (اسکندر بند - ۵۱ -) که این ذخیره چهل‌هزار تالان نقره مسکوک بود و اشیاء نفیسه و پارچه‌های ارغوانی اعلا بوزنی معادل پنجهزار تالان پارچه‌ها را در مدت - ۱۹۰ - سال جمع کرده بودند و با وجود این ، از درخشندگی آنها نکاسته بود . مورخ مذکور علاوه کرده ، که رنگ سرخ این پارچه‌ها را از عسل ، و رنگ سفید را از سفیدترین روغن ساخته‌اند . « جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۴۰۷ - سطر - ۱۰ - » .

*

با این وصف ، پیداست که چه ثروت و جلالی در ایران قدیم وجود داشته

است، و شاهان و بزرگان و ثروتمندان (که شاخص سلیقه‌ی اکثریت ما بودند) چه سلیقه و شکوهی در زندگانی خود داشته‌اند؛ و یقین، که تخت جمشید، نقش‌رستم و پارساگد یا مراکز دیگر هنر قدیم ما، هیچیک خالی از شکوه رنگ و رنگ‌آمیزی نبوده است و ازینرو نباید به نقوش سنگی باز مانده از آروزگاران بی‌دخال و رونق این جادوگر متلون نگریم؛ زیرا تزئینات و آرایشی که در نقوش سنگی بکار رفته باندازه‌ی کافی حاکی وجود و جلوه‌گری آنست.

کنت کورث میگوید: (تزئینات داریوش «مقصود داریوش سوم است» زینت‌های دیگران را از خاطرها میزدود؛ قبای ارغوانی او در وسط بانقره ملیله‌دوزی شده بود و ردای «شنل» او که از زر می‌درخشید، مزین بود بدو قرقی که یکی روی دیگری افتاده با منقار ضربتهائی باو میزد و هر دو را از زر بافته بودند. بالاخره از کمر بند زرین او قمه‌ای آویخته بود که غلافش تماماً مرصع و خود کمر بند شبیه زنان بود. تاج شاهان را پارسی‌ها سیتاریس نامند «هرودوت و پلوتارک آنرا تیار نوشته‌اند» و تاج داریوش دیهیمی بود برنگ آبی و سفید «جلد دوم ایران باستان، صفحه‌ی ۱۲۹۸ - سطر ۲ -».

کلاه پارسیان

در باره‌ی کلاه پارسیان همگی تاریخ نویسان همداستانند که از جنس نمد بوده است «مگر کلاههای جنگی که از آهن و مفرغ ساخته می‌شده است».

سترابون میگوید: جوانان پارسی بر سر کلاهی دارند که شبیه برج است و پارچه‌ای کتانی بدور سر می‌پیچند. هرودوت میگوید: پارسی‌ها کلاهی نم‌دین که خوب مالیده بودند و آنرا تیار می‌گفتند بر سر دارند.

*

در باره‌ی تاج شاهان نیز تاریخ‌نویسان گفته‌هایی درهم دارند. سرپرسی

سایکس میگوید: لباس ارغوانی شاهنشاه پارس همان جامه‌ی بلند باوقار مردم ماد بود و بر سر تاجی داشت بلند و مشعشع و این تاج منحصر بشاهنشاه بود و در حجاری تخت جمشید منقوش است (و در اینجا، شکل تاج را روشن و مشخص نکرده است و خواننده‌ای که آشنائی بنقوش تخت جمشید ندارد، نمیداند مقصود سایکس کدام تاج و به چه شکل است «چون تاجهای گوناگون در تخت جمشید ساخته شده است»).

*

اومستد از روی نقوش سنگی تخت جمشید برای پارسیان کلاه نم‌دی خیاره دار و در جائی برای پیادگان پارسی، کلاه نم‌دین و سربند «که نوعش را معلوم نکرده قائل است، و در باره‌ی تاج میگوید: (... شاه به ابدان می‌آمد. بر سرش افسر بلند شاهانه بود. گاهی تارک افراشته را بر سر می‌گذاشت که گرد آن دیهیم، نوار آبی با خالهای سفید پیچیده شده بود).

*

کنت کورث میگوید: (تاج داریوش «داریوش سوم» دیهیمی بود

۱- در باره‌ی دو نام (دیهیم و افسر) اغلب، مفهوم روشن نداده‌اند. برخی، هر یک را بمعنی تاج گرفته‌اند: (... و تاج داریوش دیهیمی بود برنگ آبی و سفید «کنت کورث») - (و دیهیم تاجی که مخصوص پادشاهان است. بعضی گویند افسری بوده که آنرا در قدیم بجهت تیمن و تبرک بر بالای سر پادشاهان می‌آویختند «برهان قاطع»).

و برخی دیگر بمفهوم پارچه‌ای که بدور تاج پیچیده میشده گرفته‌اند (که ممکن است این پارچه بی‌دنباله باشد «چون افسر کلاه یک پارسی در شکل‌های سه‌گانه‌ی - ۵۹ - یا مانند تاج شاهان ساسانی با دنباله‌های چین‌دار و پرشکوه باشد).

در اینجا، که میگویند: (گاهی تارک افراشته را بر سر می‌گذاشت که گرد آن، دیهیم «نوار آبی با خالهای سفید» پیچیده شده بود) مقصود اومستد از دیهیم، پارچه‌ایست رنگ آبی با خالهای سفید. و در جای دیگر که میگویند: (... بعد کوروش بیرون آمد... بر سرش تیار داشت... تیار او را افسری احاطه دارد. اقربای شاه هم این زینت را که امتیازی است دارا بودند، چنانکه امروز هم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند) مقصود گزنفون از افسر، پارچه‌ایست که بدور کلاه پیچیده بوده است.



BANDICLAY SCULPTURE OF A PERSIAN'S HEAD (PI 3 76). SCALES, 2:1 AND 1:1

شکل - ۵۹ - سر یک نفر پارسی .

برنگ آبی و سفید) .

در باره‌ی کلاهخود ، گرنفون میگوید : (اسلحه‌ی تمام سپاهیان مانند اسلحه‌ی کوروش بود ، یعنی قبای ارغوانی‌رنگ با زرهی بر تن و خودی با پر بسر داشتند) .

یهود ایران

https://t.me/yahud_elfran

*

با این ترتیب ، آنچه از نظر تاریخ نویسان استنباط میشود این است که ، کلاه پارسیان را از نمد خوب مالیده میدانند « بی آنکه شکل آنرا بوضوح مشخص کنند ، مگر اومستد که اوهم از روی نقوش تخت‌جمشید درباره‌ی کلاه پارسی فقط بگفتن کلاه نمدی خیاره‌دار اکتفا میکند .

*

کلاه خیاره‌دار که عدد خیاره یا ترکهای آن از هجده تا بیست و دو تا شمرده شده است ، بر گرداگرد لبه‌ی پائین خود نواری دارد که اساساً برای باز نشدن چین‌های خیاره‌ها ازهم تعبیه شده است و بنظر میرسد که جنس این نوار ، نیز از خود نمد باشد « شکل‌های ۲۶ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۷ » آنچه از این کلاه در باره‌اش ذکری نرفته سقف یا تپه‌ی آنست که نقوش برجسته نیز بعلت مشکل فنی ، داشتن سقف یا ساختن آنرا در بالای کلاه « با آن سبک کار معمول و قراردادی و عدم توجه کافی به پرسپکتیو » غیر مقدور میسازد ؛ و فقط ادامه‌ی دندان‌های خیاره‌ها را در حدود کلفتی نمد در محل سقف ، در برخی جاها زیکزاک‌ی و جاهائی دیگر نیمگرد نشان داده‌اند ؛ و بدیهی است که تحت تبعیت شکل این کنگره‌ها ، سقف‌سازی برآن ، روی اصول فنی نمد مالی کاری مشکل و غیر عملی است ، و نیز بعید بنظر میرسد که در هر حال لااقل دارای کلاهکی چون عرقچین در داخل خود نباشد ؛ زیرا اگر نداشته باشد ، در برابر گردو خاک

و باران ، کارآمد نخواهد بود « مگر که تصور کنیم چنین کلاهی نوعی تاج یا کلاه تشریفاتی است که در مواقع مخصوص و هوای مساعد یا زیر جاهای سرپوشیده ، بر سر مینهادند » و گرنه ، برای اینکه کلاه ، کارآمدتر باشد میباید مانند کلاه نمدی چوپانان و بومیان امروزی پارس « شکل ۶۰ » که تغییر شکل یافته‌ی آشنائی

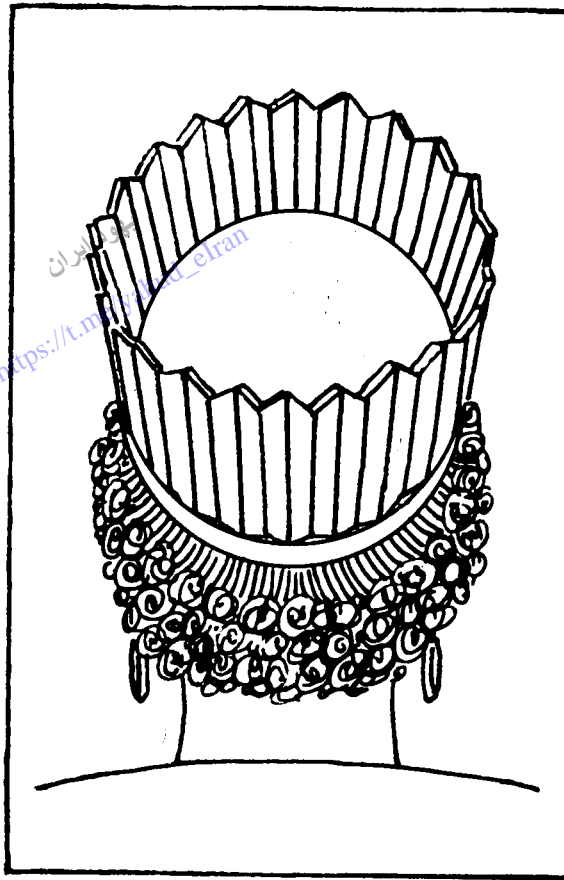


شکل ۶۰ کلاه نمدی بومیان پارسی

از کلاه قدیمی مادی و پارسی است ، يك کلاهک نمدی هم که از لبه‌ی پائین کلاه خیاره‌دار بداخل آن منضم شده باشد ، برای آن پذیرفت « شکل ۶۱ » .

*

در مورد گفته‌ی سترابون : (که جوانان پارسی کلاهی شبیه به برج داشتند و پارچه‌ای از کتان به دور سر می‌پیچیدند) نقوش و مدارک سنگی چنین کلاهی را نشان نمی‌دهند ؛ ولی کلاههای شبیه باین وصف را « نه چون برجی ایستاده ، بلکه خم شده بعقب سر » در تخت جمشید ساخته‌اند « شکل ۴۶ » .



شکل ۶۱ کلاه پارسیان

این پارسی از پیشکاران شاهی است که چیزی بر دوش دارد و از پلکان بالا می‌رود. کلاهش نوک‌تیز منتهی بعقب سر خمیده می‌باشد و پارچه‌ای نیز بدور آن و سر و گردن پیچیده است.

*

باید توجه داشت که تاریخ نویسان « یا برای بهتر گفتن وقایع نویسان » انواع کلاه سپاهیان مختلط ایرانی را « که ممکن است از جمله: کلاههای سغدی و سکائی و دیگر اقوام تابعه بوده باشند » بی توجه بقومیت و خصوصیت پوشاک محلی آنان، پارسی نامیده‌اند. با این وصف، فقط برای پارسیان هشت نوع کلاه

و تاج میتوان عرضه کرد؛ ولی نوع اصلی و معمولی و مشخص کلاه پارسی، همان کلاه خیاره‌دارست « شکل ۶۱ » که بنام کلاه پارسی شناسا است. انواع دیگر عبارتند از:

۲ - نوعی کلاه با دیواره‌ی کوتاه نمدی بود که مانند حلقه‌ای کم ارتفاع موهای دور سر را محاصره کرده و از بالای آن موی سر دیده میشود « شکل ۶۲ ».



شکل ۶۲ کلاه کوتاه پارسی

۳ - کلاه نمدی بلند نوک‌تیز که بعقب سر خمیده ، و آن بر سر پیشکار پارسی نموده شد « شکل ۴۶ » .

*

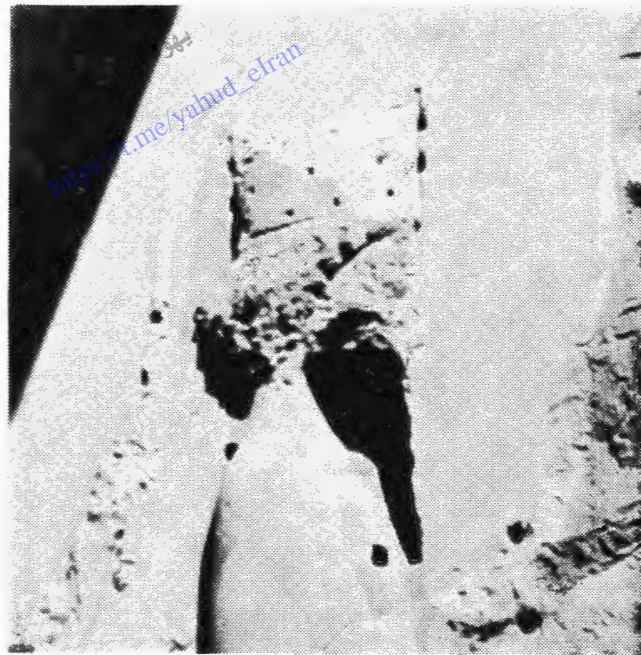
۴ - کلاه ساده‌ی استوانه‌ای مسقف ، که قسمت بالای آن با برگ‌گشتگی مختصری به بیرون « اندکی گشادتر از قسمت پائین » میباشد . از این کلاه برخی از پارسیان که بعزم شرفیابی از پلکانها بالا میروند بر سر دارند . (وهمچنین از این کلاه با بلندی بیشتر « که قسمت بالای آن به بیرون برگشته‌تر است » شاهنشاه هخامنشی بر سر دارد ، که باید تاج باشد) « شکل ۶۳ » .



شکل ۶۳ نوعی کلاه یا تاج پارسی - هخامنشی

۵ - نوع دیگر ، کلاهی است استوانه‌ای ، بلند ، ساده ، بدون خیاره ، صاف که دوره‌ی آن ، دارای زیکزاکهای بلند و تیز است ، و هنوز آثار زیکزاکهای

شکسته‌ی آن برجاست . (این نیز تاج میباشد . بر روی آن جای میخهائی که صفحات طلا را رویش کوبیده بوده‌اند ، پیداست « شکل ۶۴ ») .



شکل ۶۴ تاج هخامنشی

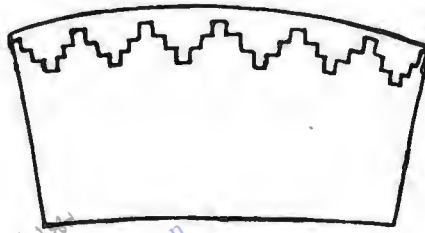
۶ - تاجی است با کنگره‌های پلکانی ، و آن بر سر مجسمه‌ی تمام گردی است لاجوردی « که در موزه‌ی ایران باستان موجود است و از تخت جمشید بدست آورده‌اند . « شکل ۶۵ » .

*

۷ - نوع هفتم کلاهی است که لبه‌ی بالا و پائین « هردو » برجستگی دارد و پارچه‌ای هم بدور آن پیچیده است « شکل ۵۹ » .

*

۸ - نوع هشتم تاج داریوش بزرگ در بیستون است « شکل ۶۶ » .



ایرود ایران

https://t.me/yahud_eIran



درسفر اخیر خود بفارس ، ضمن تحقیق وبه اشاری برخی از همکاران موزهی ایران باستان ، بنقشی از نقوش افراد ساخته در تخت جمشید برخوردیم که کلاهی جز کلاههای دیگر تخت جمشید بر سر داشت (از آن عکس برداری وطراحی کردم) . این نوع کلاه تنها نوع از انواع کلاههایی است که نقش برجسته های آنها را در تخت جمشید ساخته اند (مگر تاج داریوش بزرگ در بیستون « که در عین شباهت کنگره هایش ، با این کلاه از نظر شکل فرق دارد » وهمچنین تاج هخامنشی در شکل ۶۵ که تمام گرد ساخته شده است) . مؤلف .



شکل ۶۵ تاج هخامنشی

کفش پارسی

صرفنظر از نوشته‌های تاریخ نویسان که درباره‌ی کفش پارسیان کم‌وبیش تذکراتی ناروشن داده‌اند، با توجه بنقوش سنگی تخت جمشید و پارساگد (که مستقیم‌ترین و درستترین مدرک میباشند، برای آنان دونوع کفش میتوان در نظر گرفت :

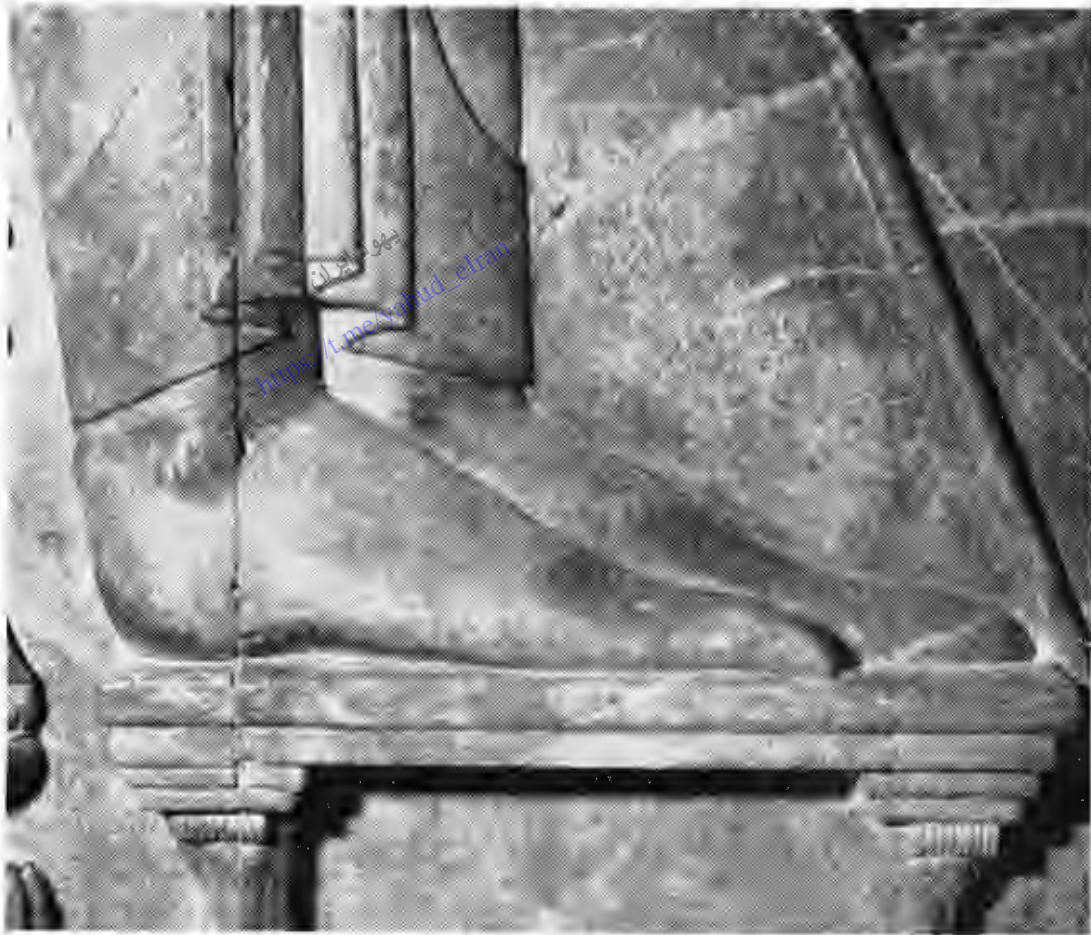
۱- يك نوع، کفشی است که از لحاظ شکل بسیار ساده است و چون جوراب



شکل - ۶۶ - تاج داریوش بزرگ در بیستون

پیا کشیده میشود و بنظر میرسد که درزی برای دوخته شدن جز از راه پشتپاشنه و رویه‌ی کفش ندارد « شکل ۶۷ » .
این کفش را « که در اصل از آن مادیان است » شاهان هخامنشی و همچنین قوم ماد پیا دارند . دور دهانه‌ی کفش کوروش در پارساگد زرکوب بوده و نیز

شماره ۱۷-۱۳



شکل - ۶۷ - کفش داریوش بزرگ

از جلوی دهانه‌ی کفش بطرفین و بسوی کف پا از طلای باریک کوبیده بوده‌اند و جای میخکوبی آن در نقش سنگی پارساگد برجاست « شکل ۶۸ » .

*

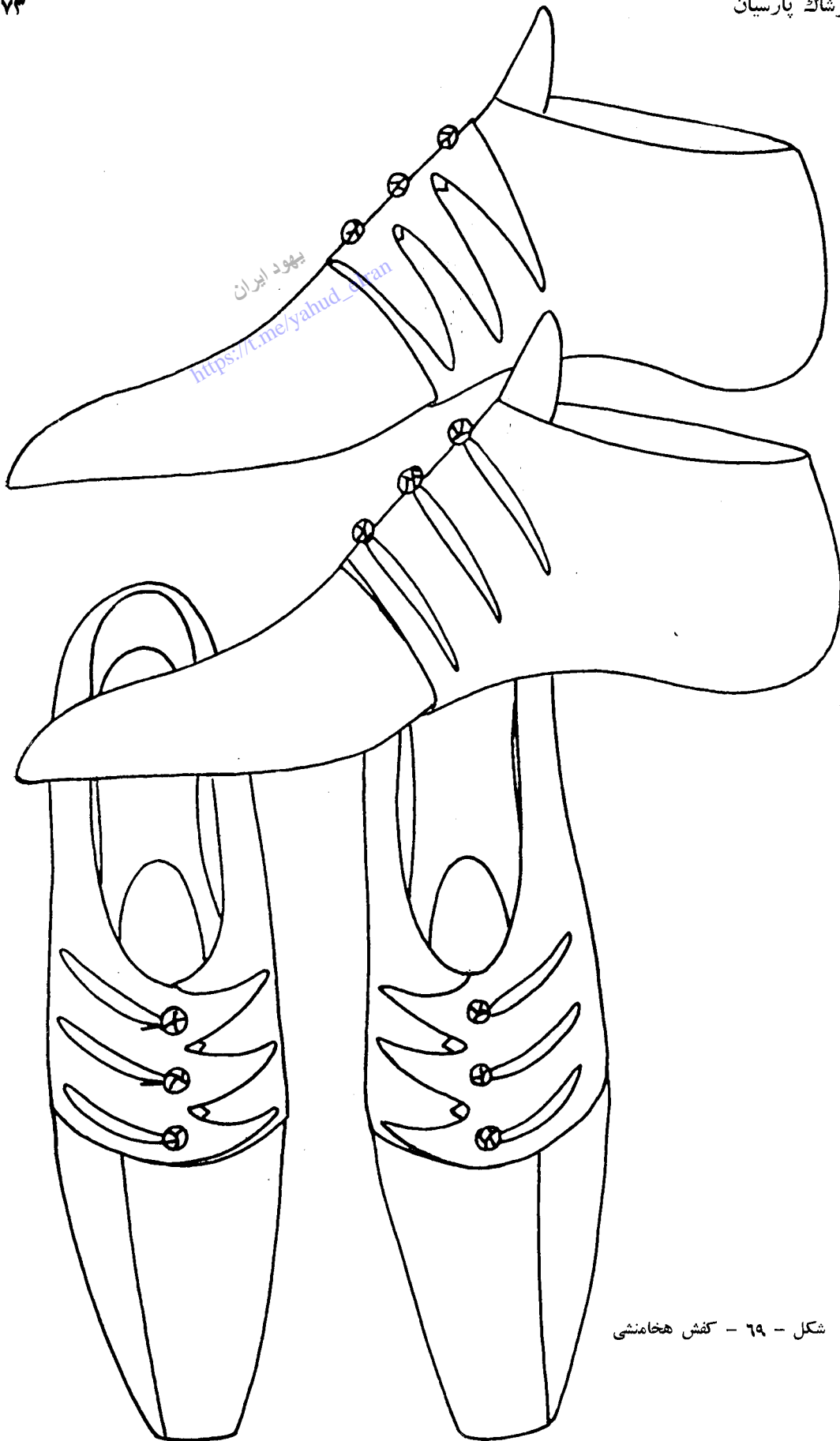
۲ - نوع دوم کفش دو تکه‌ی بند دارست ، و مخصوص خود پارسیان بوده ، همه‌ی بزرگان ، امرا ، سپاهیان پارسی و شاهان از آن پیا دارند « شکل ۶۹ » .

این نوع کفش در زیر خود تخت‌اضافی و پاشنه از بیرون ندارد و مانند



شکل - ۶۸ - کفش کوروش بزرگ در پاسارگاد

کفش مادی پاشنه‌ی آن از داخل کار گذارده شده است . زبان‌های بلند در جلوی خود ، در زیر محل بندکفش دارد و بوسیله‌ی سه‌بند و گل‌بند چرمی « که از سوراخ‌های مقابل خود رد میشوند رویه‌ی کفش برویهم جمع میشود . این کفش‌ها اغلب برنگ‌های مختلف زرد ، حنائی و ارغوانی تهیه می‌شده است « شکل ۷۰ » .



یهود ایران
https://t.me/yahud_iran

شکل - ۶۹ - کفش هخامنشی



شکل - ۷۰ - کفش مخصوص هخامنشیان

پوشاک زنان پارسی

تاریخ‌نویسان درباره‌ی پوشاک زنان آترمان اکثراً به سکوت گذرانده‌اند ، و نوشته‌هایی که حق مطلب را ادا کند بجا نگذاشته‌اند . این سکوت تاریخ‌نویسان در باره‌ی پوشاک زنان آندوره ، یا بعلت تماس‌نداشتن با آنان (بر اثر تراکت اخلاقی ایرانیان بوده « که زنان در مجامع عمومی راه نداشته‌اند ») یا بعلت همانندی لباس آنان با لباس مردان پارسی بوده که تذکر این شباهت عادی و معمولی را ایجاب نکرده است (با اینکه یک تذکر از روی منظور یکی از تاریخ‌نویسان روشن کرده است که زنان آندوره بغیر از لباس مشابه لباس ملکه ، میشده است که لباسی از نوع دیگر بپوشند ، آن نوع را تذکر نداده است و در آن باره متأسفانه چیزی ننوشته ، بی‌توجه از آن گذشته است) .

با این‌وصف ، از روی برخی نقوش مانده از آن زمان ، با زنانی بومی برمیخوریم که پوشش جالب دارند « شکل‌های - ۷۱ و ۷۲ - » .
پیراهن آنان پوششی ساده ، بلند یا دارای راسته‌چین و آستین کوتاه است .
در پائین دامن « از زانو بیائین » شَرابه‌هایی تا بمرچ‌پا آویزان است .

*

بزنانی دیگر از این دوره برمیخوریم که از پهلو بر اسب سوارند . اینان

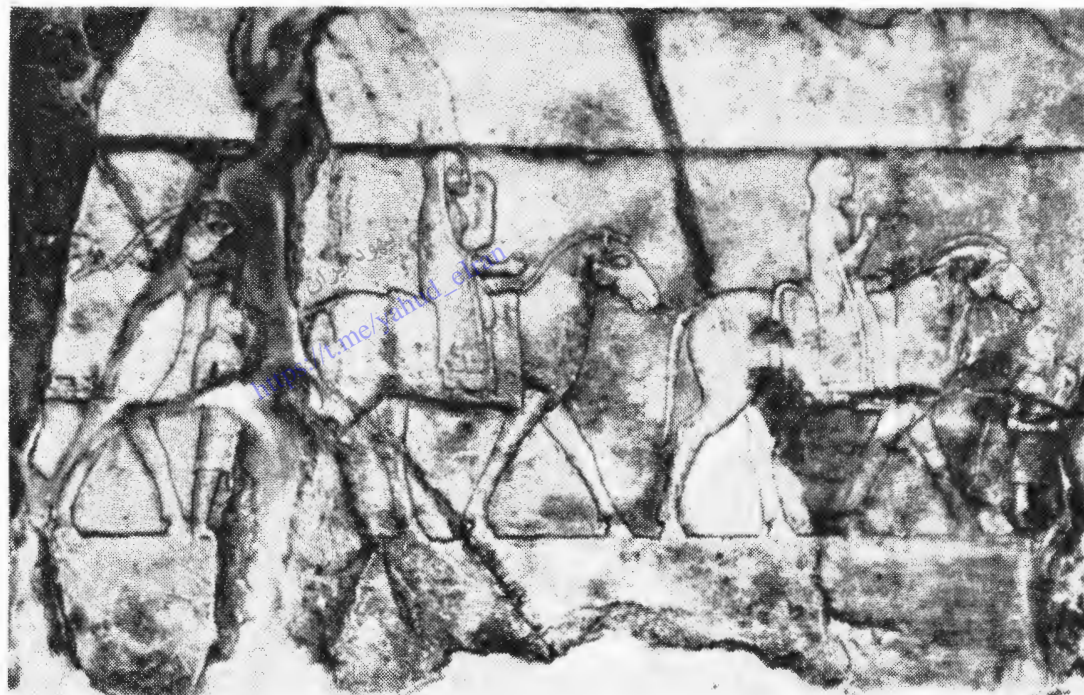


شکل - ۷۱ - پوشش زنی بومی از عهد
پارسی - هخامنشی



شکل - ۷۲ - زن بومی با لباس عهد
پارسی - هخامنشی

چادری مستطیل بر روی همهی لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن ، یک پیراهن
دامن بلند ، و زیر این یک نیز پیراهنی دیگر بلندتر تا بمرج پا نمایان است
« شکل ۷۳ » .



شکل - ۷۳ - زنان بومی عهد پارسی - هخامنشی سوار بر اسب

همچنین از میان نوشته‌های موضوعات مختلف تاریخ‌نویسان ، نکاتی بدست می‌آید که بوسیله‌ی آنها میشود ردی از نوع بیشتر البسه‌ی زنان پارسی بدست آورد .

*

کنت کورث میگوید : (. دورتر بفاصله‌ی يك استناد « ۱۸۵ متر » گردونه‌ای می‌آمد که سی‌سی گامبیس مادر داریوش در آن بود ، و در گردونه‌ی دیگر زن داریوش حرکت میکرد . خدمه‌ی این دو ملکه سواره از عقب این گردونه‌ها می‌رفتند . پانزده گردونه‌ی دیگر موسوم به آرماماکس^۱ اطفال شاه و مریبان و خواجه‌سرایان آنها را حمل میکرد . بعد زنان غیر عقدی شاه می‌آمدند . عدّه

۱ - آرماماکس. Armamax. = گردونه‌های بسته .

اینها - ۳۶۰ - و لباسشان مانند لباس ملکه‌ها بود^۱ « جلد دوم ایران باستان داریوش سوم صفحه‌ی - ۱۲۹۸ - سطر - ۱۲ - » .

باین ترتیب ، می‌بینیم که از توضیح کنت کورث نوع لباس زنان این دوره روشن نشد ، ولی هرودوت اندکی ما را باین موضوع نزدیک میکند : (آمیس‌تریس زن خشیارشا که ملکه بود ، پارچه‌هایی رنگارنگ بدست خود بافته لباس گرانبهایی برای شاه تهیه کرد ، و خشیارشاه از داشتن چنین لباسی غرق شرف گردید ؛ و آنرا پوشیده بدیدن آرتائینت^۲ رفت . درموقعی که فریفته دلرباییهای این زن بود ، بدو گفت : از من چیزی بخواه تا هر آنچه خواهی بدهم . زن گفت : شاها واقعاً هر چه خواهم میدهی ؟ خشیارشا قسم یاد کرد که چنین خواهد کرد و هیچ گمان نمی‌کرد که او همین لباس را خواهد خواست . پس از آنکه آرتائینت^۳ از وعده شاه مطمئن گشت ، از خشیارشا خواست که لباس خود را باو بدهد . شاه در موقع مشکلی واقع شد ، چه می‌ترسید که آمیس‌تریس از سر او آگاه شود ، زیرا قبلاً هم ملکه از طرز رفتار شاه ظنین بود . بنا بر این بالتماس افتاد و آنچه بنظرش آمد از دهات ، نقره ، طلا ، جواهر و حتی سرداری لشکری باو وعده داد تا او را از مسئله لباس منصرف دارد . (هرودوت گوید که سرداری لشکر بزرگترین عطیه‌ایست که در پارس میدهند) ولی هیچکدام از این وعده‌ها زن را راضی نکرد و بالاخره خشیارشا لباس خود را باو داد و زن آنرا پوشید . (هرودوت ، کتاب ۹ - بند ۱۰۸ - ۱۱۳ - جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۸۹۰ - سطر - ۳ -) .

*

چنین که بنظر رسید ، معلوم گردید زنان پارسی از نوع لباس مردان نیز

۱ - توضیح : استنباط میشود که لباس زنان غیرعقدی شاه و دیگران میشده که جز لباس ملکه‌ها بوده باشد ؛ و لابد مشابهت لباس - ۳۶۰ - زن غیرعقدی شاه با لباس ملکه‌ها « که وجه امتیازی از این حیث میان ملکه و دیگران وجود نداشته » کنت کورث را وادار بتعجب و تذکر نموده است .

بتن میکرده‌اند (شکل این لباس‌ها از نظر دامن و بالا پوش چنانکه میدانیم جوری است که شانه و آستین آن چون مانند شل است ، بهر هیكلی جور می‌آید و دامن نیز در صورتیکه قد مرد و زنی با هم زیاد اختلاف نداشته باشد ، میتواند متناسب درآید) و بنا بر این زمینه‌ای بدست آمد تا نظر را متوجه کند که : « لباس زنان ایندوره ممکن است که اختلافی با لباس مردان نشان نداشته ، یا لباس مردان با اندکی اختلاف مورد استفاده‌ی زنان نیز قرار می‌گرفته است » .

*

چون این نظر را با نقوش فرش عهد هخامنشی « شکل‌های ۷۴ و ۷۵ » که از پازیریک سیبری بدست آمده است مقایسه میکنیم ، خوشبختانه در می‌یابیم که نظر ، درست است « زیرا روی این فرش زنانی را نقش کرده‌اند که لباسی چون لباس مردان پارسی بتن دارند و کفش‌هایشان نیز همانست که پارسیان بپا میکرده‌اند ، فقط اختلافی که در لباس زنان با مردان وجود دارد ، تزئینات پیش‌سینه و شکل یخه‌ی آنان است که در برخی‌ها زیکزاک میباشد . طرح پیش‌سینه تا بخود یخه می‌پیوندد . « شکل‌های ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ » .



(ش - ۱۶) قطعه فرش مکشوف درپازیریکک مشتمل بر تصویر ملکه‌ها و بانوان ایران عهد هخامنشی
(نقل از مجله اخبار لندن شماره ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۳)



(ش - ۱۷) نقش يك قطعه از تصاویر ملکه‌ها و بانوان ایران عهد هخامنشی بر روی قطعات
فرش مکتوف دریازیریک (نقل از صفحه ۳۴۹ کتاب سابق‌الذکر آقای رودنکو)

یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran



شکل - ۷۶ -



یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran

شکل - ۷۷ -

یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran



شکل - ۷۸ -



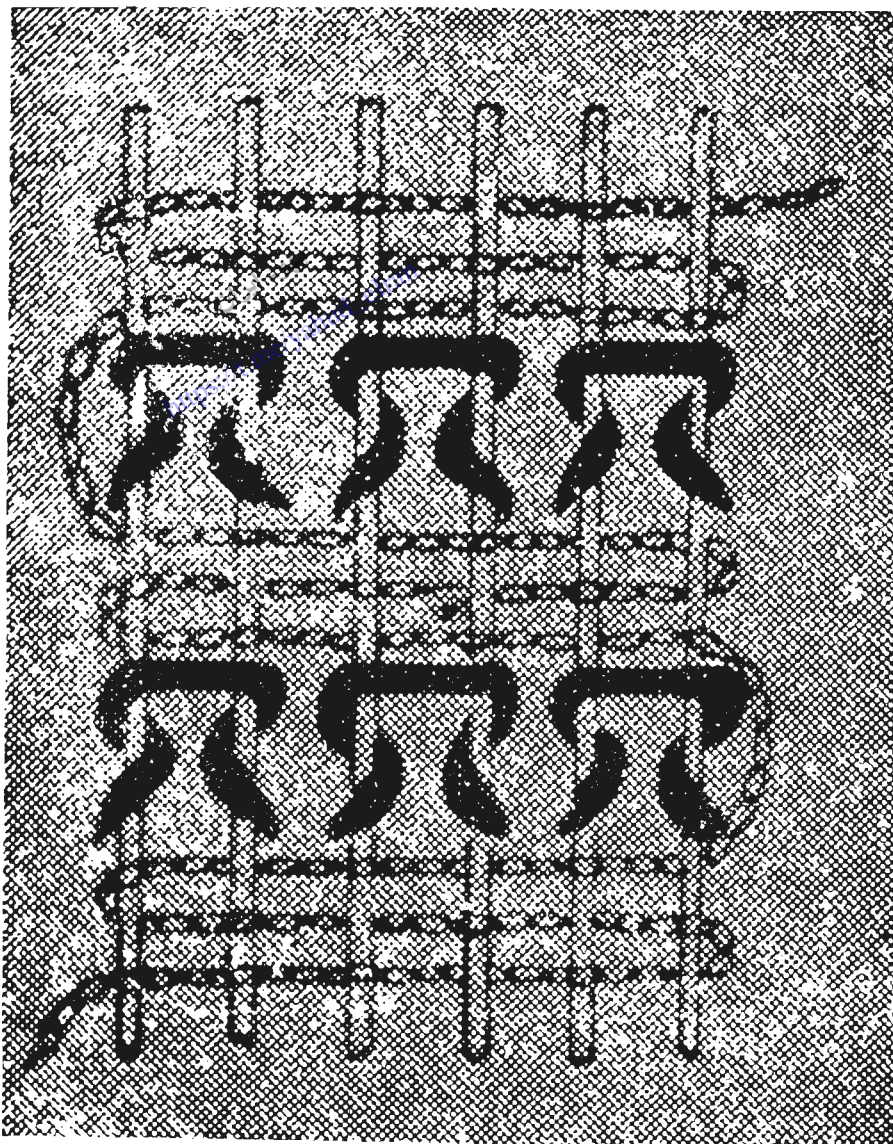
یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran

بافندگی زنان قدیم ایران

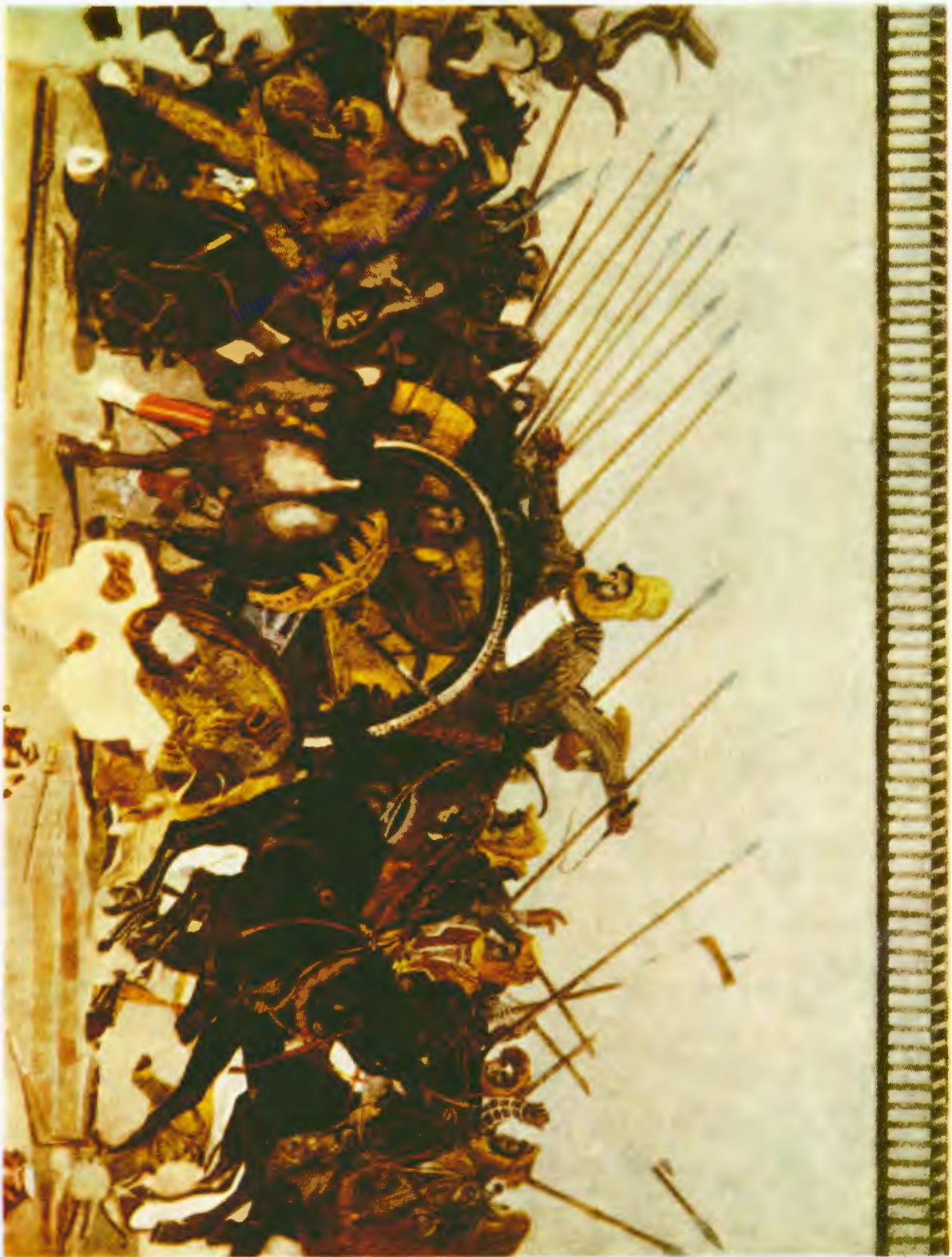
موضوع بافندگی پارچه « یا بافندگی بطور کلی در ایران » مبحث شایان توجه است، زیرا تن پوش از نیازمندیهای اولیهی هر فرد است، و در قدیم هر خانواده میبایست نیازمندیهای ضروری را تا حد امکان خود تهیه و تأمین کند، ازینرو هر خانواده در خانهی خود دستگاه بافندگی داشته است و در خانواده ها، زنانی یافت نمیشده‌اند که از بافندگی سررشته نداشته باشند. (در قدیم « حتی امروزه هم » در شهرستانهای ایران اکثر خانواده ها بیافتن انواع پارچه و فرش های عالی مشغولند.) و اصولاً آشنائی بکار بافندگی از خصوصیات هنری بانوان ما و جزو عرضه و شخصیت هر زن ایرانی میباشد. اگر زنی با آن آشنائی نداشته باشد، زن با هنر و خانه‌دار محسوب نشده و خواستار ندارد. در قدیم، چنانکه دیدیم، حتی ملکه آمیس‌تریس زن خشیارشا هم « با اینکه از همان اوان کودکی و فراگیری بافندگی شاید نیازی بآشنائی با آن نداشته » از نظر ارئهی ذوق و نشانهی کمال « که بانوئی با شخصیت و هنرمند است » بآن دست برده بوده و برای شاه نیز با دست خود پارچه بافته و لباس تهیه کرده بوده است. آیا میتوان تصور کرد کردار ملکه‌ها و زنان با شخصیت ایران قدیم برای بانوان ایرانی « که چون امروز امور متنوع نداشته‌اند » سرمشق نبوده، و زنان برای پیروی از اعمال آمیس‌تریس‌ها و همچشمی در ابراز هنرمندی و تظاهر بکدبانوئی، سعی در بافندگی نداشته‌اند؟ « شکل ۸۰ ».

شاید روی همین اصل بوده باشد که پیشنهاد اسکندر مقدونی به سی‌سی گامبیس مادر داریوش سوم مبنی بر تقدیم بافندگان برای تهیهی پارچه‌های یونانی و آموختن اینکار بنوه‌هایش « دختران داریوش » آنقدر گران آمده باشد که بگریه افتاده و اسکندر را وادار برعایت اصول و رسوم عمومی کرده باشد :

کنت کورث میگوید (وقتی که اسکندر در شوش توقف داشت، البسه



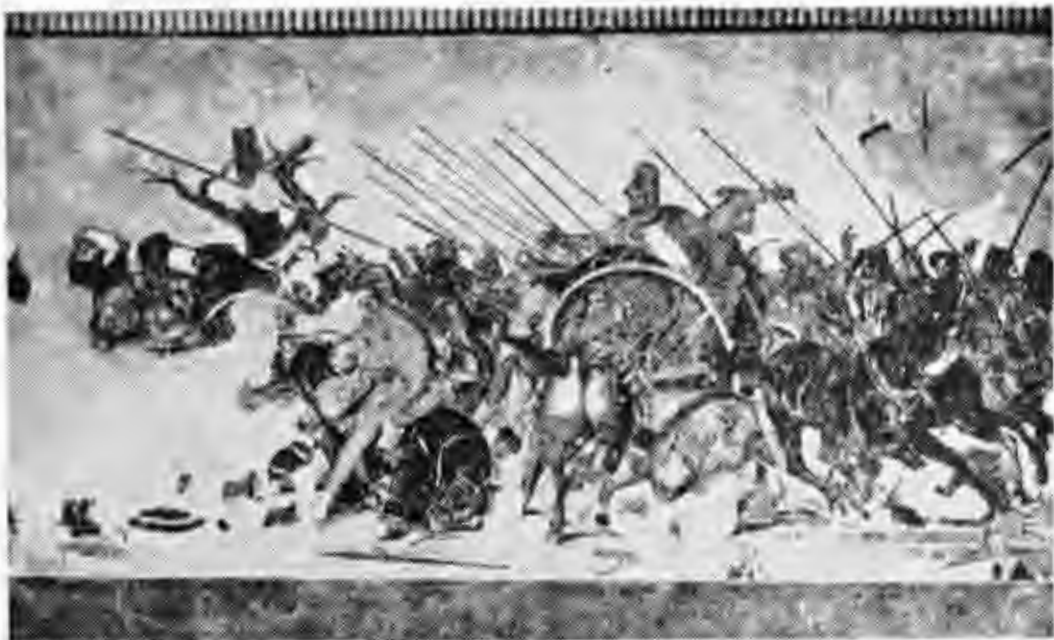
(ش - ۹) - طرز گره زدن قالیچه عهد هخامنشی
 بنحویکه در صفحه ۳۵۵ کتاب « تمدن مردم
 ناحیه کوهستانی آلتائی در عهد سکاها » تألیف
 رودنکوا . نشان داده شده است



The Battle of Alexander, section from the floor mosaic in the House of the Faun in Pompeii (probably c. 50 B.C., after a Greek prototype c. 300 B.C.)

The picture Encyclopaedia of Art. : ٥٤٥

و پارچه‌های ارغوانی زیاد از مقدونیه برای او فرستادند ، و او پارچه‌ها را با زنهائی که آنرا بافته بودند نزد سی‌سی‌گامیبیس مادر داریوش فرستاد . پیغام داد که اگر این لباسها پسند او باشد بنوهای خود این صنعت را بیاموزد و تعلیم دهد ، که این نوع لباسها را بافته و ساخته هدیه کنند . ملکه همینکه این بشنید بگریه افتاد . فرستادگان برگشته قضیه را باطالع اسکندر رسانیدند و او نزد ملکه رفته چنین گفت : « مادر ، لباسی که من در بر دارم نه تنها هدیه خواهان من است ، بل خود آنها ، این هدیه را بافته‌اند ، عادت ما ، مرا به اشتباه انداخت و تو نباید جهالت مرا حمل بر اهانت کنی ، تصور میکنم که اگر من از عادات ملت تو آگاه باشم ، از رعایت آن کوتاهی نکنم . مثلاً من میدانم که موافق عادات شما ، پسر نمی‌تواند در حضور مادرش بی‌اجازه بنشیند و بنا بر این هر زمان که من نزد تو آمده‌ام پیش تو ایستاده‌ام تا تو بمن اشاره کرده‌ای بنشینم) « کتاب - ۵ - بند - ۲ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۴۰۸ - سطر - ۱۳ - » .



شکل - ۸۱ - میگویند صحنه‌ی جنگ داریوش سوم با اسکندر است

ارغوانی ، رنگ مرغوب و محبوب دوران قدیم .

موضوعی که در حین تحقیق و برخورد بچگونگیهای زندگانی مردم این زمان ایران ، اغلب ، نظر را متوجه خود میکند ، از میان انواع رنگها ، محبوبیت رنگ ارغوانی و امتیاز آن نسبت بدیگر رنگها است . زیرا نوشته اند که همیشه شاهان ایران هنگامیکه میخواستند با بهترین لباس خود تظاهرات شاهانه یا مذهبی کنند ، لباس ارغوانی می پوشیدند . مردم دیگر نیز برنگ ارغوانی با نظر آسمانی و تقدس می نگرستند . در داستان اسکندر و سی سی گامیس دیدیم که پارچه‌ی مرغوب تقدیمی یونانی ، ارغوانی بوده ، و تاریخ نویسان که در باره‌ی بهترین پارچه‌های شوش مطالبی نوشته‌اند از پارچه‌های ارغوانی سخن گفته‌اند ؛ و بالاخره از میان نوشته‌های تاریخ نویسان مستفاد میشود که از همان قدیم‌الایام نیز مردم ایران و انیران نسبت برنگ ارغوانی کشش مخصوص داشته و آنرا محبوبترین ، شاهانه‌ترین و مقدس‌ترین رنگها می‌شناخته‌اند .

*

گزنفون میگوید (روزی که کوروش به سان قشون مشغول بود رسولی نزد او آمده اطلاع داد که چون سفرائی از طرف هندیها نزد پادشاه ماد آمده‌اند ، او ، کوروش را میطلبد و تقاضا میکند که بیدرنگ نزد وی رود . رسول را مأمور کرده بودند لباس فاخری به کوروش بدهد که او با این لباس بقصر پادشاه درآید . کوروش دسته‌ای از قشون خود برداشته نزد کیاکسار رفت و چون پادشاه ماد او را در لباس ساده دید ایراد کرد که چرا لباس ارغوانی او را نپوشیده و این رفتار باعث سرافکنندگی او در پیش سفرای هند خواهد شد . کوروش جواب داد « اگر لباس ارغوانی پوشیده طوق و یاره استعمال می‌کردم ، ولی دیر فرمان تو را بجای می‌آوردم آیا بهتر از آن بود که همین امروز با قشونی که حاضر است

اوامر تورا فوراً انجام داده آمده‌ام » کیا کسار را این جواب خوش آمد و امر کرد سفرای هند را داخل کنند) . « گزنفون - کتاب دوم فصل - ۴ - ایران باستان جلد اول صفحه‌ی - ۳۰۷ - سطر - ۱۲ - » .

* یهود ایران
https://t.me/yahud_elfran

بعلاقه و اهمیت توجه مردم ایران برنگ ارغوانی از زوی نوشته‌ی کنت کورث در باره‌ی حرکت داریوش سوم و سپاه ایران بهتر میشود پی برد . او میگوید : (.) پس از اینکه روشنائی روز همه جا را فرو گرفت ، شیپورچی ها ، شیپور حرکت را از بارگاه شاه دمیدند . بالای این بارگاه صورت آفتاب را در قاب بلورین بقدری بلند نصب کرده بودند که همه میتوانستند آنرا مشاهده کنند . ترتیب حرکت چنین بود « پیشا پیش قشون در محرابهای سیمین آتشی می‌بردند که این مردمان آنرا جاویدان و مقدس میدانند . مغها که در اطراف آتش بودند ، سرودهای ملی میخواندند . در پس مغها بعداً روزهای سال - ۳۶۵ - نوجوان در لباسهای ارغوانی حرکت میکردند) . « کنت کورث کتاب - ۳ - بند - ۳ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۲۹۵ - سطر - ۲۰ - » .

*

از قرار نوشته‌ی تورات ، لباس ارغوانی ، عالیتربن نوع لباسی بوده که همیشه پادشاهان بصورت هدیه‌ی گرانقدر ، مقربین را با آن مفتخر میکردند . در باب پنجم از بند يك کتاب دانیال نوشته شده است : (.) بلشصر پادشاه ضیافت عظیمی برای هزاران نفر از امرای خود برپا داشت و در حضور آن هزار نفر شراب نوشید . بلشصر در کیف شراب امر فرمود که ظروف طلا و نقره را که جَدش نبوکدنصر از هیکل اورشلیم برده بود بیاورند تا پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش از آنها بنوشند . آنگاه ظروف طلا را که از هیکل خانه

خدا که در اورشلیم است گرفته شده بود آوردند و پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش از آنها نوشیدند . شراب می‌نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح میخواندند . در همان ساعت انگشت‌های دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید . آنگاه هیئت پادشاه متغیّر شد و فکرهایش او را مضطرب ساخت و بندهای کمرش سست شده زانوهایش بهم میخورد . پادشاه باواز بلند صدا زد که جادوگران و کلدانیان و منجمان را احضار نمایند ، پس پادشاه حکیمان بابل را خطاب کرده گفت هر که این نوشته را بخواند و تفسیرش را برای من بیان نماید به ارغوان ملبس خواهد شد و طوق زرین بر گردنش (نهاده خواهد شد) و حاکم سوم در مملکت خواهد بود . آنگاه جمیع حکمهای پادشاه داخل شدند اما نتوانستند نوشته را بخوانند یا تفسیرش را برای پادشاه بیان نمایند . پس بلشصر پادشاه بسیار مضطرب شد و هیئتش در او متغیّر گردید و امرایش مضطرب شدند . اما ملکه بسبب سخنان پادشاه و امرایش بمهمانخانه درآمد و ملکه متکلم شده گفت ای پادشاه تا بابد زنده باشی ، فکرهایت تو را مضطرب نسازد و هیئت تو متغیّر نشود . شخصی در مملکت تو هست که روح خدایان قدوس دارد ، و در ایام پدرت روشنائی و فطانت و حکمت ، مثل حکمت خدایان در او پیدا شد و پدرت نبوکد نصر پادشاه یعنی پدر تو ای پادشاه او را رئیس مجوسان و جادوگران و کلدانیان و منجمان ساخت . چونکه روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیر خوابها و حل معماها و گشودن عقده‌ها در این دانیال که پادشاه او را به بلطشصر مسمی نمود یافت شد . پس حال ، دانیال طلبیده شود و تفسیر را بیان خواهد نمود . آنگاه دانیال را بحضور پادشاه آوردند و پادشاه دانیال را خطاب کرده فرمود آیا تو همان دانیال از اسیران یهود هستی که پدرم پادشاه از یهودا آورده در باره تو شنیده‌ام که روح خدایان در تو است و روشنائی و فطانت و حکمت فاضل در تو پیدا شده است . و الآن حکیمان و منجمان را بحضور من آوردند تا این نوشته را

بخوانند و تفسیرش را برای من بیان کنند اما نتوانستند تفسیر کلام را بیان کنند و من در باره تو شنیده‌ام که بنمودن تعبیرها و گشودن عقده‌ها قادر می‌باشی . پس اگر بتوانی الآن نوشته را بخوانی و تفسیرش را برای من بیان کنی بارغوان ملبس خواهی شد و طوق زرین بر گردنت (نهاده خواهد شد) و در مملکت حاکم سوم خواهی بود . پس دانیال بحضور پادشاه جواب داد و گفت عطایای تو از آن تو باشد و انعام خود را بدیگری بده لکن نوشته را برای پادشاه خواهم خواند و تفسیرش را برای او بیان خواهم نمود . اما تو ای پادشاه ، خدایتعالی پیدرت نبوکد نصر « و از بند ۲۸ باب پنجم تا سر باب ششم » سلطنت تو تقسیم گشته و به مادیان و فارسیان بخشیده شده است . آنگاه بلشصر امر فرمود تا دانیال را بارغوان ملبس ساختند و طوق زرین بر گردنش (نهادند) و در باره اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد .

پوشاک جنگی پارسیان

گزنفون میگوید (وقتی که شاه برای شکار بیرون می‌آید و اینکار در هر چند ماه چند دفعه روی میدهد نصف پاسبانان را با خود بشکار می‌برد . اشخاصی که همراه او می‌روند باید این اسلحه را دارا باشند : يك کمان ، يك ترکش ، شمشیری در غلاف یا يك تبر ، سپری که از ترکه بید بافته ، دو زوبین برای اینکه یکی را انداخته ، دیگری را اگر لازم باشد بدست داشته باشند . اگر پارسی‌ها شکار را ورزش عمومی میدانند و اگر شاه در رأس شکارچیان چنانکه بجنگی رود حرکت میکند ، از این جهت است که او ، شکار را آموزگاه حقیقی

جنگ می پندارد « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۲۴۷ - سطر - ۱۳ - » .

*

چنین است طرز زندگانی نوجوانان و پس از آنکه ده سال بدینمنوال گذراندند در طبقه مردان داخل میشوند . از وقتی که آنها از این حال بیرون شدند در مدت ۲۵ سال بترتیبی که ذکر خواهیم کرد زندگانی میکنند : اولاً آنها خودشان را برای مشاغلی که صاحبان آن باید از حیث عقل رشید باشند و سن ، نیروی آنان را زایل نکرده باشد با اختیار کارگذاران دولت میگذارند . اگر واقعاً لازم آید که بجنگ بروند ، چنین کسان تیر و زوبین ندارند ، اسلحه آنها برای جنگ تن بتن است و با این مقصود ، چنانکه پارسی‌ها را مینمایند ، جوشنی بر تن دارند ، سپری بدست چپ و شمشیر یا ساطوری بدست راست . « گزنفون ، جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۲۴۸ - سطر - ۱۹ - » .

*

گزنفون در موردی دیگر از سلاحهای پارسیان « که از چه جنسی ساخته میشده است نام میبرد : (کوروش پس از دعا خوانی غذا خورد ، بعد مراسم قربانی بجا آورده به اسب نشست و بقشون خود فرمان حرکت داد . اسلحه تمام سپاهیان مانند اسلحه کوروش بود . یعنی قبای ارغوانی رنگ با زرهی بر تن و خودی با پر بسر داشتند . اسلحه تعرضی آنها عبارت بود : از شمشیر و نیز زوبینی از چوب پستنگ^۱ (غبیرا) . اعضا و جوارح اسبان با سلاح دفاعی پوشیده بود . تفاوتی بین اسلحه سپاهیان و خود کوروش نبود . جز از این حیث که اسلحه کوروش مانند آئینه می درخشید ولی اسلحه سپاهیان مطلقاً بود » جلد اول

۱ - پستنگ . Pestonag . = سجد (فرهنگ گیاهی حسینعلی بهرامی) .

ایران باستان صفحه‌ی -۳۵۴- سطر -۸۸- بنقل از کتاب -۷- فصل -۱- گزنفون « .

*

سر پرسی سایکس ، بنقل از هرودوت توضیح بیشتری از لباس و سلاح پارسیان میدهد :

(. . . اما ملبوس و اسلحه پارسی‌ها ، و آن بطوریکه از بیان مختصر هرودوت مستفاد میشود بشرح زیر میباشد : کلاه نرمی از نمد موسوم به تیاراس بر سر میگذاشتند و قبای الوان تنگ آستین داری در بر میکردند که در آن پولک‌هایی از آهن مثل فلس ماهی ترتیب داده بودند و در پا زیر جامه استعمال مینمودند و بجای سپرهای معمولی^۱ سپرهای استعمال میکردند که بشکل سبد ساخته شده بود ، که زیر آن ترکش آویزان بوده است . نیزه‌های کوتاه و کمان‌های بزرگ و تیرهایی از نی داشتند . گذشته از این ، طرف راست روی شال کمر کرد یا خنجری هم آویزان میکردند) « سایکس جلد اول تاریخ ایران صفحه‌ی - ۲۲۸ - سطر - ۱۶ - » .

*

توضیحی از اومستد موجود است که در تأیید و تکمیل توضیحات هرودوت ، الگوی روشن‌تری از لباس و سلاح سپاهیان پارسی بدست میدهد : (. . . پس از بیمرگان ، بلندترین پایه را سربازان پیاده‌ی پارسی دارند که کلاه نم‌دین و سربند بر سر و تنزیب آستین‌دار رنگارنگ (کیتونس) روی زره با پولک‌های آهنین و شلوار برتن . برای دفاع ، سپر بافته دارند . یک کمان درازی که ترکش آن پر از تیرهای نی است . یک نیزه‌ی کوتاه و یک شمشیر کوتاه که از کمربندی

۱ - مقصود از سپرهای معمولی ، شاید همان سپرهای معمول و مخصوص هخامنشیان باشد .

روی ران آویخته است برای حمله همراه دارند « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۳۲۳ - سطر - ۱۹ - » .

*

ضمناً در صفحه‌ی - ۹۷ - سطر - ۷ - همین کتاب اومسند « موضوع الواح شوشی » نوشته شده است که : (لوحهای دیگر ، سیاهه‌ای از سازوبرگ سپاهیان میدهند ، در آنها از کمان چندتائی بشکل آسوری یاد شده ؛ زه برای کمان ، تیر و نی که از آن تیرها را میساختند ، نیزه ، سپر و پوستهائی که با آنها سپرها را می‌پوشانیدند) .

*

با این ترتیب ، تاریخ نویسان با نوشته‌های خود برای هخامنشیان اسلحه‌ای که شامل : « تیر ، کمان ، ترکش ، تبر ، سپر ، شمشیر ، قمه ، زره ، جوشن ، کلاهخود با پر و برگستوان برای اسب » میباشد معترفند . مدارك سنگی نیز مقداری از این اسلحه را واجد است . فقط آنچه تاریخ نویسان از آن نام نبرده‌اند کماندان است که از آن در تخت جمشید بفرآوانی ساخته شده است .

زره - جوشن

در مورد زره یا جوشن ، بر حسب لغت‌نامه‌ی برهان قاطع دو نوع تن پوش فلزی معرفی شده است . (جوشن سلاحی باشد غیر زره ، چه زره تمام از حلقه است و جوشن حلقه و تنگه‌ی آهن با هم باشد) ولی برخی‌ها جوشن را معرب زره میدانند و بنابراین ، اختلافی میان ایندو قائل نیستند . بهرجهت این

زره یا جوشن از حیث اندازه و قد ممکن است چون نیم تنه کوتاه و یا چون قبا بلند باشد .

*

تاریخ نویسان در موارد بیشماری از چگونگی این تن پوش‌ها نوشته‌اند ولی متأسفانه در نقوش سنگی تخت جمشید نشانی از آنها نیست ، فقط بکمک این نوشته‌ها و استفاده از جوشن‌های دوره‌های بعد « زمان اشکانیان و ساسانیان » باید بچگونگی جوشن‌های این زمان پی برد .

*

گزنفون نوشته است که کوروش گفت : (. . . باید برای پارسی‌هایی که می‌آیند « آنهائیکه در راهند » ، اسلحه ترتیب داد ، مانند اسلحه هم‌تیم‌ها ، یعنی جوشنی که سینه را بپوشاند و سپری برای دست چپ و قمه یا شمشیری برای دست راست . با این اسلحه بجای اینکه از دور بجنگیم و تلفات ما بیشتر باشد حمله و جنگ تن بتن میکنیم و » جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۳۰۵ - سطر - ۹ - » .

*

در سطر - ۲۴ - همین صفحه ، گزنفون میگوید : (کوروش سربازان خود را بورزشهای گوناگون مشغول داشت و بآنها آموخت که با جوشن و سپر و شمشیر مستقیماً بدشمن حمله کنند و تیر و زوبین را از دست آنها گرفته گفت ، اگر میخواهید برای متحدین خود مفید باشید باید جنگ تن بتن بکنید .

تاریخ‌نویس مذکور « که میگویند در جنگ کوناکسا با کوروش دوم - که با اردشیر دوم می‌جنگیده - همراه بوده » می‌نویسد : (. . . ناگاه باتاگیاس یکی از معتمدین کوروش بتاخت در رسید و فریاد زد که شاه با قشون خود باحوال « حاضر جنگ » حرکت میکند و بزودی خواهد رسید . پس از شنیدن این خبر ، کوروش در حال از گردونه بزیر جست ، جوشن خود را در بر کرده بر اسب نشست و فرمان داد که سپاهیان اسلحه بردارند) « گزنفون ، کتاب اول فصل - ۸ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۰۱۴ - سطر - ۱۱ - » .

*

ایضاً در همین کتاب صفحه‌ی - ۱۰۱۷ - سطر - ۱۸ - از قول گزنفون نوشته شده است : (. . . در این حال کوروش شاه را دید و چون نتوانست خودداری کند فریاد زد « من مرد را دیدم » و زوینی بسینه او انداخت که از جوشن گذشته جراحی وارد کرد) .

پلوتارک گوید : وقتی که دو سپاه بهم افتادند ارته‌گرس رئیس کادوسی‌ها بکوروش برخورد باو چنین گفت : ای ظالم‌تر و دیوانه‌ترین مر « که نام کوروش - بهترین نام پارسی - را لکه‌دار کرده‌ای » برای چه سفر شومی این یونانی‌های پست را بخدمت خود در آورده‌ای ؟ برای اینکه ثروت پارسی‌ها را غارت کنند و کسی را که آقا و برادر تو است بکشی و حال آنکه او بیک میلیون مرد ، که از تو رشیدتراند فرمان میدهد . در حال ، این نکته بتو مسلم خواهد شد چه قبل از اینکه روی شاه را بهینی سرت بیاد فنا خواهد رفت این بگفت و زوینی بطرف کوروش پرتاب کرد که بسینه او آمد ، ولی بواسطه خوبی جوشن کوروش اثر نکرد و فقط او را تکان داد . پس از آن ارته‌گرس چون اسب خود را برگردانید کوروش پیکانی بطرف او انداخت که بگردن او آمد . « اردشیر بند - ۱۰ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۰۲۰ - سطر - ۱۲ - » .

بنقل از کتزیاس، صفحه‌ی - ۱۰۲۱ - سطر - ۲۲ - جلد دوم ایران باستان نوشته شده است که: (. . . بعد کوروش زویینی بطرف شاه انداخت که جوشن او را دریده بقدر دو انگشت در سینه‌اش فرو رفت و از اسب افتاد) .

در صفحه‌ی - ۱۰۲۲ - همین کتاب سطر - ۱۷ - نوشته شده است: (. . . در این حال چند نفر از اهالی کُن Caune واقع در کاریه که از مردم فقیر و پست بودند کوروش را از دوستان خود شمرده « یعنی از طرفداران اردشیر دانسته » داخل جرگه آنها شدند، ولی از جوشن سرخ رنگ آنها دریافتند که اینها از طرفداران شاه نیستند، چه سپاهیان شاه جوشن سفید در بر^۱ داشتند) .

*

تا اینجا، نوشته‌های تاریخ نویسان در تأیید وجود جوشن در زمان هخامنشیان بود، ولی، اینکه در این جوشن‌ها چه شکل حلقه و آهن بکار میرفته است، برخی‌ها مطالبی دارند:

(سترابون می‌نویسد « زره از حلقه‌های آهن ساخته شده است . صفحه‌ی - ۱۰۴۵ - سطر - ۱۰ - ایران باستان جلد دوم ») .

.....

۱ - با در نظر گرفتن جمله‌ی اخیر کتزیاس « که گزنفون نیز آنرا بطریقی دیگر تأیید میکند » استنباط میشود که اولاً پارسیان برای استفاده از زره ناگزیر از پوشیدن لباس آستین‌دار مادی بوده‌اند « زیرا بالاپوش پارسی برای اینکه زره روی آن پوشیده شود چون مانند شل است مناسب نبوده است » و در ثانی اگر لباسهای زیر زره را رنگارنگ می‌گرفته‌اند برای این بوده که رنگ درگیرودار جنگ برای تشخیص دوست و دشمن از هم، بهترین وسیله میباشد « خاصه اگر بقول گزنفون روی جوشن‌ها را نیز رنگ میکرده باشند » .

(در کتاب ایران باستان جلد دوم صفحه‌ی - ۱۰۱۴ - سطر - ۲۲ - بنقل از گزنفون نوشته شده است: وقتی که قشون اردشیر « دوم » نزدیک شد، چشم از برق اسلحه فلزی خیره میگشت و بخوبی صفوف سپاه و زوبین‌های سپاهیان دیده میشد. در طرف چپ دسته‌هایی از سواره نظام بود که جوشن‌های سفید در بر داشت) .

هرودوت می‌نویسد : (قبای آستین‌دار رنگارنگ در بر ، زرهی که حلقه‌های آهنین آن بفلس‌های ماهی شباهت داشت برتن ، شلواری که ساق‌ها را می‌پوشید در پا داشتند) « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۷۳۰ - سطر - ۵ - » .

.....

او مستند همین زره یا جوشن را بطریقی روشن‌تر توضیح میدهد ، او می‌نویسد : « پس از بیمرگان بلندترین پایه را سربازان پیاده‌ی پارسی دارند که کلاه نم‌دین و سربند بر سر ، و تنزیب آستین‌دار رنگارنگ (کیتونس) روی زره با پولک‌های آهنی و شلوار بر تن دارند . تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۳۲۳ - سطر - ۱۹ - سپاهیان شهرستانی » .

*

با این توصیف ، در هیچ‌جا از نوشته‌های تاریخ نویسان ، بوجه روشن ذکری نیست که سپاهیان پارسی دارای شلوار زرهی بوده‌اند یا نه ؛ ولی در وصف عمومی نوشته‌اند که سپاهیان پارسی غرق آهن و پولاد بوده‌اند (البته مردمی که همه‌گونه پوشش جنگی و برگستوان برای اسبان خود بکار می‌برده‌اند ، باینهم توجه داشته‌اند که شلواری نیز از زره برای حفاظت کامل سپاهیان الزام‌آور است .

*

بنقل از گزنفون در جلد اول ایران باستان نوشته شده است که : (عرباهران باستانی دو چشمش از سر تا پا مسلح است) ایضاً بنقل از او نوشته است : (. . . اسلحه تعرضی آنها عبارت بود از شمشیر و نیز زوبینی از چوب پستنگ « غیرا » اعضاء و جوارح اسبان با سلاح دفاعی پوشیده بود) و در جائی دیگر « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۳۴۵ - سطر - ۵ - » بنقل از گزنفون نوشته است : (. . . پس از چندی آبراداتاس دریافت که کوروش عرباهای

داسدار و اسبهای زره پوش را می‌پسندد) .

و بنقل از گرنفون در جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۳۵۲ - سطر - ۴ -
 ایضاً مطلبی جامع‌تر نوشته شده است : (روز دیگر صبح کوروش مراسم قربانی بجا
 آورد و سپاهیان او پس از صرف غذا ، قباها و جوشن‌های زیبا در بر کرده
 کلاهخودهای قشنگ بر سر گذاردند . باسبها غاشیه پوشانده کفل آنها را زره‌پوش
 کردند . پهلوهای ارابه‌ها هم زره‌پوش بود . تمام سپاه از آهن و مفرغ میدرخشید) .

*

شکل - ۸۲ - يك سپاهی زره پوشیده‌ی هخامنشی بر حسب دریافت از روی
 نوشته‌های تاریخ نویسان .

*

شکل - ۸۳ - يك سواره‌نظام زره‌پوشیده‌ی پارسی بر حسب دریافت از روی
 نوشته‌های تاریخ نویسان و نقش فرش عهد هخامنشی .

*

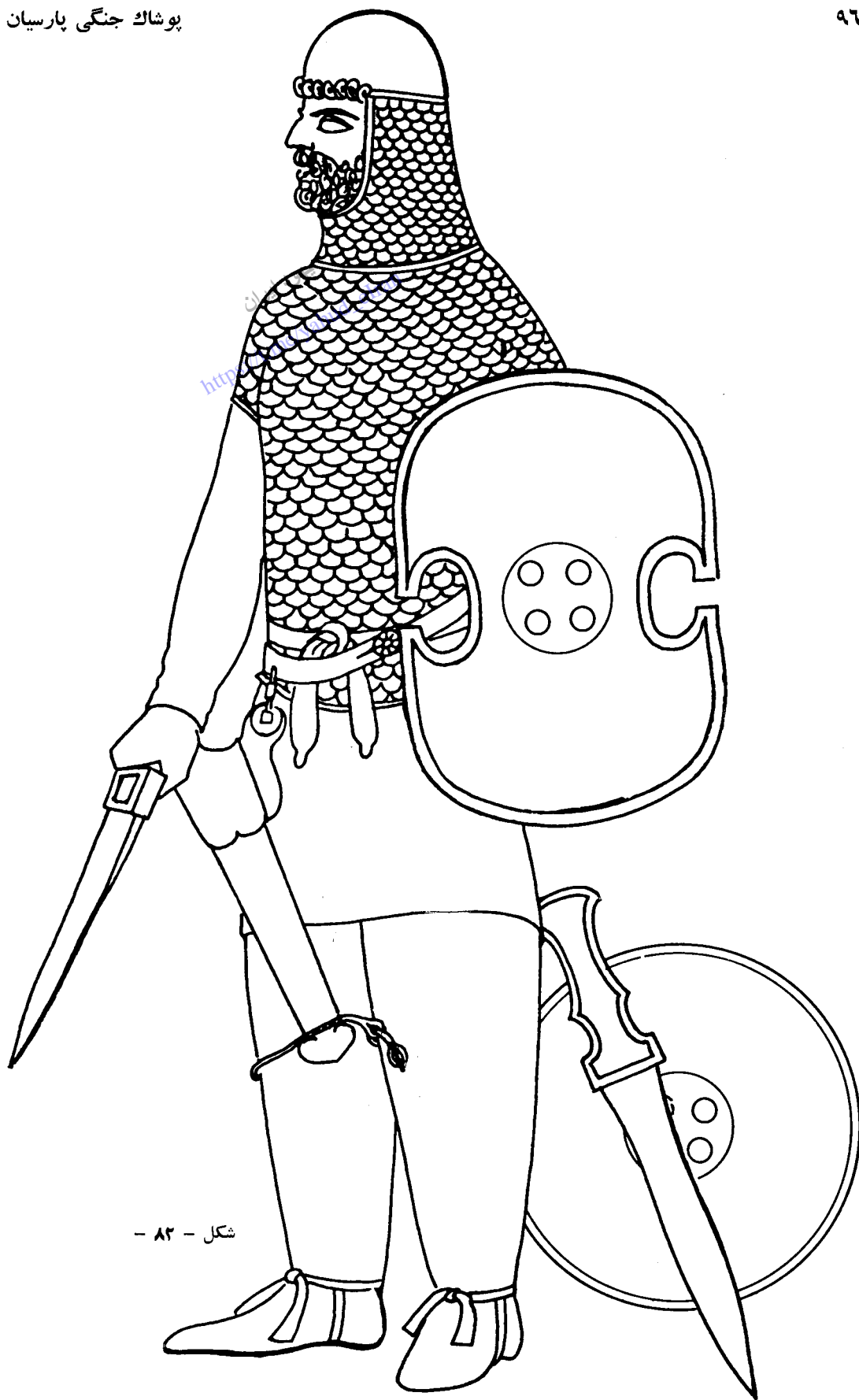
شکل - ۸۴ - نقش یکی از سواران که بر حاشیه‌ی فرش عهد هخامنشی
 بافته شده است .

*

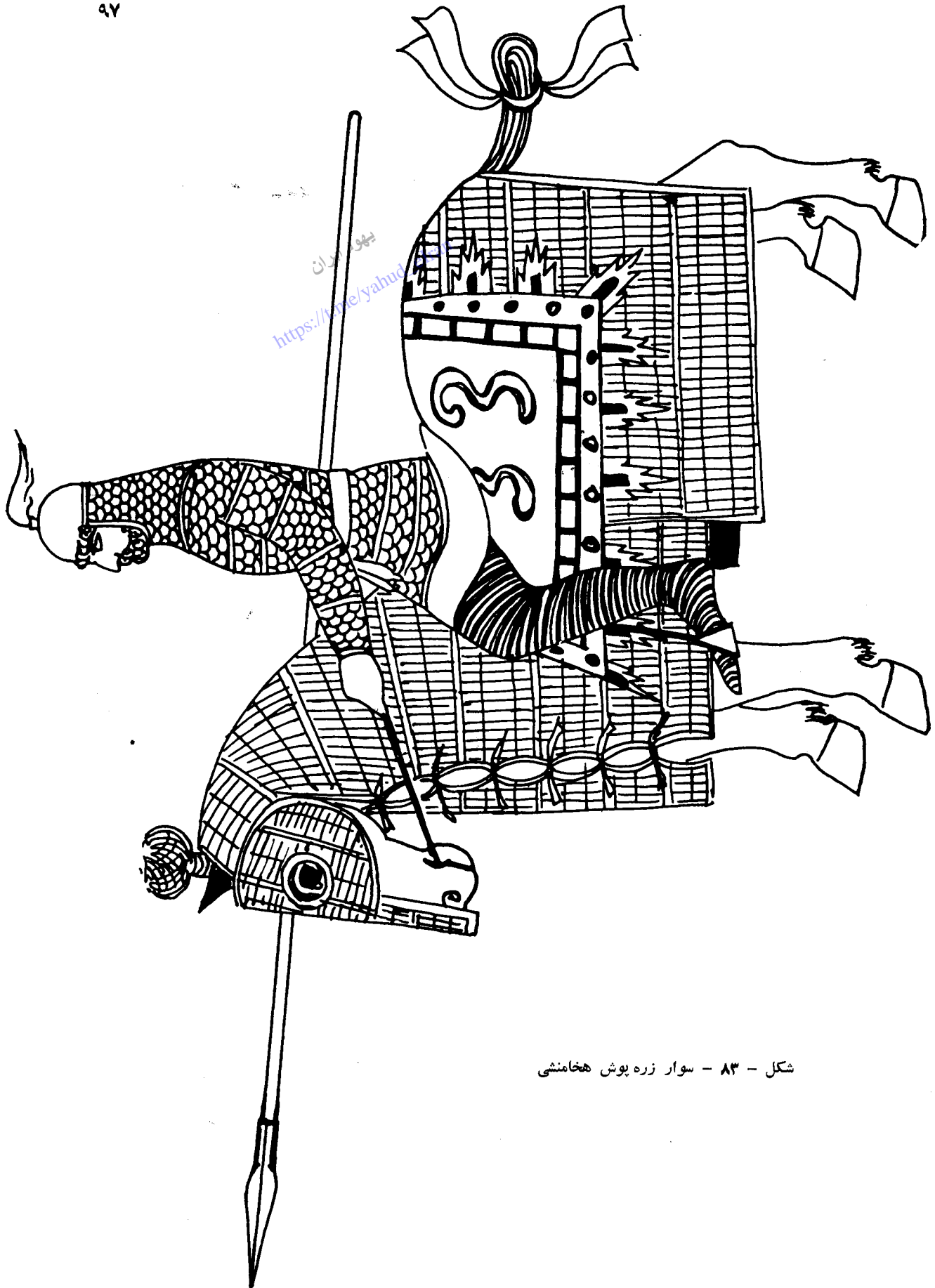
شکل - ۸۵ - یکنفر پارسی بَرَسَم^۲ بدست حامل قمه‌ی مادی .

۱ - غاشیه = زین‌پوش (فرهنگ آنن دراج) .

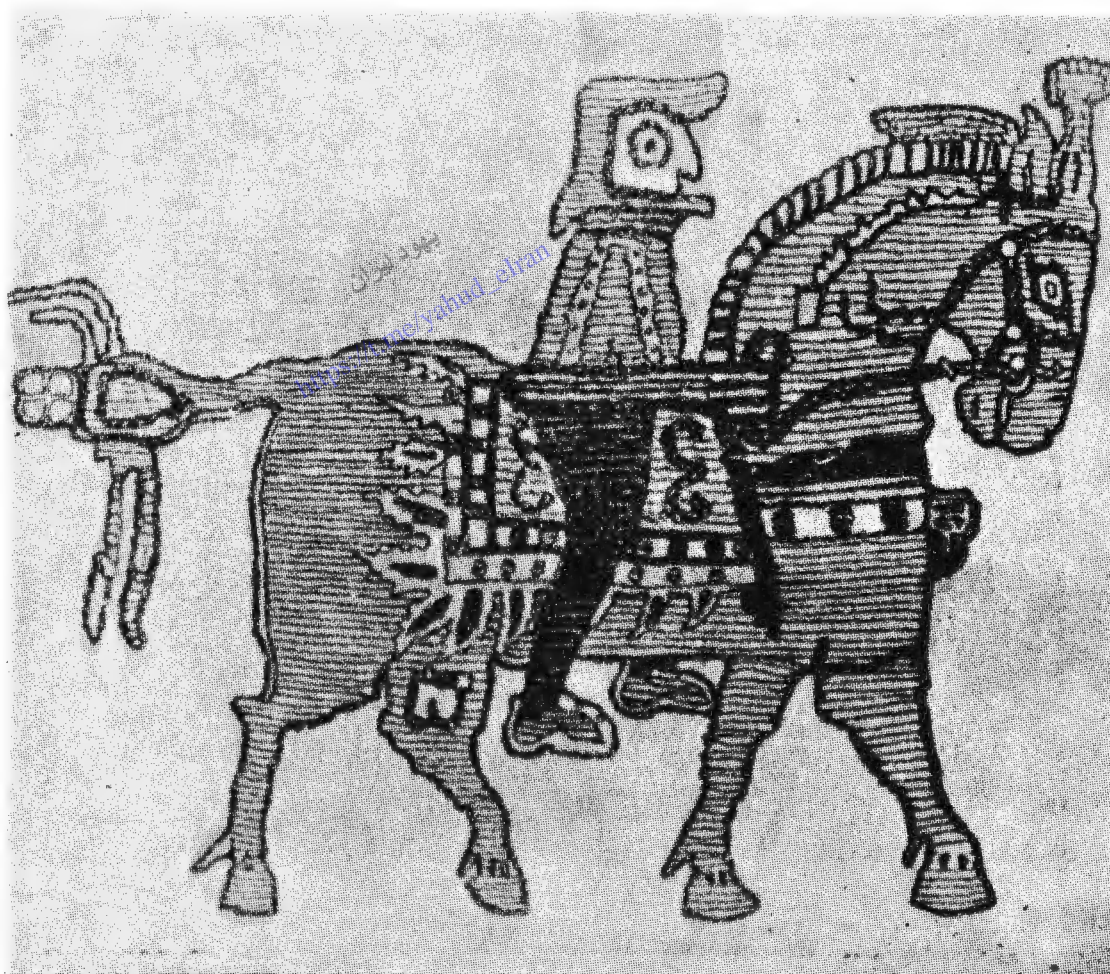
۲ - بَرَسَم° = ترکه‌های گر بهم پیوسته (فرهنگ بهدینان) .



شکل - ۸۴ -



شکل - ۸۳ - سوار زره پوش هخامنشی



(ش - ۱۰) نقش یکی از سواران در حاشیه فرش عهد هخامنشی بنحویکه در صفحه ۳۵۴ کتاب «تمدن ناحیه کوهستانی آلتاتی در عهد سکاها» تالیف ا. رودنکو نشان داده شده است

شکل - ۸۴ -

عرابه‌های جنگی هخامنشیان

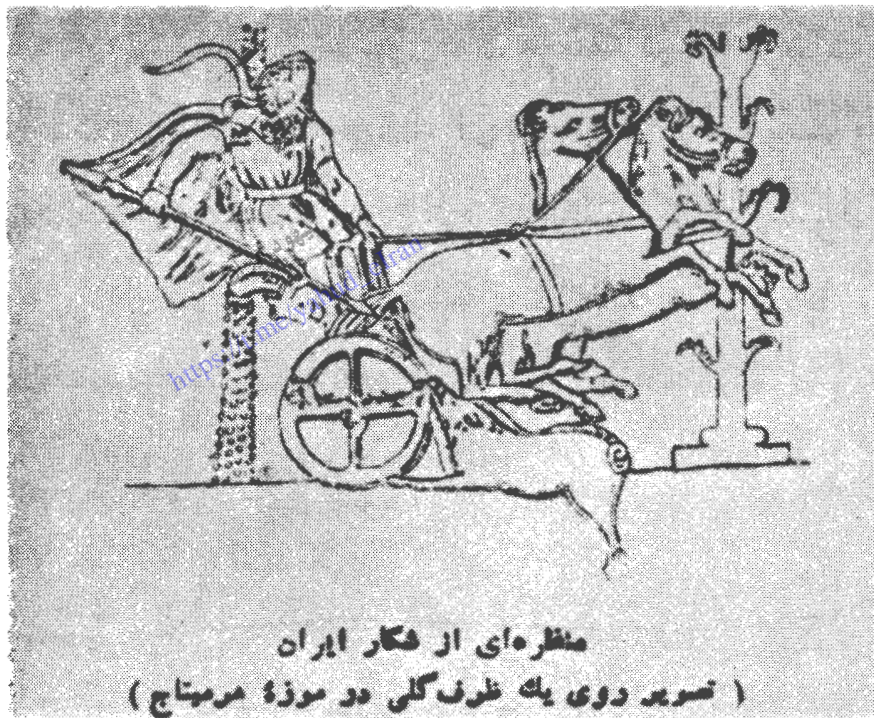
برعکس زره « که نشانه‌ای از آنها بر نقوش سنگی نیست » نمونه‌هایی

از عرابه‌های مختلف شکاری و جنگی در دست است ، از قبیل :



شکل - ۸۵ - یکنفر پارسى بَرَسَمَ بدست

- ۱ - شکار شیر با عرابه ، که روی مَهر هخامنشی کنده شده است .
« شکل ۵۲ » .
- ۲ - شکار گوزن با عرابه ، نقش روی کوزه‌ی موجود در موزه‌ی
هرمیتاژ « شکل ۸۶ » .

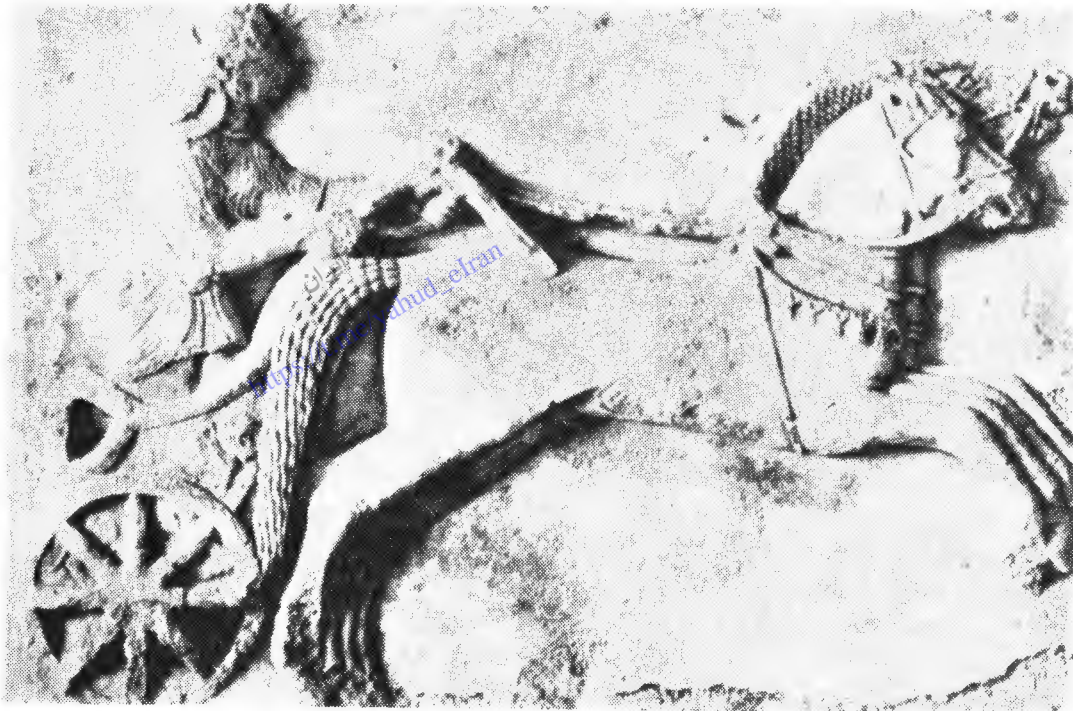


شکل - ۸۶ -

- ۳- عرابه‌سوار شلاق بدست، نقشی برجسته از عهد پارسیان « شکل ۸۷ » .
 ۴ - عرابه‌های نیمه زره‌پوش ساخته بر تخت‌جمشید « شکل ۸۸ » .

*

در باره‌ی چگونگی این عرابه‌ها در جلد اول ایران باستان بنقل از گرنفون مطالبی نسبتاً مفصل دارد. گرنفون می‌گوید: (طرز استعمال عرابه‌ها تا آترمان موافق معمول اهالی ترووا بود و این طرز اکنون هم در نزد اهالی « سیرن » متداول است. مادیها، سریانی‌ها، اعراب و سایر مردمان آسیا نیز تا آترمان باین طرز عرابه‌ها را بکار می‌انداختند) « در صفحه‌ی - ۳۴۲ - سطر - ۳ - » ایضاً نوشته شده است: (کوروش فهمید که پادشاه آسور می‌خواهد دشمنی جدید برای



شکل - ۸۷ - يك عرابه‌ی چرخ کوتاه از عهد پارسیان

او تدارك كند و چون احتمال جنگ را قوی میدید بتکمیل قوای خود پرداخت . توضیح آنکه اسبهای از اسراء و دوستان خود گرفته بر عده سوار نظام پارسی افزود و عرابه‌های زیاد بهر وسیله که می‌توانست بدست آورد .

.....
 کوروش دید که قسمت زبده قشون را روی عرابه‌ها می‌نشانند و آنها را برای زدوخوردهای بی‌اهمیت بکار برده در مواقع عمده جدال ، از وجودشان نتیجه نمی‌گیرند .

.....
 این بود که کوروش استعمال چنین عرابه‌هایی را موقوف کرد و عرابه‌هایی ساخت که برای جنگ مناسبتر بود : چرخهای این عرابه‌ها قوی‌تر است و بنا بر این احتمال شکستن آنها کمتر ، محور دراز است زیرا هر قدر وسعت چیزی بیشتر



شکل - ۸۸ - عرب‌های نیمه زره‌پوش هخامنشی

باشد، احتمال واژگون شدنش کمتر است. نشیمن (جای عرابه‌ران) از چوبی است ضخیم و بشکل برجی بلند میشود. ولی عرابه‌ران را بالاتر از آرنج نمی‌پوشد، تا او در اداره کردن اسبها آزاد باشد. عرابه‌ران به استثنای دو چشمش از سر تا پا مسلح است. در دو انتهای محور، دو داس آهنین بعرض دو آرش جا داده‌اند. دو داس دیگر در زیر قرار گرفته و نوك تیز آنها، که بطرف زمین است باید در وقت جنگ بسپاهیان بر خورده تن آنها را سوراخ کند « شکل ۸۹ » این اختراع جدید کوروش حالا هم در ممالکی که مطیع شاهان پارس‌اند، استعمال میشود).

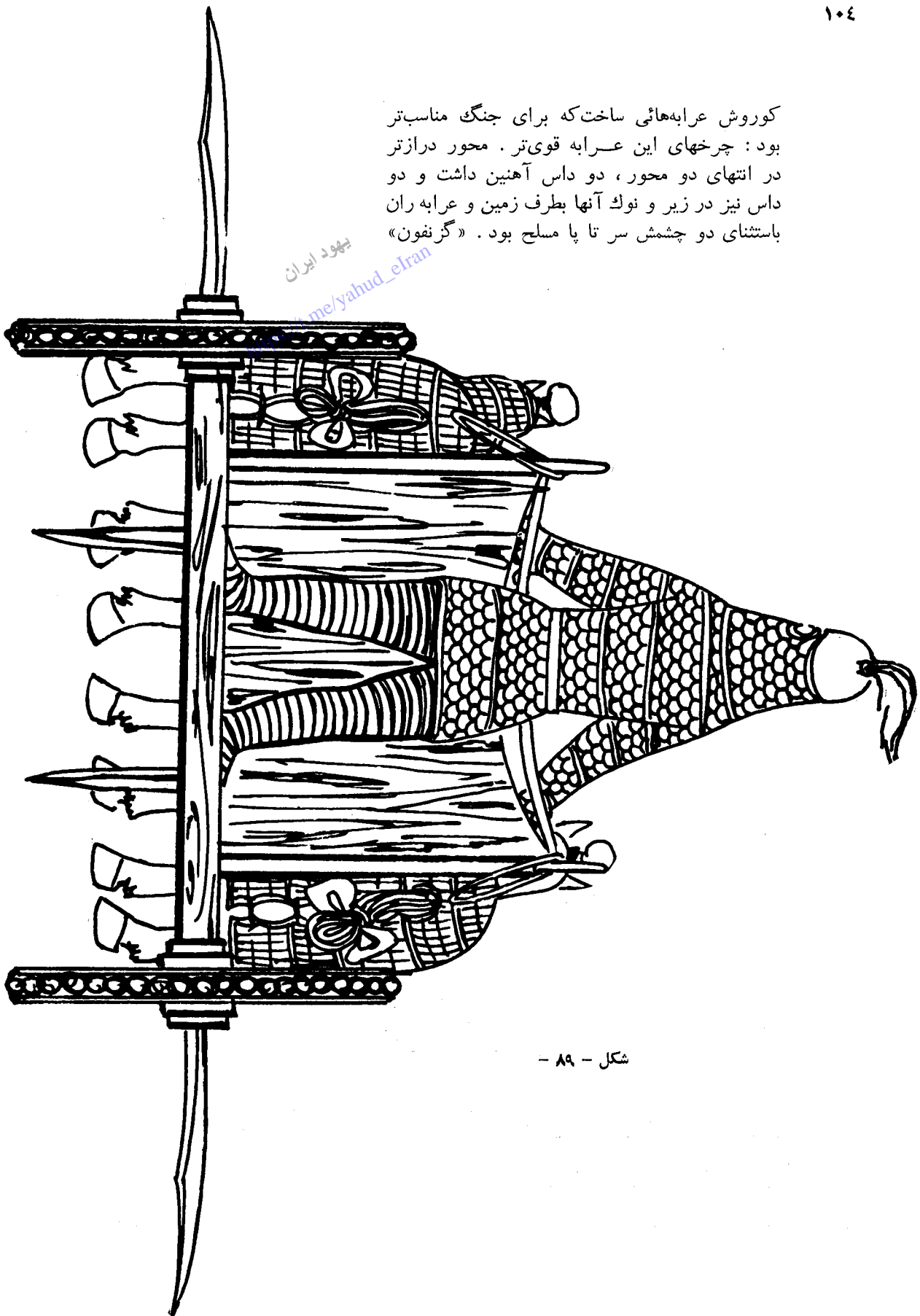
*

گزنفون در مورد سپاهیان کوروش دوم « که با اردشیر دوم می‌جنگید » نوشته است: (سپاه ایرانی کوروش مرکب بود از صد هزار نفر و بیست ارابه داس‌دار) « صفحه‌ی - ۱۰۱۲ - سطر - ۲۲ - جلد دوم ایران باستان » و در صفحه‌ی - ۱۰۱۵ - سطر - ۶ - همین کتاب، در مورد وضع جنگی اردشیر دوم نسبت بکوروش دوم، نوشته است: (در پیشاپیش قشون ارابه‌های مسلح بداس، یکی بفاصله زیاد از دیگری حرکت میکرد. داس‌ها را بمحور بسته بودند. بعضی داسها در طرفین ارابه و برخی در زیر آن بودند).

اختراع دیگر کوروش

پس از چندی آبراداتاس دریافت که کوروش ارابه‌های داسدار و اسبهای زره پوش را خیلی می‌پسندد. بر اثر آن صد عرابه داسدار بساخت، اسبهای این عرابه‌ها را از سواره نظام خود انتخاب کرد و خودش بر عرابه‌ای سوار شد که

کوروش عرابه‌هایی ساخت که برای جنگ مناسب‌تر بود: چرخهای این عرابه قوی‌تر. محور درازتر در انتهای دو محور، دو داس آهنین داشت و دو داس نیز در زیر و نوک آنها بطرف زمین و عرابه ران باسنشای دو چشمش سر تا پا مسلح بود. «گرنفون»



دارای چهار مال‌بند و هشت اسب بود. وقتی که کوروش این عرابه را دید در نظرش مجسم شد که میتوان عدۀ مال‌بندها را هشت کرد، هشت جفت گاو باین مالبندها بست و این قوه برای کشیدن برجی که با چرخها دارای - ۱۸ - پا ارتفاع باشد کافی است. کوروش پیش‌بینی کرد که چنین برجها را اگر در پس‌صف وادارد برای افواج او کمکی بزرگ و برای دشمن باعث آسیب زیاد خواهد بود. بعد او در این برجها دالانهای تنگ و کنگره‌هایی ساخت و در هر برج بیست نفر جا داد. چون برجها حاضر شد کوروش آنها را براه انداخت و معلوم گشت که راه انداختن این ماشین با هشت جفت گاو سهل‌تر و راحت‌تر از حرکت دادن عرابۀ کوچکی است که برای بنه بکار می‌رود. (گزنفون - کتاب - ۶ - فصل - ۱ - صفحه‌ی - ۳۴۵ - سطر - ۴ - از جلد اول ایران باستان).

سپرهای هخامنشی

در باره‌ی سپرهای این زمان، اغلب تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که از ترکه‌های بید بافته‌شده و روی آنرا با چرم می‌پوشانیده‌اند. اومستد، در مبحث «الواح شوشی» می‌گوید: (لوحهای دیگر سیاه‌های از سازوبرگ سپاهیان میدهند. در آنها از کمان چندتائی بشکل آسوری یاد شده؛ زه برای کمان، تیر و نی که از آن تیرها را می‌ساختند، نیزه، سپر و پوست‌هایی که با آنها سپر را می‌پوشانیدند) «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۹۷ - سطر - ۷ -».

*

هرودوت، نوشته است که پارسیان بجای سپرهای معمولی، سپرهایی

استعمال میکرده‌اند که بشکل سبد ساخته شده بوده است .

*

سترابون میگوید : (جوانان پارسی ، سپرهای لوزی داشتند) .

*

اومستد از نوعی سپرهای سبد بافت چهارگوش مادی سخن میگوید .

*

بهرحال ، آنچه تاریخ نویسان نوشته‌اند هیچکدام به صراحت ، شباهت با آنچه در نقوش سنگی تخت جمشید موجود است ، ندارد مگر از آن هرودوت « که سپر سبدي مذکوره‌ی او در دست سپاهیان تابع پارسیان میباشد » .

*

سپری را هم که کساتتوس حجار ، بر روی سنگ برای مردان باصطلاح پارسی ساخته است ، همان سپری است که مردان یونانی برهنه بدست دارند و از آن نوع سپر ، نشانه‌ای در تخت جمشید نیست « شکل - ۹۰ - » . ولی آنچه ملاک تشخیص و پذیرش است مدارك موجود در تخت جمشید و مدارك زنده‌ی دیگر است . از روی این مدارك ، بسه نوع سپر سربازان پارسی یا هخامنشی بر میخوریم :

۱- نوعی است سبدي و گرد « شکل - ۹۱ - » .

۲- نوعی دیگر، سپر بیضی‌شکل است و در دو پهلوئی خود دو سوراخ دارد و هر سوراخ به سمت بیرون سپر راه دارد و از لای آن دشمن را می‌دیدند .
« شکل - ۹۲ - » :



شکل - ۹۰ - نقل از تاریخ
ایران «سایکس»



شکل - ۹۱ - سپرهای
سبلی هخامنشی

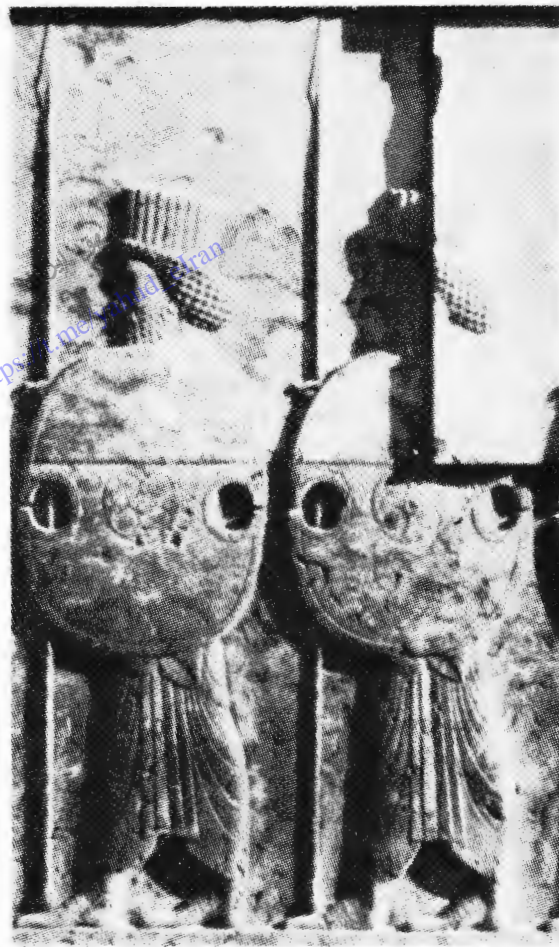


شکل - ۹۲ - سپرهای معمولی هخامنشی

این نوع سپر ، بفرآوانسی در تخت جمشید ساخته شده و از نوع معمول و مخصوص هخامنشیان است و عجیب است که تاریخ نویسان از این نوع سپر یا مشابه آن تذکری نداده اند . این سپرها گاهی تزئیناتی بر گرداگرد و همچنین در وسط خود دارند « شکل - ۹۳ - » .

*

۳ - نوع سوم ، سپرهای قدی هستند که میگویند از ترکه‌های بید ساخته



شکل - ۹۳ - سپر هخامنشی

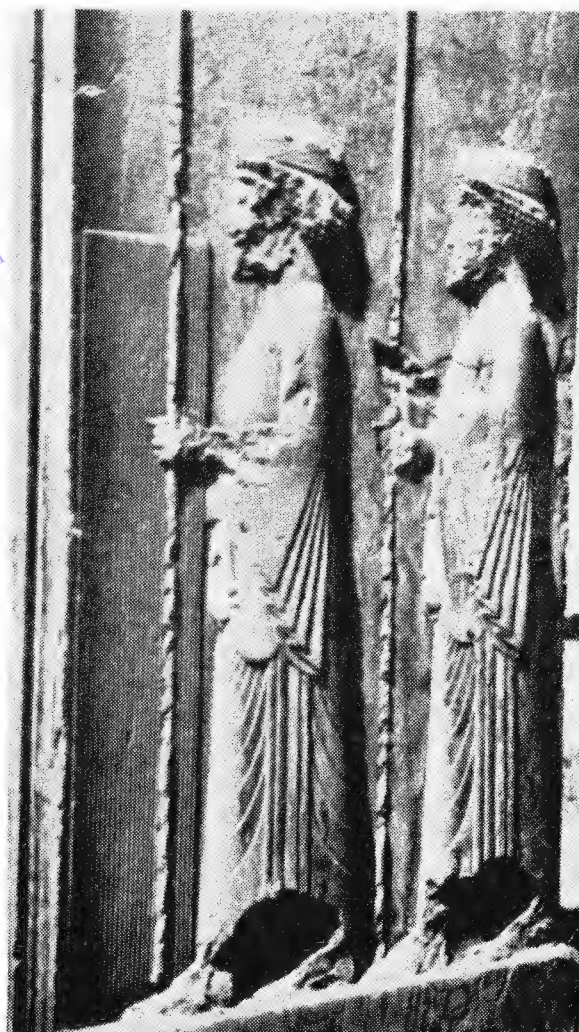
میشده است « شکل - ۹۴ و ۹۵ - ». .
از این نوع سپرها نمونه‌هایی در پازیریک سیبری کشف شده است که دارای
بافت‌های منقوش است « شکل‌های - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ». .

تیردانهای هخامنشی

از تیردان‌ها یا ترکش‌های پارسی - هخامنشی تاریخ نویسان فقط نام



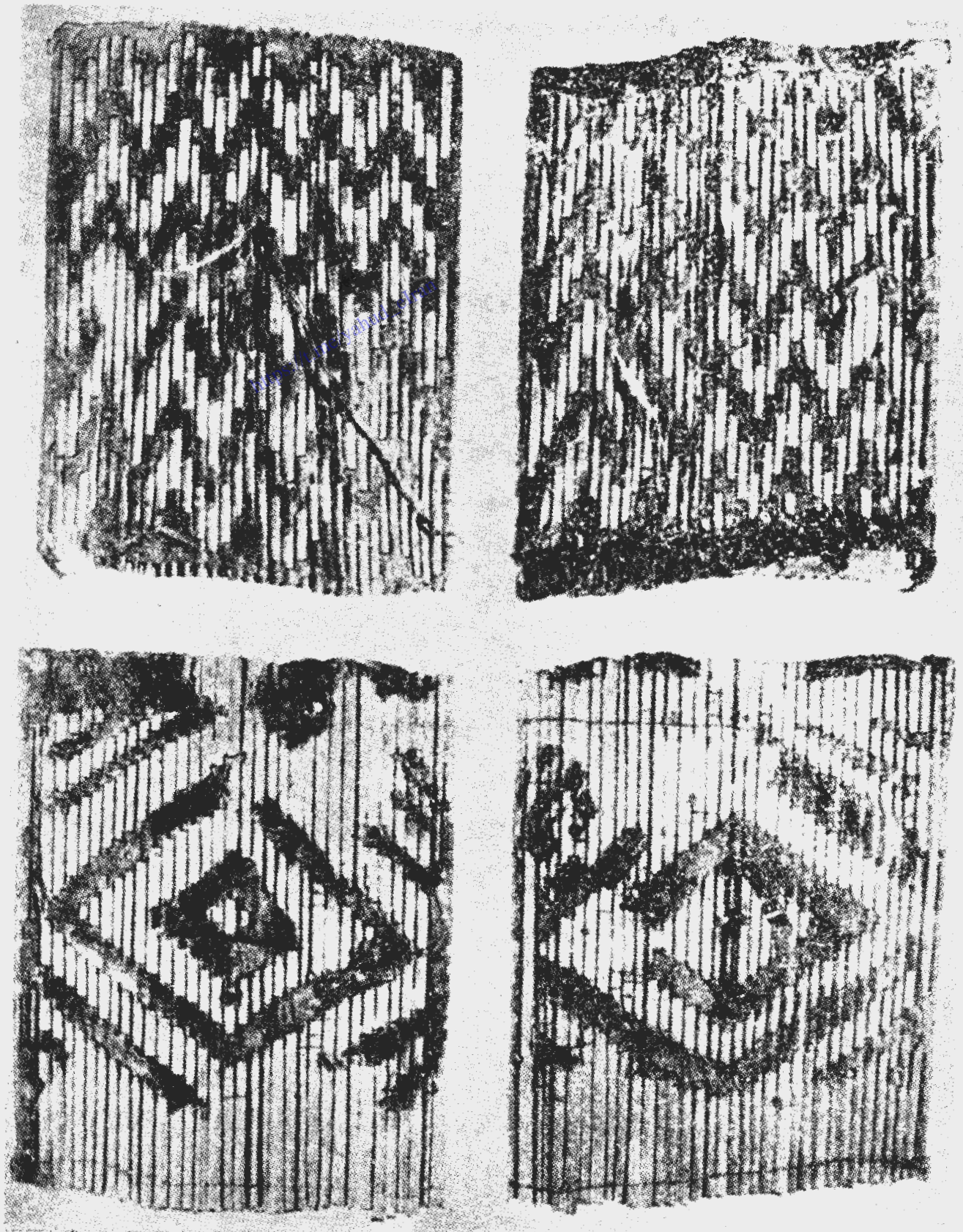
شکل - ۹۵ - سپر قدی



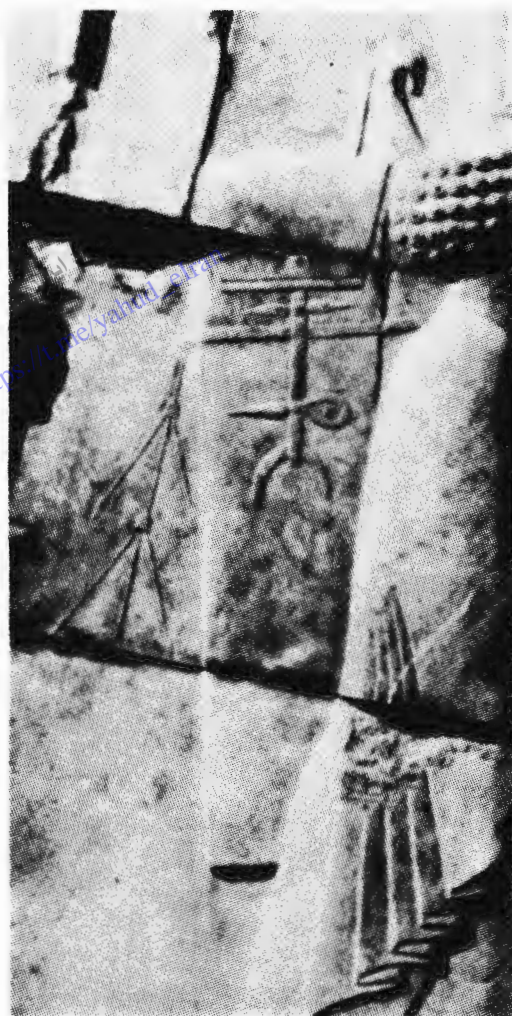
شکل - ۹۴ - سپر قدی هخامنشی

برده‌اند و درباره‌ی چگونگی آن چیزی ننوشته‌اند. ولی از آنها تاکنون بدوشکل دیده شده است: نوعی از آنها بر سنگهای تخت جمشید تراشیده شده و نوعی دیگر از نقوش کاشی لعابدار شوش باقیمانده است.

۱ - نوع اول: بشکل هرم ناقص، بلند و چهاربر با روکش چرمی است که قاعده‌ی بزرگ آن در بالا و کوچکش در پایین است «شکل - ۹۹ -»
این تیردان بوسیله‌ی تسمه‌ای چرمی که بقسمت بالا و پایین آن پیوند است روی



(ش - ۳۰) - قطعات سپر عهد هخامنشی مکشوف درپازیریک (نقل از صفحه تصاویر
شماره ۸۷ کتاب سابق الذکر آقای رودنکو)

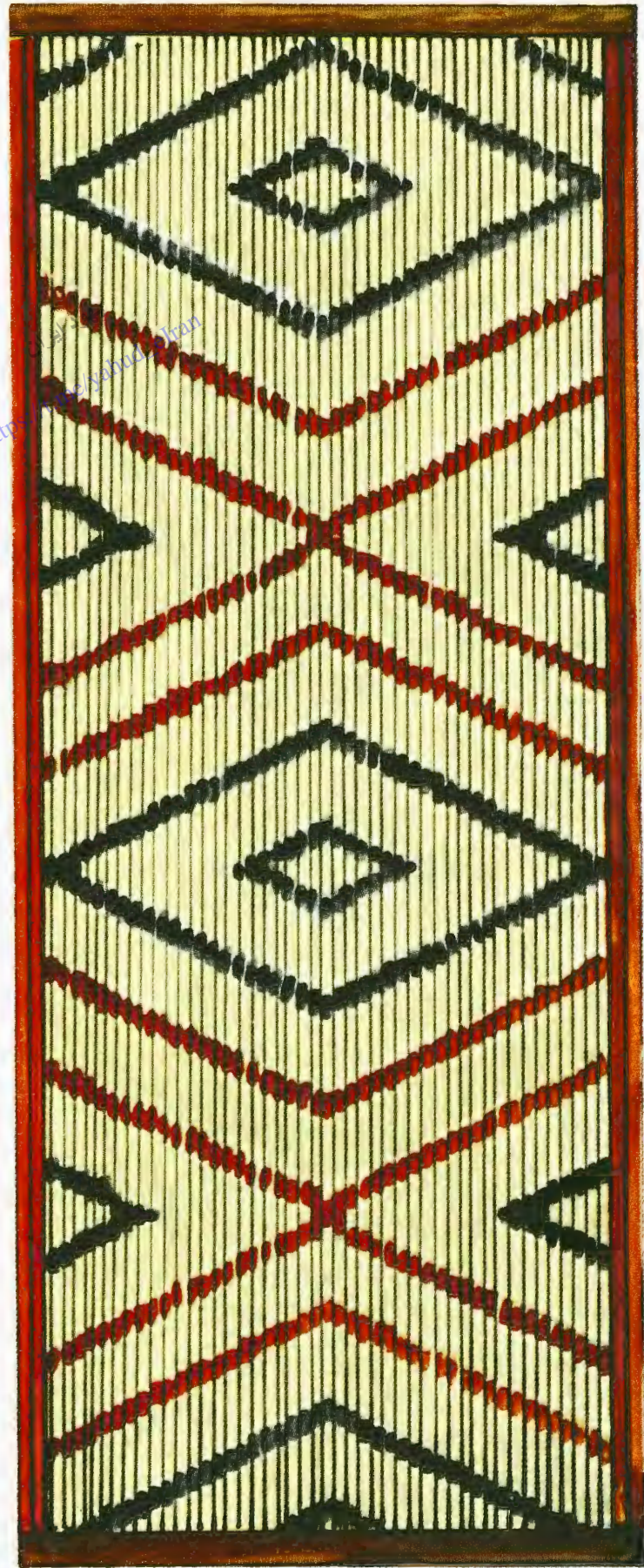


شکل - ۹۹ - تیردان هخامنشی

دوش چپ افکنده و آویخته میشود. بعلاوه، برای قشنگی، رشته‌هایی از گردنهی ترکش در دو مرحله‌ی سه‌تائی آویخته است. ضمناً، این نوع تیردانها دری دارند که بوسیله‌ی زبانهای چرمی «در جای از نیمه پیاپین تیردان» گل‌گره زده میشود.

*

۲- تیردان نوع دوم: تیردان‌های هرمی گرد میباشند، و نقوشی بشکل

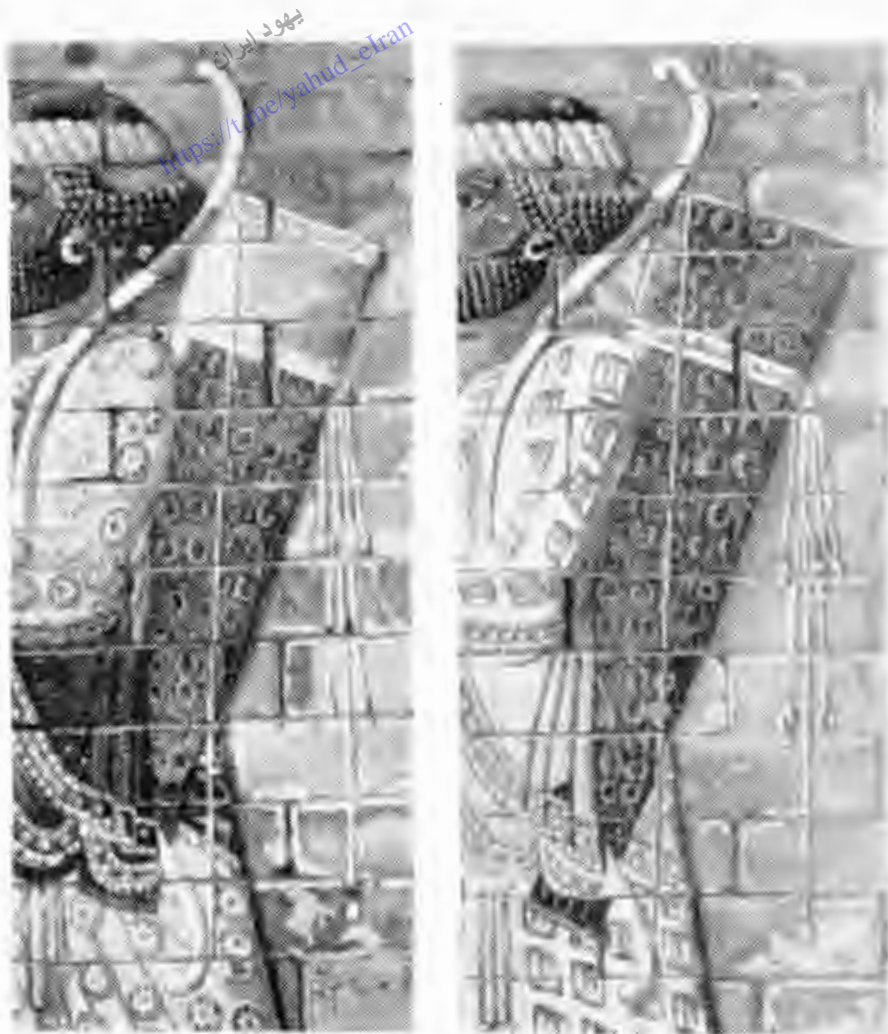


شکل - ۹۷ - سپر قدی عهد هخامنشی از روی یافته‌های
آنعهد در پازیریک



شکل - ۹۸ - سپر قندی عهد هخامنشی از روی یافته‌های
آن عهد در بازیریک

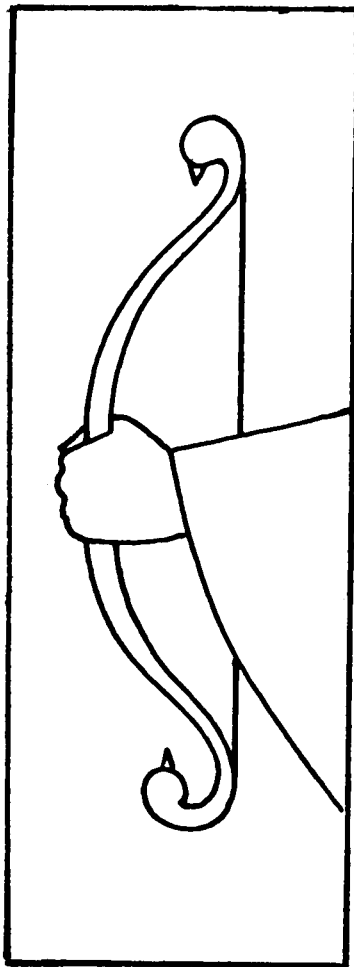
لوییای مقابل هم با رنگهای آبی - سبز کمرنگ ، بر روی آنها نقش کرده‌اند . این تیردانه‌ها مانند نوع اول ، رشته‌هایی در سه مرحله‌ی چهارتائی ، سه‌تائی و یکتائی بخود آویخته دارند « شکل‌های - ۱۰۰ و ۱۰۱ - » .



شکل - ۱۰۰ و ۱۰۱ - تیردانه‌های شوشی

در فاصله‌ی یک‌چهارم از بالا ، پهنای گردن‌ه‌ی تیردان هاست که یکی دارای زمینه‌ی آبی - سبز و دو حاشیه‌ی زیکزاک سفید و سبز - آبی است ، و دیگری دارای زمینه‌ی قهوه‌ای و در پائین یک باریکه حاشیه‌ی زیکزاک سفید و سبز - آبی

میباشد . این تیردانها در زیر تسمه‌ی محل دوش ، از جنس پارچه‌ی پنبه‌دوزی شده یا چیزی مانند آن دارند که تحمل سنگینی تیردان را بردوش آسان و آنرا سبکبار میکند . برای این نوع ترکش‌ها دری تشخیص داده نشد ، و اگر همچنان گرد و روباز و بدون در باشند ، شاید دنباله‌ی تیرها از آنمیان دیده میشد ولی از آنهم چیزی بنظر نرسید (میشود احتمال داد که تیر نسبت به تیردان کوتاهتر بوده است ، یا ، دری بر آنها « مانند در قوطی‌های گرد » در محل حاشیه‌ی زیکزاک‌ی پائینی جزم شده تصور کرد که نشان دادن آن از نظر فنی در آترمان خالی از اشکال نبوده است .

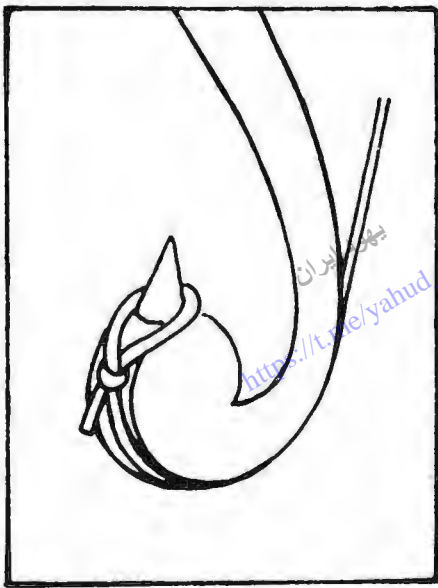


شکل - ۱۰۲ - کمان هخامنشی

کمانهای هخامنشی

کمان ایندوره صورتی ساده داشته است « شکل - ۱۰۲ - ». در دوسر آن روی گردیها ، نوکی تیز از آهن تعبیه شده بوده است که حلقه‌های زه ، بآن بند میشده و در محل شکاف پشت گردی ، جا میگرفته است ، « شکل - ۱۰۳ - ». کمان را نیز مانند ترکش بر دوش چپ می‌افکنده‌اند ، و برای اینکه در محل خود ایستاده نلغزد بر سمت چپ سینه روی پیراهن ، بندی را می‌دوخته‌اند و با دوسر آزاد آن بند در موقع لزوم کمر کمان را با آن گل‌گرمه میزده‌اند . این بند را نقوش

کاشی لعابدار شوش بر روی سینه بیمرگان
شوشی بروشنی نشان می‌دهند « شکل
- ۵۶ - » .



شکل - ۱۰۳ - سر کمان

شکل - ۱۰۴ - کماندان هخامنشی



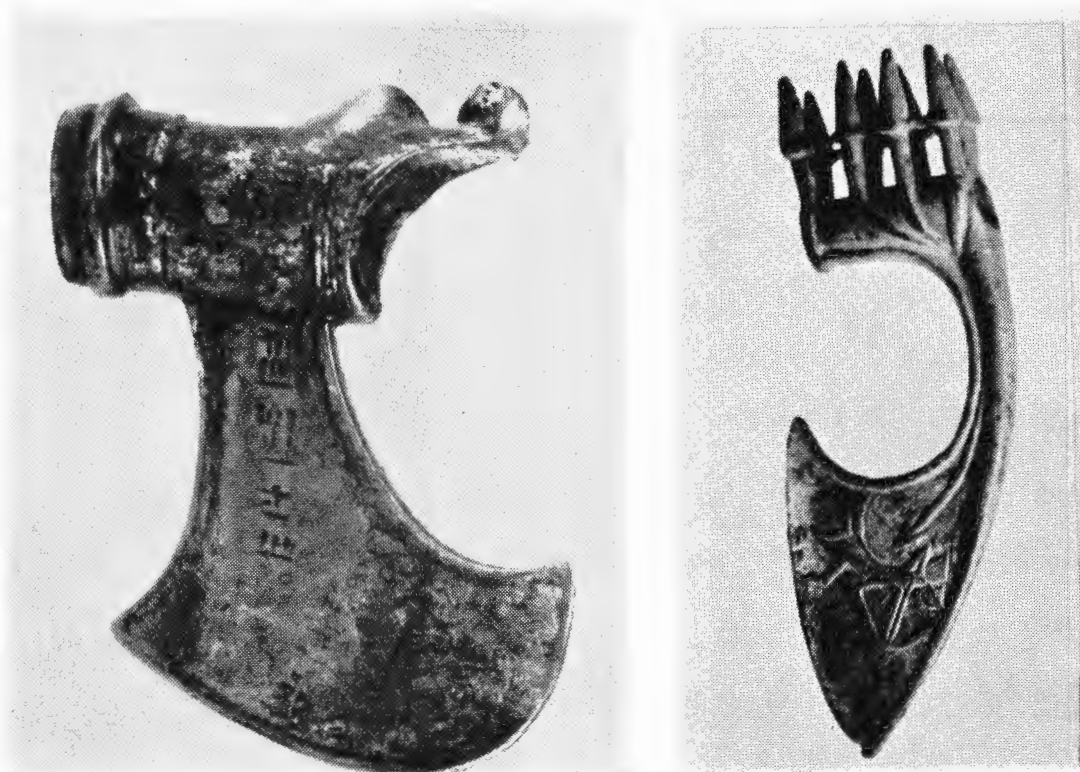
کماندان هخامنشی

کماندان ، رزم افزاری است که
تاریخ نویسان اصلاً از آن ذکری نکرده‌اند
ولی مورد استفاده‌ی مادیان و پارسیان
هر دو ، بوده و بر سنگهای تخت جمشید
به فراوانی از آنها ساخته‌اند . « شکل
- ۱۰۴ - » .

پارسیان ، کماندان را در جلوی
بدن و از گره‌ی کمر بند می‌آویخته‌اند .

تبر، کمر بند و قمه‌ی پارسی - هخامنشی

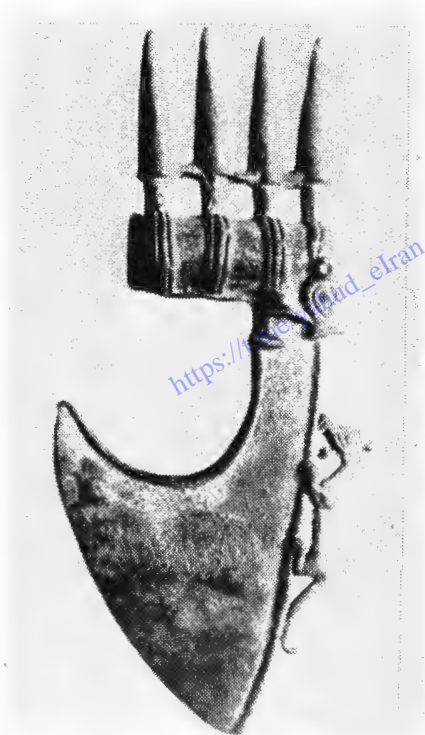
تاریخ نویسان، ضمن اشاره به اسلحه‌ی مختلف پارسی از تبر، نیز یاد کرده‌اند. ضمن انواع تبرهای پارسی «شکل‌های ۱۰۵-» «عالیترین نوع تبری که



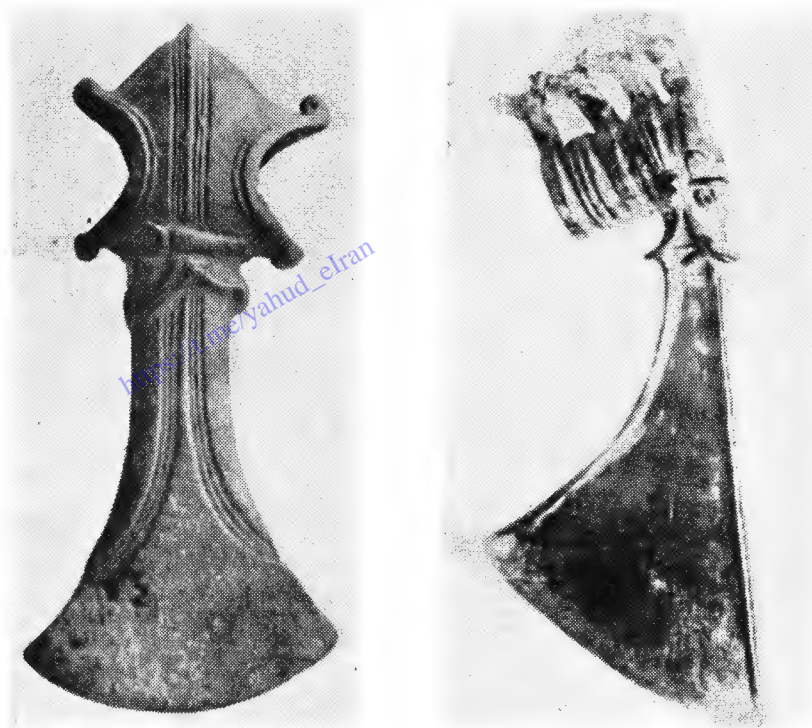
شکل - ۱۰۵ - انواع تبرهای پارسی - هخامنشی

از جمله‌ی نقوش سنگی تخت جمشید است میتوان تبر اسلحه‌دار مادی را که بر سنگ داریوش بزرگ ساخته‌اند، نام برد «شکل - ۲۱ -» :

(این نقش برجسته اینک در موزه‌ی ایران باستان پیاست) .

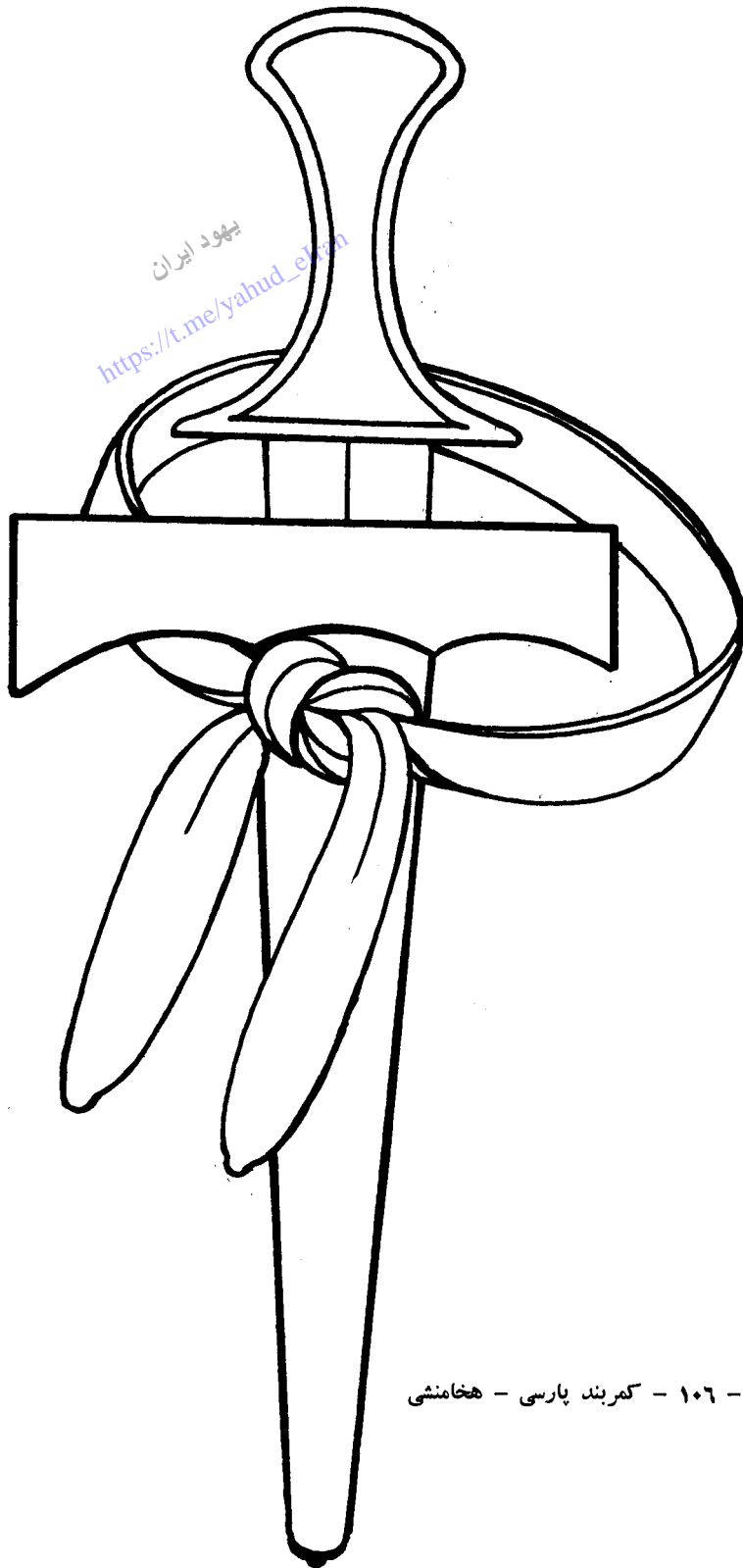


مربوط بشکلهای - ۱۰۵ - تبرهای پارسی - هخامنشی



مربوط بشکلهای - ۱۰۵ - تبرهای پارسی - هخامنشی

کمر بند هخامنشیان ، طبق نقوش سنگی ، کمر بندی است از چرم ، ولی هرودوت متذکر شده است « که کارد یا خنجری روی شال کمر آویزان میکرده‌اند » . با توجه بکمر بند داریوش سوم « که کنت کورث گفته است : شبیه کمر بند زنان بوده » بنظر میرسد که همیشه است سپاهیان پارسی از شال کمر نیز در مواردی استفاده کنند . بهر جهت ، کمر بند چرمی هخامنشیان « مانند کمر بند مادیان » یک تکه چرم به بلندی دو دور کمر بوده و در محل ختم یک دور کمر ، در جلو ، چرم باریک شده پس از یکبار دو سر آن از همدیگر رد و زیور و شدن ، دوباره گره بر میدارد . پس از آن ، چرم ، شکل عوض کرده دو سر آن از حالت باریکی در آمده هر یک بشکل محذب از دو طرف منحنی میشود و در انتهای خود چون نوک پستان یک گردی میگیرد ، و این کمر بند همان است که مادیان داشتند و پارسیان از آن استفاده کرده‌اند «شکلهای - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۳ - ۱۰۶ -» .



شکل - ۱۰۶ - کمر بند پارسی - هخامنشی

قمه‌ی هخامنشیان در نقوش سنگی تخت جمشید به وفور نشان داده شده و آثار اصلی آن نیز بدست آمده و مقداری در موزه‌ی ایران باستان موجود است « شکل‌های - ۱۰۷ - » .



شکل - ۱۰۷ - قمه‌های پارسی

هخامنشیان آنرا در جلوی بدن و پشت گره کمر بند فرو میکرده‌اند .



مربوط بشکل - ۱۰۷ - انواع قمه‌های پارسی - هخامنشی

غلاف قمه‌ی پارسی - دستگیره‌ی عجیبی دارد و احتمال می‌رود که در موقع لزوم از آن به مانند چکش و ضربه زدن بدشمن استفاده می‌کرده‌اند . زیرا هیچ علت دیگری برای وجوب این شکل غلاف بنظر نمی‌رسد « شکل‌های - ۲۶ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۳ و ۱۰۶ - » .

پرچم - علامت

راجع به علامت یا پرچم هخامنشی، گزنفون در دو جا از عقاب زرین بعنوان پرچم ذکر میکند. تاریخ نویسان دیگر همگی بسکوت گذرانده، در این باره اطلاعی نداده‌اند.

در کتاب ایران باستان جلد اول صفحه‌ی ۳۵۵- سطر ۴- بنقل از گزنفون چنین نوشته است: (. . . . از طرف راست کری سان تاس فرمانده سواره نظام، با سوارها حرکت میکرد و از طرف چپ آرساماس فرمانده پیاده نظام. کوروش بآنها توصیه کرد که چشم به بیرق داشته با قدم‌های مساوی حرکت کنند. بیرق کوروش عبارت بود از هیکل عقابی زرین با بالهای گشاده که به نيزه بلندی نصب کرده بودند. امروز هم بیرق پارسی‌ها چنین است).

*

در جای دیگر « کتاب ایران باستان جلد دوم صفحه‌ی ۱۰۱۹ - سطر ۲ - بنقل از گزنفون » چنین نوشته است: (. . . . اردشیر در اینجا پیاده نظام نداشت ولی روی تپه بقدری سوار بود که یونانیها نتوانستند بدانند اینجا چه میشود ولی همینقدر ملتفت شدند که بیرق شاه عقابی است از طلا که بالهای خود را گشوده و بر نوک نیزه‌ای قرار گرفته) « سفر جنگی کوروش کتاب - ۱ - فصل - ۱۰ - جنگ کوناکسا » « شکل - ۱۰۸ و ۱۰۹ - » .

*

هخامنشیان که مانند همه‌ی مردم بر حسب خوی و منش خود علائمی چون عقاب را « که نمودار غرور و بلند پروازی است » پیشاپیش سپاه میبردند،





شکل - ۱۰۸ - عقاب روی صفحه‌ی طلا

مسلماً علائمی دیگر نیز داشته‌اند که ما از آن اطلاع نداریم ، زیرا اعطای علامت لیاقت بسرداران ، از طرف شاهنشاهان هخامنشی « در داستانی که خواهد آمد » دلیل کافی بر این نظر است که هخامنشیان نسبت بداشتن علائمی متناسب با اعمال و روحیاتشان توجه و دقت داشته‌اند .

(دی‌نن ، در باره‌ی کشته شدن کوروش دوم می‌گوید : « در این موقع اردشیر بطرف او زوین پرتاب کرد و دیگران نیز تیرهایی انداختند و او افتاد و مرد . بروایت دیگران ، کوروش از دست یکنفر از اهالی کاریه افتاد و شاه برای پاداش او مقرر داشت که در تمام جنگها در پیشاپیش قشون برود و سر خروسی را از طلا ، بر سر نیزه‌اش دارد . زیرا پارسیها اهالی کاریه را بدان سبب که چیزی مانند تاج خروس بر خودهای خود دارند ، خروس مینامیدند » جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی - ۱۰۲۱ - سطر - ۱۰ - » .

پوشاک پارتی « اشکانی »

در تخت جمشید ، از میان تعدادی اقوام مختلف « که زیر تخت شاهی را گرفته‌اند » مردی نموده شده است که او را پارتی معرفی میکنند « شکل - ۱۱۰ -
نقش نفر بشماره‌ی - W 7 - » :

مردی است با پیراهن تا بزانو بلند ، دارای کمر بند ، شلواری گشاد و کفشی ساقه بلند « با نوک پنجه‌ای اندک به سوی بالا برگشته » و موهای سرش بوسیله‌ی نواری در پشت سر بسته است .

تاریخ نویسان با نوشته‌های فراوان در باره‌ی این قوم گزارش‌هایی داده‌اند که اگر آنها با مدارک زنده و پذیرفتنی مقایسه شود مطالبی را کم و بیش روشن میکند .

*

چنانکه از نوشته‌های ژوستن « کتاب - ۴۱ - » و هرودیان « کتاب - ۶ - بند - ۲۰ - » استنباط میشود ، لباس پارتی‌ها عبارت بود از ردای بلندی که تا قوزک پا



شکل - ۱۱۰ - یکنفر اشکانی بنشانهی W 7

میرسیدا^۱ و زیر آن چیزی مانند ارخالق و شلوار می‌پوشیدند . این لباس از رنگهای

۱ - لباس پارتی « حتی پیراهن‌کسانی از این قوم که برای اجرای مراسم مذهبی پیراهن بلند سفید پوشیده‌اند » طبق مدارک موجود در دورا اوروبوس ، تا بقوزک پا نرسیده فقط تا بوسط ساق ختم شده است « مؤلف » .

مختلف بود و بقول لوگیان گاهی لباس زر دوز یا سیم بفت نیز می پوشیدند ، و بقول یوسف فلاویوس « کتاب - ۱۸ - فصل - ۲ - بند - ۴ - » خنجر یا قمه‌ای بر کمر داشته و آنرا بسان اسلحه یا ابزار کار ، بکار می بردند . (نقل از جلد سوم ایران باستان صفحه‌ی - ۳۶۸۶ - سطر - ۲۰ -) .

*

سرپرسی سایکس می نویسد : (. . . . لباس پارتیها مانند پارسی‌ها قبائی بلند و گشاد بود که در آترمان معمول مردم ماد بود ، و شلواری فراخ که میان جماعت پتان الآن هم مرسوم است . بجای کلاه چیزی بشکل نوار بر گرد سر می بستند که از دو طرف منتهی بدو رشته دراز میشد و یا « تیار » تاج گردی مخصوص پادشاهان هخامنشی بر سر میگذاشتند . موهای ریش و سر را پیچیده مجعد مینمودند ولی این رسم باختلاف اوقات تغییر میکرد . هنگام جنگ سلاح آنها کلاهخودی بود از فولاد صیقلی شده ، یراق اسبها بسیار با ثروت و قیمتی و دهنه و گل میخهای زرین معمول بوده است . اسلحه عمده ملی ، کمانی بوده پر قوت و شمشیری هم حمایل میکردند . بستن قمه در میان طبقات بدون تخلف معمول بود . حربه عمده سواران سنگین اسلحه ، نیزه بوده است . لباس اشک اول بطوریکه در مسکوکات دیده شده و گاردنر آنرا ذکر مینماید بدین قرار بود : « خودی مخروطی شکل شبیه بخودهای آشوری‌ها بر سر داشتند که دنباله یا آویزه‌ی زره از اطراف آن برای حفظ گوش و گردن آویخته بوده است ، و نیمتاجی یونانی بر آن بسته . گوشواره‌ها بگوش آویخته و گردن بندی ساده در گردن داشت ، زرهی در بر مشتمل بر پولک‌ها و یا حلقه‌ها که بازوها را تا بند دست و پاها را تا قوزک می پوشانیده است ، و روی آن عبا یا جبه نظامی پوشیده ، کفش‌ها را با بند بساق پا می بست » .

اما پادشاهان بعد از اشک این لباس را متروک و فقط « بجامه نرم

و عبائی بر روی آن اکتفا میکردند « (جلد اول تاریخ ایران باستان صفحه‌ی - ۴۹۸ - سطر - ۲۳ -) .

*

در تحقیقاتی که شد و مقایسه‌هایی که بعمل آمد، نظر سایکس بنقل از گاردنر بحقیقت نزدیکتر است؛ زیرا از چند جهت نمونه‌هایی موجود است که شکل لباس پارتیان یا اشکانیان را روشن میسازد.

*

لوحی است گلی، نقش برجسته‌ی مردی اشکانی را نشان میدهد که دست راستش را بعلاقت حرمت، بسوی ستاره‌ای بجلو برده است. قبائی آستین بلند تا بمیچ دست پوشیده و دامن آن نیز تا بزانو میرسد. طرح گریبان آن که از بر گردن تا تهی‌گاه آرنج دست راست فرود آمده، در یکطرف فقط معلوم است. بدور کمر قبا، چیزی بمانند کمر بند پیچیده، شلوار او گشاد و پر چین است. دستبند بمیچ و یاره بگردن دارد. کفش او بعلت خرد شدن لوح در اینقسمت، قابل تشخیص نیست « شکل - ۱۱۱ - » .

*

در شکلی دیگر « که مربوط بنقوش سنگی تنگ سروک بهبهان است و محققین آنها را از اشکانیان میدانند »، مردانی را ساخته‌اند که با همه‌ی خرابی‌ها که بر آنها وارد آمده، شامل خصوصیات است که به روشن شدن مقصود کمک میکند: در این نقش « شکل - ۱۱۲ - » مردی که در سمت چپ قرار دارد « و هم اوست که اندکی در هیئت عمومی سالم مانده است » قبائی بلند تا بزانو پوشیده و یخه‌ی سه‌گوش آن بخوبی قابل تشخیص است. کمربندی



شکل - ۱۱۱ - لوح گای مرد اشکانی

بر میان بسته دارد و شمشیری بوسیله‌ی دو تسمه‌ی چرمی از آن در جلوی بدنش
حمایل است .

*

در میان نفوش دیگر تنگ سروك دو مرد دیده میشود که ایستاده پیراهن



شکل - ۱۱۲ - نقشی از تنگ سروک بهبهان

بلند تا بزانو پوشیده‌اند . دست راست خود را روی سینه بالا آورده و دست چپ را در محاذی کمر بر روی شال یا رواندازی که بر دوش چپ افکنده‌اند ، گذارده آنرا نگاهداشته‌اند . کمربندی چون کمر بند مادی - پارسی بر میان بسته دارند و شلواری گشاد پوشیده‌اند . بنظر میرسد که دمپای شلوار جمع شده و درگردنه‌ی پا بهم آمده است . بر روی پیراهن یا شلوار صافشان طرح چین و چروک تشخیص داده نشد « - ۱۱۳ - » .

*

بر همین زمینه پوشاک ، در نقش دیگری از تنگ سروک ، دو مرد اشکانی پوشیده دارند که یکی ایستاده و دیگری بر تختی لمیده ، بر بالشی تکیه زده است . « شکل - ۱۱۴ - » .



شکل - ۱۱۳ - نقش اشکانیان از تنگ سروک

مرد ایستاده ، طوقی بگردن ، شنلی بر دوش و کلاهخودی جالب بر سر دارد . (از این نوع کلاهخود ، علاوه بر دو نفر دیگر این عکس که در سمت چپ روی صندلی نشسته‌اند ، و بر دور سر یکی از آنان هاله‌ی نورانی نمایان است ، برای مردی نیز ، که در میان بشقاب‌ی حکاکی شده ساخته‌اند « که او را در



شکل - ۱۱۴ - نقش تنگ سروک مربوط به اشکانیان

حال جنگ با پلنگ نشان میدهد .
 اهل فن برای این نقش بشقاب « که از اشکانیان یا ساسانیان است »
 علامت پرش گذاشته‌اند « شکل - ۱۱۵ - » .



شکل - ۱۱۵ - مرد با کلاهخود مشترک اشکانی - ساسانی ؟

موهای سر مرد ایستاده در شکل - ۱۱۴ - در دو طرف صورت پُر پشت
 است و دنباله‌هایی از کلاهخود در پشت سرش بر دیوار سنگی نمودار است . پیراهنش
 بلند و اندکی از زانو به پایین است . کمر بندی بسته و کمانی بدست چپ گرفته است ،
 و دو سر شنلی که بر دوش افکنده ، در جلوی سینه بهم آمده است .

*

در شکل - ۱۱۴ - مردی که بر تخت لمیده و بر بالش تکیه زده است ،

پیراهنی تا بزانو بلند پوشیده ، حلقه‌ای از گل بدست راست گرفته و کلاهخودی مخروطی بر سر نهاده است . موهای پُر پشت سرش ، بر روی دوشهایش انباشته و طوقی برگردن دارد .

یهود ایران

http://t.me/yahud_eIran

*

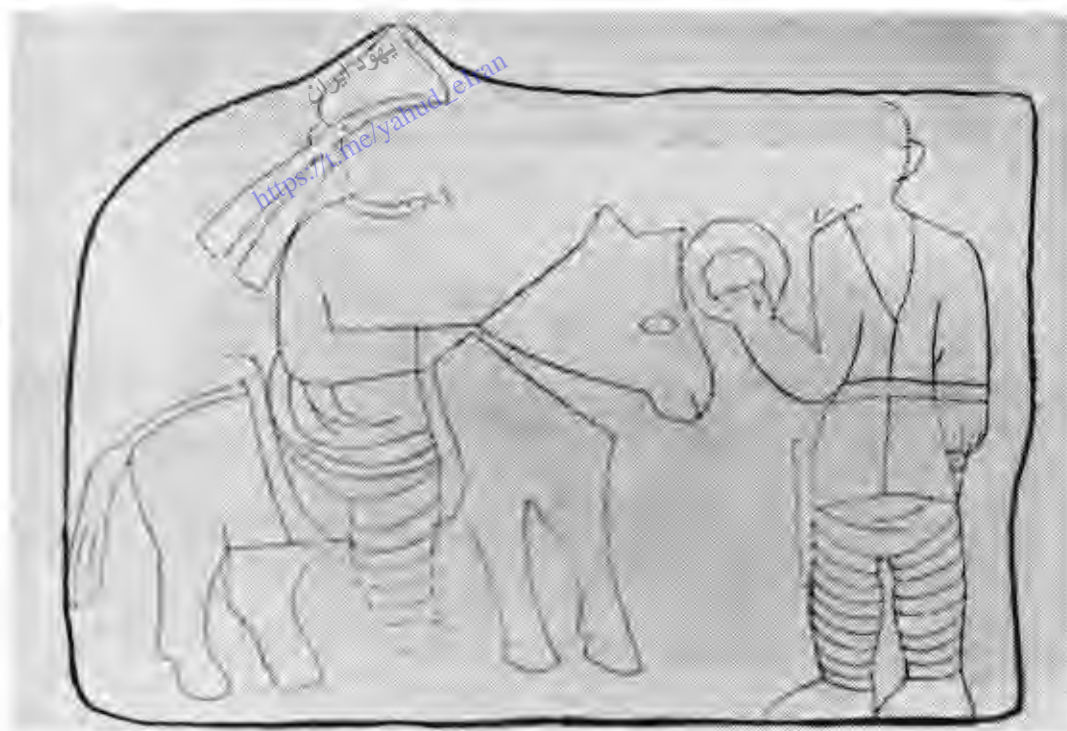
در نقش دیگری از تنگ سروک ، سواری را که کمانی بدست چپ دارد و با تیر ب حیوانی حمله کرده است ، ساخته‌اند که موهای سرش همچون اشکانیان



شکل - ۱۱۶ - نقش شکارچی سوار اشکانی در تنگ سروک

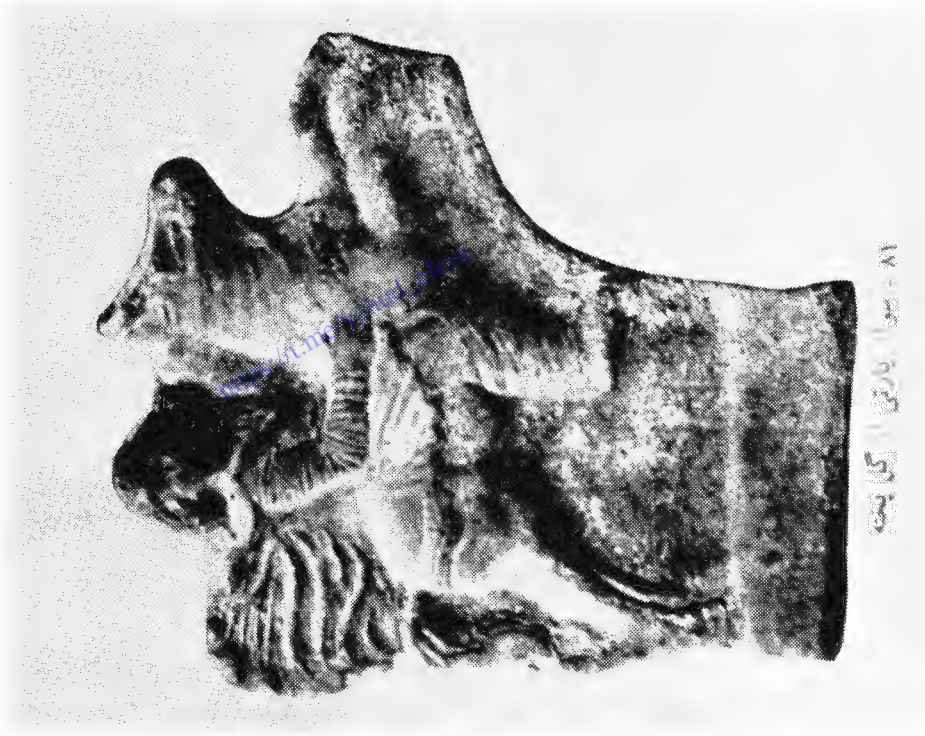
دیگر ، پُر پشت و انباشته بر دوشش افشان است و کلاهخودی میانه مخروط « از گیلی شکل » بر سر نهاده است « شکل - ۱۱۶ - » .

جز اینها ، از نمونه‌های لباس اشکانیان ، پیکره‌ای برجسته بر کوهی در سر پل ذاب هست « شکل - ۱۱۷ - » که نوع لباس سواران پارتی را بیاد

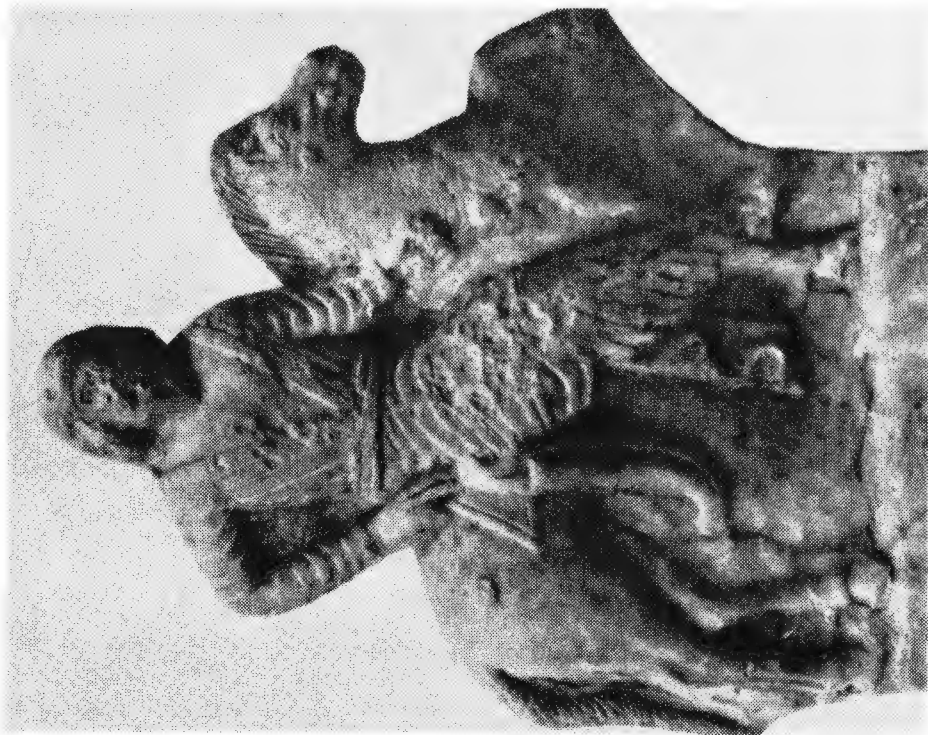


شکل - ۱۱۷ - طرح نقش برجسته‌ی اشکانیان در سرپل ذاب

می‌آورد « شکل‌های - ۱۱۸ - ۱۱۹ - و ۱۲۰ » زیرا این سواران ، پیراهن پرچین و شلوار گشاد بهمان طریق که تاریخ نویسان نوشته‌اند بر تن دارند ، و مانند این نوع لباس بر سکه‌های اشکانی نیز حک شده است . « شکل - ۱۲۱ - » و امروزه ، قسمت اعظم مردم شرق ایران از این نوع تن‌پوش دارند . پیراهن مردم شرق ایران دارای چین‌هایی است که از هشت تا - ۱۶ - ترک تشکیل میشود . « شکل‌های - ۱۲۲ - » . این ترک‌های منظم آنها ، یادآور طرح‌های پوشش‌هایی است که بر استخوان‌های مانده از زمان اشکانیان ، حک شده است . جزئیاتی در این طرح‌ها دیده میشود که آشنائی با البسه‌ی اشکانی را بیشتر میکند : (بر یکی از آنها طرح مردی



شکل - ۱۱۸ - سوار اشکانی



شکل - ۱۱۹ - سوار اشکانی



340 - CAVALIER PARTHE (I^{er}-III^e S. APR. J.-C.). — MUSEE DE BERLIN

شکل - ۱۴۰ - سوار اشکانی

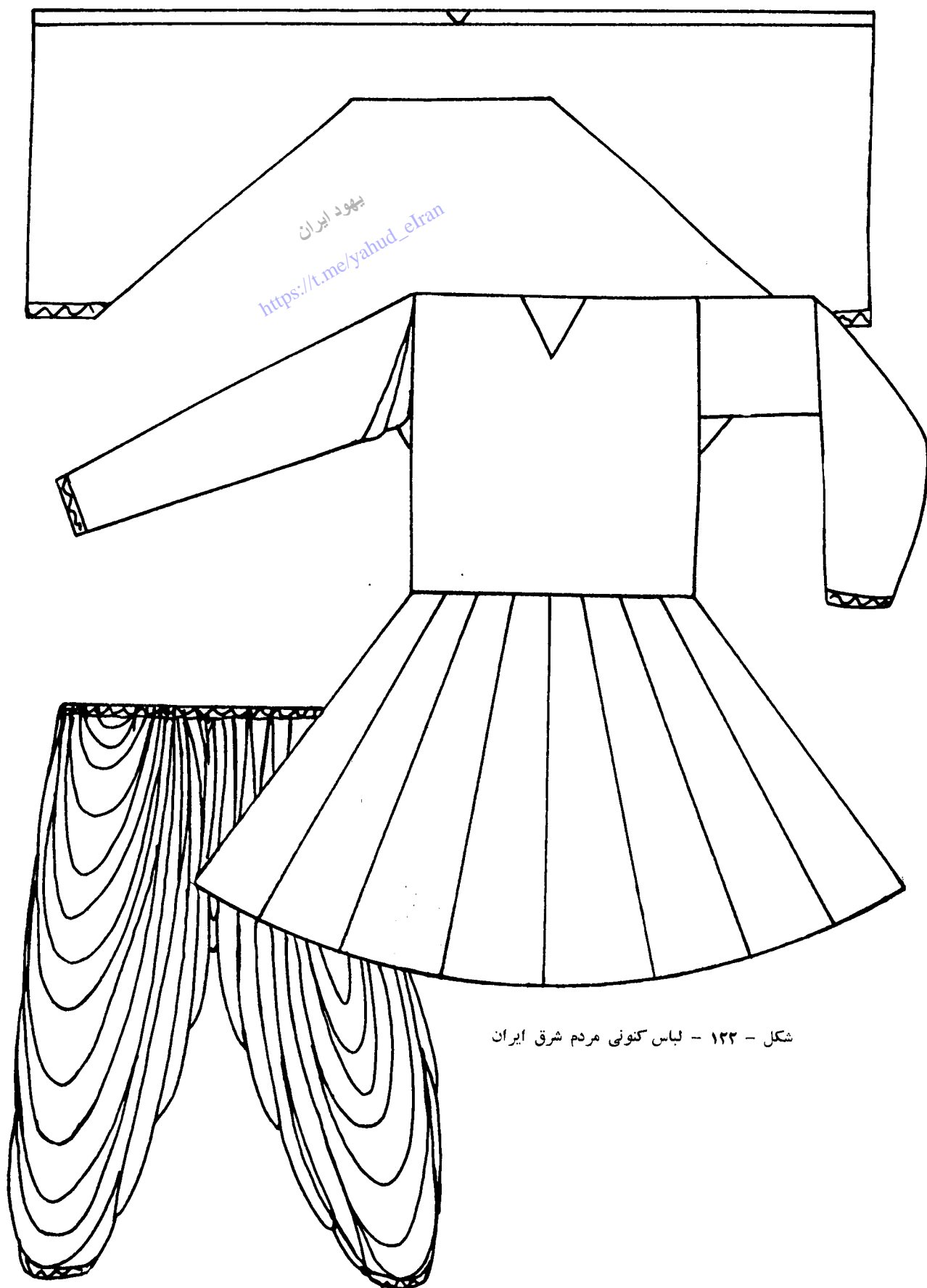


شکل - ۱۲۱ - سکه‌ی مهرداد دوم

است ایستاده با موهائی انباشته . پیراهنی بلند تا بزانو پوشیده که یخه‌اش گرد است و در جلوی گردی یخه ، شکافی پیاپین طرح کرده‌اند که نشان میدهد حلقه‌ی یخه‌ی گردن را تنگ می‌گرفته‌اند و برای اینکه سر بتواند از آن رد شود آنرا در جلو چاک میداده‌اند . آستینش بلند است ، آنچنان که از روی انگشتان دست نیز گذشته و آنرا پوشانیده است . این آستین زائد ، از مچ دست پیاپین قیفی‌شکل و چین‌دار است . کمربندی « که از گردیهای بهم پیوسته تعبیه شده است » بکمر بسته دارد و دامن پیراهن در دو پهلوئی چپ و راست از محل برجستگی لگن خاصره پیاپین ، ترک‌های چین‌دار عمودی دارد . شلواری نیز چین‌دار پیا کرده است که تا بوسط ساق میرسد « شکل - ۱۲۳ - » .

*

بر استخوان دیگری ، مردی اشکانی ایستاده حکاکی شده است که با همان مشخصات است « شکل - ۱۲۴ - » جز اینکه از زیر گردن تا انتهای دامنش



شکل - ۱۳۳ - لباس کنونی مردم شرق ایران



شکل - ۱۳۳ - مردان اشکانی ، حکاکی بر روی استخوان ، با شلوار کوتاه



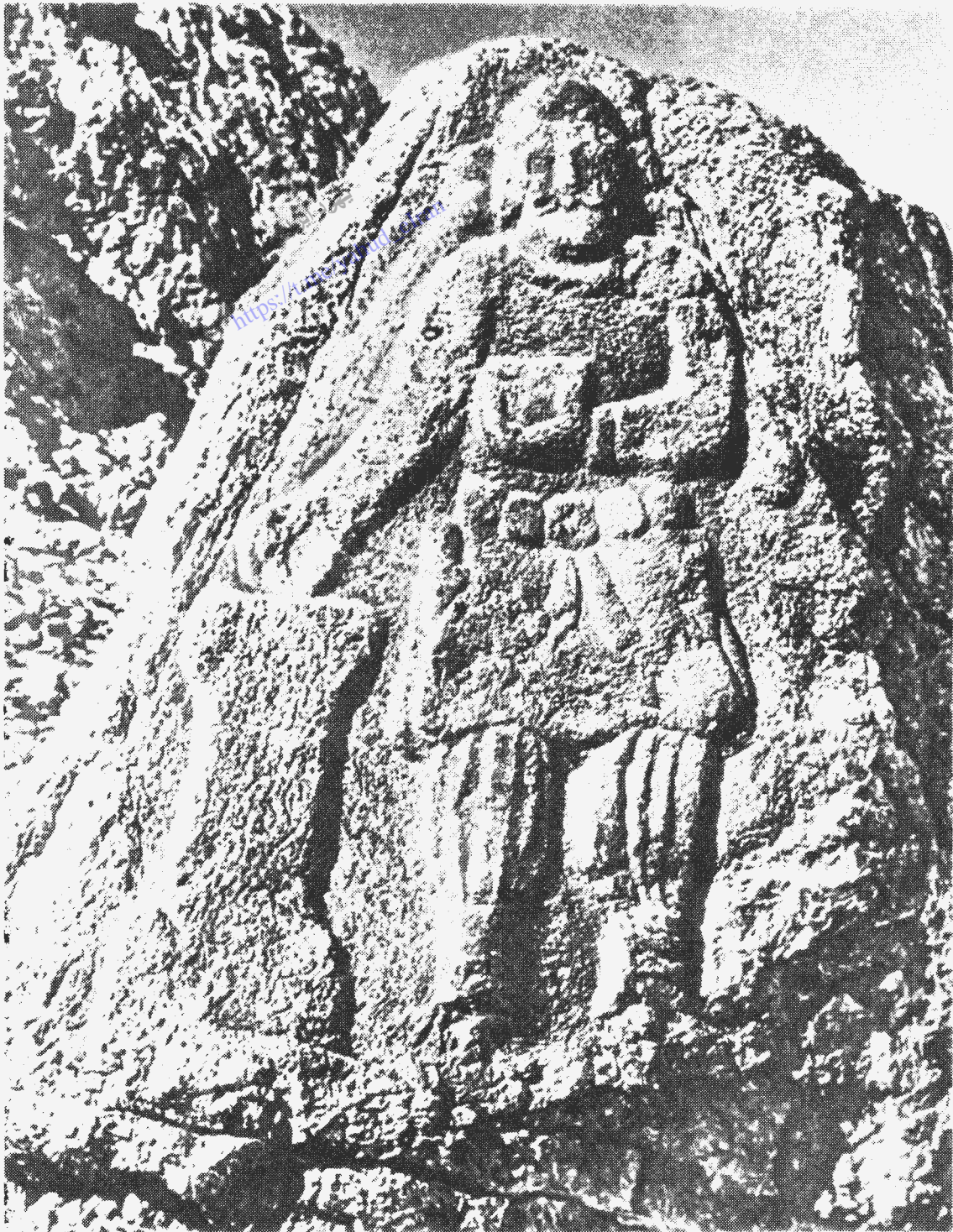
شکل - ۱۳۴ - مردان اشکانی با شلوار کوتاه ، حک شده بر استخوان

در جلو ، يك حاشيه‌ی پهن حك شده دارد كه با تزئين لباس مهر اشكاني « نقاشی‌های متعلق به دورا اورویوس در بین‌النهرین » همانند است « شكل - ۱۲۵ - » .



شكل - ۱۲۵ - چهره و لباس مهر اشكاني

در بیستون بر روی قطعه سنگی ، نقشی برجسته از مردی اشكاني هست كه در برابر بخوردانی پایه دار ایستاده است « شكل - ۱۲۶ - » : پیراهنی تا



شکل - ۱۴۶ - نقش مرد اشکاني در بیستون

بزانو بلند پوشیده ، حلقه‌ای بر گردن و جامی بر کف دست چپ و کمربندی از نوع کمر بند حك شده بر استخوانها بر کمر دارد « که دو دنباله از آن ، در جلوی بدن آویخته است » . شلوارش پرچین و گشاد است و کفش ساقه بلند پیا کرده است .

یهود ایران

https://t.me/yahud_eyran

*

جز اینها ، از لباس مردان پارتنی مدارك دیگر ، بفرآوانسی از نواحی بین‌النهرین و سوریه بدست آورده‌اند که پوشاک مردم نظامی و غیرنظامی اشکانی را روشن میکند . در یکی از نقوش برجسته‌ی پالمیر سوریه ، دو مرد که سربازان اشکانی معرفی شده‌اند دیده میشود که لباسشان نظیر لباس مهر اشکانی دورا ارویوس میباشد « شکل - ۱۲۷ - » : سپاهیان ، پیراهن آستین‌دار ، گشاد و تا بزانو بلند پوشیده‌اند . آستین‌ها مانند پیراهن پرچین است . دور یخه و دور دامن « و از دامن بالای در جلو » حاشیه‌های تزئینی زیاد دارند . کمربندی چون کمر بند مادی - پارسی بسته‌اند و دنباله‌ی آنرا بدو طرف کمر بند فرو کرده بقیه را آویخته‌اند . حاشیه‌های پیراهن در یکی ، مرکب از گردیهای ریز ، در میان دو خط موازی و بر گهای دو بدو مقابل هم ، قرینه سازی شده است ؛ در دیگری متشکل از گردیها و چهار گوشیهای دنبال هم است . « تزئینات دامن با دیگر تزئینات کناره‌ها ، فرق دارد » شمشیری بوسیله‌ی تسمه‌ی چرمی بکمر بسته‌اند . شلوارشان پرچین است و در داخل کفش ساقه بلندشان فرو است و شلوار ، بر راستا و روی دو بلندی ساقها ، از بالا تا پائین « که از زانو میگذرد » هر یک حاشیه‌ای دارند : که یکی ، با بر گهای دو بدو مقابل هم قرینه‌سازی شده است و دیگری چهار گوشها و گردیهای دو طرحی دارد . کفش‌های این سپاهیان ، ساقه بلند است و زبانه‌ی بلندشان در جلو و بالای ساقی پیداست .



شکل - ۱۳۷ - سپاهیان اشکانی . نقش از پالمیر سوریه

در نقش برجسته‌ی دیگر از پالمیر، مردی اشکانی بر تشك مزین لمیده جبه‌ای بر روی پیراهن بتن دارد که جلو باز است و گرداگرد لبه‌ی آن از يك گوشه‌ی دامن به یخه ، تا گوشه‌ی دیگر دارای حاشیه‌ی زیبا میباشد « شکل - ۱۲۸ - » .
این مرد جورابی منقوش و ظریف پیا کرده دارد .

پهلود ایران

https://t.me/yahud_elran

*

نقشی از مردی اشکانی از ساکنین هاترا « Hatra » در بین‌النهرین هست که یخه‌ی پیراهنش به پهلوی چپ منتهی میشود . تبری بدست راست دارد و قبضه‌ی شمشیری بلند را « که با تسمه‌ی چرمی بکمرش آویخته » با دست چپ گرفته است . پیراهنش بر محل یخه و دور دامن دارای حاشیه است . شلواری گشاد و پرچین پوشیده و بجای یکراسته حاشیه بر جلوی آن ، صفحاتی گرد « در یکراسته » از بالا تا پائین بر آن نصب است . این تزیینات گرد ، بر روی کفش نیز ادامه دارد .
دمپای شلوار دارای حاشیه‌ای از خود شلوار است « شکل - ۱۲۹ - » .

*

دو مجسمه‌ی بسیار زیبا از دو مرد ملبس بمجمل‌ترین البسه‌ی اشکانی هست که گیرشمن آنها را در کتاب خود پادشاهان هاترا معرفی کرده است . یکی از آنان که در موزه‌ی موصل هست « شکل - ۱۳۰ - » : کلاهی بلند از نمد بر سر نهاده است (که بر دو پهلوی هموار شده‌اش ، نقوشی چهارگوش متشکل از گردیهای ریز با يك گردی درشت در داخل آنها روی آن تعبیه نموده‌اند) . این کلاه در گرداگرد لبه‌ی خود حاشیه‌ای پهن دارد که آن نیز بر دو کناره‌ی خود گردیهای برجسته دارد . در جلوی کلاه « از بعد از حاشیه » حاشیه‌ای باریکتر و کنگره‌دار ، بلندی کلاه را طی کرده به لبه‌ی پشت آن متصل میشود . در پس کلاه نیز گردن‌پوش و گوش‌پوشی توأمأ و هلالی شکل بآن منضم است .



شکل - ۱۲۸ - نقش مردی اشکانی از پالمیر سوریه



شکل - ۱۳۹ - هیئت و پوشاک مردی اشکانی از شهر هاترا در بین‌النهرین



شکل - ۱۳۰ - مجسمه‌ی پادشاه اشکانی هاترا

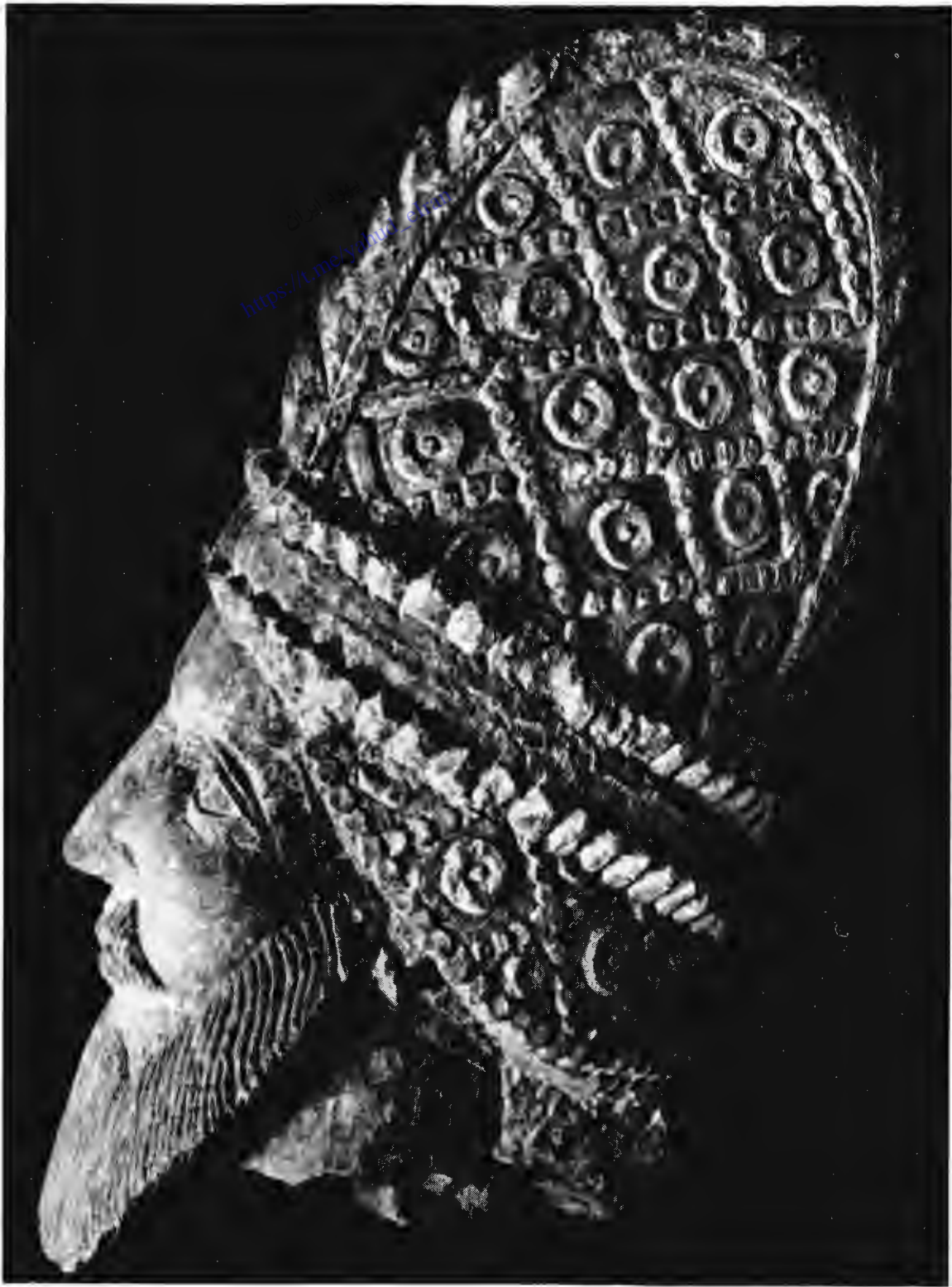
بر روی این گردن پوش نیز تزئیناتی مانند خود کلاه تعبیه شده است « شکل-۱۳۱- ». کف دست راست این پادشاه بعلامت « حرمت » بالاست و دست چپش بر قبضه‌ی شمشیری « که با تسمه‌ای بکمر آویخته » قرار دارد. پیراهنی که سراسر با نقوش چهارگوشه مزین است پوشیده و گردن‌بندی که از سه حلقه‌ی بهم پیوسته است بگردن دارد. بر روی پیراهنش کمر‌بندی چرمین بسته که دارای قلابها و تزئینات فلزی است. بعلاوه، جبه‌ای حاشیه‌دار پوشیده و شلوارش، همان شلوار گشاد پرچین اشکانی است. کفش او نیز یکپارچه ساده میباشد.

*

مجسمه‌ی دیگر که در موزه‌ی بغداد هست و سنتروک « اشک دهم اشکانی » معرفی شده است، بجای کلاه عقابی فلزی بر سر دارد که بر لبه‌ی بالای نوار فلزی روی مویش واداشته شده است. « شکل-۱۳۲- ». گردن‌بندی یکپارچه پهن بگردن اوست و کمر‌بندی فلزی و مشبك بر کمرش بسته دارد. کف دست راست او بعلامت حرمت بالاست و در دست چپش شاخه‌ی برگی قرار دارد. در جلوی پیراهن بلند آستین‌دارش از بالای سینه تا پائین دامن « که بزانو میرسد » دو حاشیه‌ی پهن منقش بدایره‌هائی (که با هم در چهار نقطه تماس دارند) و خود نیز از گردیه‌های ریز پهلوی هم چیده بوجود آمده‌اند) دارد؛ و هر دایره نیز در مرکز خود گردی بزرگی دارد. شلوار گشاد و پرچینش نیز به همین ترتیب در جلو از بالا تا پائین دارای يك حاشیه‌ی پهن و شامل همان نقوش پیراهن است. در جلوی شلوار « روی دمپا » نواری بلند، گل‌گره زده بر روی کفش مزینش افتاده است.

*

از مؤثرات پوشاک هخامنشی بر اشکانی، نشانه‌ای از مجسمه‌ی مردی اشکانی است که نشان میدهد دامن او از نوع دامن پارسیان است ولی پیراهنش



شکل - ۱۳۱ - کلاه پادشاه اشکانی هاترا



شكل - ۱۳۳ - اشك دهيم «ستروك» پادشاه اشكاني

یخه‌گرد میباشد و جلوی آن تا پائین باز است و جا بجا بوسیله‌ی بند هائی بهم گل‌گره زده شده است . آستین پیراهنش پرچین است . کف دست راست او بعلامت حرمت بالا است ؛ و پارچه‌ای چون دستار بلند بر دوش چپش افکنده است . گیرشمن ، این مرد را شاهزاده‌ای از شمی ایلام می‌نامند ، و در اینکه پارتی باشد مشکوک است « شکل - ۱۳۳ - » .



*

مجسمه‌ای فلزی از مردی در موزه‌ی برلین هست که او را پارسی معرفی میکنند ولی شنل مادی بر دوش و شلوار و پیراهن اشکانی به تن و کلاه مهربی بر سر دارد . « شکل - ۱۳۴ - » .



شکل - ۱۳۳ - مرد اشکانی ؟

پوشاک رزمی پارت‌ها

درباره‌ی پوشاک رزمی اشکانیان ، تاریخ‌نویسان مطالب روشن داده‌اند (ولی این عجیب است قومی چون پارت که طی پانصد سال در ایران قدرت داشته و برای اعتلای شخصیت ایرانی جنگها کرده و فاتح درآمده است و پشت دشمن از شنیدن یا بردن نام آنان می‌لرزیده است ، اکنون آثاری باندازه‌ی لااقل نصف آثار هخامنشی یا ساسانی از آنان نمانده است و وضعشان درست بحفره‌ای مانند است !)

بهرجهت ، علاوه بر نوشته‌های برخی از تاریخ‌نویسان ، مدارکی دیگر هست که وضعشان را از نظر پوشش جنگی روشن میکند .

*

پلوتارك می‌نویسد : رومیها از این صدای فوق‌العاده ، مرعوب شده بودند که ناگاه پارتی‌ها رویوش‌هایشان را کنده بسبب کلاهخودها و جوشن‌های رخشان مانند شعله‌هایی از آتش درخشیدند . در رأس آنها سورنا از جهت صباحت منظر و قد و قامتش نمایان بود . صورت لطیفش مینمود که برخلاف نام جنگیش است زیرا آنرا مانند مادیها می‌آراست « یعنی گلگون میکرد » و موهای روی پیشانی را از یکدیگر جدا میساخت « مقصود فرق سراست » و حال آنکه پارتی‌ها مانند سکاها میگذارند این موها بحال طبیعی بروید تا مهیب‌تر بنظر آیند . (کراسوس جلد سوم ایران باستان صفحه‌ی - ۲۳۰۸ - سطر - ۱۲ -) .

در صفحه‌ی - ۲۳۱۰ - سطر - ۱۶ - همین کتاب نوشته است : (رومیها بامید اینکه پارتی‌ها چون عدۀ کم آنها را بهینند جنگ تن بتن خواهند کرد ،

ایستادند ولی پارتی‌ها اسبهای جوشن‌دار خود را در مقابل رومیها داشته سوارنظام سبک اسلحه‌شان را در جلگه بحرکت درآوردند (« پلوتارک »

ایضاً در صفحه‌ی - ۲۳۱۱ - سطر - ۵ - می‌نویسد : (وقتی که کراسوس جوان ، بآنها می‌گفت به سواره‌نظامی که غرق آهن است حمله کنید ، رومیها دستهایشان را که بسپر دوخته بود و پاهایشان را که تیر سراسر آنرا گذشته بزمین می‌خکوب کرده بود نشان میدادند در اینوقت کراسوس بسواره نظام نهیب داده خود را بمیان دشمن افکند و سخت حمله کرد) .

و ، در صفحه‌ی - ۲۳۱۱ - سطر - ۱۱ - جلد سوم ایران باستان پلوتارک « کراسوس » نوشته است : (رومیها با زوبین‌های کوتاه و سست ضربتهائی بجوشن‌هائی از آهن یا پوست میزدند ولی پارتی‌ها که با نیزه‌های قوی مسلح بودند ضربتهائی وحشت‌انگیز بجسم گالیها که تقریباً برهنه یا سبک اسلحه بودند وارد می‌آوردند . بیش از همه ، اعتماد کراسوس جوان ، باین سوارها بود و با آنها رشادتهای حیرت‌آور کرد . آنها نیزه‌ها را با دست می‌گرفتند و بعد پارتی‌ها را از اسب بزیر می‌کشیدند و چون آنها بزمین می‌افتادند بواسطه‌ی سنگینی اسلحه‌شان نمی‌توانستند برخیزند .

*

دیو کاسیوس ، خصوصیات رزم افزار پارتیان را قسمت بندی کرده می‌نویسد : (سواره نظام پارت از دو قسمت متمایز تشکیل میشود . قسمتی سواره نظام سبک اسلحه بود و اسلحه دفاعی یعنی جوشن و زره و غیره نداشت ، اینها فقط با تیر و کمان مسلح بودند . اینها هیچگاه جنگ تن‌بتن نمی‌کردند . فقط از دور تیر می‌انداختند . قسمت دیگر ، قشون سواره نظام سنگین اسلحه بود یعنی قسمتی

که غرق آهن و پولاد می‌گشت و کلاهخود، زره یا جوشن، بازوبند و زانوبند و غیره داشت و حتی اسبابهایشان غرق آهن بودند. اسلحه‌ی تعرضی اینها کامل بود. نیزه و شمشیر و خنجر داشتند. این سواره نظام برای حمله و داخل شدن در جنگ تن‌بتن تدارک شده بود. (« جلد سوم ایران باستان ص - ۲۳۲۹ - سطر - ۶ - »
 ایضاً دیوکاسیوس - پارت‌ها - جلد سوم ایران باستان ص - ۲۶۶۴ - سطر - ۱۹ - می‌نویسد :

(اسلحه‌ی دفاعی عبارت بود اولاً : از زرهی بلند که تا بزانو میرسید . این زره را از پوست شتر ساخته بآن قطعاتی از آهن یا پولاد میدوختند . ثانیاً کلاهخودی از آهن یا پولاد بر سر میگذاشتند و يك شلوار چرمی گشاد هم که تا قوزك پا می‌رسید و گاهی پائین‌تر هم می‌آمد می‌پوشیدند) .

اسلحه‌ی تعرضی سپاه سنگین اسلحه عبارت بود از : نیزه‌ی ضخیم و محکم و بلند ، تیر و کمان و شمشیری دو دمه شبیه بقمه ، سواران سنگین اسلحه اسبهایشان را هم با زره یا برگستوان از چرم مسلح می‌ساختند و قطعاتی از آهن یا پولاد بر آن نصب میکردند (دیوکاسیوس - جلد سوم ایران باستان ص - ۲۶۶۵ - سطر - ۴ -) .

*

با توجه بگزارش تاریخ نویسان ، معلوم میگردد که پارتیان دارای رزم افزارهای زیر بوده‌اند :

(تیر و کمان ، نیزه‌ی ضخیم و بلند ، شمشیر دو دمه ، خنجر ، رانپای چرمی ، کلاهخود ، زره تا بزانو ، زانوبند ، بازوبند و برای اسبان خود برگستوان) .
 و بر اینها باید زوبین و سپر را نیز افزود زیرا در شکل - ۱۱۴ - تنگ سروك ، افسران پارتی که برصندلی نشسته‌اند هر يك با دست راست خود بالای زوبینی را



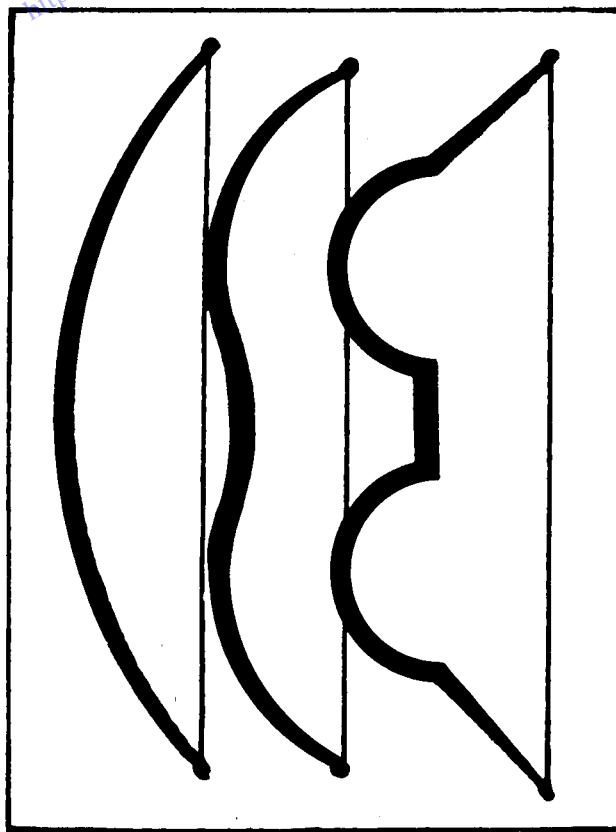
که دنباله‌هائی بر گردن
آنها بسته است گرفته
و بر آن تکیه زده‌اند
و همچنین شکل -
۱۳۵ - که یکرديف
سپاهیان اشکانی را با
نیزه‌های کوتاه و سپر
« از پالمیر سوریه »
نشان میدهد .

شکل - ۱۳۵ - رديف سپاهیان اشکانی در پالمیر

کمان پارتی - اشکانی

پارتی ها رویهمرفته از سه نوع کمان استفاده میکردند « شکل های

- ۱۳۶ - » :



شکل های - ۱۳۶ - کمان های اشکانی

- ۱ - از نوع کمانهایی که در يك نقاشی از دورا اوروپوس طرح شده است . « شکل - ۱۳۷ - » .
- ۲ - از نوع کمانهایی که بر سکه های اشکانی حك شده است « شکل - ۱۳۸ - » .



شکل - ۱۳۷ - کمان اشکانی در يك نقاشی از دورا اوروپوس بين النهرين



شکل - ۱۳۸ - کمان اشکانی بر سکه‌ی واردان اشکانی



شکل - ۱۳۹ - سه مرد با شمشیرهای انگلی در پالمیر

۳ - از نوع کمانهائی که تیرانداز اشکانی از آن استفاده کرده است
« شکل - ۱۲۰ - » .

شمشیر پارتی

شمشیر دو دمه‌ی پارتی، در شکل‌های - ۱۲۹ و ۱۳۹ - بخوبی مشهود است .



رانپای^۱ اشکانی

رانپاهای اشکانی را بر روی مجسمه‌ی مرد شمی « که میگویند باید سورنا یا سورن باشد » و همچنین روی مجسمه‌ی یکی از افسران پارتی میتوان دید .

.....
مرد شمی ایلامی « که مجسمه‌ی مفرغی او باندازه‌ی قد آدمی ساخته شده و در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است » شکل - ۱۴۰ - : سربندی از نوارهای پیوسته بهم در هشت رج بر روی پیشانی و رستنگاه موی سر بسته و دو سر هر سمت سربند در پشت سر بهم قلاب است « شکل - ۱۴۱ - » . گردن‌بندی

۱ - رانپا ، شلواری چرمی است و دو لنگه‌ی آن از هم جداست .

شکل - ۱۴۰ - مرد ایلامی « سورن اشکانی؟ »



شکل - ۱۴۱ - نیمرخ مرد ایلامی یا سورن اشکانی

بگردن دارد و تن برهنه‌اش را پیراهنی آستین‌دار « ظریف با حاشیه‌ای از پوست نرم » جلوباز پوشیده و لبه‌ی راست این پیراهن یا نیم تنه‌ی ظریف ، بر روی لبه‌ی سمت چپ آمده بوسیله‌ی کمربندی منقش ، بر تن استوار است . در پشت ، یخه‌اش برگزده ، راست طرح شده و مقداری از بن گردن و بالای پشت را نشان میدهد . از زیر دامن کوتاه این نیم تنه ، شلواری بسیار کوتاه که با تنه‌های ران

چسبیده در زیر شکم نمودار است. در بالای رانپای چرمی‌ای که پوشیده با لبه‌ی این شلوار کوتاه فاصله‌ای هست که عضله‌ی برهنه‌ی ران را نشان میدهد، و در این محل، گوشه‌ی رانپای او در زیر پیراهن « محلی که قمه‌اش جا دارد » بند است « شکل - ۱۴۲ - » .



شکل - ۱۴۳ - نیمرخ رانپای مرد ایلامی با بالشچه‌اش

(استنباط میشود که گوشه‌ی هریک از لنگه‌های رانپا بکمربندی که در زیر پیراهن است متصل باشد) .

در پشت، بر روی لمبر مرد ایلامی، چیزی چرمین شبیه ببالشچه وصل است که گوئی بکار نرم جانشستن و تکیه دادن بر زین می‌آید (این بالشچه نیز باید بر همان کمربندی که دو گوشه‌ی رانپا بآن بآن وصل است متصل باشد « شکل - ۱۴۳ ») .

*

مجسمه‌ی بی‌سر و شکسته‌ی مرد اشکانی که در پالمیر است، رانپا را بر روی شلووار گشاد و پرچین مجلل حاشیه‌داری نشان میدهد. بر تن این مرد پیراهنی ابریشمین و حاشیه‌دار است. شنلی بردوش افکنده که در اثر شکستگی مجسمه، فقط دو سر آن که بهم آمده است پیداست « شکل - ۱۴۴ » .



شکل - ۱۴۳ - هیئت عمومی مرد ایلامی از پشت



شکل - ۱۴۴ - مرد اشکانی با رانپا از پالمیر

کلاهخود و جوشن اشکانی

از انواع کلاهخودهای اشکانی « خودهای مخروطی » همچنین زره یا جوشن مردان و برگستوان اسبان که راه ذهن را برای تجسم اشکانیان در لباس جنگی مخصوص خودشان باز میگذارد، مدارکی هست که از تنگ سروک بهبهان و نمرود داغ و هاترا در اختیار است.

*

نقشی از تنگ سروک با همهی خرابیهای وارد بر آن « شکل - ۱۴۵ - » :

مردی را نشان میدهد که بر اسب سوار است. نیزه‌ی بلند ضخیمی را بدست راست گرفته و آنرا بمحاذی پشت اسب بحالت حمله بجلو داده است. تیردانی دو تائی و بهم پیوسته بر پالهنک اسبش آویخته است که بعلت خرد شدگی و خرابی، نقوش و تزئینات روی آن از میان رفته، ولی نظیر آن را در شکل - ۱۴۶ - که دو سوار اشکانی را در پالمیر با سپر و نیزه نشان میدهد بهتر میتوان دید.

اسب مرد زره پوش، سراسر جوشن پوش است « گو اینکه صورت سوار بر اثر ضربات وارده خرد گردیده چیزی را در دید اول معلوم نمی‌دارد، ولی با دقت بیشتر در پائین، روی چال‌گردن و ترقوه، نقش زره‌های صورت نمودار است. دو دنباله از پس گردن و شانه‌ی راست بیالا در اهتزاز است. سینه‌ی سوار پوشیده از یک تخته آهن، بشکل جلوی بالاتنه از کمر بیالا را پوشانده است. از زیر چال‌گردن تا مقابل ناف، شیاری بر جوشن سینه هست که آنرا بدو قسمت چپ و راست جدا میکند و بر محل پستان طرحی گرد دارد که نمایش گردی و برآمدگی جوشن در محل سینه است؛ و در پائین جوشن سینه، طرحی انحنای شکل شکم را در زیر نشان میدهد و این طرح در فاصله‌ی میان نیزه و کمر بند



شکل - ۱۴۵ - سوار زره پوش تنگ سروک بهبهان



شکل - ۱۴۶ - سواران اشکانی با سپر و نیزه و تیردان در پالمیر

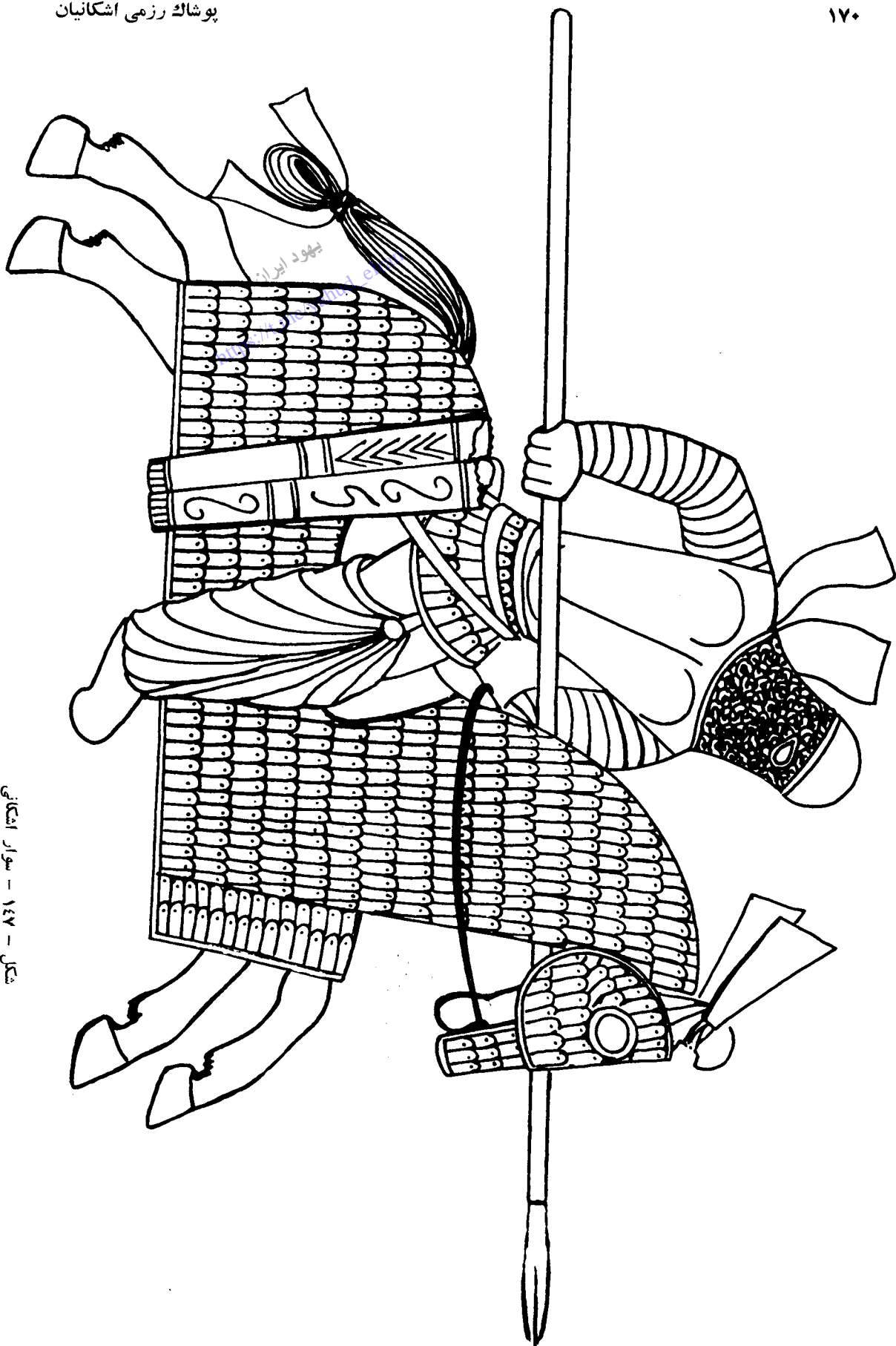
نمودار است . بازوی راست ، اثری از جوشن نشان نمی‌دهد ولی بازوی چپ شیارهای مرتب حلقه‌ای پهن آهنین را بنظر می‌رساند که دور بازو را به تدریج تا پائین گرفته است .

محل ناف سوار را نیزه‌ی ضخیم پر کرده ولی از آن بیابین ، نقش چند کمر بند و تسمه مشهود است ، که یکی کمر بند میان تن و دیگرها از آن تیردان و شمشیر میباشد « شکل - ۱۴۷ - » .

از کمر بیابین سوار ، زره تا بوسط ران بشکل تکه‌های آهنی کوچک و نظیر جوشن اسب است و پس از آن بر روی ران و ساق پا طرحهائی از چین‌های شبیه به رانپا محسوس است . اسب در حال تاخت است و دستهایش بجلو و بالا داده شده‌است . کاکل اسب بوسیله‌ی نواری پهن بسته شده و دنباله‌ی آن درهواست . برگستوانی که اسب را پوشانده حد آن در عقب ، بالای ساق و در جلو بالای ساعد است . مهار اسب بر جلوی زین گذارده است . بنظر میرسد که صورت اسب نیز جوشن‌پوش است زیرا يك گردی برحوالی محل چشم مشهود است که باید این گردی از آن جوشن دور چشمش باشد نه گردی خود چشم . برگستوان اسب ، از لحاظ اتصال آهن و شکل تکه آهن‌ها ، شباهت به همان برگستوانی دارد که درطاق بستان برای اسب سوار جوشن‌پوش « که میگویند ساسانی است » ساخته شده است « شکل - ۱۴۸ - » .

*

نقشی برجسته از اشکانیان « موجود در موزه‌ی بریتانیا » مردی را نشان میدهد که با نیزه ، به شیری حمله کرده است . این مرد کلاهخودی بر سر دارد و سراپا جوشن‌پوش است و بر بازوان او نیز از جوشن‌های حلقوی پوشیده است . جوشن این مرد نظیر جوشن برگستوان اسب تنگ سروك است . « - ۱۴۹ - » .



شکل - ۱۴۷ - سوار اشکانی



شکل - ۱۴۸ - اسب جوشن پوش طاقبستان

جالبترین نقشی که جوشن سوار و اسب هر دو را بطور کامل از اشکانیان نشان میدهد ، طرحی است کار یکی از مردم با ذوق دورا اوروپوس « شکل - ۱۵۰ - » : در این طرح ، سواری را ساخته‌اند که کلاهخودی مخروطی مرکب از پاره آهنهای مستطیلی « در سه رج » بر سر نهاده و بر نوک مخروط ، دنباله‌های نواری در اهتزاز است . از پائین کلاهخود زرهی که تا بدوش میریزد ، آویخته است . بر سینه ، تا زیر پستانها و بالای شکم زره‌های بافته و از آن بیائین تخته‌های آهن مستطیلی « در دو رج » بلند تعبیه شده است و بقیه : « دامن تا زانو » مانند زره روی سینه ، ریز بافت است . آستین از شانه تا مچ دست از حلقه‌های آهن استوانه‌ای پوشیده شده است ، پاها نیز از همین حلقه‌های آهنی تا انتهای انگشتان پا دارد . نیزه‌ای بلند بر دست راست سوار است و اسب او سراپا زره پوش است و زره آن از صفحات گرد آهن « که نیمایم بر رویهم است » تعبیه شده است .



شکل - ۱۴۹ - مرد اشکانی در شکار شیر « موزهی بریتانیا »



شکل - ۱۵۰ - طرح مرد اشکانی زره‌پوش « در دورا اوروپوس »

نظیر کلاهخود مخروطی سوار اشکانی کلاهخودی بشکل دیگر و ساده در نمرود داغ بدست آورده‌اند، « شکل - ۱۵۱ - » :

این کلاهخود زائده‌ای بمنظور حفاظت گوشها و گردن در پشت سر دارد و بر گرداگرد لبه‌اش نیز حاشیه‌ای پهن ساخته‌اند، و در جلوی آن « از بالای حاشیه » گردیهائی بشکل پولک تا بنوک مخروطی بر آن تعبیه کرده‌اند.

*

کلاهی بنوع دیگر از اشکانیان بر قطعاتی از صدف طرح شده است « که اینک در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است » و مربوط بقطعاتی از تزئینات صدفی جعبه‌ای چوبی میباشد « شکل - ۱۵۲ - » .

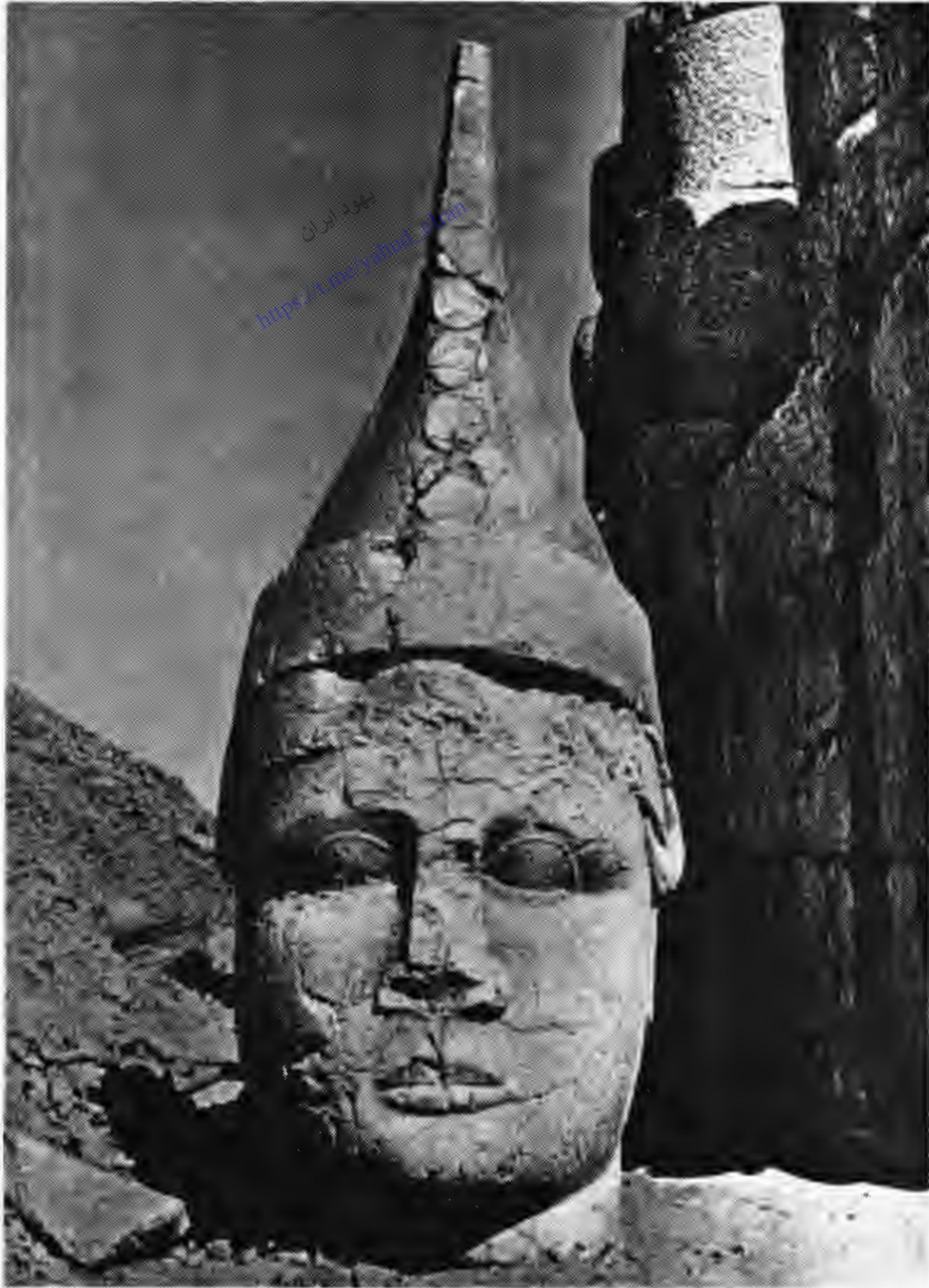
*

نوعی دیگر از کلاهخودهای اشکانی بر سر بلاش سوم است که جنس آن باید از نمد باشد و در جلوی آن تا قبه‌اش تزئینات گردی بردیف بنظر میرسد. گوش پوشهای آن تا براستای چانه، بلند است و پائین لبه‌ی کلاهخود را دو نوار که در پشت سر گل‌گره زده شده است تزئین کرده و همچنین دو دنباله‌ی پهن از پشت کلاهخود بسوی دوشها آویخته است « شکل - ۱۵۳ - » .

*

نقشی دیگر از لباس رزمی اشکانیان، لباس مجسمه‌ایست از يك افسر اشکانی که در موزه‌ی موصل هست « شکل - ۱۵۴ - » :

کف دست راست این افسر بعلامت حرمت بالاست، و دست چپش بر قبضه‌ی شمشیری بلند نهاده است. حلقه‌ای بگردن دارد و شنلی که « دو سر آن بر روی شانیه‌ی راستش بهم قلاب شده » بر دوش افکنده است. پیراهنی تا بزانو



شکل - ۱۵۱ - مجسمه‌ی یک مرد اشکانی با کلاهخود مخروطی در نمرود داغ



شکل - ۱۵۲ - نوعی کلاه عهد اشکانی که بر روی تکه‌های صدف طرح شده است



شکل - ۱۵۳ - بلاش سوم با کلاهخود



شکل - ۱۵۴ - افسر پارتی « اشکانی » موزهی موصل

بلند پوشیده و بر دو راستای از سینه بپاها تزئیناتی بر هر دو طرف پیراهن « هر يك در دو رج » دوخته است. آستین‌ها پر چین است و کمربندی با قلاب آهنی و گل‌میخها بر میان بسته دارد؛ و از آن، در سمت چپ تسمه‌ای چرمی بدسته‌ی شمشیرش بسته و تسمه‌ای دیگر که بر کمرش متکی است پائین‌تر شمشیرش بند است. شلواری گشاد و پر چین پوشیده و بر راستای بلندی هر دوپا، بر روی شلوار تزئیناتی از صفحات گرد و فلزی دوخته که تا بر روی کفش و نوک آن نیز ادامه یافته است.

*

علاوه بر نمونه‌هایی که ارائه شد، با توجه به سه مرد اشکانی شکل - ۱۳۹ - و طرح مرد زره پوش دورا اوروپوس در شکل - ۱۵۰ - « که انواع زره متداول آن عهد را ارائه میدهند » طرحی بر بشقاب منتسب بساسانیان، از دو جنگجو در موزه‌ی هرمتاژ، موجود است که دو پیاده‌ی زره پوش را در جنگ تن‌بتن نشان میدهد. این طرح از حیث شکل زره، ترکیب و اتصال آهنهای آن و کلاهخود، شباهتی نزدیک به زره‌های اشکانی دارد و یادآور زره‌های شکل‌های - ۱۳۹ - و - ۱۵۰ - میباشد « شکل - ۱۵۵ - » :

این جنگجویان هر دو زره کامل پوشیده‌اند. کلاهخودی بلند، نوک‌تیز، سه شاخ بر سر دارند. بر بدنه‌ی اصلی کلاهخود « یا شاخ وسطی » خطوطی از پائین تا بنوک آن « که رویش يك گردی تعبیه شده » شیار کرده‌اند؛ و برگرداگرد لبه‌ی کلاهخود، زرهی زنجیری که سرتاسر شانه‌ها و سینه را پوشانده آویخته است. این زره، روی گونه‌ها را نوک‌تیز پوشانده و سپس هلالی شکل بسوی زیر چانه دور بر میدارد و صورت در میان این زره پیداست.

هر دو جنگجو جوشنی بلند تا بزانو پوشیده‌اند که آستین دارست. جوشن در جلو از بالا تا پائین خطی را نشان میدهد که باید محل باز کردن و افکندن



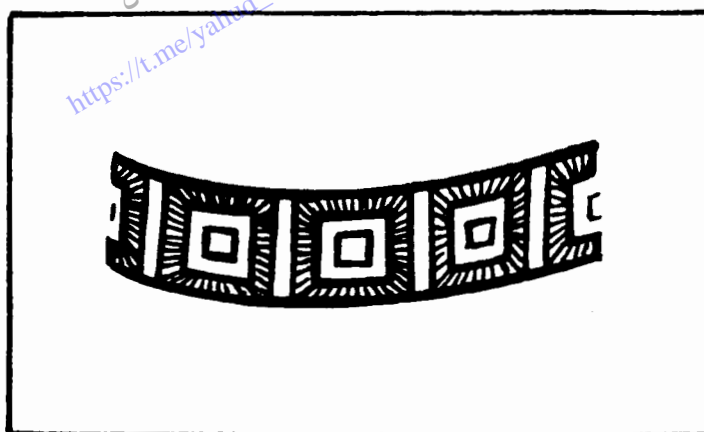
شکل - ۱۰۰ - نقش دو مرد جنگجو بر بشقاب موجود در موزهی هرمیتاژ

آن از تن باشد. از بالا تا پائین جوشن، هر طرفش را به - ۹ - بخش موازی کرده و در میان هر بخش دو ردیف آهن‌های گرد پولکی نیم‌انیم بر روی هم ساخته‌اند. آستین را نیز که تا آرنج از نوع جوشن بدن است، در امتداد بازو قسمت‌بندی کرده و میان هر یک از آنها را نیز با زره پولکی نیم‌انیم تعبیه نموده‌اند. آستین از سر آرنج تا میچ دست دارای زره زنجیری « چون زره کلاهخود » میباشد، و برای پشت دست نیز تا شروع انگشتان، تکه‌ای بر زره میچ بسته‌اند. مرد سمت چپ کمانی بدست چپ دارد که مانند یکی از انواع کمان اشکانیان است و با دست راست تیری را بر زره نهاده بسوی مرد مقابل خود نشانه رفته است؛ و حریف نیز با نیزه‌ای بلند باو حمله برده است. هر دو کمر بندی مزین بگردیها و شمشیری بر سمت چپ بدن بسته دارند و زره پائین تنه‌شان نیز مانند زره حلقوی « اشکانی - ساسانی » گرداگرد ران و ساق تا نوک انگشتان پا را پوشیده است. در میان دو پای هر یک « بر روی زمین » سپری منقوش و در زیر آنها دو تبرزین و در وسط معرکه مقداری شمشیر و گرز شکسته بطور پراکنده طرح کرده‌اند و گلی هفت پر نیز « شبیه گل بر روی سپرهای شکل - ۱۶۶ - سپاهیان اشکانی پالمیر » در آنمیان خودنمایی میکند.

کمر بند ، سربند و کفش اشکانی

در باره‌ی کمر بند اشکانی روی نقوش سنگی تنگ سروک بهبهان و سپاهیان اشکانی پالمیر « شکل - ۱۲۷ - و ۱۳۹ - » آنرا چرمی ساده و شبیه بکمر بند مادی - پارسی ساخته‌اند، و طرحهای بر روی استخوانهای مانده از آن عهد « شکل‌های - ۱۲۳ - ۱۲۴ - » و نقش اشکانی بیستون « شکل - ۱۲۶ - » کمر بندهایی را نشان میدهند که از تزئیناتی گرد و محدد « که میتواند قلابهای فلزی باشد » مرکب است، ولی بر کمر سورنا یا مرد شمی ایلامی کمر بندی پهن

است که دارای نقوش چهارگوش است و هرچهارگوشی ، چهارگوشهای دیگری در میان خود دارد که بوسیلهی خطوط مایل « هاشوری » بهم ارتباط دارند « شکل - ۱۵۶ - » .



شکل - ۱۵۶ - کمر بند سورنا

(متأسفانه گل کمر ضایع شده و ازینرو نمیتوان پی برد که چگونه شکلی داشته است) ولی شکل‌های « - ۱۳۰ و ۱۳۲ - » نمونه‌هایی خوب از کمر بندهای اشکانی ارائه میدهند .

سربند اشکانی

سربند اشکانی از يك تا چند بند بافتهی ابریشمی مرکب بوده است که در پشت سر ، دوسر سربندها بهم قفل میشده است ، یا بوسیلهی نواری گل‌گره زده میشد و دنباله‌های آن در پشت سر می‌آویخته است (شکل‌های - ۱۵۷ - « مهرداد دوم » و - ۱۵۸ - « بلاش دوم » - ۱۵۹ - « واردان ») .



شکل - ۱۵۷ - مهرداد دوم اشکانی



شکل - ۱۵۸ - بلاش دوم اشکانی

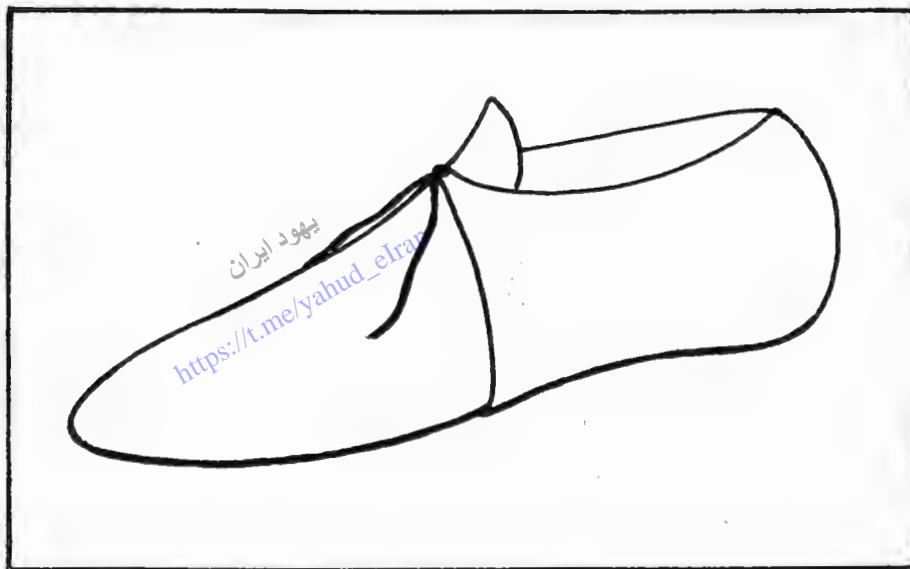


شکل - ۱۵۹ - واردان اشکانی

کفش اشکانی

کفش پارتی بچهار شکل دیده شده است :

- ۱ - نوعی از آن ساده است و رویه‌ی آن دارای دو تکه چرم است و بوسیله‌ی یک بند در جلوی دهانه‌ی کفش ، گل‌گروه زده میشود « شکل - ۱۶۰ - » (اینچنین کفشها ، در پای پارتیانی است که نقاشی آنها در دورا اوروپوس شکل‌های - ۱۶۱ - ۱۶۲ - و نقش برجسته‌ی آن در پالمیر هست « شکل - ۱۷۴ - ») .
.....
- ۲ - نوع دوم ، کفشی است که در پای مرد « شمی - ایلامی » یا سورن است ، و پنجه‌های کفش بسوی بیرون پا متوجه است و بر رویه‌ی کفش ، نیز درزی دارد « شکل - ۱۶۳ - » .



شکل - ۱۶۰ - طرح کفش اشکانی از روی نقاشی دورا اوروبوس



شکل - ۱۶۱ - نقاشی دورا اوروبوس



شکل - ۱۶۳ - نقاشی دورا اوروپوس . مردان اشکانی و کفش آنانرا نشان میدهد



شکل - ۱۶۳ - کفش مرد ایلامی «سورنا»

۳ - نوع سوم ، کفشی است ساقه بلند با پنجه‌ی برگشته بروی خود ، دو تختی ، و دارای بندهای فراوان تا بالا « که بر گردنهی پا بسته میشود » (این نوع کفش ، در پای اشکانیان ایلامی است و نمونه‌ی مفرغی آنها در موزه‌ی ایران باستان موجود است « شکل‌های - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ») .

.....

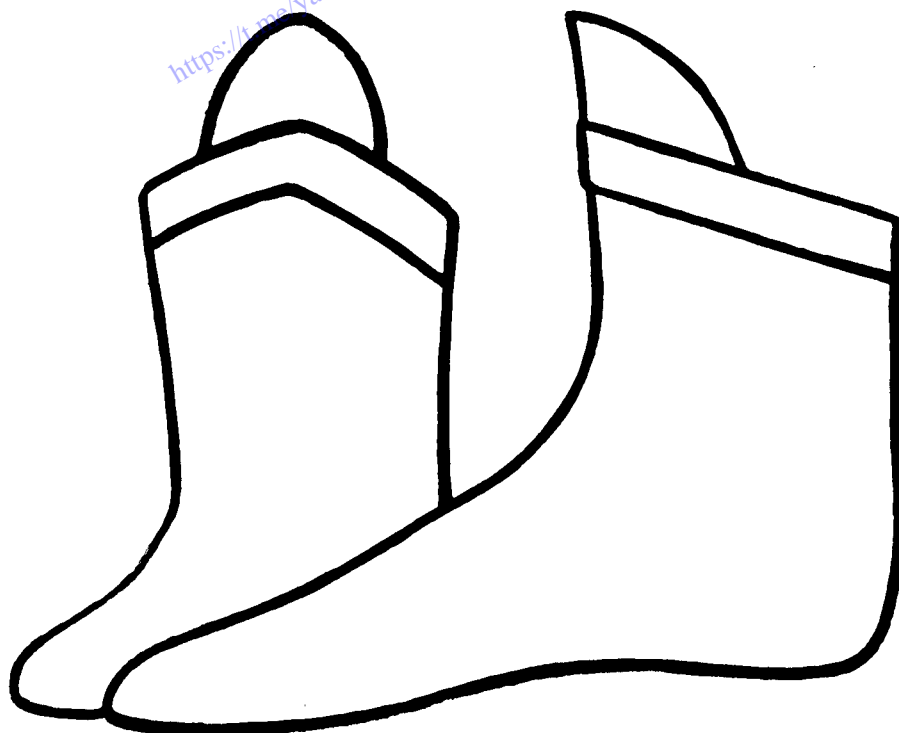


شکل - ۱۶۴ - کفش ایلامی اشکانی



شکل - ۱۶۵ - ۱۶۶ - کفش ایلامی اشکانی

۴ - نوع چهارم ، از کفش‌هایی است که نقش برجسته‌ای از آنها متعلق به پالمیر در موزهی لوور قرار دارد « شکل‌های - ۱۲۷ و ۱۶۷ - » :



شکل - ۱۶۷ - نوع چهارم کفش اشکانی

این لوح دو سپاهی اشکانی را نشان می‌دهد که هر یک نیم چکمه ای پیا دارند ، از آن یکی ، نیم‌چکمه‌ایست که لبه‌ی ساقه‌ی آن نواری چرمی دارد که دهانه‌ی کفش را جمع کرده پیا می‌چسباند ، و زبانه‌ی بلند کفش در روبرو نمایان است ، و خود ساقه در نیم‌رخ هلالی شکل است .

پرچم اشکانی

از عهد اشکانی دو پرچم فلزی هر دو بر يك اسلوب ساختمان « ولی در جزئیات اندکی متفاوت » در شهر هاترا واقع در بین‌النهرین در دست است .

۱ - اولی « شکل - ۱۶۸ - » نیزه‌ای بلند است که از بالا پائین دارای مشخصات زیر میباشد :

(بالای نیزه عقابی بر روی هلال ماه نشسته است . دو گوشه‌ی هلال ماه بسوی بالا است ، « و دو گردی نیز بر روی آن قرار دارد » . زیر هلال ماه دنباله‌ای از پارچه‌ی پرچین آویخته است ، و پائین هلال ماه ، صورت مهر روی صفحه‌ای گرد ساخته شده است و پائین‌تر ، يك گردی مسطح بی‌نقش دارد « شاید که سائیده شده باشد » و پائین این گردی سه حلقه‌ی پهن است « که هر يك دارای خطوط و گردیهای ریز تزئینی هستند » این سه حلقه در حالیکه از زیر همدیگر آویخته‌اند نیزه‌ی پرچم از میان آنها گذشته است) .

۲ - پرچم دیگر بر همین اسلوب است منتهی در زیر صورت مهر ، آن گردی مسطح ، در اینجا دارای دو خط نصف‌النهاری در طرفین گردی میباشد ، و نیز دو هلال بزرگ و کوچک توی هم « که نوکشان بسوی پائین است » اضافه دارد ؛ و این دو هلال ، میان گردی مسطح و سه حلقه‌ی پائینی قرار دارند « شکل - ۱۲۹ - » .

*

(علاوه بر پرچمهای مذکوره ، پرچمی دیگر بر روی سکه‌هائی از نقره نقش است که می‌نویسند مربوط به سیصد پیش از میلاد مسیح است و بنام کسانی موسوم به بغداد اول « Bagdates I » و فرادات اول میباشد « Autophradates. I » « شکل‌های - ۱۶۹ - ۱۷۰ - » : خود پرچم ، عبارت است از يك چهارگوش ، با خطوطی



شکل - ۱۲۸ - پرچم اشکانی از شهر هانرا



شکل - ۱۶۹ - سکه‌ی بغداد اول



شکل - ۱۷۰ - سکه‌ی فرادات اول

مقاطع « که از گوشه‌های آن رسم شده » و در هر خانه‌ی سه‌گوشی که روی این چهارگوش بوجود آمده ، يك گردی بعنوان زینت در آنها نقش شده ، و از زیر خط پائین چهارگوش ، ریشه‌هایی آویزان است « خود چهارگوش بر نیزه‌ای استوار است » .

یهود ایران

https://t.me/yahud_eyran

پوشاک زنان اشکانی

لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا بروی زمین ، گشاد ، پرچین ، آستین‌دار و یخه راست بوده است . پیراهنی دیگر داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند . قد این‌يك ، نسبت باولی کوتاه و ضمناً یخه باز بوده است . روی این دو پیراهن چادری سر میکردند . پیراهن‌ها از پارچه‌های منقش « مخصوصاً قلابدوزی شده » تهیه میشده است و کفش ساده‌ی مردان اشکانی را پیا میکرده‌اند . کمر بند آنان منحصر بنواری بود که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر پستانها می‌بستند . هیئت مجلل و با شکوه زنانه‌شان ، در پوشیدن البسه‌ی پرچین دست‌دوزی شده ، و بکار بردن زیورآلات فراوان و گاهی کلاههای با ابهتشان بود .

*

مجسمه‌ای از شهر هاترا بنام پرنسس واشفاری در موزه‌ی بغداد هست که گفته شده است دختر سناتروک اشکانی « اشک دهم » است « شکل - ۱۷۱ - » . پرنسس واشفاری ، بر سکوئی نشسته کلاهی بشکل مخروط ناقص و پنج قسمتی بر سر نهاده است . در بالای کلاه ، از يك قطعه فلز تخت و گرد دانه نشان ، دو رشته جواهر گرد بدو سوی پیشانی‌اش فرود آمده ، و گوشواره‌هایی سنگین بگوش آویخته دارد . گردن‌بندی نازک بر گردن و دو رشته سینه ریز وزین نیز روی سینه‌اش گسترده است ، و زنجیری از طرفین این سینه ریزها بوسط پستانها راه



شکل - ۱۷۱ - مجسمه‌ی پرنس و اشفاری « موزه‌ی بغداد »

یافته گوهری را که بشکل دل است بخود آویخته دارد . دامن پرچین پیراهن آستین‌دارش « که بسیار بلند است » از زیر چادرش در جلو پیداست . پیراهن دیگری پوشیده که سرشانه‌ی آن در محل چپ بوسیله‌ی دگمه‌ای به تکه‌ی پشت آن وصل است . کف دست راستش بعلامت حرمت بالا است و بر میچ این دست دانه‌هایی درشت « رشته کرده » بشکل دستبند دارد ، و دست چپش بر روی زانوی چپ ، بند چادر را که از روی شانه‌اش افکنده ، گرفته است .

*

از پالمیر نقشی سنگی از زنی در موزه‌ی لوور هست « شکل - ۱۷۲ - »



شکل - ۱۷۲ - بانوی اشکانی
از پالمیر

Mortuary Relief from Palmyra, Musée du Louv

که عمامه‌ای جالب بر سر دارد. تشکیلات عمامه چنین است:

در روبرو، صفحه‌ای فلزی، مستطیل با نقوش برجسته، دارد. در طرفین این صفحه، جواهری بر دو صفحه نصب است، و این سه صفحه با هم چون کمربندی قسمت پائین عمامه و بالای پیشانی را محاصره کرده‌اند. گیسوان این بانو از دو طرف صورت بسوی بالا و پشت سر جمع است. خود عمامه، از چندین رج کلاف حلقه‌ای برویهم چیده، تشکیل شده است (این نوع عمامه، هم اکنون در میان زنان لرستان مرسوم است). همه‌ی دو پهلو و پشت عمامه را چادری گشاد پوشیده و سر و سینه‌ی او از آن میان پیداست. با دست چپ قسمتی از چادر را در پائین سینه‌ی چپ جمع کرده و با دست راست، چادر بخش مقابل صورت را بوضعی مطبوع گرفته است. یخه‌ی پیراهن، در اصل راست است ولی بعلت گشادی پیراهن و عرض زیاد شانه‌ها، زاویه دار شده است. بر روی این چین‌ها نیز گردن‌بند و سینه‌ریز جا دارد. بر شانه‌ی چپ این بانو، صفحه‌ای گرد و فلزی با نقوش برجسته وجود دارد که گوشه‌ی چادر به آن وصل است. چادر از این محل « پس از آنکه روی پستان چپ را پوشانده » از زیر پستان راست بسوی زیر بغل و به پشت و روی سر رفته شانه و پهلو‌ی چپ را فرا گرفته است. « بانو، بلندی چادر را در این قسمت با دست چپ خود چسبیده بقیه را رها کرده و با دست راست نیز سمت راست چادر را برای بهتر ماندن و صورت را ضمناً حفظ کردن گرفته است ».

*

نقش برجسته‌ی دیگری از پالمیر در موزه‌ی لوور هست که زنی از دوره‌ی اشکانی را نشان میدهد « شکل - ۱۷۳ - »: این زن، چادری بر سر دارد و از زیر آن عمامه‌اش که خوب جواری بافتش پیداست نمایان است. بر بالای پیشانی و پائین عمامه، فلزی پهن، منقوش و برجسته چون نواری موهای جلوی



شکل - ۱۷۳ - بانوی عهد اشکانی از پالمیر « موزهی لوور »

سرش را پوشیده و بقیه بوضع مطلوبی بعقب سر برده شده است. یکرشته گردن‌بند از دانه‌های گرد بگردن، و گوشواره‌ای کوتاه بگوش دارد. یخه‌ی راست پیراهن او که سه‌گوش بر روی سینه ریخته، پیداست، و گوشه‌ی چادر « که زیر یک قطعه فلز بشکل حیوان بند است » از شانه‌ی سمت چپش آویزان است.

*

مجسمه‌ی اشکانی زنی از پالمیر در موزه‌ی دمشق هست که پوشش زنان این دوره را بوضعی بسیار روشنتر نشان میدهد « شکل - ۱۷۴ - » :

این بانو، نشسته و چادری او را پوشانده است. گوشه‌ی چادر، در زیر یک تخته فلز بیضی منقوش « که بوسیله‌ی زنجیری بگردن افکنده شده » بند است. ساختمان عمامه « که چادر نیز آنرا پوشانده » بهمان نحو معمول است و باز طبق معمول در زیر عمامه، نواری فلزی، موی سر را محاصره کرده و یک رشته جواهر گرد از بالای نوار بدو طرف صورت، روی موی سر، سرازیر گشته است. این بانو، یک رشته گردن‌بند چسبیده بگردن دارد و پائین‌تر از آن، دور یخه‌ی پیراهن زیرین، پیداست. بر روی این پیراهن دو رشته سینه‌ریز وزین هست و میان رشته‌ی پائینی و زنجیر چادر، خط یخه‌ی پیراهن روئی « که معمولاً بوسیله‌ی دگمه‌ای بر شانه‌ی تکه‌ی پشتی وصل میشود » نمایان است. بر میچ دستش النگو و در گوش‌ها گوشواره دارد. در این نقش آنچه جالب است و با نقوش دیگر فرق دارد، پیراهن زیری این بانو است « که آستین آن سرخود بوده از زیر پیراهن گشاد و سر شانه‌ی عریضش نتیجه شده است ». آستین سرخود پیراهن، در سمت چپ مجسمه و بر روی بازوی راست آن « بعد از برهنگی ساعد » نمایان است.

*

علاوه بر این مجسمه‌ها نقاشی‌هایی بر دیوار معبد زوس شهر دورا اوروپوس



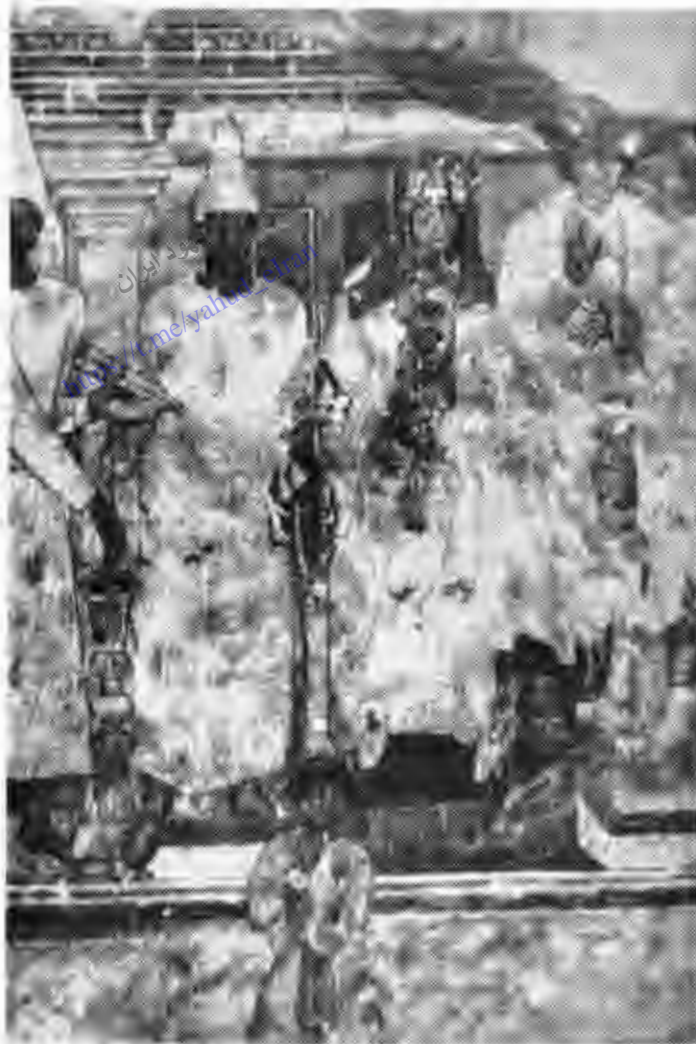
در بین‌النهرین کشیده‌اند که مربوط باشکانیان است و عده‌ای را با لباس مخصوص برگذاری مراسم مذهبی نشان میدهد « شکل - ۱۷۵ - » :



شکل - ۱۷۵ - برگذاری مراسم مذهبی اشکانیان « دورا اوروبوس »

در آن میان ، زنانی را نیز ساخته‌اند که پوشش آنان با رنگ آمیزیهای مدرکی جالب برای شناسائی بیشتر با لباس بانوان آن عهد است « شکل - ۱۷۶ - » :

.....
 در این نقاشیها زنی بنظر میرسد که عمامه‌ای بر سر نهاده و موهایش از زیر آن نمایان است ، و کف دست راستش را بعلامت حرمت بالاگرفته است . چند رچ گردن‌بند فلزی بگردن دارد . چادری ارغوانی و بزرگ بر سر افکنده که سرتاسر بدنش را پوشانده است « شکل - ۱۷۷ - » .



شکل - ۱۷۶ - زنان اشکانی در میان مردان

زنی دیگر را بر این دیوار نقاشی کرده‌اند که روی پیراهن ارغوانی خود چادری سراسر سفید پوشیده و بر روی آن یک تکه پارچه‌ی ارغوانی افکنده است. از زیر این پوششها کلاهی بلند و استوانه‌ای و پر زیور جلب‌نظر می‌کند. کلاه، حاشیه‌هایی در قسمت پائین دارد و از بالای آن نیز دو رشته‌ی زیور دار پائین آمده هر یک بطرفی از چهره بسوی گوش و زیر روسری ارغوانی فرو میشود. چند رج تزئینات فلزی گرد، به‌گردن دارد و از رج آخری زیورهای فلزی نوک‌تیز



شکل - ۱۷۷ - زن اشکانی دورا اورپوس

آویزان است، و دو صفحه‌ی بیضوی، بالا و پائین هم قرار دارند « از صفحه‌ی بیضی زیری مقداری زیورآلات آویخته است. این بانو کفشی نظیر کفشهای ساده‌ی اشکانیان طبق شکل - ۱۷۶ - پیا کرده است « شکل‌های - ۱۷۸ و ۱۷۹ - » .

*

مجسمه‌ی کوچک زنی از سرب باندازه‌ی ۱۴ سانتیمتر، از دوره‌ی اشکانی



شکل - ۱۷۹ - زیورآلات زن اشکانی



شکل - ۱۷۸ - زن اشکانی دورا اوروبوس

در موزه‌ی دولتی استان‌دال هست که لباس آن شباهتی زیاد بلباس شکل‌های زنان بر سکه‌ی اشکانیان دارد « شکل - ۱۸۰ - » : بانوئی است که گردن بندی پهن در دو ردیف و سینه ریزی پیوسته بآن سه گوش در فاصله‌ی میان دو پستانش آویخته است . پیراهنی پرچین پوشیده ولی بالاتنه‌اش تا زیر پستان عریان است . جلوی دامن پیراهن تا بیابین شکم ، بالا برده شده و با دو گوشه‌ی چادرشبی که از پشت کمر و لمبر بجلو آورده شده با هم در یکجا گره زده شده است ، و پاهای لختش تا همان اندازه که دامن بالا رفته پیداست . دستهای این بانو بشکل علامت ضربدر



شکل - ۱۸۰ - مجسمه‌ی زن اشکانی از سرب

« × » بر رویهم نهاده شده است .

*

بر روی سکه‌ی بلاش دوم اشکانی
ملکه‌ای را نشان داده‌اند که تاجی دوره
باریک « با کنگره‌های تیز سه گوش
و گردیهای روی آنها » بر سر نهاده است .
« شکل - ۱۸۱ - » :

این تاج دنباله‌هایی دارد که در
پشت سر آویزان است . موهای سر ،
بوضعی ساده بی‌الا و عقب سر جمع شده
است . ملکه ، پیراهن بی آستین پر چین
و بلند « تا پشت پا » پوشیده و نواری
چون کمر بند در زیر پستانها بسته است .
ضمناً پارچه‌ای بزرگ مانند چادر شب
امروزی که کمر و لمبر او را پوشانده
در جلوی بدن گره زده است و با دست
راست حلقه‌ی پیمان را بشاه تقدیم میکند .
(در سکه‌ی بلاش سوم و همه‌ی سکه‌های
این دوره که زنی را ساخته‌اند نیز چنین
پوششی برای‌شان نقش کرده‌اند « شکل - ۱۸۲ - ») .

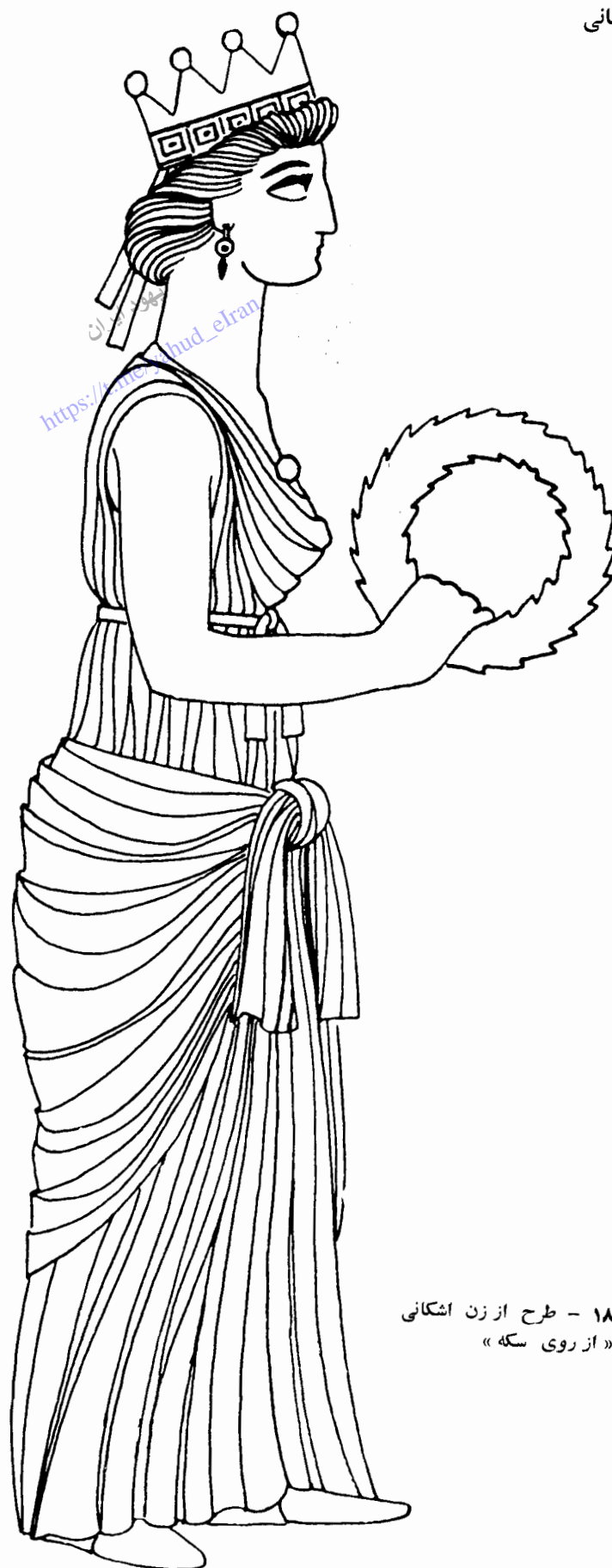
.....
طرح يك زن اشکانی از روی سکه . « شکل - ۱۸۳ - » .



شکل - ۱۸۱ - سکه‌ی بلاش دوم اشکانی



شکل - ۱۸۲ - سکه‌ی بلاش سوم اشکانی



شکل - ۱۸۳ - طرح از زن اشکانی
« از روی سکه »

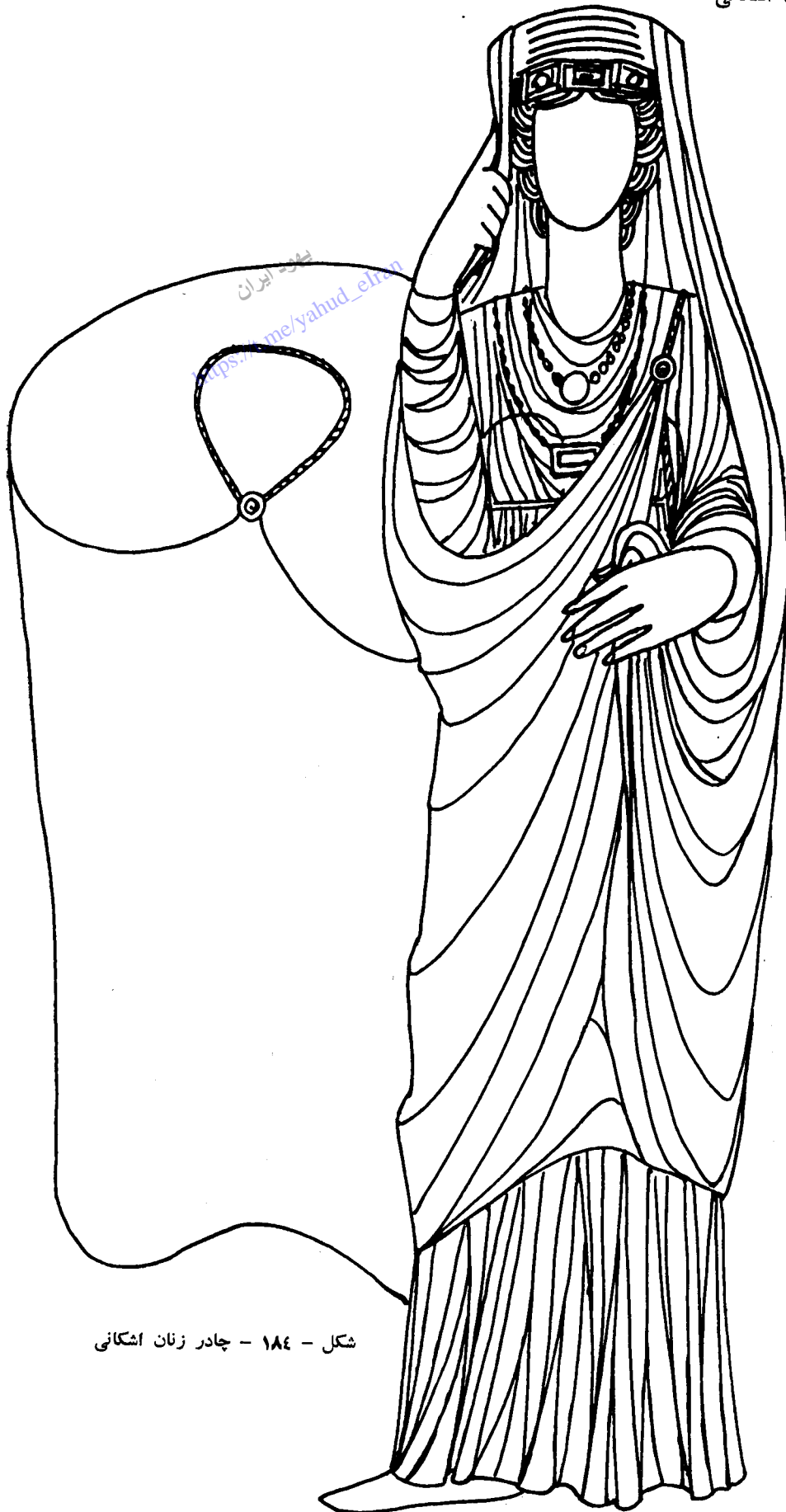
چادر و انواع پیراهن زنان اشکانی

چادرهایی که در این نقوش نموده شد، ساختمانش برخلاف چادرهای عبائی بوده و استوانه‌ای می‌باشد. « گاهی قسمت عقب آنرا باندازه‌ی یک سروگردن، بلندتر می‌گرفته‌اند » قسمت بالا و جلوی چادر « که انتهای بالائی درز عمودی آن نیز هست » علی‌الرسم در زیر یک قطعه فلز « که ممکن است گرد یا بیضی و یا به شکل‌های دیگر باشد » محکم بند کرده و بدو طرف آن قطعه فلز، نیز ریسمانی ابریشمین یا زنجیرهایی ظریف « که بآنها بند چادر میتوان گفت » برای بگردن افکندن یا از شانه بزیر بغل انداختن، وصل میکرده‌اند « شکل - ۱۸۴ - » .

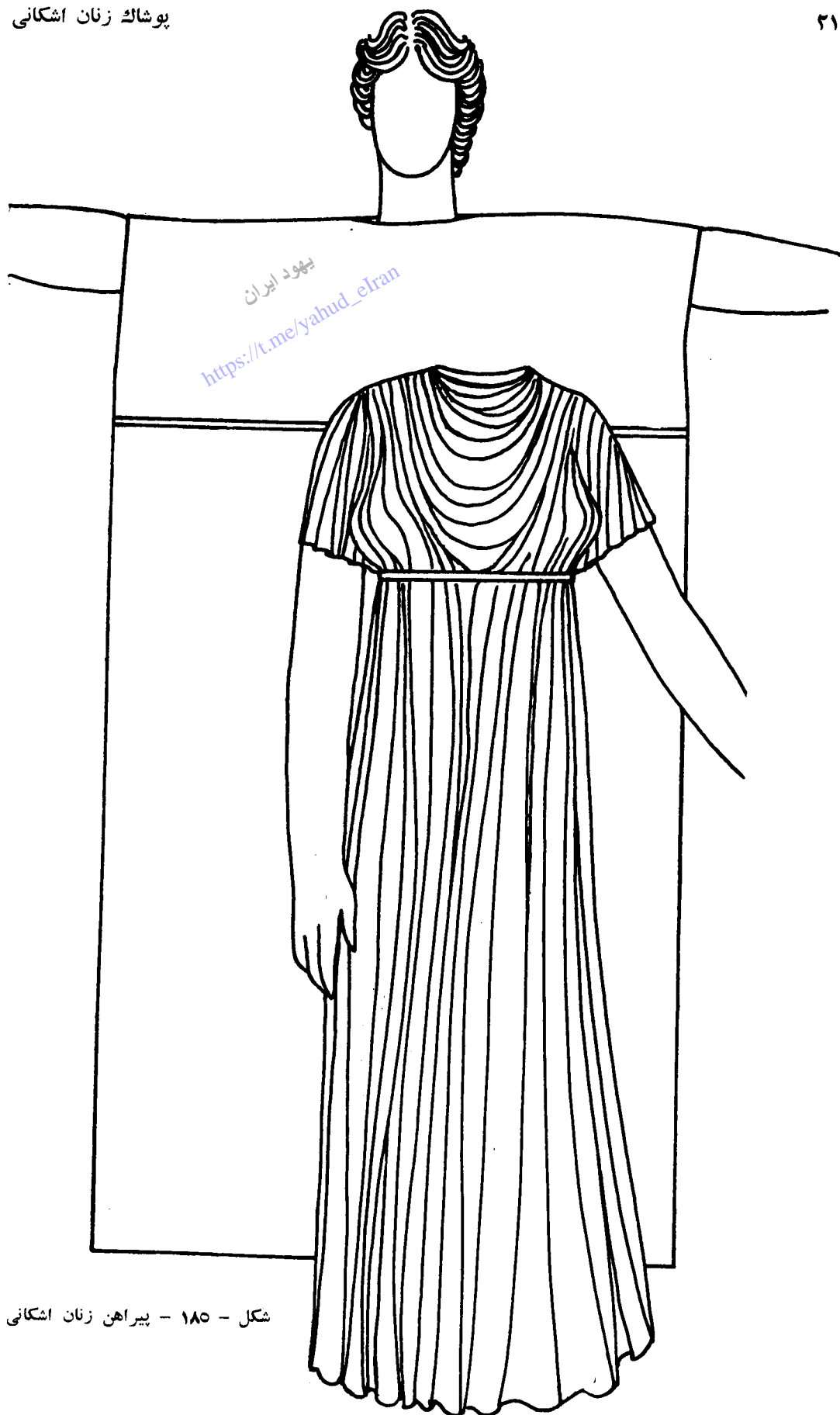
*

پیراهن بانوان اشکانی بر چهار نوع است :

- ۱ - نوع اول، پیراهن بلندی است تا بکف زمین، گشاد و با یخه‌ی راست. پارچه‌ی این پیراهن دو تکه‌ی مستطیل است « شکل - ۱۸۵ - » و در زیر پستانها نواری دارد که گشادی ساده و راسته‌ی پیراهن را در پائین پستانها جمع میکند. در نتیجه، همه‌ی پارچه، چین‌دار بسوی بدن متوجه میشود.
- ۲ - نوع دوم پیراهنی است بی‌آستین و لسی دارای سرشانه‌هایی باریک « که دو بدو در جلو و عقب بوسیله‌ی دگمه یا سگکی بهم وصل میشوند. یخه‌ی آن باندازه‌ی همه‌ی پهنای پارچه، راست و باز است و حلقه‌ی آستین‌ها در پهلو است و در اینصورت وقتی دگمه‌های سرشانه در محل خود قرار گرفت، تیزی یخه‌ی جمع شده در جلوی بدن، پس از پوشاندن پستانها بصورت سه‌گوش از راه میانه‌ی دو پستان تا بالای ناف راه پیدا میکند « شکل‌های - ۱۸۶ - ۱۸۷ - » .



شکل - ۱۸۴ - چادر زنان اشکانی



شکل - ۱۸۵ - پیراهن زنان اشکانی



شکل - ۱۸۶ - پیراهن زنان اشکانی



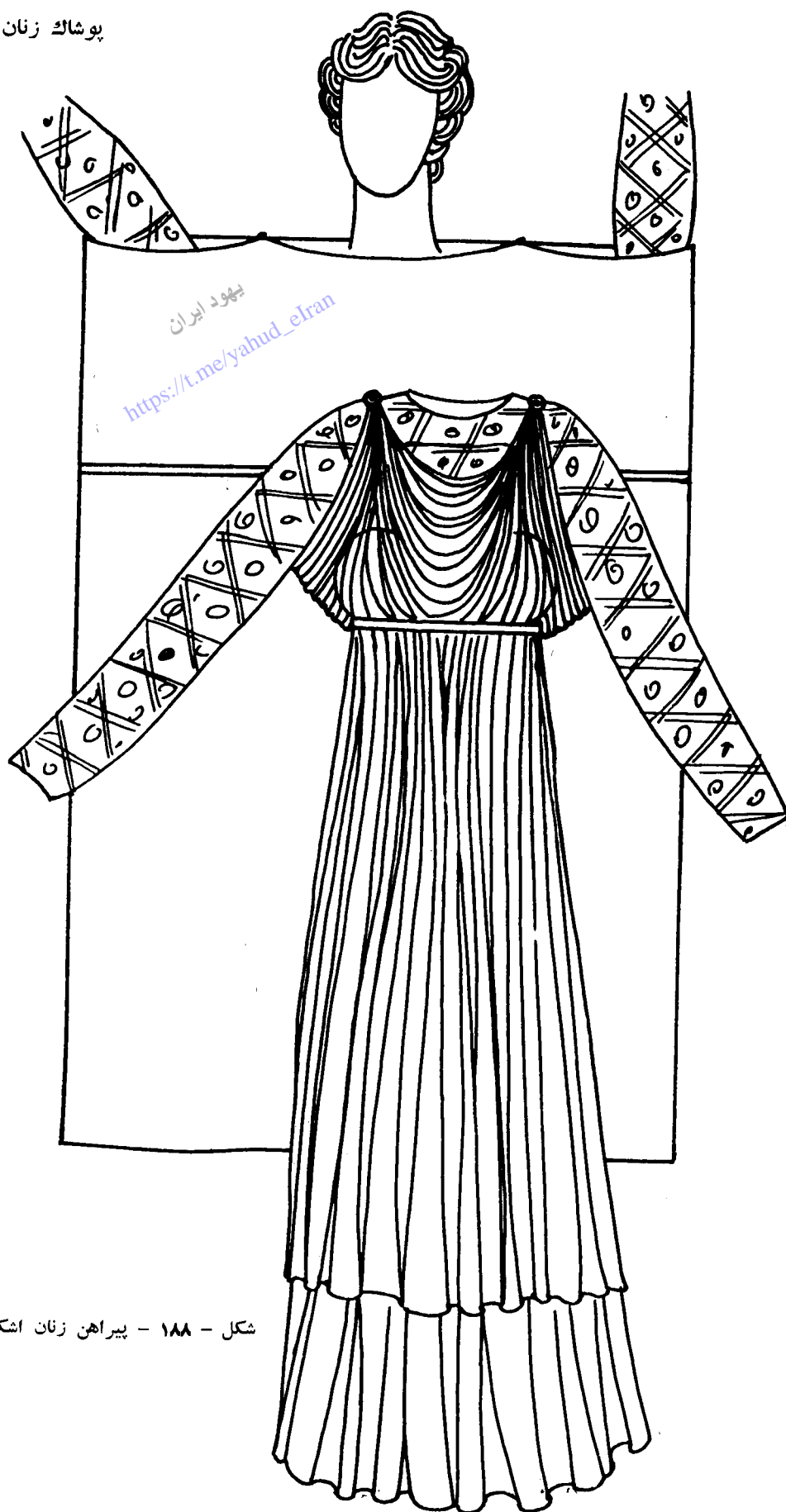
شکل - ۱۸۷ - مجسمه‌ی اشکانی زنی بنام اوبال از شهر هاترا « موزه‌ی بغداد »

۳ - گاهی نیز با تنگ تر گرفتن یخه « که در این صورت ، حلقه‌ی آستین‌ها در بالای پارچه قرار می‌گیرد » تیزی یخه‌ی جمع شده ، تا حد میان دو پستان می‌ایستد « شکل - ۱۸۸ - » .

قد این پیراهن چون پیراهن روئی شکل ۱۸۶ - یا - ۱۸۷ - نسبت به پیراهن زیری خود کوتاه است ولی بقیه‌ی آن ، چون پیراهن‌های دیگر ، گشاد و متشکل از دو تکه پارچه‌ی مستطیلی است ؛ و نواری در زیر پستانها دارد .

* *

۴ - نوع چهارم پیراهنی آستین‌دار است . این پیراهن نیز ، همان دو تکه پارچه‌ی مستطیلی و با همان خصوصیات است : « گشاد ، بلند و یخه راست » جز اینکه آستینی بلند « بیش از بلندی بال ، بمنظور افقی چین‌دار شدن » با دم آستین تنگ و چسبان بآن میدوزند « شکل‌های - ۱۷۱ - ۱۸۴ - ۱۸۶ - ۱۸۷ و ۱۸۸ - » .



شکل - ۱۸۸ - پیراهن زنان اشکانی

پوشاک ساسانیان

در باره‌ی لباس این دوره ، روی قاعده‌ی طبیعی ، نظر اینست که اصولاً در هنگام بهم ریختن یک رژیم سیاسی و پیشرفت تدریجی آن ، نیازمندیهای اساسی یک جامعه « که قرن‌ها با آن خو گرفته‌اند » بزودی تغییر شکل نمی‌دهد . خاصه اگر برهم زندگان رژیم ، داخلی و خودی بوده باشند نه بیگانه : « که سعی در بهم ریختن زوار اوضاع و تغییر دادن تدریجی احوال یک جامعه بصورت گوناگون ، برای در اختیار داشتن آنان دارد » بنا براین ، روی کارآمدن ساسانیان « که خودی بوده‌اند » قاعدتاً نبایستی اثر زیادی در عوض کردن پوشاک مردم داشته باشد ؛ مگر در برخی موارد که از نظر کارآمد نبودن پوشاک یا مسائل دیگر ، تعویض ، ایجاب کرده باشد « مانند کوروش بزرگ که با سیاست مدارا . تحبیب قلوب میکرد » . (مدارکی هست که نشان میدهد ساسانیان از برخی البسه‌ی معمول اشکانیان و رزم افزار آنان استفاده میکردند).

*

تاریخ نویسان در باره‌ی پوشاک ساسانیان مطالبی ننوشته‌اند مگر برخی که بتوضیحاتی مختصر آنهم در باره‌ی پوشش جنگی آنان اکتفا کرده‌اند . آنچه

در اینجا از لباس ساسانیان نوشته میشود بر مبنای مدارکی است که نقوش سنگی مناطق مختلف ایران یا کنده کاری‌های روی ظروف موجود در موزه‌های کشورهای بیگانه ارائه میدهند.

* یهود ایران
http://t.me/yahud_iran

در طاق بستان « یا بهستان » بر تن نقوش برجسته‌ی سه نفری که در حالت ایستاده و مردی دیگر افتاده در زیر پای آنان ، بر دیوار خارج از طاقهای بزرگ و کوچک ، ساخته‌اند ، دو نوع لباس دیده میشود شکل « - ۱۸۹ - » :

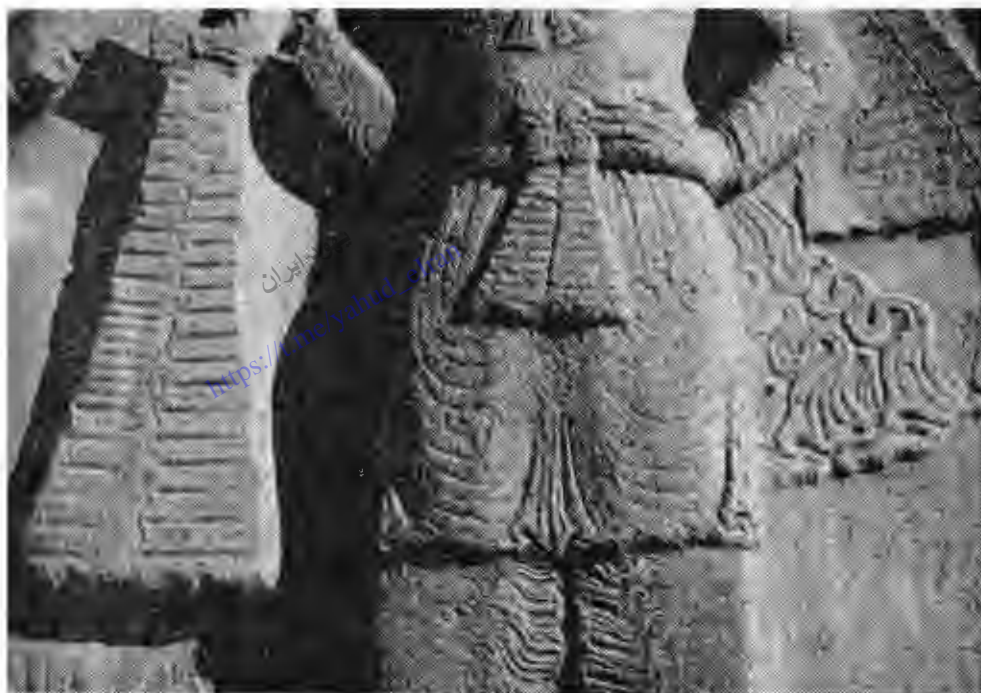
۱ - نوعی از آن بر تن دو مرد طرفین است که پیراهنی است تا بزانو بلند ، با آستین مچ تنگ و چسبان . مرد طرف راست ، حلقه‌ای ساده بگردن دارد و با دست راست خود حلقه‌ی پیمان یا منصب را گرفته و دست چپ را به تهی‌گاه خود نهاده است . شنلی بدوش افکنده که پرچین است و دوسر آن که بر روی سینه با دو قلاب گرد ، بند شده است ، هر یک چین‌چین بر روی هم مرتب ریخته ، دنباله‌ای نیز پرچین و باز از هم ، دارد که از تاج آویخته و در پشت سر نمایان است ، و کمربندی که دو قلاب گرد با دنباله‌های آویزان دارد بر کمر بسته است . دامن این دونقش در دو پهلو جلو ، ترکهای چین‌دار دارد « شکل‌های - ۱۹۰ و ۱۹۱ - » .

بنظر میرسد که با توجه بفتن قرینه‌سازی و در نظر گرفتن قرینه‌ی ترك وسط در پشت لباس ، پیراهن این نقش ، چهار ترکی باشد (حذف دو ترك پیراهن از جلو و عقب آن ، همان خواهد شد که اشکانیان بر روی استخوانها لباس خود را طرح کرده بوده‌اند « شکل - ۱۲۳ - » . شلوار مردان این نقش طاق بستان ، گشاد و پرچین است و چین‌ها ، از جلوی ساق و راستای بلند پا به طرفین و عقب طرح ریزی شده است .

.....



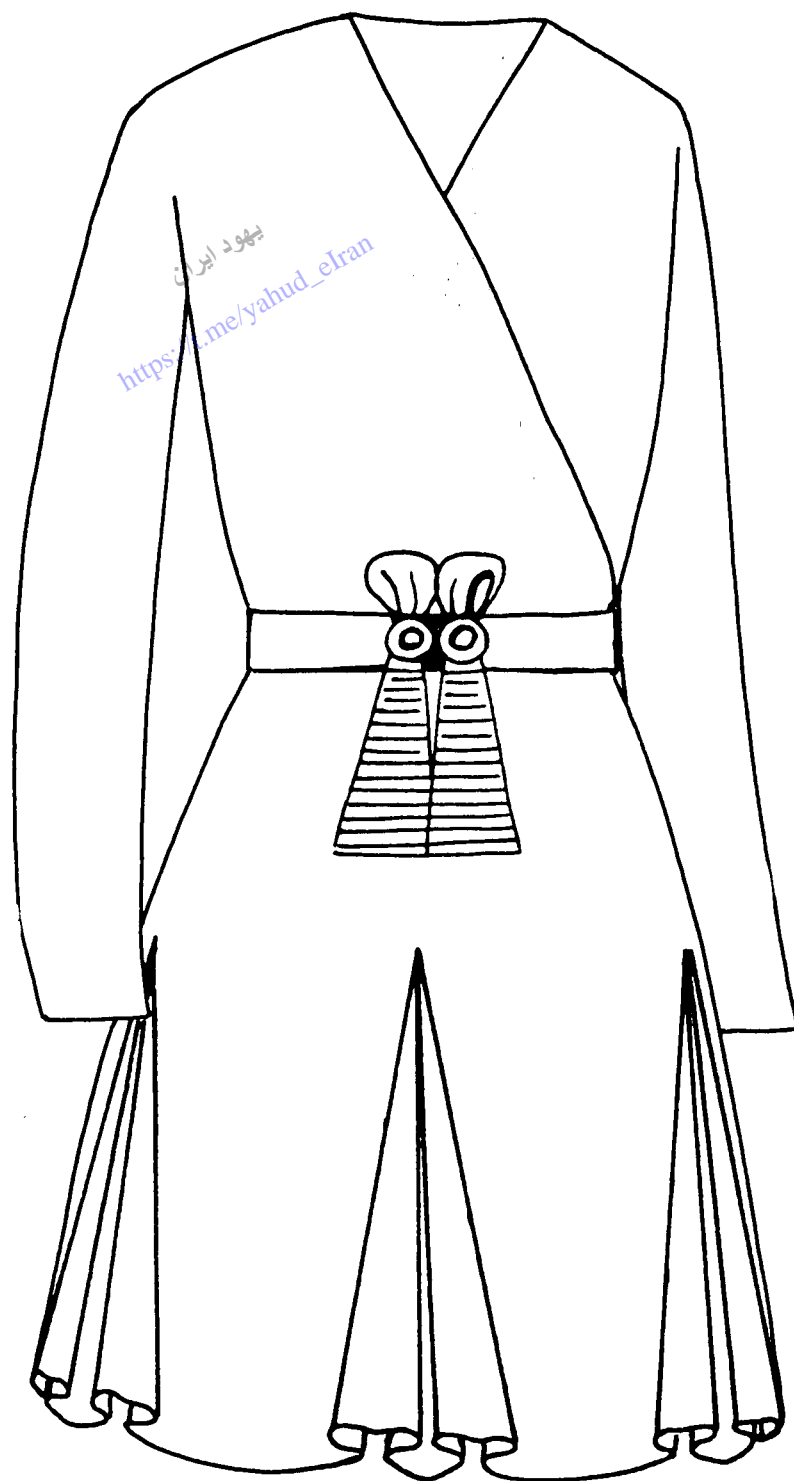
شکل - ۱۸۹ - نقش چهارنفری طاق بستان در کرمانشاهان



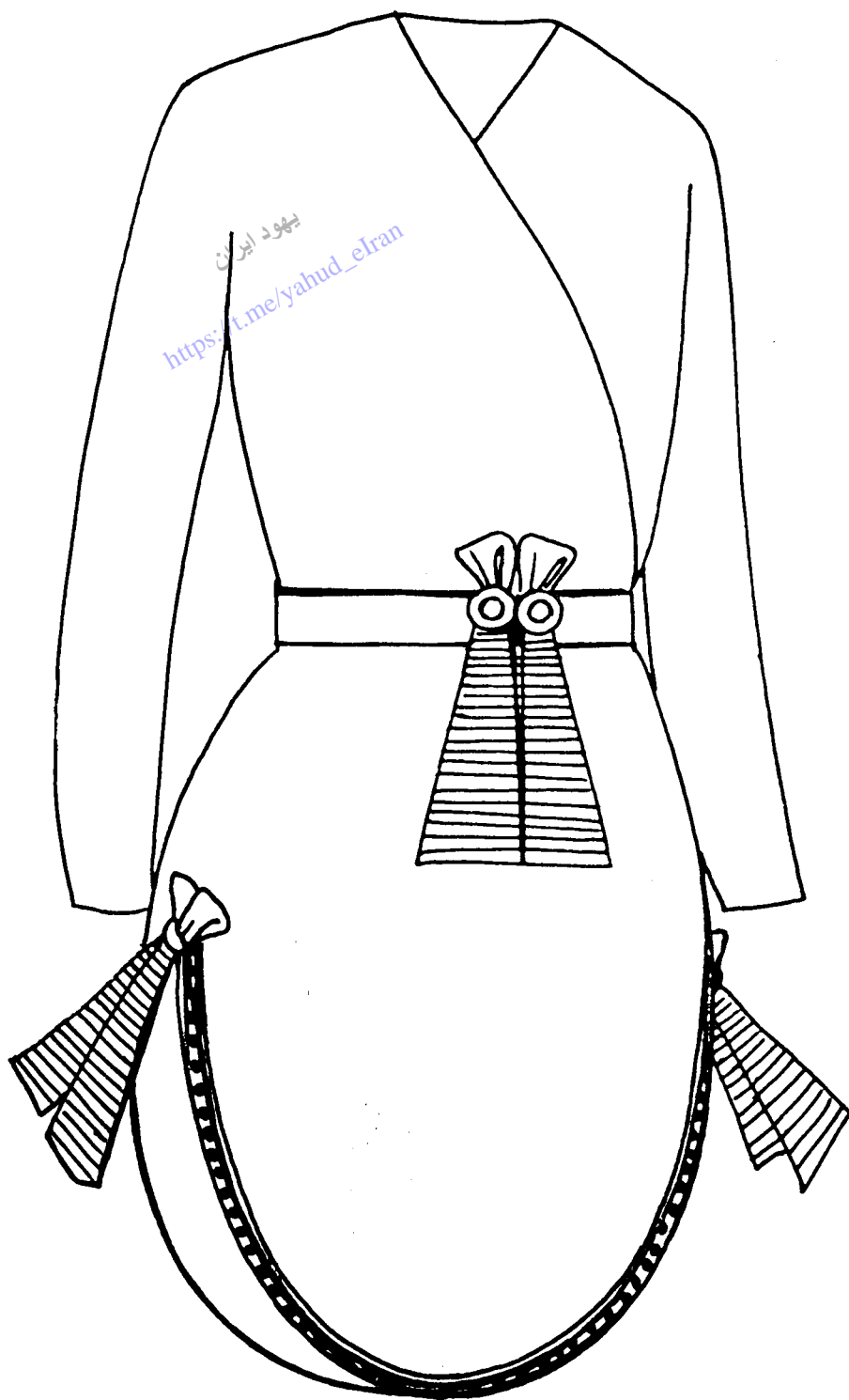
شکل - ۱۹۰ - نمایش پیراهنی از نقش چهارنفری در طاق بستان

۲ - مرد وسطی ، چون آن دو نفر گردن بندی « منتها از دانه های گرد » بگردن دارد و شمشیری بدست چپ گرفته و با دست راست ، حلقه‌ی پیمان یا منصب را بمرد سمت چپی خود میدهد . ارخالقی پوشیده است و حاشیه‌ی یخه‌ی آن بر روی سینه و زیر بغل سمت راستش نمایان است . دامن پیراهنش در جلو نیمگرد و حاشیه‌دار میباشد . (با توجه به پهلوی نقش ، معلوم میگردد که دامن در قسمت پشت نیز چنین است) . « شکل - ۱۹۲ - » .

نظیر این نوع دامن در چندین جا طرح گردیده و نمونه‌های کافی دارد . (علاوه بر نقش مورد ذکر ، دو نقش دیگر در طاق بستان بر دیوار روبروی طاق کوچک « شکل - ۱۹۳ - » و در جام خسرو اول « انوشیروان شکل - ۱۹۴ - متعلق بموزه‌ی هرمیتاژ » و در جام یافته از دیلمان گیلان شکل - ۱۹۵ - » و بر سنگ حکاکی شده‌ی موزه‌ی بریتانیا شکل - ۱۹۶ - که



شکل - ۱۹۱ - پیراهن مردان طاق بستان



شکل - ۱۹۳ - پیراهن مردان طاق بستان



شکل - ۱۹۳ - پوشاک مردان طاق کوچک بستان

میگویند بهرام چهارم است « و در بشقابی بنام شاپور سوم که پلنگی را با شمشیر ضربت زده است شکل - ۱۱۵ - و در نقش بشقاب بهرام گور و سپینود « شکل - ۱۹۷ - « موجود است)

*

۳ - پیراهن یا قبای دیگری هست که دامن آن در جلو از روی يك پا تا پای دیگر ، نیمدایره‌ای دارد که انحناى آن بی‌الا است و بنظر میرسد که پشت قبا و پهلوه‌ای آن نیز چنین باشد و در اینصورت هنگام سواری در جلو و پشت زین ، دامن جا خالی داشته مزاحمت ندارد « شکل - ۱۹۸ - » .
 این قبا نیز دامنش چون قباهای دیگر دارای حاشیه میباشد و از آن در بشقابی که خسرو انوشیروان را در وسط ساخته و حواشی آنرا منقش کرده‌اند ،



شکل - ۱۹۴ - نقش خسرو انوشیروان روی بشقاب



شکل - ۱۹۵ - بشقاب یافته از دیلمان گیلان منتسب بشاپور دوم



شکل - ۱۹۶ - سنگ حکاکی شده « موزهی بریتانیا »

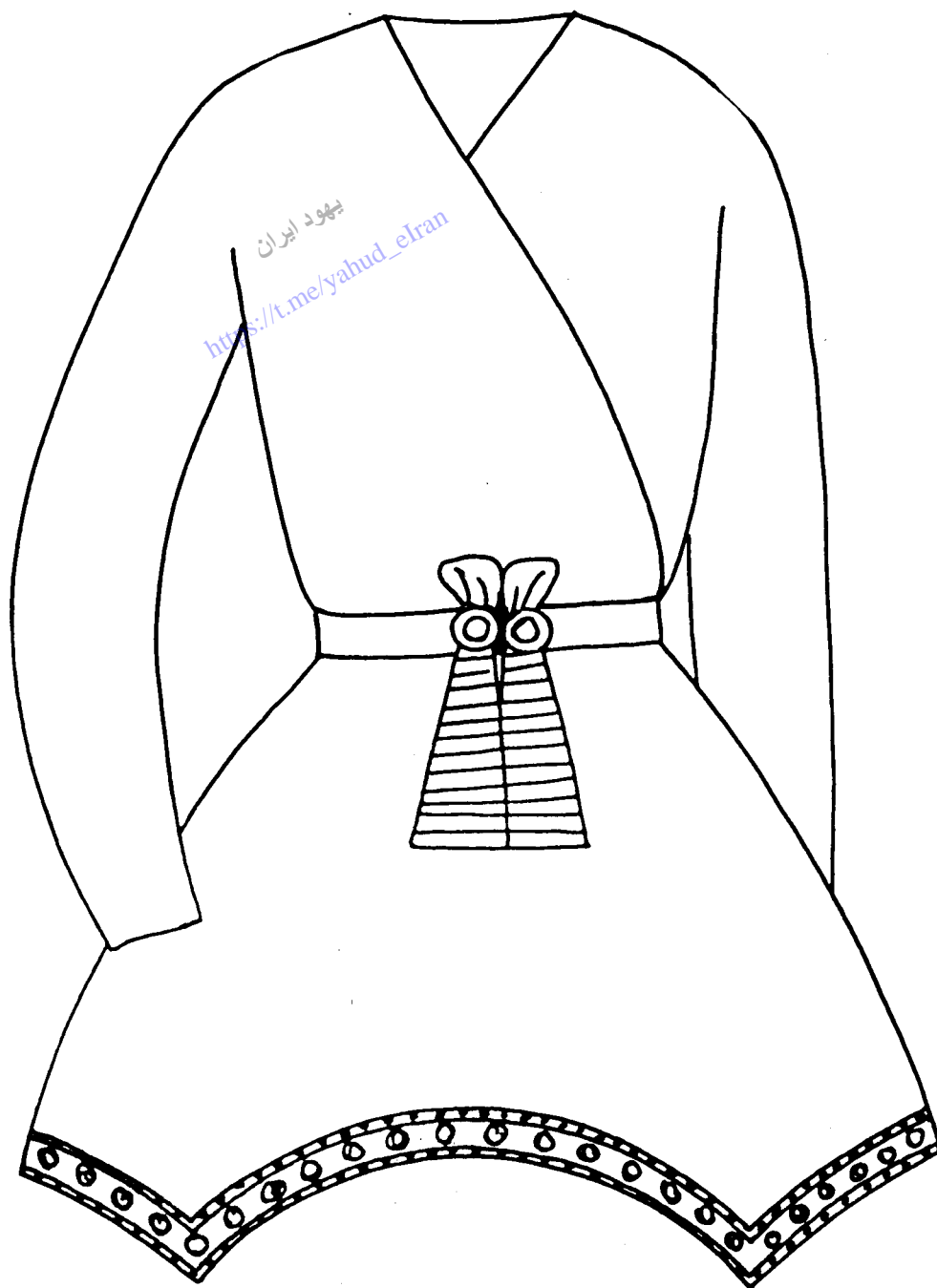


شکل - ۱۹۷ - بهرام گور و سینود

نشان داده شده است « شکل - ۱۹۹ - » .

*

۴ - قبای دیگری هست که دامنش در قسمت جلو مانند نوع سوم بشکل نیمدایره از يك پهلو تا پهلوى دیگر بیلا انحنا دارد ، و بنظر میرسد که عقب دامن نیز چنین باشد ، زیرا در دو پهلو ، گوشه های دو نیم دایره ی جلو و عقب دامن ، مانند قباهای چاکدار نظیر هم بوده و باز است « شکل - ۲۰۰ - » .
 بر سراسر انحناها و چاکهای پهلوى دامن ، حاشیه داده اند . این نوع دامن در نقش سنگی فیلسوار طاق بستان « شکل - ۲۰۱ - » و در بشقاب خسرو اول انوشیروان برای ملازمین طرفین شاه « شکل - ۱۹۴ - » نشان داده شده است .

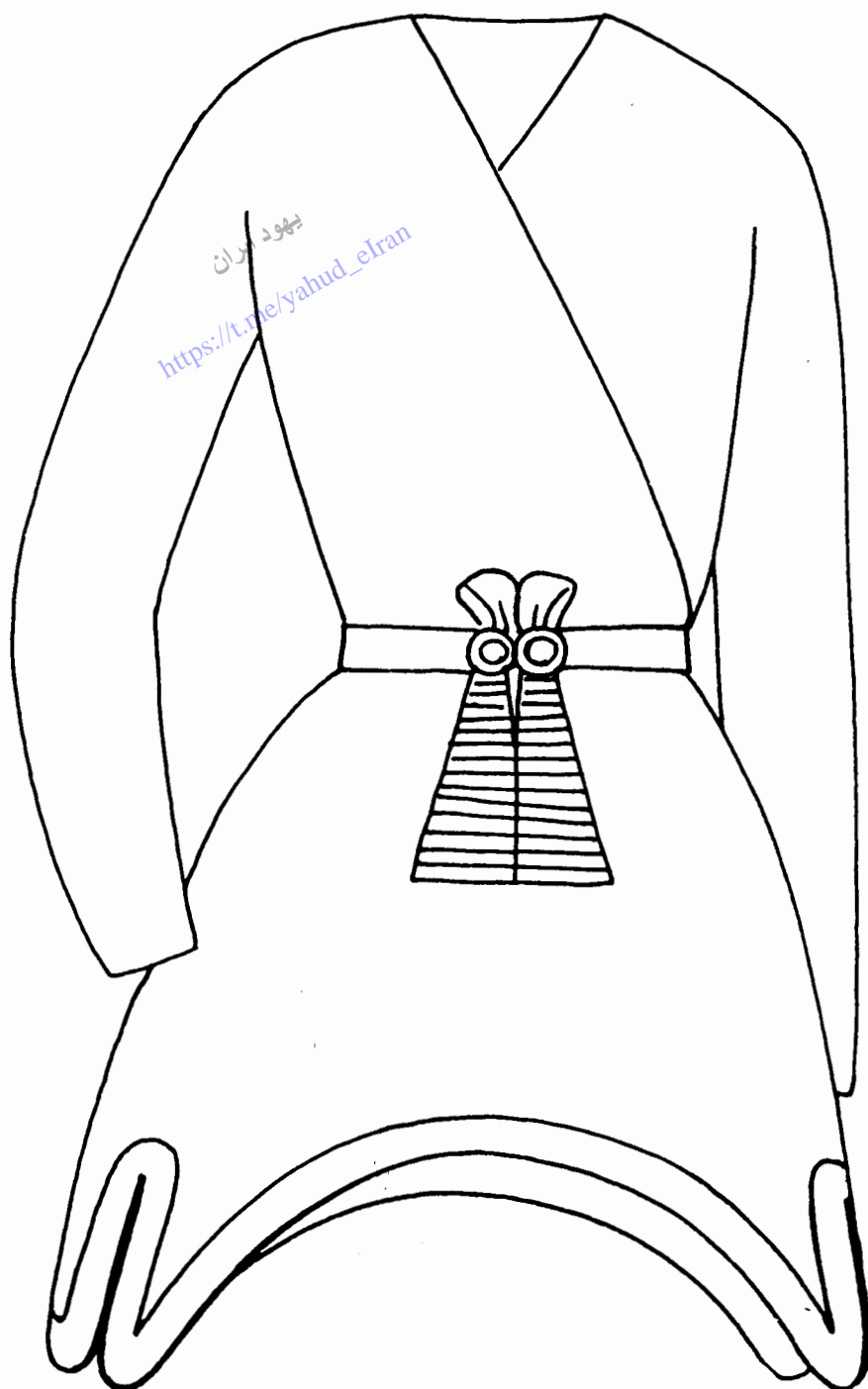


شکل - ۱۹۸ - نوعی قبای عهد ساسانی

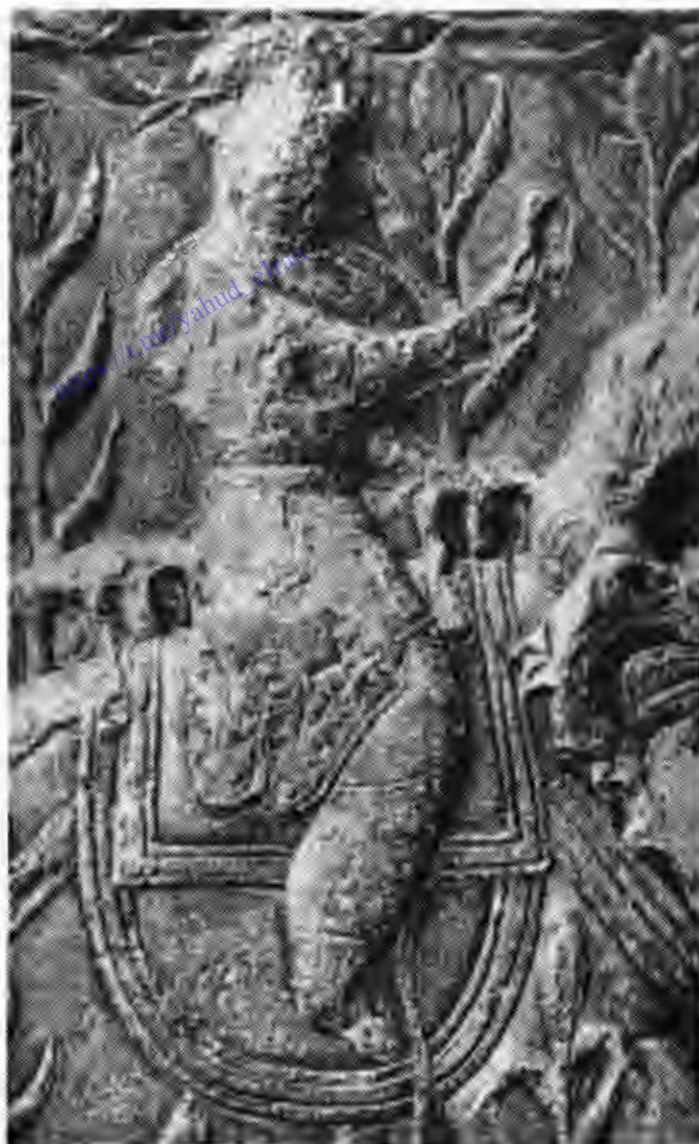


شکل - ۱۹۹ - نقش خسرو انوشیروان

۵ - نوع دیگر پیراهن یا قبائلی است ساده با دامن دوره گرد و یخه‌ی اوریبی که از گردن بپهلوی چپ میرسد « شکل - ۲۰۲ - » و از آن بر تن مجسمه‌ی شاپور اول در غار شاپور و نقش رجب است « شکل‌های - ۲۰۳ و ۲۰۷ - ». (بر تن شاپور اول در زیر پیراهن روئی پیراهنی با یخه‌ی گرد دیده میشود که نشانه‌ی وجود پیراهن زیرین و شکل یخه‌ی آن است) .

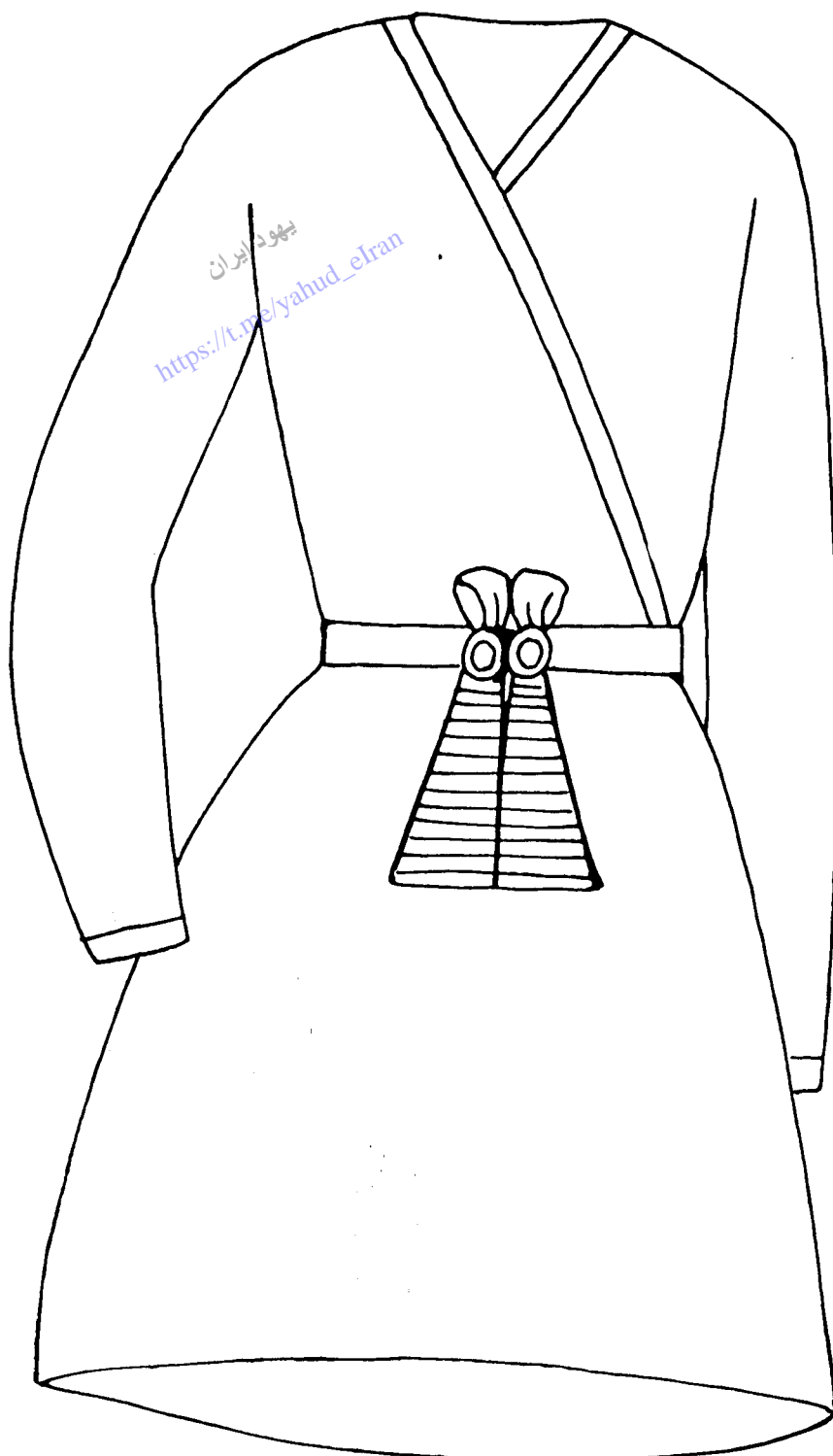


شکل - ۴۰۰ - نوعی قباى ساسانى در طاق بستان



شکل - ۲۰۱ - قبای یکی از مردان طاق بستان

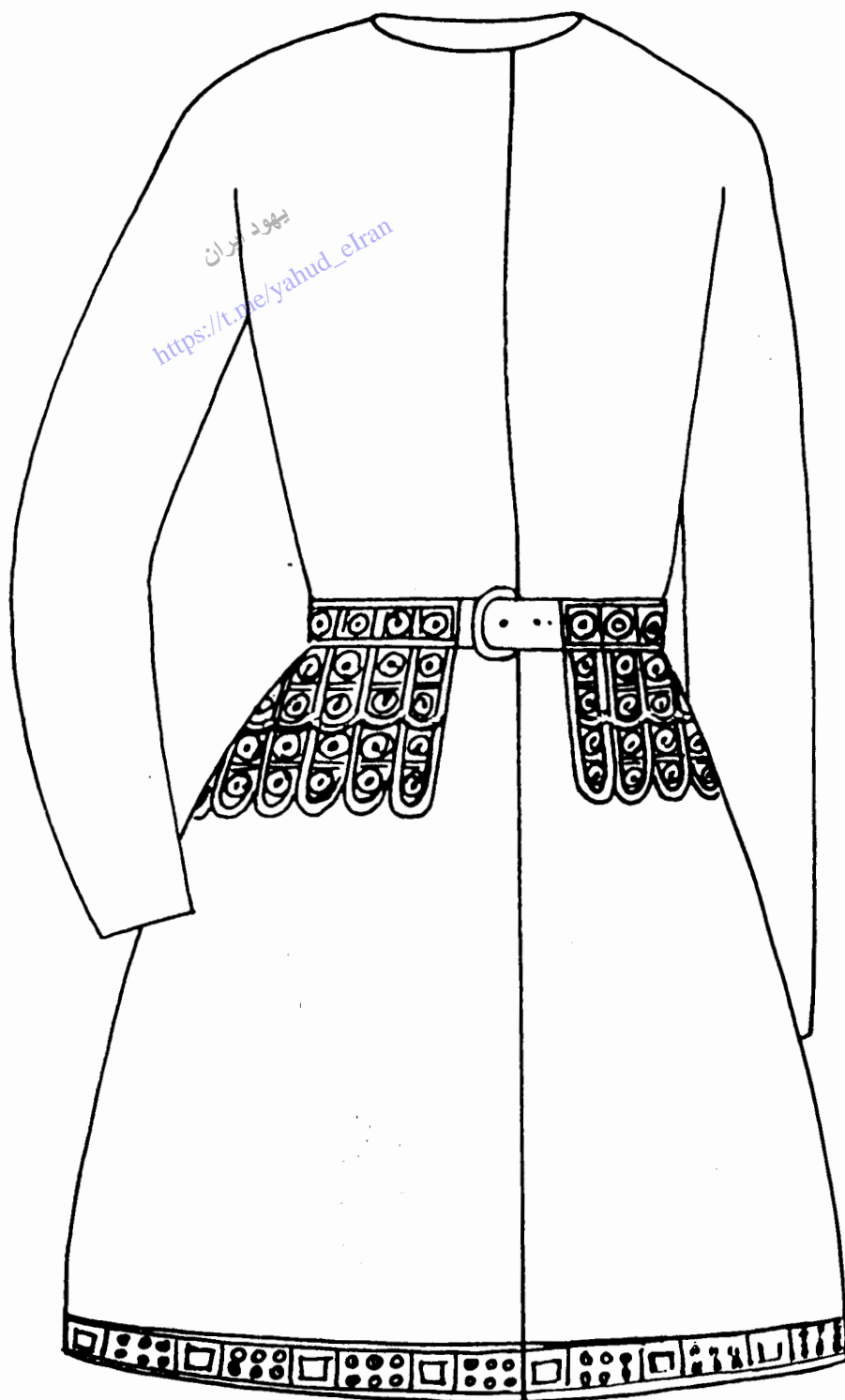
- ۶ - قبای دیگری هست که جلوی آن از محل چال گردن تا به انتهای دامن سرتاسر باز است و بر رویهم آمده است و دامن دوره گرد آن دارای حاشیه می باشد . « شکل - ۲۰۴ - » و نمونه‌ی آن در میان نقوش طاق بستان « مرد سوار قایق در شکل - ۲۰۵ - » می باشد .
- ۷ - پیراهنی دیگر از ساسانیان هست که دامن آن از کمر پائین دارای



شکل - ۲۰۴ - نوعی پیراهن مردان ساسانی



شکل - ۴۰۳ - مجسمه‌ی شاپور اول

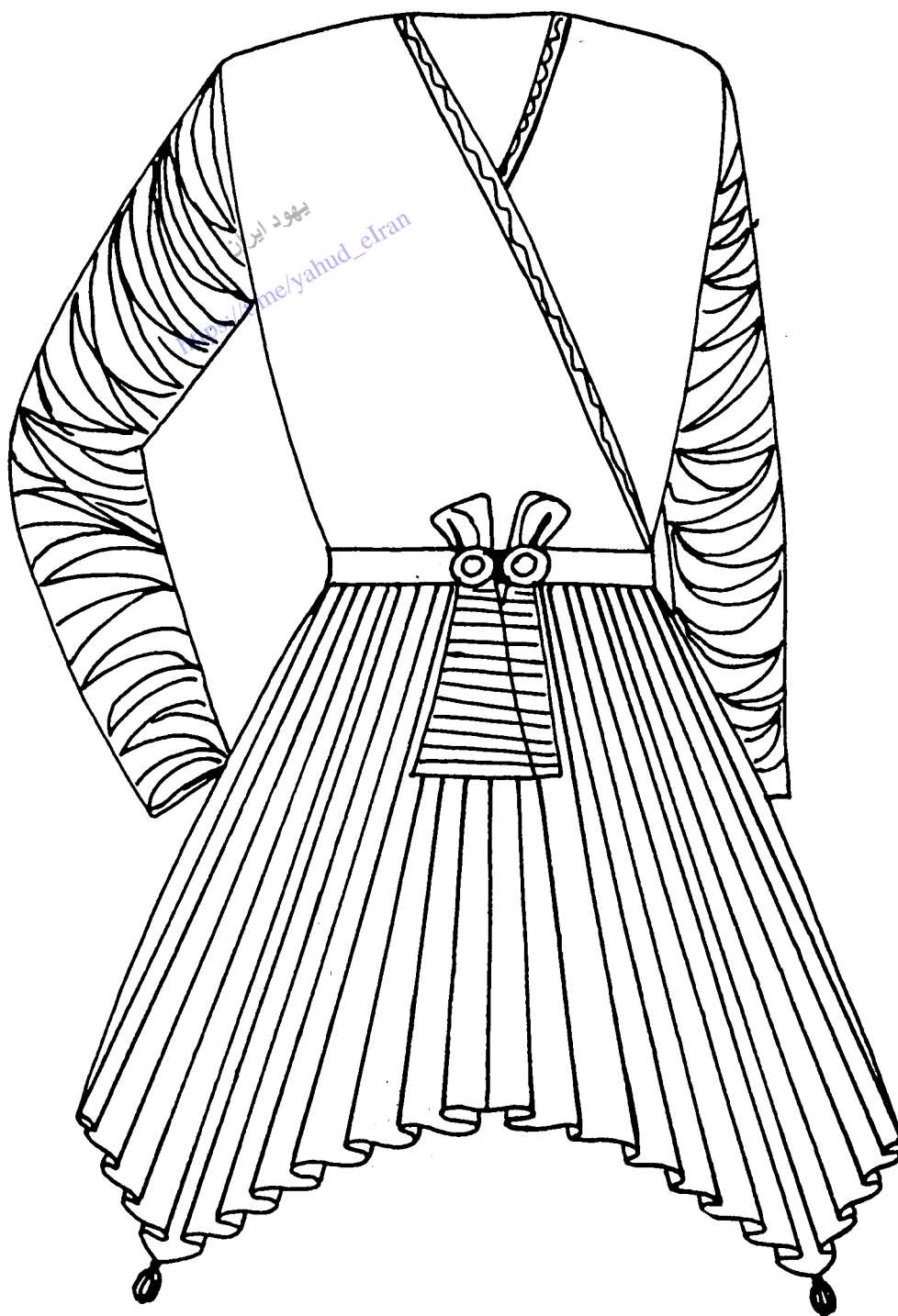


شکل - ۳۰۴ - نوعی لباس مردان ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۰۵ - مرد سوار قایق در طاق بستان

چین‌های فراوان مرتب و عمودی است . انگاره‌ی عمومی آن مانند دامن از نوع پیراهن چهارم است « یعنی قوس دامن بسوی بالا است و هر یک از گوشه‌های قوسهای دامن در انتهای خود منگوله‌ای آویخته دارد » « شکل - ۲۰۶ - » .
 از طرز کار در نقش ، بنظر میرسد که پشت دامن و پهلوهایش نیز باید اینچنین چین‌هایی داشته باشد . از این پیراهن ، بر تن شاپور اول در نقش رجب



شکل - ۲۰۶ - نوعی پیراهن مردان ساسانی در نقش رجب

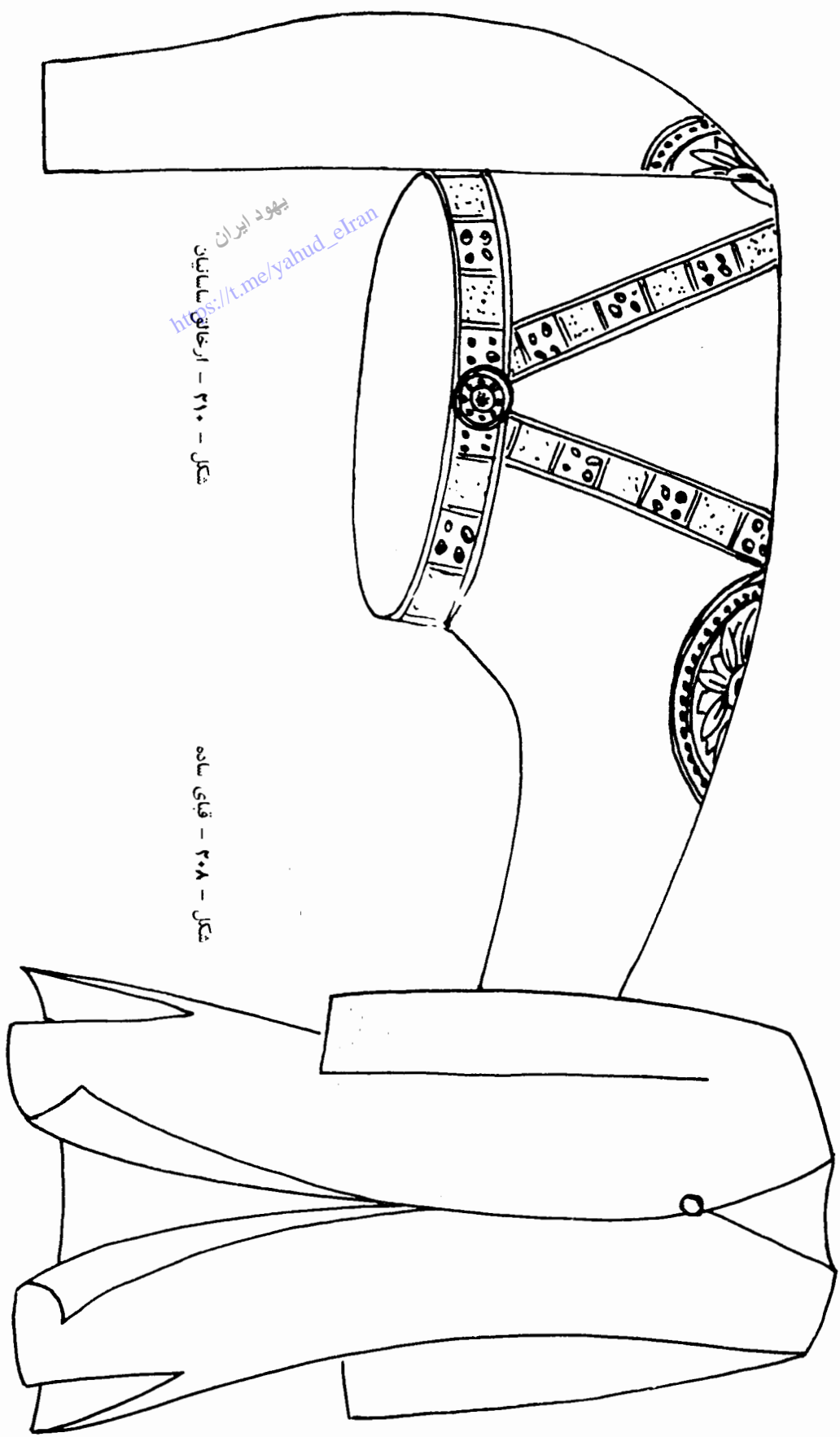
« شکل - ۲۰۷ - » ساخته‌اند .

۸- بعلاوه‌ی این انواع پیراهن‌ها ، ساسانیان قبائی هم داشته‌اند که در موقع



شکل - ۲۰۷ - شاپور اول در نقش رجب

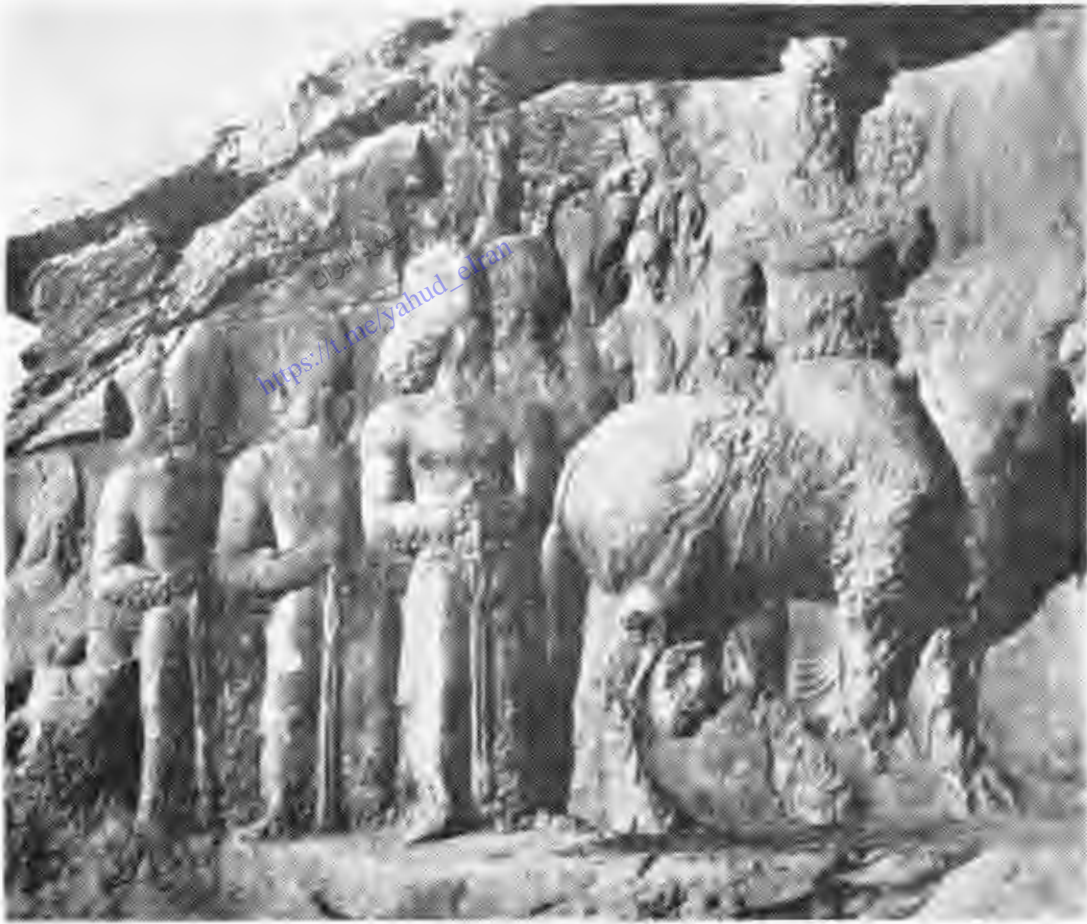
لزوم بر روی پیراهن‌های خود می‌پوشیده‌اند . این قبا تا بزانو بلند و جلو باز بوده و بوسیله‌ی دگمه‌ای بر روی سینه قلاب می‌شده است و از آن ، در نقش رجب بر تن ملتزمین رکاب شاپور اول است « شکل - ۲۰۸ - » .



یهود ایران
https://t.me/yahud_eIran

شکل - ۲۱۰ - ارجاع ساسانیان

شکل - ۲۰۸ - قبا ساده



شکل - ۲۰۹ - شاپور اول و ملتزمین و افسران در نقش رجب

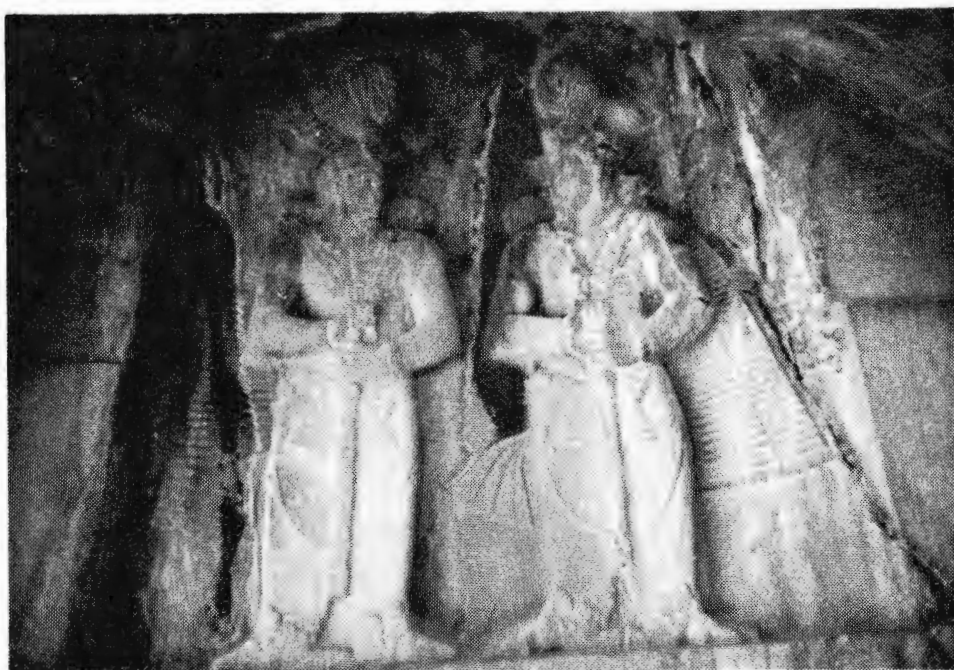
۹- گاهی که قبا بتن نمی کردند، بر روی پیراهن خود ارخالق می پوشیدند (ارخالق پوشی است آستین بلند با یخه‌ی ساده، جلو باز، بلندی قد آن از پشت یخه پپائین تا محاذی زیر استخوان پهن پشت کتف، و در جلو تا زیر پستانها و سر جناق سینه میباشد. نوک لبه‌ی دو طرف آن بوسیله‌ی دگمه‌ای بزرگ و گرد بر روی سینه بهم قلاب میشوند. اغلب، دارای حاشیه‌های تزئینی برگرداگرد یخه، لبه و دامن هستند « شکل - ۲۱۰ - »).

نمونه‌هایی فراوان از ارخالق بر روی سنگها مخصوصاً بشقابهای نقره‌ای موجود است: (بر تن نرسی « شکل - ۲۱۱ - » در نقش چهارنفری طاق بستان

« شکل - ۱۸۹ - » در نقش دونفری طاق کوچک بستان « شکل - ۲۱۲ - »

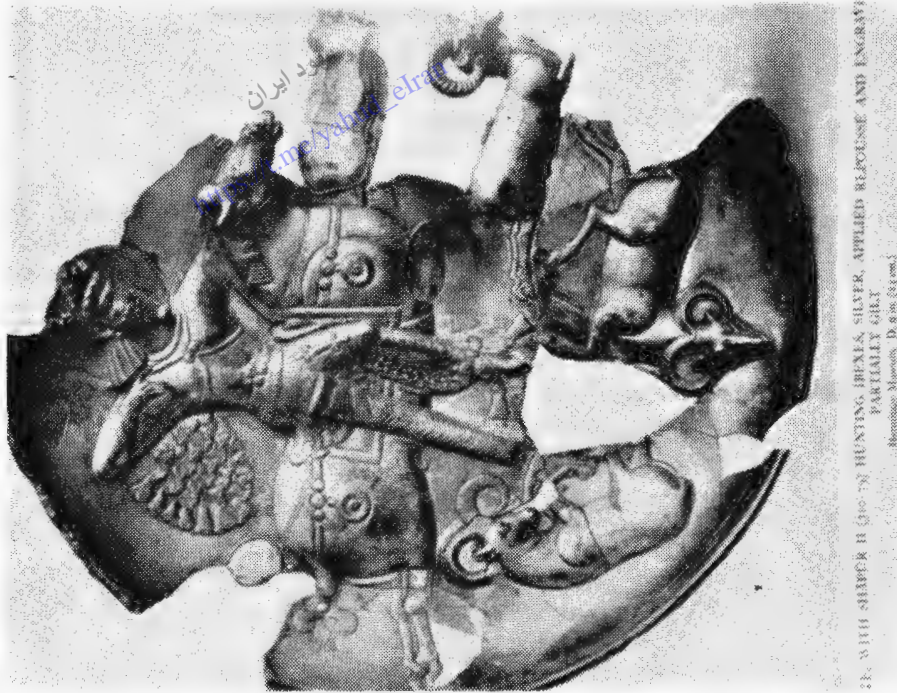


شکل - ۲۱۱ - نرسی که نوعی ارخالق بر تن دارد



شکل - ۲۱۲ - پیراهن دامن‌گرد و ارخالق بر تن دونفر از نقوش طاق بستان

و نقش شاپور دوم در شکار قوچ روی بشقاب « شکل - ۲۱۳ - » و نقش بهرام گور در شکار گراز « شکل - ۲۱۴ - » و نقش سوار بشقاب بدست آمده از



شکل - ۲۱۳ - شاپور دوم در شکار قوچ



شکل - ۲۱۴ - بهرام گور در شکار گراز



شکل - ۲۱۵ - نقش ارجاقلق ساسانیان بر بشقاب بدست آمده از ساری

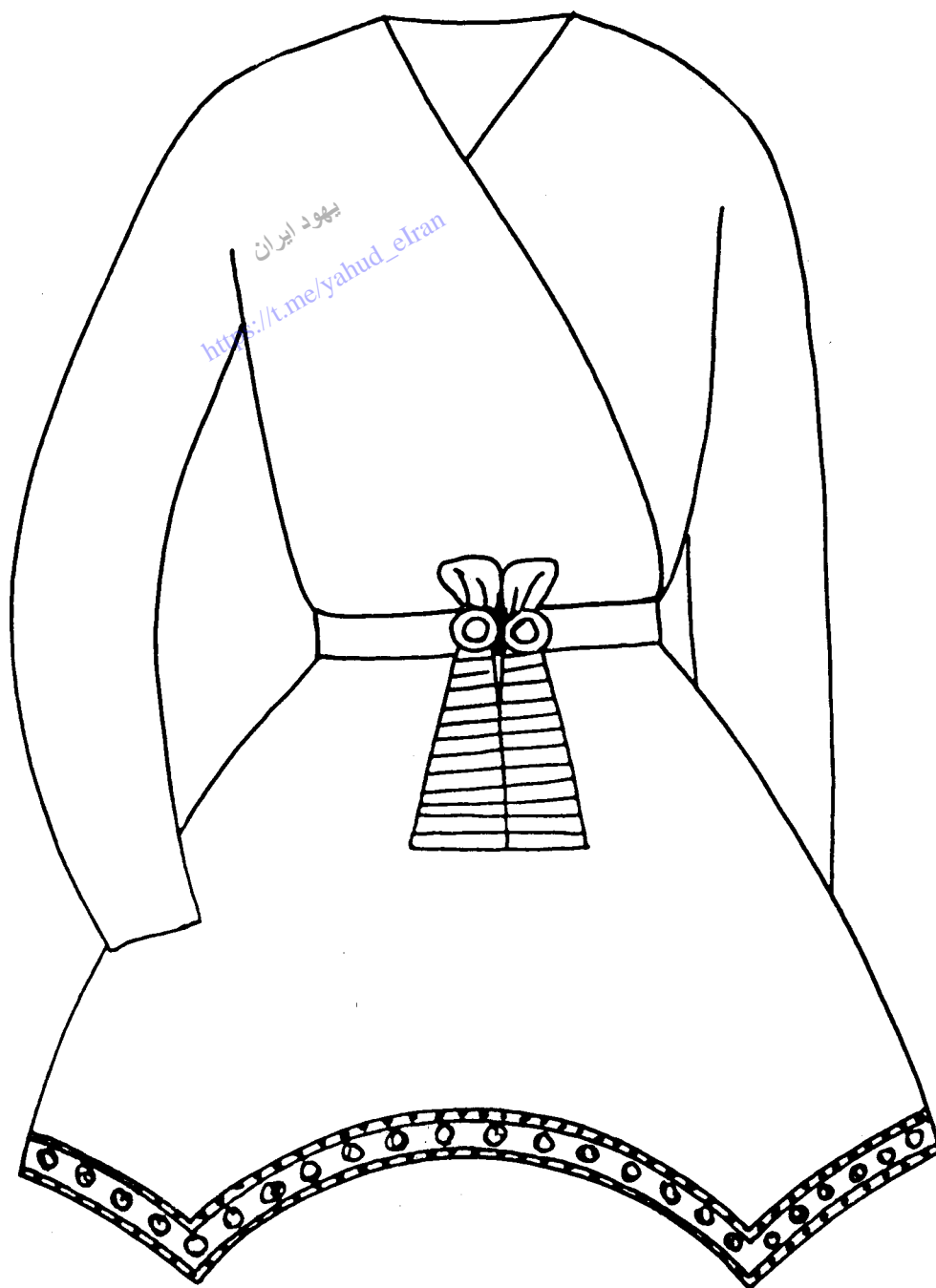


شکل - ۱۹۷ - بهرام‌گور و سپینود

نشان داده شده است « شکل - ۱۹۹ - » .

*

۴ - قبای دیگری هست که دامنش در قسمت جلو مانند نوع سوم بشکل نیمدایره از یک پهلو تا پهلوئی دیگر بی‌الا انحنا دارد ، و بنظر میرسد که عقب دامن نیز چنین باشد ، زیرا در دو پهلو ، گوشه‌های دو نیم‌دایره‌ی جلو و عقب دامن ، مانند قباهای چاکدار نظیر هم بوده و باز است « شکل - ۲۰۰ - » .
 بر سراسر انحناها و چاکهای پهلوئی دامن ، حاشیه داده‌اند . این نوع دامن در نقش سنگی فیلسوار طاق بستان « شکل - ۲۰۱ - » و در بشقاب خسرو اول انوشیروان برای ملازمین طرفین شاه « شکل - ۱۹۴ - » نشان داده شده است .

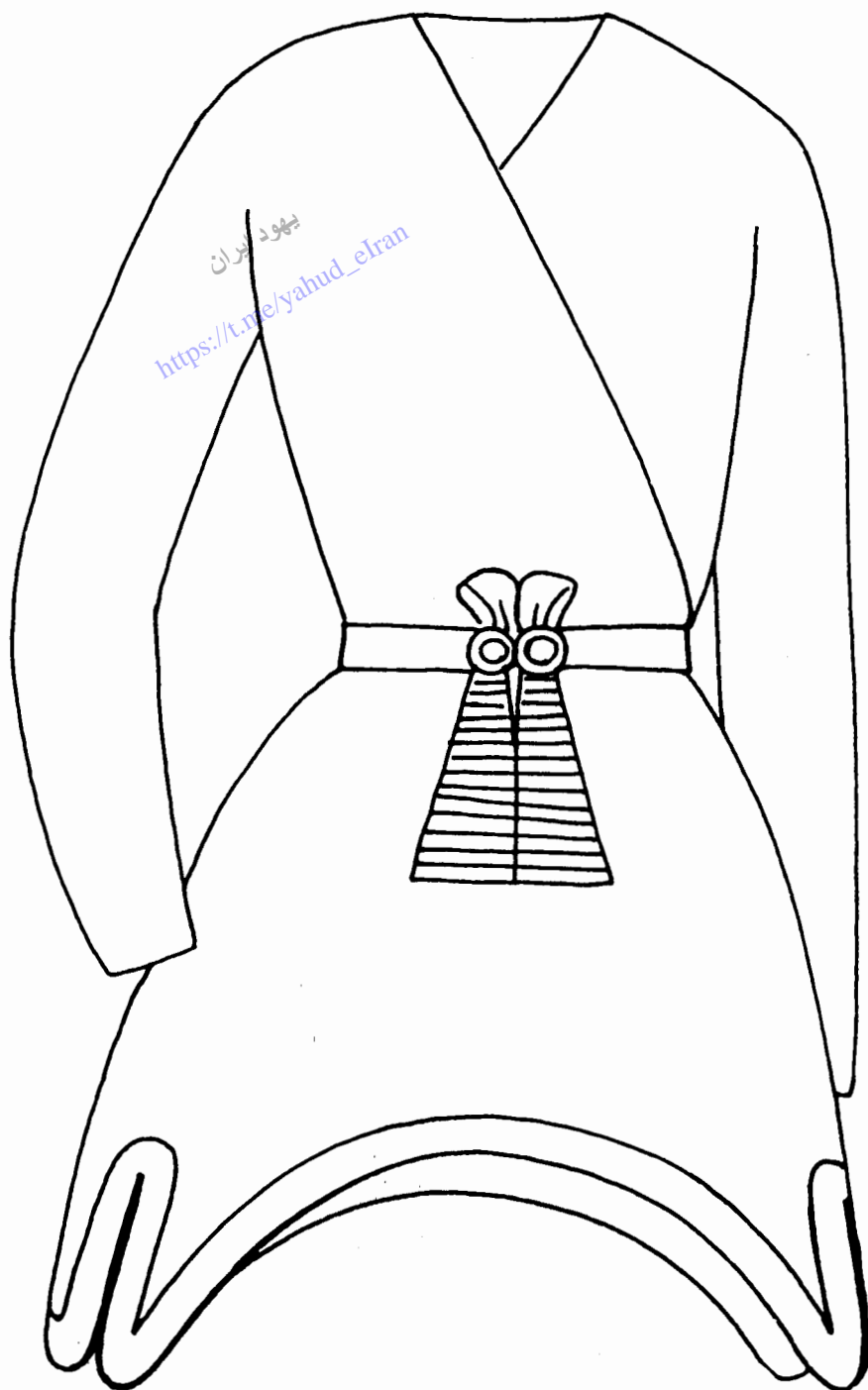


شکل - ۱۹۸ - نوعی قبای عهد ساسانی

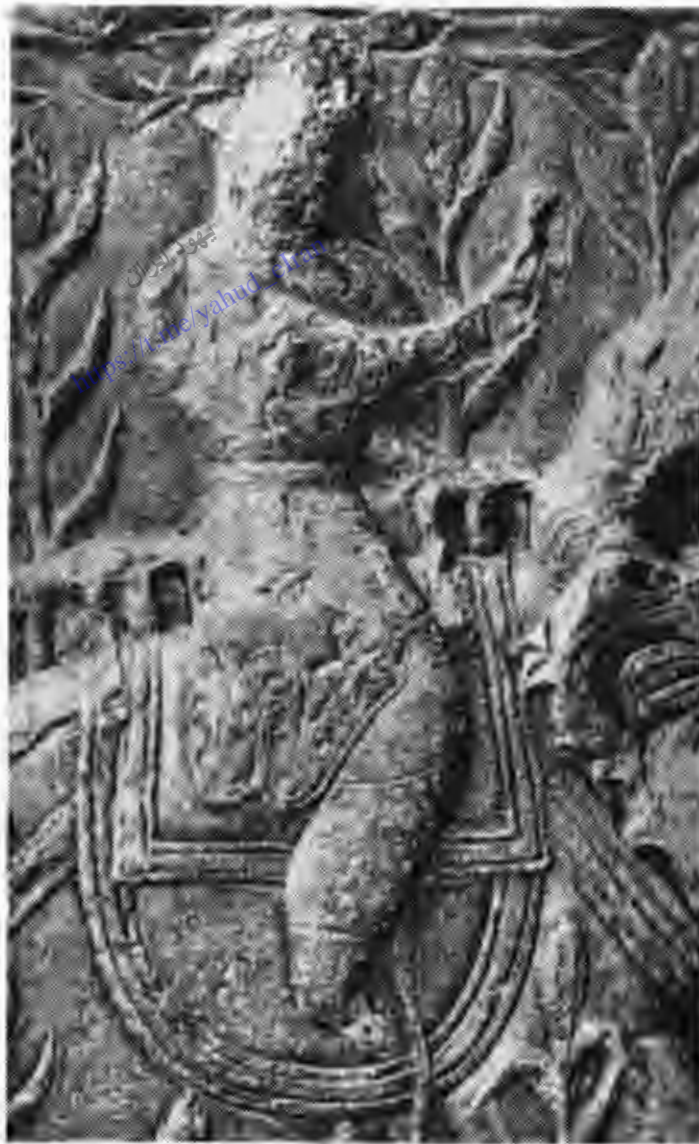


شکل - ۱۹۹ - نقش خسرو انوشیروان

۵ - نوع دیگر پیراهن یا قبائلی است ساده با دامن دوره گرد و یخه‌ی اوریبی که از گردن پهلوی چپ میرسد « شکل - ۲۰۲ - » و از آن بر تن مجسمه‌ی شاپور اول در غار شاپور و نقش رجب است « شکل‌های - ۲۰۳ و ۲۰۷ - ». (بر تن شاپور اول در زیر پیراهن روئی پیراهنی با یخه‌ی گرد دیده میشود که نشانه‌ی وجود پیراهن زیرین و شکل یخه‌ی آن است) .

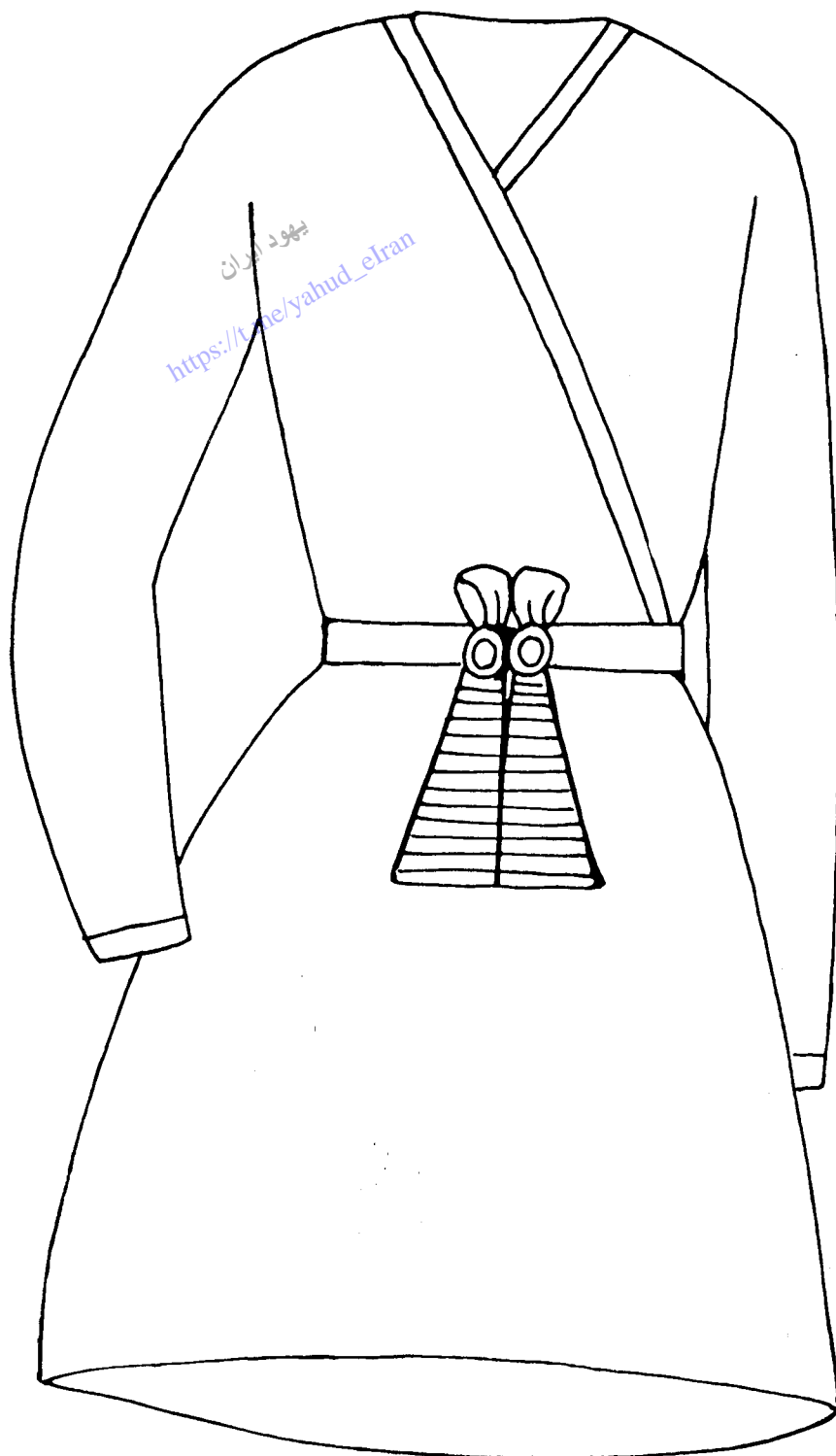


شکل - ۴۰۰ - نوعی قبای ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۰۱ - قبای یکی از مردان طاق بستان

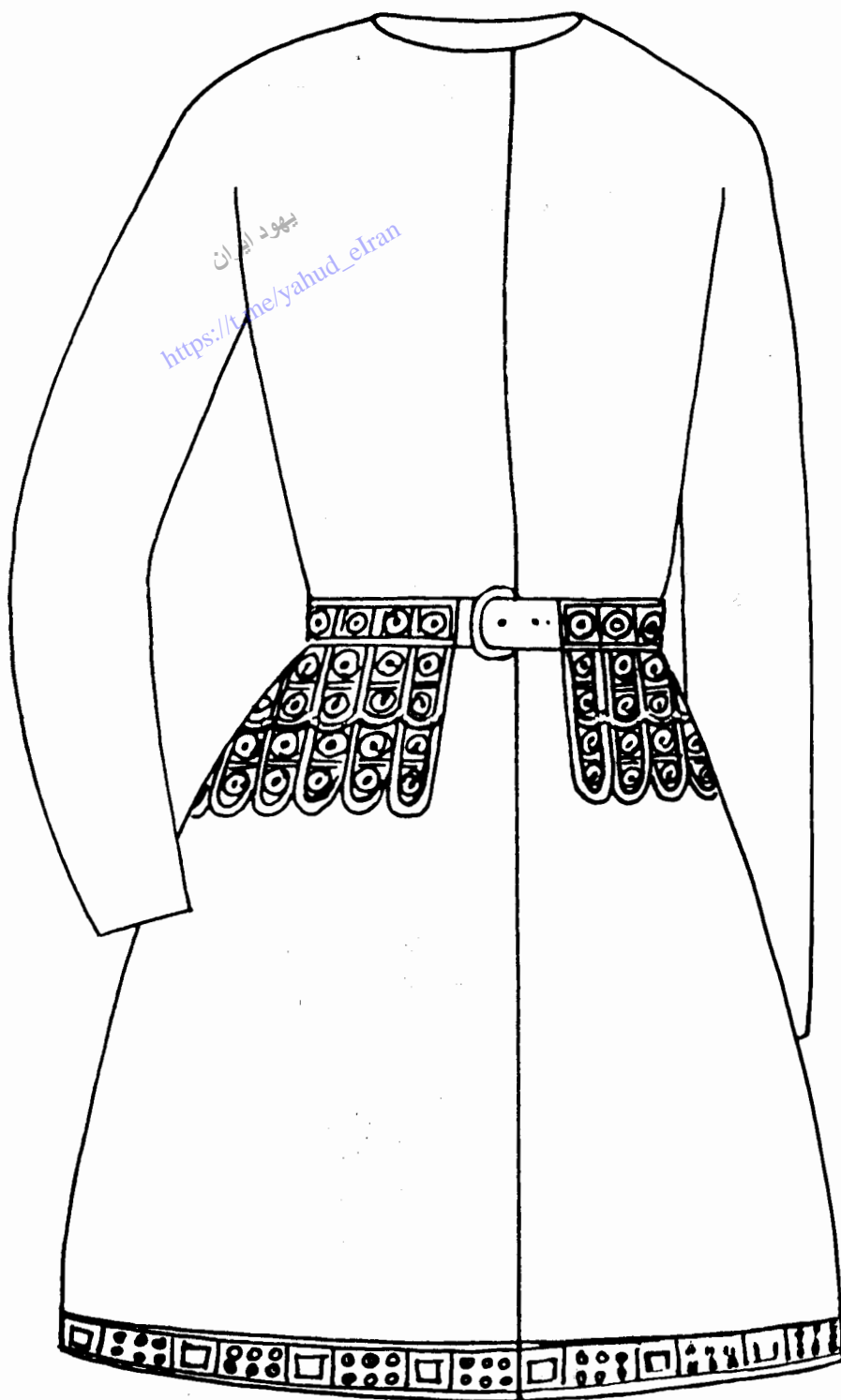
- ۶ - قبای دیگری هست که جلوی آن از محل چال گردن تا به انتهای دامن سرتاسر باز است و بر رویهم آمده است و دامن دوره گرد آن دارای حاشیه می باشد . « شکل - ۲۰۴ - » و نمونه‌ی آن در میان نقوش طاق بستان « مرد سوار قایق در شکل - ۲۰۵ - » می باشد .
- ۷ - پیراهنی دیگر از ساسانیان هست که دامن آن از کمر بیابین دارای



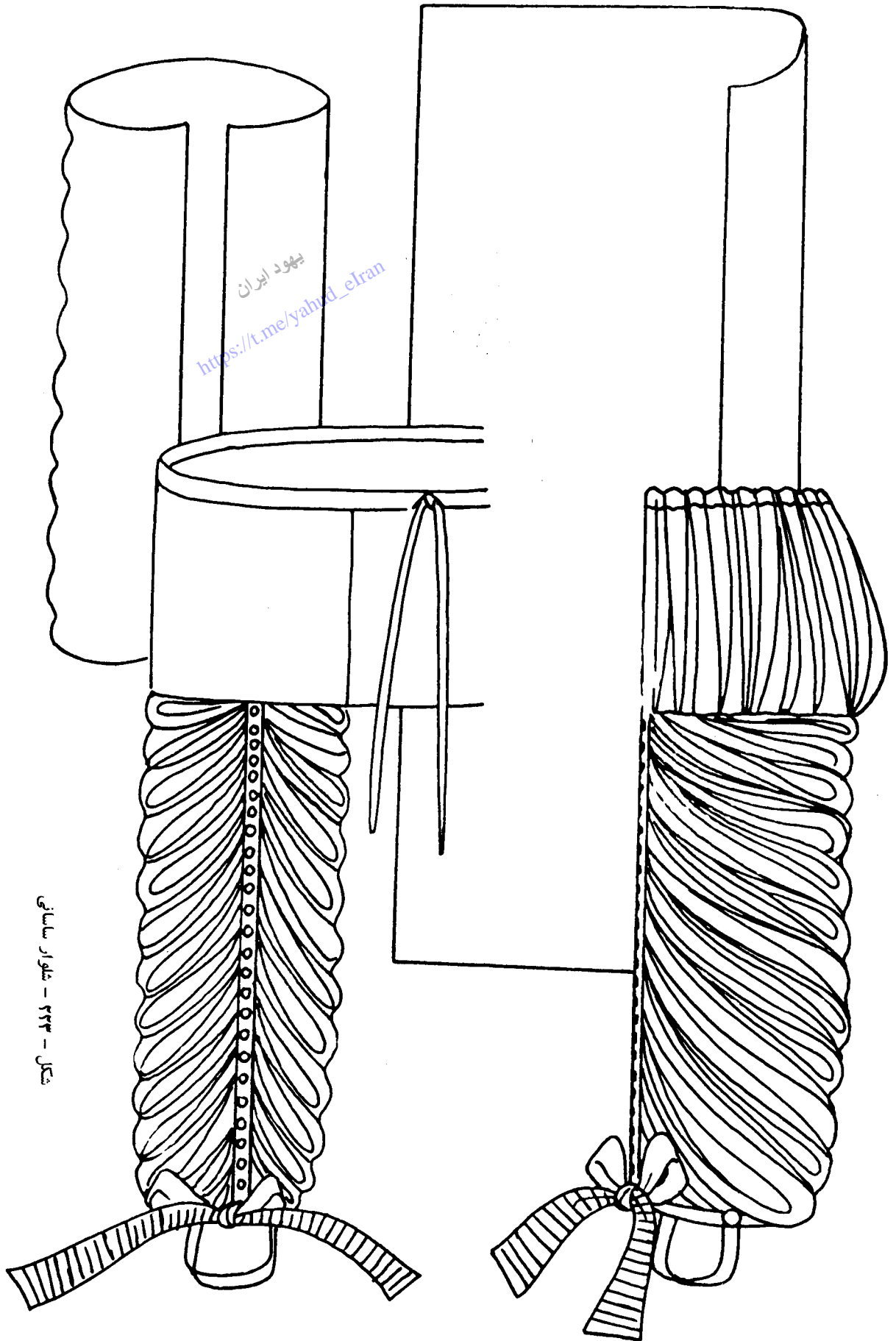
شکل - ۴۰۲ - نوعی پیراهن مردان ساسانی



شکل - ۴۰۳ - مجسمه‌ی شاپور اول



شکل - ۳۰۴ - نوعی لباس مردان ساسانی در طاق بستان



پهلو ایران
https://t.me/yahrd_iran

شکل - ۲۲۳ - شلوار ساشانی

یا دگمه است و در جلو با دو نوار دراز چین‌دار، گل‌گروه زده شده، رکابی از آن «که شاید برای دوام از جنسی محکم‌تر از پارچه، مثلاً چرم باشد» زیر قلاب گرد یا دگمه‌ی بزرگ وصل است که بزیرکفش برای نگاهداری لنگه‌های شلوار که بی‌الا کشیده نشده استوار بماند، قرار می‌گیرد. «شکل‌های - ۲۲۴ و ۲۲۵ -» .



شکل - ۴۴۴ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی در طاق بستان

در بدو امر دلیلی که مدرک تعیینی نوار بر رو، و راستای شلوار باشد یافت نمیشود، زیرا بر روی نقوش سنگی و فلزی چیزی از آن بصراحت دیده نمیشود ولی با دقت بیشتری بالاخره روی بشقابهای آیندوره، نوارهای زیور دار بر روی شلوار دیده میشوند: (مانند بشقاب‌هایی که جنگ با پلنگ را نشان میدهد «شکل - ۱۱۵ -» که بر روی راستای پای چپ نوار بخوبی محسوس است. و در بشقاب خسرو اول انوشیروان «شکل - ۱۹۴ -» و در بشقاب شاپور دوم در شکار قوچ



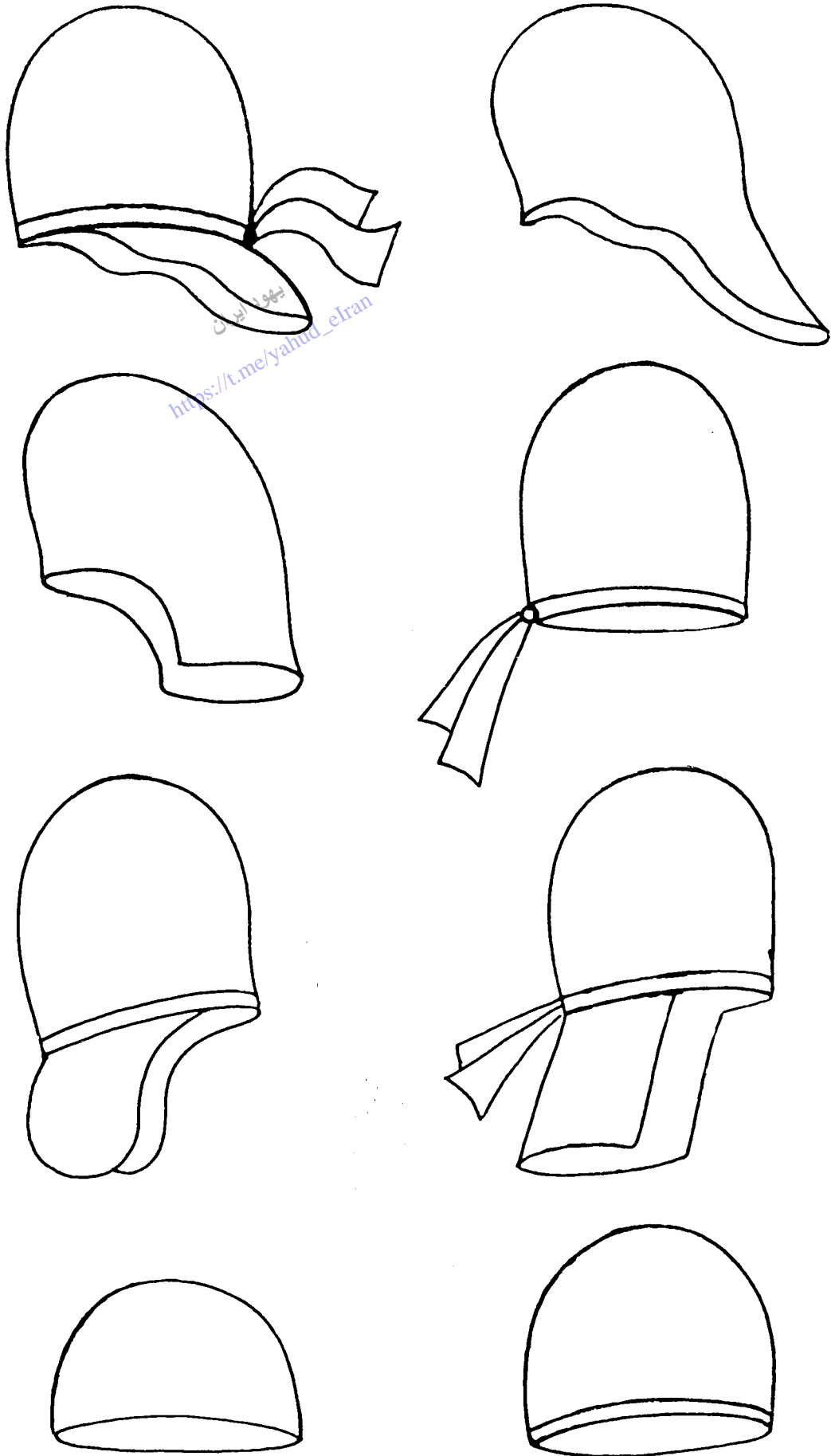
شکل - ۲۲۵ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی در تنگ چوگان

« شکل - ۲۱۳ - » و بهرام گور در شکار گراز « شکل - ۲۱۴ - » و بشقابهای دیگری که طرح آنها نوار منظور را بخوبی مینمایانند .

کلاه ساسانیان

کلاه معمول ساسانیان جز تاجها در برخی مواقع از جنس نمد بوده و شکل آنها گرد است و سه نوع بلند و کوتاه و کوتاهتر دارد ، و بر دوره‌ی لبه‌ی آنها نواری با دنباله‌ی دراز در پشت می بستند . گاهی در پشت کلاه ضمیمه‌ای از جنس خود آن برای حفاظت پشت گردن تعبیه میشده است « شکل‌های - ۲۲۶ - » .

در کلاه بلند و ضمیمه‌اش اندک تنوع در شکل آنها از نظر انحناها



شکل - ۲۲۶ - انواع کلاه‌های ساسانی

« که گاهی گوش را می‌پوشاند و یا پیشانی کلاه جلو آمده تر بوده وجود داشته است .

از انواع این کلاهها در نقش رجب برای ملتزمین شاپور اول « شکل - ۲۰۹ - » و در نقش رستم برای خویشاوندان بهرام دوم « شکل - ۲۲۷ - »



شکل - ۲۲۷ - بهرام دوم و خویشاوندانش در نقش رستم

و در تنگ چوگان شاپور « شکل - ۲۲۸ - » و در نقش رجب « شکل - ۲۲۹ - » بر روی سنگها ساخته‌اند ؛ ولی تنوعات تاجهای ساسانی بقدری زیاد است که خود به تنهایی موضوع کتابی جداگانه میتواند باشد ، زیرا انواع و اقسام آنها بر روی سکه‌های فراوان ایندوره و نقوش سنگی و بشقابهای فلزی ساخته شده است .



شکل - ۴۴۸ - کلاه ساسانی در تنگ چوگان



شکل - ۴۴۹ - نوعی کلاه ساسانی در نقش رجب

کفش ساسانی

از کفش‌های این دوره طبق مدارك موجود « جز کفش جنگی که زره پوش بوده است » دو نوع دیگر دیده شده است. « شکل - ۲۳۰ - » :

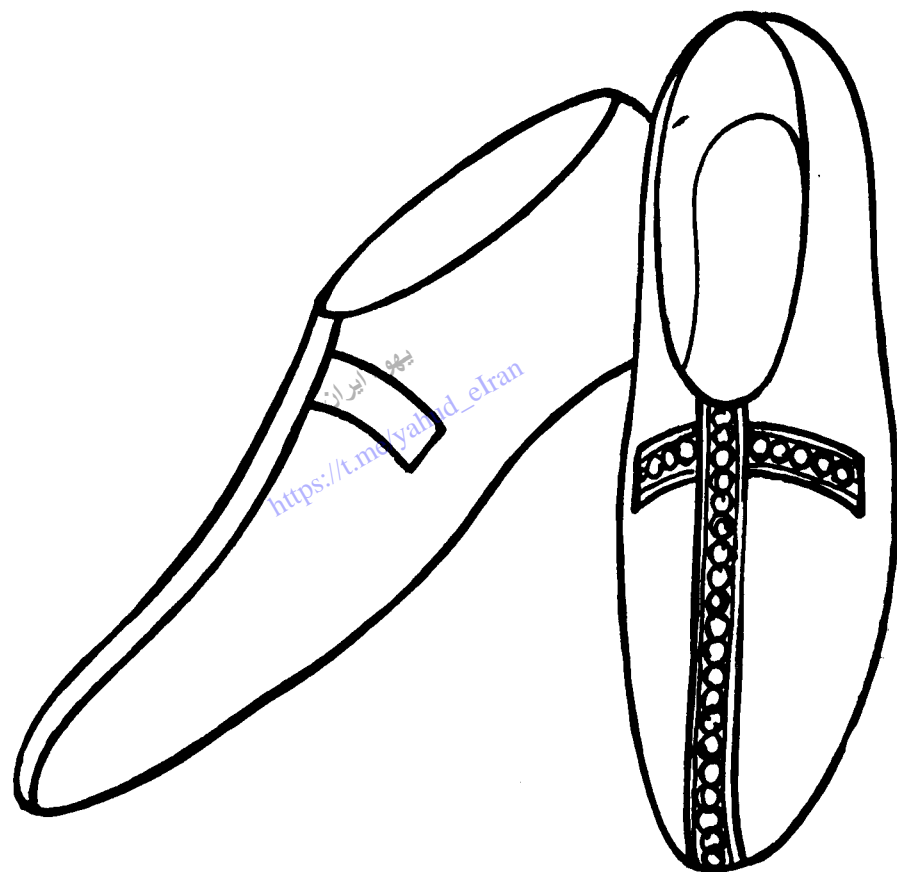
۱ - نوعی از آن کفشی است ساده و ساقه‌ی آن تا قوزک پا است و از جلوی دهانه‌اش تا بسرپنجه ، نواری از چرم دوخته دارد و کمی از جلوی دهانه‌ی کفش بیابین نواری دیگر از راست بچپ از رو یا زیر نواری اولی رد شده است . این دو نواری با هم صورت صلیب پیدا میکنند . از این نوع کفش در پای سپاهیان و پادشاهان روی نقوش تنگ چوکان شاپور ساخته‌اند « شکل - ۲۳۱ و ۲۲۵ - » ؛ و گاهی بر روی نواری کفش ، مانند اشکانیان جواهر و زیور هائی کار گذارده‌اند مانند کفش نقش برجسته‌ی چهارنفری طاق بستان « شکل - ۲۲۴ - » .

.....

۲ - نوع دیگر کفشی است ساقه بلند تا بزانو (چکمه) که گاهی بر روی جلوی ساقه‌ی آن نقش‌هائی کار زده‌اند . از این نوع کفش بر روی نقوش سنگی دیده نشده است ولی در بشقاب منتسب بخسرو اول « شکل - ۱۹۴ - » در پای ملتزمین طرفین شاه هست ، و در پای بهرام‌گور در بزم با سپینود « شکل - ۱۹۷ - » و در پای دو نفر از نوازندگان نقش شاهزاده « شکل - ۲۷۲ - » و در پای شاپور اول در جنگ با والرین که بر عقیق حاك شده است « شکل - ۲۵۰ - » .

*

با این ترتیب ، ساسانیان دارای يك یا دونوع قبا ، دونوع کفش ، چند نوع کلاه نمدی عادی ، یکنوع شلوار ، سه نوع شنل ، دو نوع رو دوشی کوتاه ، چند نوع ارخالق ، هشت نوع پیراهن وانواع زیادی تاج بوده‌اند . لباسشان اغلب



شکل - ۲۳۰ - کفشهای ساسانیان



شکل - ۲۳۱ - کفش ساسانی . حجاری تنگ چوگان شاپور

قلابدوزی - زر دوزی و نقره دوزی نشان داده شده است؛ و دارای نقوش بسیار و ریزه کاریهای پرکار فراوان است. یخه‌ی پیراهن‌ها نیز گرد و هم‌اوریب «از سر شانه‌ی راست به پهلوی چپ» بوده است. برخی از تذکره‌نویسان در باره‌ی رنگ لباس پادشاهان ساسانی نوشته‌هایی بجا گذاشته‌اند که ذهن را بشکوه رنگ‌آمیزی آندوره آشنا میکند.

*

حمزه‌ی اصفهانی میگوید کتابی را دیده‌است که در آن پادشاهان ساسانی را نقاشی کرده بوده‌اند:

اردشیر را کشیده‌اند که قبای نگاره‌دار پوشیده، شلوارش آبی آسمانی و تاجش سبز روی زمین‌های زرین است و نیزه‌ای هم در دست دارد.

در مجمل التواریخ نوشته شده است :

..... و نسبت او در سیرالملوک چنین آمده است : اردشیر بن پاپک ابن ساسان ابن فانک بن مهونس بن ساسان بن بهمن بن اسفندیار و خدای تعالی علیم‌تر است بر آن . و اندر کتاب صورت پادشاهان بنی ساسان گفته است : که پیراهن او بدینارها بود و شلوار آسمانگون و تاج سبز در زر و نیزه قائم در دست .

..... شاپور پسر اردشیر ، قبایش آبی آسمانی و شلوارش قرمز گلدوزی شده ، تاجش قرمز آمیخته به سبز است . نیزه‌ای هم بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

..... شاپور پسر اردشیر بود . در کتاب الصور اورا پیراهن آسمانگون گوید و شلوار وشی^۱ سرخ و تاج سرخ در سر ، ایستاده نیزه در دست گرفته . مجمل‌التواریخ .

..... هرمز پسر شاپور اول ، قبایش سرخ و قلابدوزی شده شلوارش سبز و تاجش سبز روی زمین‌های زرین و سوار بر شیر است و در دست راستش نیزه‌ای است و بدست چپش سپر دارد ، حمزه‌ی اصفهانی .

..... هرمزد پسر شاپور بن اردشیر بود و اندر کتاب صورة گفته است پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار سبز و تاج سبز در زر داشت (اندر دست) راست نیزه و اندر چپ سپر داشت ، بر شتری نشسته . مجمل‌التواریخ .

۱ - وشی بفتح اول و کسر ثانی : پارچه‌ی لطیف گلدار و منقوش « برهان قاطع » .

.....
 بهرام پسر هرمز ، قبایش سرخ ، شلوارش سرخ تاجش آبی آسمانی
 با دو تیغهی ماه و یک ماه زرین یک نیزه در دست راست گرفته ایستاده
 است و یک شمشیر هم در دست چپ دارد که بآن تنه داده است . حمزه‌ی
 اصفهانی .

.....
 بهرام پسر هرمزد شاپور بود ، صورت او با پیراهن سرخ و شلوار
 سرخ و تاج آسمانگون نگاشته اندر دست راست نیزه و اندر چپ شمشیر
 بدان فرو چفسیده . مجمل‌التواریخ .

.....
 بهرام پسر بهرام ، قبایش آبی آسمانی و قلابدوزی شده ، شلوارش
 سرخ . روی تختی نشسته و دستش را روی شمشیر نهاده است . تاجش
 سبز است و دو بال کوچک با یک ماه گرد زرین دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 بهرام الثانی : پسر بهرام بن هرمزد بود . بصورت او نگاشته با
 پیراهنی وشی سرخ و شلوار سبز ، و تاج آسمانگون (میان) دو شرفه^۱
 زرین . بر سر بر نشسته و کمانی بر زه کرده اندر دست راست گرفته و سه چوبه
 تیر اندر چپ گرفته . مجمل‌التواریخ .

.....
 نرسی پسر بهرام ، قبایش سرخ و قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی
 قلابدوزی شده ، خودش ایستاده و دو دستش را روی شمشیر گذاشته است و تاجش

۱ - شرفه : بضم و فتحه و کسره اول در عربی مطلق کنگره را گویند « خواه کنگره قلعه
 و خواه کنگره بام و دیوار خانه و غیره باشد » .

سرخ است . حمزه‌ی اصفهانی .

بهرام الثالث : پسر بهرام بن بهرام هرمزد بودست و لقبش سکان شاه و سکان نام سیستان است . پیراهن بهرام بهرامیان آسمان گون بودست باشلوار سرخ ، بر سریر نشسته و بر شمشیر تکیه زده و تاج او سبز میان دو شرف زر اندر ساخته . نرسه بن بهرام : (۲۲ - آ) نرسی تیرا گویند ، برادر این بهرام بود ، نرسی بن بهرام بن هرمزد ، پیراهنش وشى سرخ بود و شلوار وشى بر لون آسمان ، بر پای استاده نگاشته است با تاج سرخ و بهر دو دست بر شمشیر فرو چفسیده . مجمل‌التواریخ .

هرمزد پسر نرسی . قبایش سرخ و قلابدوزی شده است . شلوارش آبی آسمانی قلابدوزی شده . تاجش سبز ، ایستاده و دو دستش روی شمشیر است حمزه‌ی اصفهانی .

هرمزد پسر نرسی بود ، در صورت ساسا (نیان) پیراهن سرخ وشى صورت کرده است ، با شلوار آسمان گون و تاج سبز بر سر نهاده و به هر دو دست تکیه بر شمشیر زده . مجمل‌التواریخ .

شاپور هرمز ، قبایش گل سرخی و قلابدوزی شده ، شلوارش سرخ قلابدوزی شده . روی تخت نشسته در دستش تبرزینی است . تاجش آبی آسمانی وگرداگرد آن برنگ زر است دوگپه‌ی زرین دارد که يك تیغهی ماه از زر در میان آن است . حمزه‌ی اصفهانی .

شاپور : پسر این هرمزد بود و او را عرب ذوالاکتاف لقب کردند .

پیراهن او مورد بود وشی ، شلوار سرخ وشی ، بر تخت نشسته تبرزین اندر دست و تاج بلون آسمان بزر ، منقش برنگها اندر میان دو شرفه زر و صورت ماه بر سر نگاشته . مجمل‌التواریخ .

.....
 اردشیر پسر شاپور . قبایش قلابدوزی برنگ آبی آسمانی . شلوارش سرخ قلابدوزی شده تاجش سبز نیزه‌ای در دست راست دارد و دست چپش را بر روی شمشیر نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 اردشیر : پسر هرمزد بن نرسی بود ، برادر شاپور ، پارسیان او را نکوکار خواندند ، پیراهن او آسمان‌گون بود وشی بدینارها و شلوار سرخ ، بدست راست نیزه و بچپ اندر شمشیر بود بدان چفیسیده (۲۲ - ب) و تاج سرخ بر سر نهاده . مجمل‌التواریخ .

.....
 شاپور پسر اردشیر ، قبایش سرخ و قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی . زیر قبایش قبای دیگری است که زرد است . تاجش سبز آمیخته به سرخ که دو بال کوچک و یک ماه زرین دارد . خودش سرپا ایستاده و گریزی بدست راست دارد که سر آن چون پرنده ایست و دست چپش زوی دسته‌ی شمشیرش نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 شاپور بن شاپور : پسر ذوالاکتاف بود ، در کتاب صور پیراهن او وشی سرخ و اندر زیرش دیگری زرد و شلوار آسمان رنگ ، تاج میان دو شرفه زر اندر برنگ سبز ، ایستاده نگاشتست ، قضیبی آهن صورت مرغی بر سرش بدست راست و بدست چپ بر قبضه شمشیر فرا خمیده . مجمل‌التواریخ .

.....

بهرام پسر شاپور ، قبایش قلابدوزی آبی آسمانی . شلوارش سرخ قلابدوزی ، تاجش سه گپه و يك ماه زرین دارد . ایستاده نیزه‌ای بدست راست گرفته و دست چپش را روی شمشیرش نهاده است ، حمزه‌ی اصفهانی .

.....

بهرام بن شاپور : و او را کرمان شاه خواندندی ، تاج او سبز گوید ، در میان سه شرف زر و پیراهن آسمان گون و شلوار وشی کرده ، بدست راست اندر نیزه ، و بدست چپ بر شمشیر فرامخیده . مجمل‌التواریخ .

.....

یزدگرد پسر بهرام ، قبایش سرخ . شلوارش آبی آسمانی . تاجش آبی آسمانی . ایستاده است و نیزه‌ای بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....

یزدجرد : پسر بهرام بود ، پارسیان او را بزهر خواندند . پیراهن او سرخ بود و شلوار بلون آسمان و تاج همچنان ، ایستاده نیزه اندر دست . مجمل‌التواریخ .

.....

بهرام گور پسر یزدگرد ، قبایش آبی آسمانی ، شلوارش سبز قلابدوزی شده . تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته و يك گرز در دست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....

بهرام گور : پسر یزدگرد بود و بهرام گور را پیراهن در کتاب صورت آسمان گون نگاشتست و شلوار سبز وشی و گرز اندر دست . مجمل‌التواریخ .

.....

یزدگرد پسر بهرام ، قبایش سبز ، شلوارش سیاه قلابدوزی شده با زر ، تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته و به شمشیرش تنه

داده است . حمزه‌ی اصفهانی .

یزدجرد : پسر بهرام گور بودست و پیراهن سبز داشت و شلوار وشی
سیاه رنگها با زر و تاج آسمان رنگ ، بر تخت نشسته و تکیه زده بر تیغ
(۲۳ - آ) . مجمل التواریخ .

فیروز پسر یزدگرد ، قبایش سرخ . شلوارش آبی آسمانی زر دوزی شده
تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته نیزه‌ای در دست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

فیروز : پسر یزدگرد بن بهرام گور بود ، پیراهن سرخ نگاشتست و شلوار
آسمان گون به زر وشی کرده و تاج هم بدین رنگ . بر تخت نشسته نیزه اندر
دست گرفته . مجمل التواریخ .

بلاش پسر فیروز ، قبایش سبز ، شلوارش سرخ قلابدوزی شده با سیاه
و سفید است . تاجش آبی آسمانی . ایستاده و نیزه‌ای در دست دارد . حمزه‌ی
اصفهانی .

بلاش : پسر فیروز ، پیراهن سرخ داشت و شلوار سرخ ، با سیاهی
و سفیدی بهم آمیخته ، تاج آسمان گون ، ایستاده نیزه در دست گرفته .
مجممل التواریخ .

قباد پسر فیروز ، قبایش آبی آسمانی است و با سیاه و سفید قلابدوزی
شده است . شلوارش سرخ ، تاجش سبز ، روی تخت نشسته و بشمشیر تنه داده
است ، حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 قباد : پسر فیروز بودست و پیراهن قباد آسمان گون بود سیاهی و سفیدی
 آمیخته و شلوار سرخ و تاج سبز ، بر تخت نشسته و به تیغ فراخمیده .
 مجمل التواریخ .

.....
 خسرو پسر قباد ، قبایش سپید و با رنگهای گوناگون قلابدوزی شده .
 شلوارش آبی آسمانی . بتخت نشسته و بشمشیر تنه داده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 کسری نوشروان : پسر قباد بود . پیراهن او سفید بود برنگها آمیخته
 و وش‌ی کرده و شلوار آسمان رنگ . بر تخت نشسته و بر شمشیر (۲۳ - ب)
 فراخمیده . مجمل التواریخ .

.....
 هرمز پسر خسرو انوشیروان ، قبایش سرخ قلابدوزی شده ، شلوارش
 آبی آسمانی و قلابدوزی شده تاجش سبز . روی تخت نشسته و گریزی
 در دست دارد و دست چپش را روی شمشیر نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 هرمز پسر نوشروان بود ، پیراهن وش‌ی سرخ داشت و شلوار آسمان گون
 بود با تاج سبز ، بر تخت نشسته ، بدست راست اندر گریزی داشت و چپ بر
 قبضه تیغ نهاده . مجمل التواریخ .

.....
 خسرو پرویز پسر هرمز ، قبایش پشت گلی قلابدوزی شده ، شلوارش
 آبی آسمانی ، تاجش سرخ ، نیزه‌ای بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
 کسری پرویز : پسر هرمزد نوشروان بود ، پارسیان او را خسرو پرویز

خواندندی ، پیراهن مورد وشی داشت و شلوار آسمان گون و تاج سرخ نیزه در دست ، مجمل التواریخ .

شیرویه پسر خسرو پرویز ، قبایش قلابدوزی شده ی سرخ ، ایستاده و یک شمشیر بریخت سه گوشه بدست دارد . حمزه ی اصفهانی .

شیرویه : پسر کسری پرویز بود و اندر کتاب صورت آل ساسان گوید : پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان رنگ و تاج سبز ، بر پای ایستاده بدست راست شمشیری کشیده . مجمل التواریخ .

اردشیر پسر شیرویه ، قبایش آبی آسمانی گوناگون ، تاجش سرخ . ایستاده یک شمشیر بدست راست دارد و دست چپش نیز روی شمشیر است . حمزه ی اصفهانی .

اردشیر : پسر شیروی بود و كودك (۲۴ - آ) پیراهن آسمان گون داشت و تاج سرخ . بر پای ایستاده نیزه بدست راست و بدیگر دست شمشیر چفسیده . مجمل التواریخ .

پوران دخت دختر پرویز ، قبایش قلابدوزی شده ی سبز ، شلوارش آبی آسمانی . روی تخت نشسته و تبرزین بدست دارد . حمزه ی اصفهانی .

بوران دخت : دختر پرویز بود ، پیراهن وشی سبز داشت و شلوار آسمان گون و تاج همچنان ، بر تخت نشسته تبرزین در دست . مجمل التواریخ .

آزرمیدخت قبایش سرخ و قلابدوزی با رنگهای گوناگون . شلوارش آبی آسمانی برنگهای گوناگون . تاجش سبز . روی تخت نشسته تبرزین را بدست راست دارد و دست چپش روی شمشیر است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....

آزرمیدخت : خواهر بوران بود دختر کسری پرویز ، پیراهن او سرخ نگاشتست ملون ، و شلوار آسمان‌گون و تاج برسر ، بر سرش نشسته ، بدست راست تبرزینی و چپ بر تیغ تکیه زده . مجمل‌التواریخ .

.....

یزدگرد پسر شهریار ، قبایش سبز و قلابدوزی شده شلوارش آبی آسمانی قلابدوزی شده ، تاجش سرخ . نیزه‌ای بدست دارد و دستی را نیز روی شمشیر نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.....

یزدجرد آخر ملوک عجم : پسر شهریار بن کسری پرویز بود . پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان‌گون و تاج سرخ ، نیزه اندر دست و بر شمشیر فرا خمیده و همه ملوک بنی ساسان را موزه سرخ بوده ست والسلام . مجمل‌التواریخ .

پوشاک رزمی ساسانیان

آرتور کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان ، مطالبی دارد که توجه بآن ، ذهن را نسبت به الیسه‌ی جنگی و همچنین برخی خصوصیات سپاهیگری آن دوره روشن میکند .

در صفحه‌ی - ۱۳۷ - سطر - ۳ - می‌نویسد : (نخبه‌ی سپاه عهد ساسانی مانند دوره‌ی اشکانیان عبارت بود از اسواران زره پوش و دسته نجبا . سواره نظام « اسواران » در صف جنگ مقام اول را حائز و فتح و ظفر منوط بقوت و شجاعت آنها بود . ایرانیان ، افواج منظم سواره نظام را با صفوفی چنان انبوه بمقابله‌ی رومیان میفرستادند که از برق زره و سلاح آنان چشم دشمن خیره میشد . افواج سوار ، گوئی یکپارچه آهن بودند . تن افراد بکلی از صفحات آهن پوشیده شده بود و چنان این آهن بر بدن می‌چسبید که مفاصل خشک زره بسهولت از حرکات اعضاء بدن تبعیت میکرد . برای محافظت چهره ، نقابی بر رخ می‌افکندند و بدین جهت هیچ تیری ممکن نبود بر بدن کارگر شود مگر سوراخ‌های کوچکی که در مقابل چشم و شکافهای باریکی که زیر منخرین تعبیه کرده بودند و از آنجا با کمال صعوبت نفس می‌کشیدند . بعضی از آنها نیزه در دست گرفته در يك جا بیحرکت می‌ایستادند چنانکه گفتی به وسیله آهن بهم متصل شده‌اند . در جوار آنان تیر اندازان دستها را دراز کرده کمان نرم خود را بزه میکردند بقسمی که زه بجانب راست سینه تماس میگرفت و پیکان نیز بدست چپ می‌پیوست) .

*

چند علامت در روی کلاههای بلند بعضی از افراد که در حجاری‌ها شاه را احاطه نموده‌اند دیده میشود . ممکن است علائم مزبور نشانه تعلق هر يك

از افسران واحدهای مختلف سپاه بصفوف و طبقات مختلف خود باشد. « کریستن سن صفحه‌ی - ۱۳۷ - ایران در زمان ساسانیان سطر - ۲۵ - » .

*

افراد پیاده از روستائیان بودند که خدمت نظام از وظایف آنان محسوب میشد. بدون امید اجرت و پاداش بجنگ میرفتند. سلاح ایشان شبیه زره پوشان رومی بود. بعضی از این گروه، سپرهای بلند و خمیده داشتند که از نی ساخته شده و پوستی بر آن کشیده بود. « کریستن سن صفحه‌ی - ۱۳۸ - ایران در زمان ساسانیان سطر - ۱۹ - » .

*

در زمان کسری سلاح کامل اسواران مرکب بود از يك برگستوان اسب و جوشن بلندی و زره سینه پوشی و ران بندی و شمشیری و نیزه‌ای و سپری مدور و گریزی که بکمر بسته میشد و تبرزینی و ترکشی که حاوی دو کمان با چند زه و سی تیر بود. دوکمند بافته را از پشت سر بکلا خود متصل میکردند. بمناسبت زره سنگینی که داشتند اسواران را تنوریگ میخواندند. سلاح عمده در جنگ، نیزه و کمان یعنی همان اسلحه باستانی بود که ایرانیان از قدیمترین ازمینه با نهایت استادی بکار می‌بردند. « کریستن سن. کتاب ایران در زمان ساسانیان صفحه‌ی - ۲۵۸ - سطر - ۲۷ - » .

*

طبق نظر کریستن سن، ساسانیان هنگام جنگ سراسر جوشن پوش بودند (یعنی زره سینه پوش با دامن بلند، ران بند، کلا خود، شمشیر، کمان، نیزه، سپر و دوکمند بافته و برای اسبان برگستوان داشتند). بدیهی است که

این نوشته‌ها طرح کلی پوشش را در ذهن می‌ریزد ولی شکل آنها را روشن نمی‌کند. اما در مقایسه با نقوش سنگی و طرحهای روی بشقابهای این عهد « که تنها مدارك قابل پذیرش هستند » میتوان بشکل و جزئیات آنها پی برد.

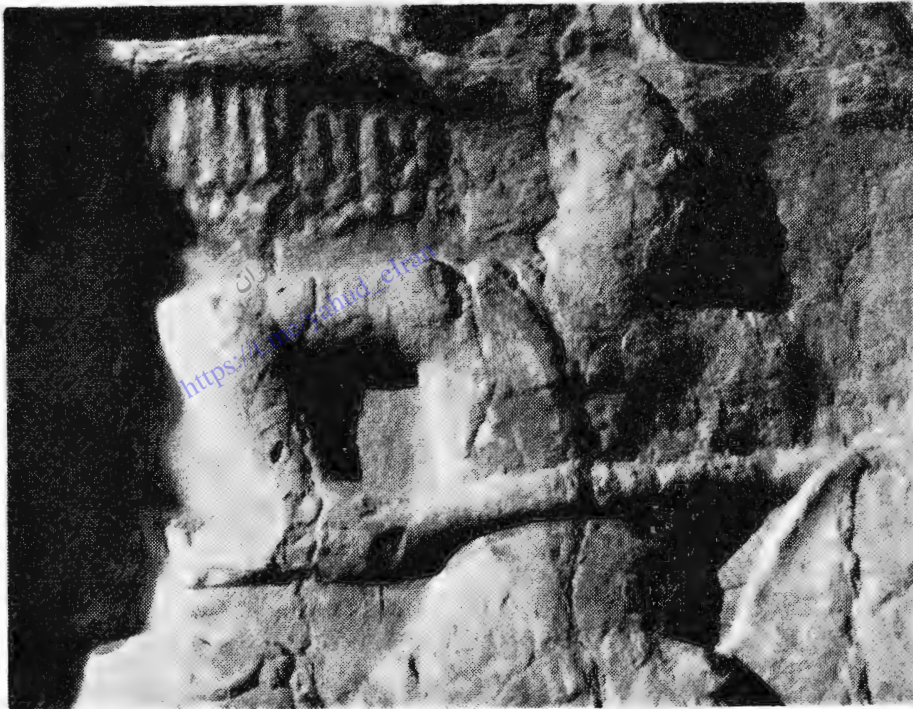
* یهود ایران
http://me/yahud_elfran

در نقش رستم سه صحنه‌ی جنگی از ساسانیان هست که سواران آن جوشن پوشاند و آنان را بنامهای برخی از شاهان ساسانی نامگذاری کرده‌اند « صرفنظر از نامهای آنان که جنگجویان فاتح، بقول برخی‌ها هرمن دوم و یا بقول برخی دیگر بهرام دوم هستند » روی البسه‌ی جنگی آنان « که در هر حال ساسانی است » دقت میشود:

در یکی از این صحنه‌ها، دو جنگجو را ساخته‌اند که غالب و مغلوب هر دو یکجور جوشن بتن دارند « شکل - ۲۳۲ - » « فقط کلاهخود آنان متفاوت است، و اسب فاتح برگستوان دارد و از آن مغلوب ندارد ». پشت سر فاتح پرچمدار اسب سوار او سرتاپا جوشن پوش پرچمی را « که خرابی زیاد بآن وارد آمده و فلانندن شکل - ۱۲۲ - سال پیش آن را در سال ۱۸۴۰ میلادی داده » دو دستی گرفته تازان است. نیزه‌ی بلند و محکم فاتح بر شکم مغلوب فرو کوفته شده اسب و سوار هر دو را سرنگون کرده است. از کلاهخود فاتح جز بال پرنده‌ای باقی نیست. بر دوش او دو قبّه استوار است که بر میان آن دنباله‌هایی پرچین در اهتزاز است. جوشن سینه‌ی فاتح، بنظر میرسد که سطحی صاف بوده و بر اثر عوامل طبیعی یا غیر آن خرد شده است ولی با توجه بیشتری روی جوشن سینه‌ی پرچمدار و نقوش دیگر این جنگجو « شکل - ۲۳۳ - » و مقایسه با جوشن‌های مردان جنگی نقوش فیروزآباد معلوم میشود که جوشن سینه، در اصل بشکل سینه و شکم و برجستگیهای



شکل - ۲۲۲ - جنگ دو مبارز در نقش رستم



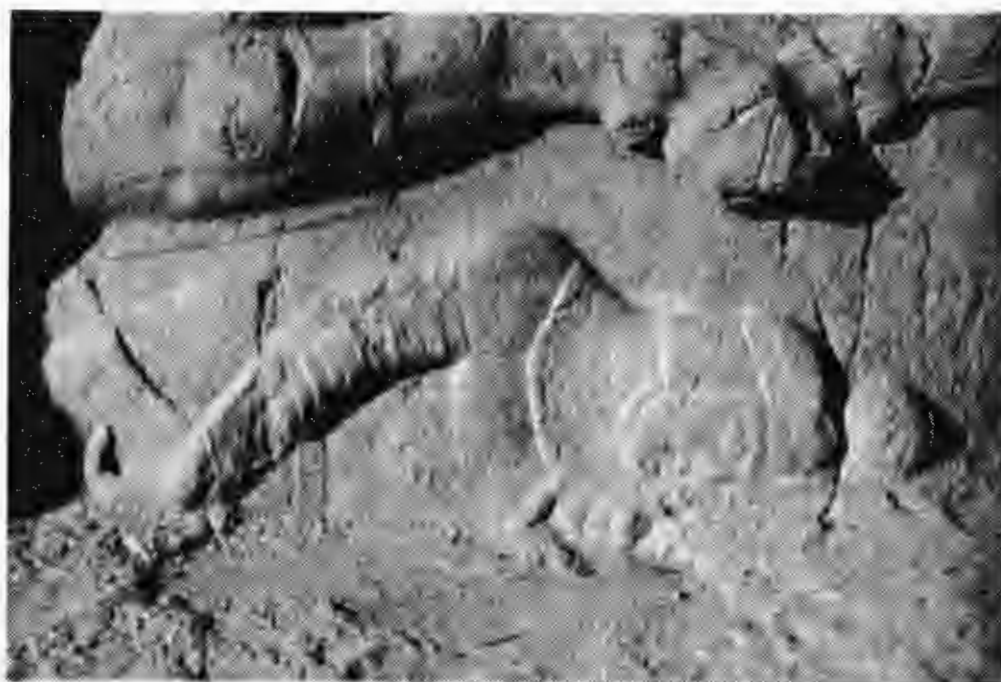
شکل - ۲۴۳ - نقش مرد جنگی فاتح در نقش رستم

آنها از صفحه‌ی آهن مسطح ساخته شده بوده است . بازو و ساعدش چون بازو و ساعد پرچمدار و سواران مغلوب « شکل‌های - ۲۳۴ - و - ۲۳۵ - » از زره‌های استوانه‌ای باریک تا پشت دست و شروع بند انگشتان پوشیده شده و از میچ دست تا زیر بغل ، یکی بر دیگری سوارند و چنان تعبیه شده‌اند که حرکت ساعد را بر روی بازو مشکل نمی‌کند . جوشن سینه تا بمحل کمر بند مسطح است و پس از آن از زیر کمر بند تکه آهن‌های کوچک « شبیه به نوک پر بال پرندگان » از آن بتدریج تا وسط ران آویخته ، دامن زره را تشکیل میدهند « شکل‌های - ۲۳۶ - و - ۲۳۷ - » .

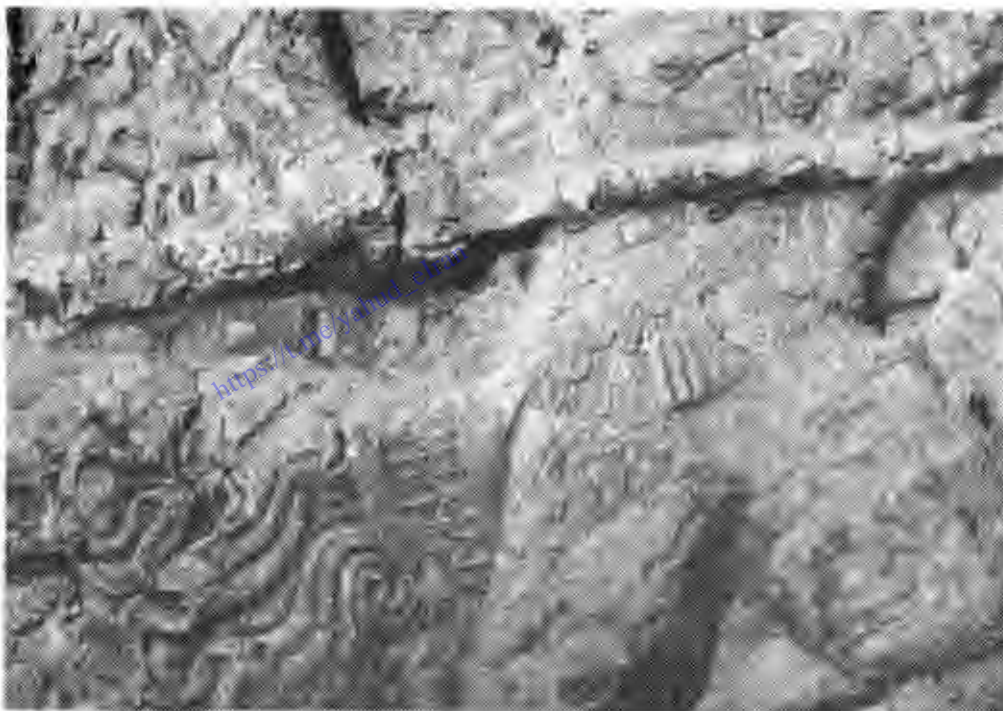
از حلقه‌های بازو و ساعد ، بر ران و ساق پا دیده نمیشود « شکل - ۲۳۸ - » زیرا همه جای آن خرد شده است ، فقط مقداری از دنباله‌های کوچک و پارچه‌ای حلقه‌ها « که دوسر آن بوسیله‌ی آنها در طول پشت ساق



شکل - ۳۳۴ - جنگجوی مغلوب در نقش رستم



شکل - ۳۳۵ - یکی دیگر از جنگجویان مغلوب در نقش رستم



شکل - ۴۳۶ - دامن جوشن در عقب « نقش رستم »



شکل - ۴۳۷ - محل جلوی دامن جوشن « نقش رستم »

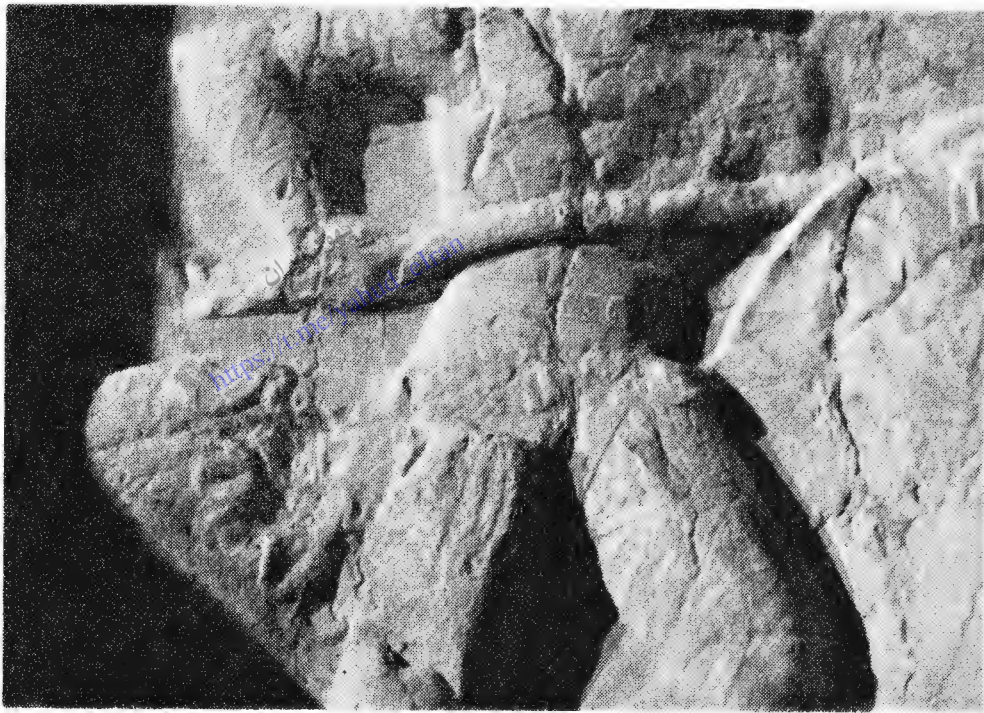


شکل - ۲۳۸ - خرابی جوشن ساق‌بای جنگجو

و ران گل‌گره زده میشده است « سالم مانده که بر اثر مقایسه با نقوش دیگر این جنگجو ، بودن جوشن‌های حلقوی بر روی ساق و ران محرز می‌گردد « شکل - ۲۳۹ - » .

بر سر زانو نیز زره‌های گرد مشهود است « شکل - ۲۴۰ - » .

از کمر هریک این مردان ، تیردانی خرد و شکسته بوسیله‌ی دو تسمه‌ی چرمی آویخته است .



شکل - ۲۳۹ - جوشن ساق پای مرد جنگی در نقش رستم

برگستوان اسب فاتح در يك نقش، چرمی و ساده است و در دیگری تکه‌های آهن نصب شده است. دو لبه‌ی طرفین این برگستوان‌ها در جلوی سینه و عقب بفاصله‌های کوتاه با نخ « شاید چرمی » گره زده شده است « شکل - ۲۴۱ - » و کناره‌های زیر برگستوان گردیهائی بفاصله کوتاه برای زینت آویخته است.

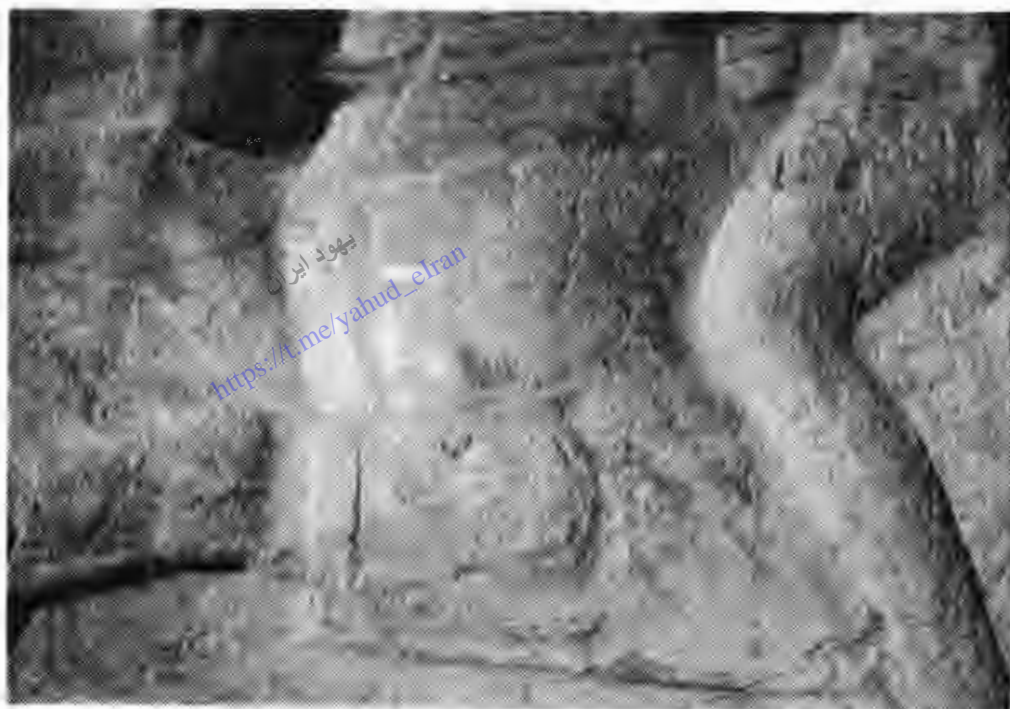
*

بر روی برگستوان دیگری در نبرد دیگر از جنگجویان غالب، در حوالی گردن و سینه و کپل اسب نقش تکه آهنهای کوچک مستطیلی مشهود است. « شکل‌های - ۲۴۲ - و - ۲۴۳ - » .

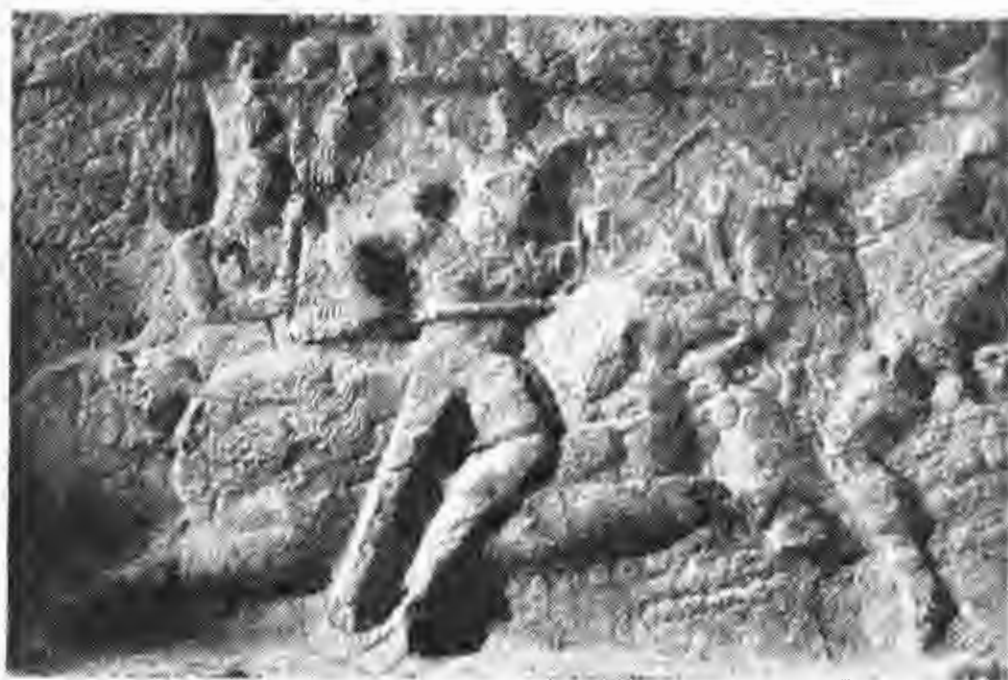


شکل - ۴۴۰ - حلقه‌های زانوی جوشن

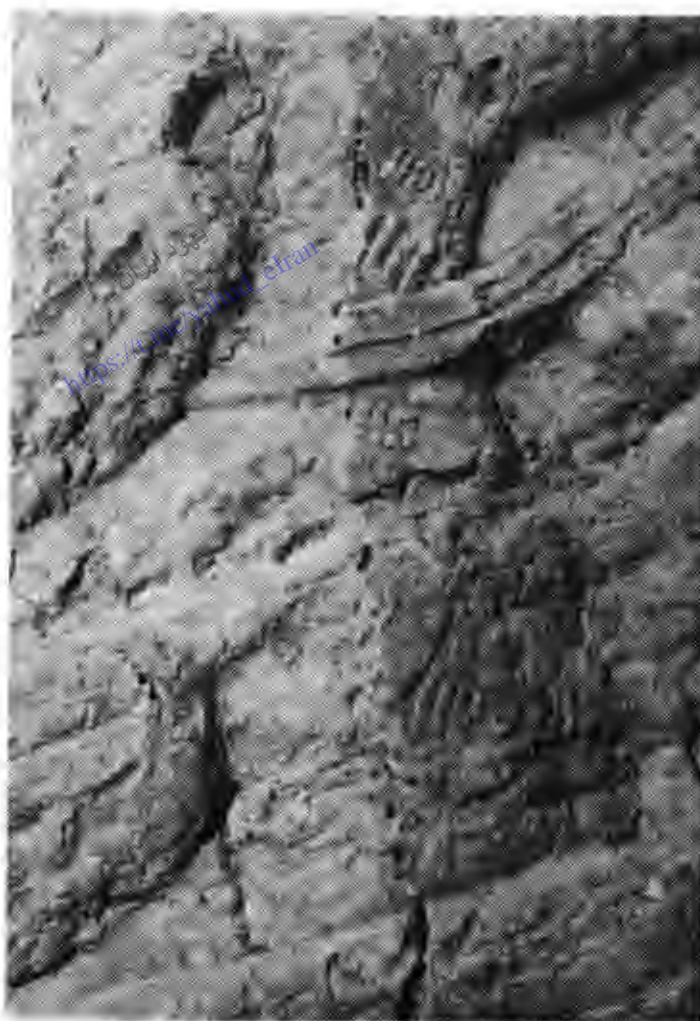
در فیروز آباد چند صحنه‌ی جنگی بر سنگ ساخته‌اند که جنگجویان آن همگی سراسر غرق آهن و پولادند و بر اسب برگستوان دار سوارند . یکی از این صحنه‌ها « که میگویند غلبه‌ی اردشیر بر دشمن است » دو مرد را نشان میدهد که یکی کلاهخود پر دار بر سر دارد و جوشن سینه و بازویش چون جوشن جنگجویان نقش رستم است و دیگری که او را غالبانه بغل زده است ، نیز کلاهخودی ولی بشکل دیگر دارد . گردن بندی آویخته و جوشن سینه‌اش چون اولی از آهن مسطح ، و آستین و دامنش زره زنجیری و شلوارش همان



شکل - ۴۴۱ - بندهای جلوی سینه‌ی برگستوان اسب



شکل - ۴۴۲ - برگستوان اسب مرد جنگجو در نقش رستم



شکل - ۲۴۳ - زره برگستوان اسب « نقش رستم »

حلقه آهنهای استوانه‌ایست که نوارهای پشت ساقش نمایان است . بر پشت اسب ، برگستوانی از چرم است که بر آن از تکه آهنهایی بشکل علامتی ، پهلوی هم تعبیه شده است « شکل - ۲۴۴ - » .

*

در نقش دیگر فیروزآباد ، اردشیر سوار بر اسب برگستوان‌داری « که روی چرمش با علامتی دیگر پُر شده است » نشسته ، با نیزه‌ی بلندش بکمر



شکل - ۴۴۴ - نبرد جنگجویان ساسانی « فیروزآباد »

دشمن « که زره کلاهخودش گرداگرد صورت و گردن را پوشانده و فقط دو سوراخ در آن برای دیدن دارد » زده ، اسب و سوار هر دو را سرنگون کرده است . زره دامن دشمن در نقش اولی بعلت خرد بودن سنگ ، پیدا نیست ولی در این یکی پیداست و مینماید که از تکه آهنهای مستطیلی است . اردشیر گردن بند بگردن و همان جوشن صحنه‌ی قبلی را در بر دارد جز اینکه قبه‌هائی بر شانه دارد و حمایلی از شانهای چپش بزیر بغل راست او یخته است و دنباله‌های زیادتری از نوار حلقه‌ای ساق و ران نمایان است « شکل - ۲۴۵ - » .

از کفش پای دشمن در این نقش اندکی مشهود است و مینماید که از نوع زره ساق پا و بازو ، زره پوش است .

*

در نقش دیگری اردشیر را ساخته‌اند که کلاهخود با پر ، یا « مو » ی پُر هیبت بسر نهاده ، با همان جوشن‌های صحنه‌های قبلی بر اسبی برگستوان دار سوار است « برگستوان اسبش در این نقش با علائم آهنی دیگری پوشیده شده است » .

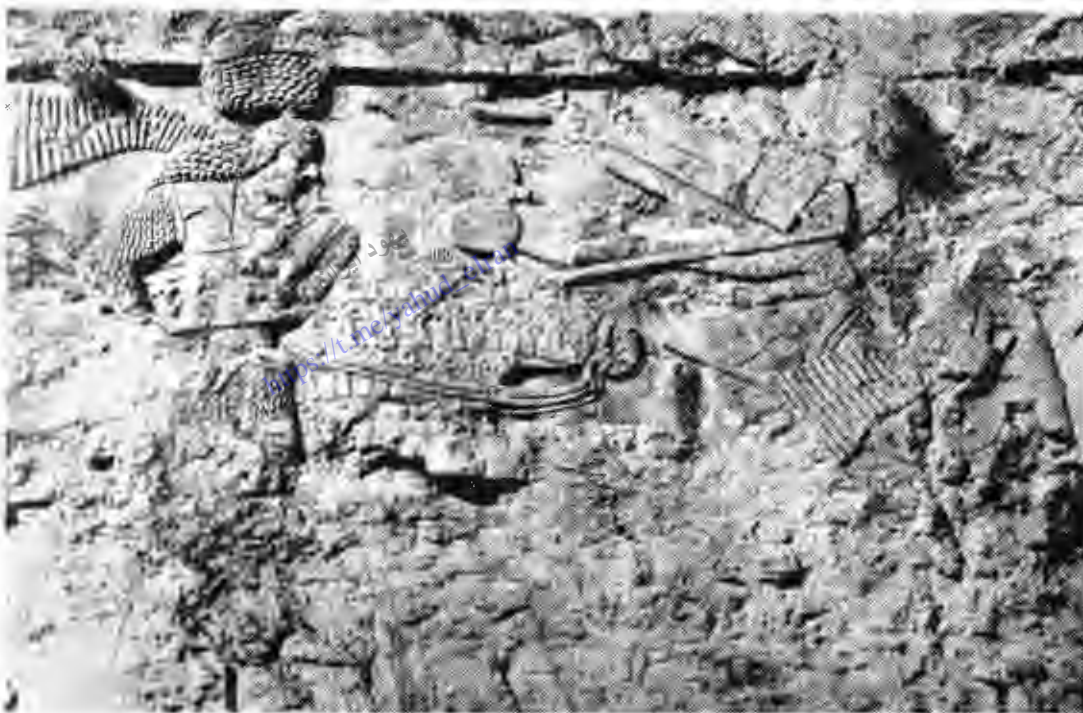
اردشیر نیزه‌ی بلند خود را بر پهلوی دشمن زده اسب و سوار هر دو را سرنگون کرده است . آنچه در این نقش هست که صحنه‌های دیگر ندارند اینست که در هیچیک از صحنه‌های سه‌گانه‌ی اردشیر « که دنبال هم آنها را ساخته‌اند » کفش سواران بعلت خرابی و خردشدگی سنگها معلوم نبوده است مگر اندکیش در یکی از نقش‌ها ، ولی در این آخری « شکل - ۲۴۶ - » از پنجه‌ی کفش تا زانو تصادفاً سالم مانده نشان میدهد که کفش نیز از زره‌های حلقوی ساق و بازو پوشیده میشده است .

*

در طاق بستان بر دیوار روبروی طاق بزرگ ، سواری جوشن پوش

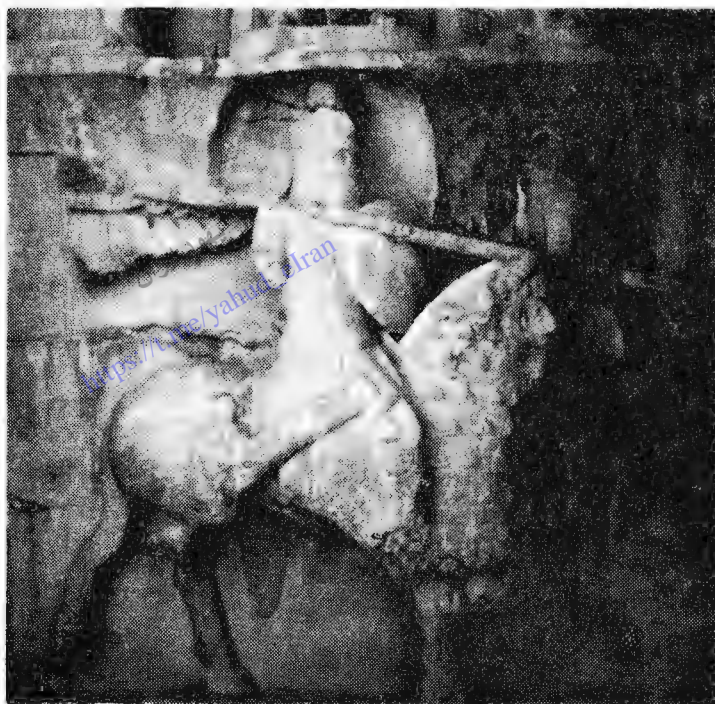


شکل - ۴۴۵ - نبرد جنگجویان ساسانی « فیروزآباد »

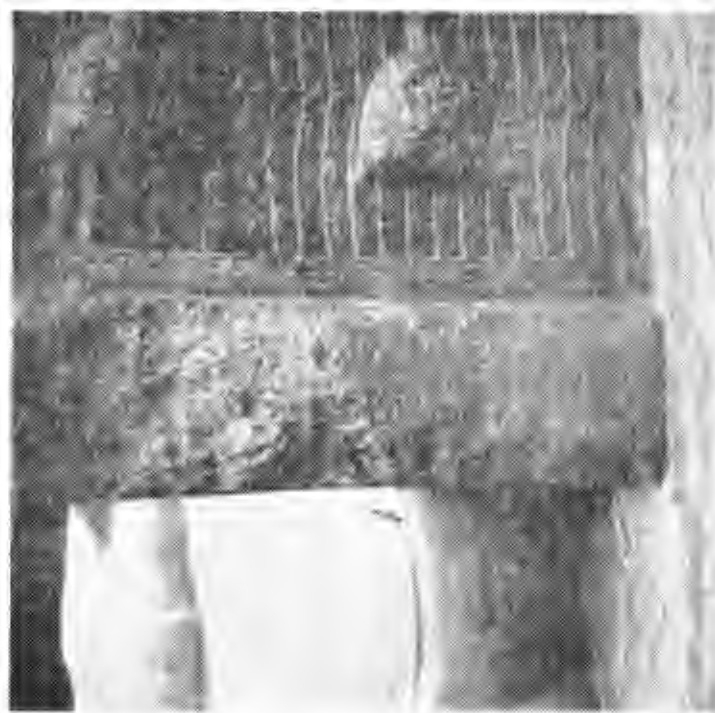


شکل - ۲۴۶ - جنگ اردشیر ساسانی « فیروزآباد »

از سنگ یکپارچه باندازه‌ی طبیعی و پر هیبت ساخته‌اند که نیزه‌ای بلند در محاذی شانه بدست راست گرفته و سپری گرد منقش در مقابل سینه‌ی چپ بدست چپ دارد (میگویند دلاوری ساسانی است « شکل - ۲۴۷ - »). کلاهخودی بر سر نهاده که زره بلند اطرافش تمام صورت و گردن و مقداری از سینه را فرا گرفته فقط دو سوراخ در محل چشم هست که دیدن را ممکن میسازد . همه‌ی زره او تا دامن بلندش زنجیری و ظریف بافته شده و شلواری پر نقش و نگار بپا کرده است . بر بالای کلاهخود او قبه‌ای دنباله‌دار تعبیه شده است . اسب او پوشیده از برگستوانی پر از آهنهای مستطیلی گوشه گرد و تنگ هم است « شکل - ۲۴۸ - » پوز اسب خرد شده ولی قسمت بالای صورتش سالم مانده و پوشیده از همان نوع جوشن است و چشمان اسب از دو سوراخی که برایش تعبیه کرده‌اند می‌نگرد « شکل - ۲۴۹ - » .



شکل - ۴۴۷ - دلاور جوشن پوش طاقستان



شکل - ۴۴۸ - جوشن جلوی سینهی اسب طاقستان

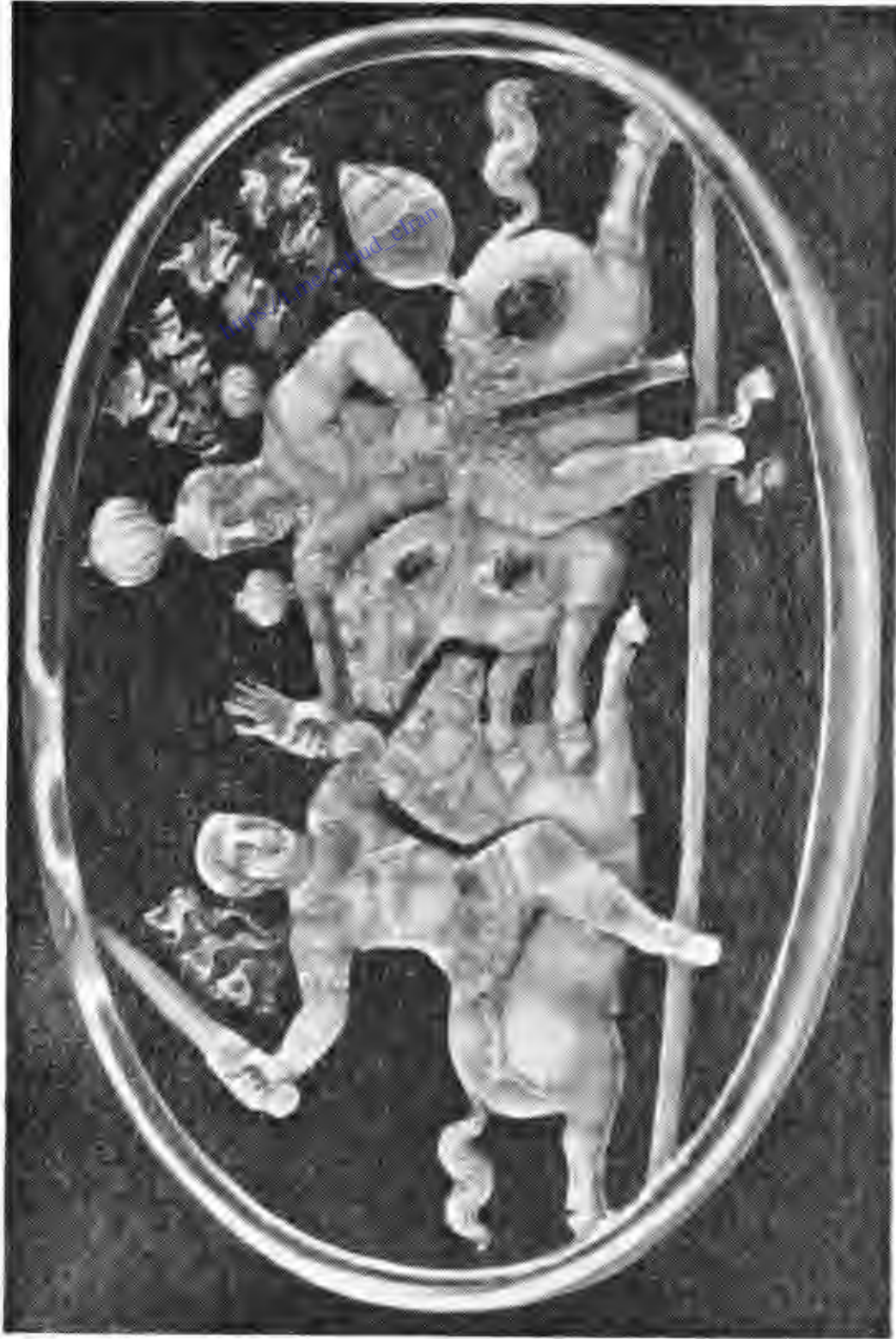


شکل - ۴۴۹ - جوشن سر و سینه‌ی اسب طاق‌بستان

(اگر این دلاور جوشن پوش را بتوان ساسانی شناخت ، برگستان اسب او عالیترین نمونه‌ایست که از این عهد بیادگار مانده است) .

*

یک نمونه‌ی بسیار جالب از جوشن سوار نظام ساسانی نقشی است از شاپور اول و والرین بر روی عقیق که با دقت و ظرافتی بسیار در خور تحسین آنرا حکاکی کرده‌اند « شکل - ۲۵۰ - » .



شکل - ۴۵۰ - نقش شاپور و والرین بروی عقیق « کتابخانه ملی پاریس »

شاپور در این نقش کلاهخودی با يك قبه‌ی دنباله‌دار « هم‌حجم با کلاهخود » بر سر نهاده است که در پشت گردن و جلوی گوش بر شقیقه و زیر چانه جوشن دارد . « جوشن چانه در زیر بوسیله‌ی دو بند بهم بسته شده است » . پیراهن آستین‌دار « شاید چرمی » پوشیده و جوشنی از صفحه‌ی آهن یکپارچه از زیر سینه تا بزیر شکم پوشیده که دامن آن از تکه آهن‌های مستطیلی است ، و بر روی این جوشن در محل جناق سینه ، دو تسمه‌ی چرمی بسوی شانه‌ها رفته در پشت بجوشن می‌پیوندد . بر روی این تسمه‌ها بر سر شانه دو قبه‌ی کوچکتر از قبه‌ی کلاهخود « و بهمان شکل » تعبیه شده است .

شاپور با دست راست بند دست چپ و ال‌رین را محکم گرفته می‌فشرد و خود با دست چپش قبضه‌ی شمشیر بلندی را گرفته است . شاپور چکمه‌ای بلند تا بزانو پوشیده و در فاصله‌ی میان دامن و دهانه‌ی چکمه در بالای زانو ، جوشن حلقوی رانش پیدا است . اسب شاپور برگستوان چرمی دارد و اندازه‌ی آن مانند همه‌ی برگستوانهای منقوش بر سنگها « در جلو تا سر بند بازو و در عقب تا سر بند زانو » طرح شده است .

رانپای ساسانیان

ساسانیان علاوه بر اینکه در جنگ ، شلوار زرهی « چرمی یا فلزی » بصورت حلقه‌های استوانه‌ای می‌پوشیدند از رانپا نیز « که معمولاً از چرم تهیه می‌شده » استفاده می‌کردند . ساختمان و چین‌های این رانپا مانند رانپاهای اشکانی نیست ، بلکه شبیه شلوار خود ساسانیان است و بهمان طریق چین‌دار می‌شده و درز آن بر خلاف رانپای اشکانی « که در پشت و قسمت داخلی ران بوده است » در جلو نشان داده شده است . گوشه‌های اتصال آنها نیز بر خلاف رانپاهای اشکانی « که از خود رانپا و یکسره در پهلو و عقب ، بکمر بند وصل

میشده « در اینجا بوسیله‌ی يك تسمه و قلاب با دگمه‌ی گرد بزرگ از جلو و بالای نوار و راستای ساق و ران بکمر بند می‌پیوندند .

شاپور اول در نقش رجب « شکل - ۲۰۷ - » و در نقش رستم « شکل - ۲۱۹ - » و در بیشاپور « شکل‌های - ۲۵۱ - و - ۲۵۲ - » در هر چهار جا رانپا پوشیده و بر روی رانش قلاب یا دگمه‌ی گرد بزرگ و تسمه‌ی اتصال رانپا بکمر بند بخوبی مشهود است . (مانند اغلب شلوارهای این دوره) بر نقوش سنگی یا برخی از آنها بر نقوش فلزی « که طرح نوار جلوی شلوار را بر راستای ساق و ران نشان نمی‌دهد » در نقش این رانپاها نیز نوار دیده نمیشود مگر در نقوش بیشاپور که با دقت کافی میتوان از زیر سائیدگی یا نحوه‌ی چین خوردگی محل نوار ، ردی از برخی خط که بقایای طرح نوار است و تصادفاً هموار نشده است ، بودن نوار را بر جلوی رانپا پذیرفت . طرح چین‌های رانپاهای ساسانی مانند شلوارشان از تیغه‌ی ساق و ران بر دو طرف سرازیر شده است و در اینصورت رانپائی که باینطریق چین بردار شده است نمیتواند بدون نوار بر راستای پاها ، اینچنین پر چین باشد زیرا در غیراینحال از نظر فنی درست نمی‌باشد « شکل‌های - ۲۵۳ - و - ۲۵۴ - » .

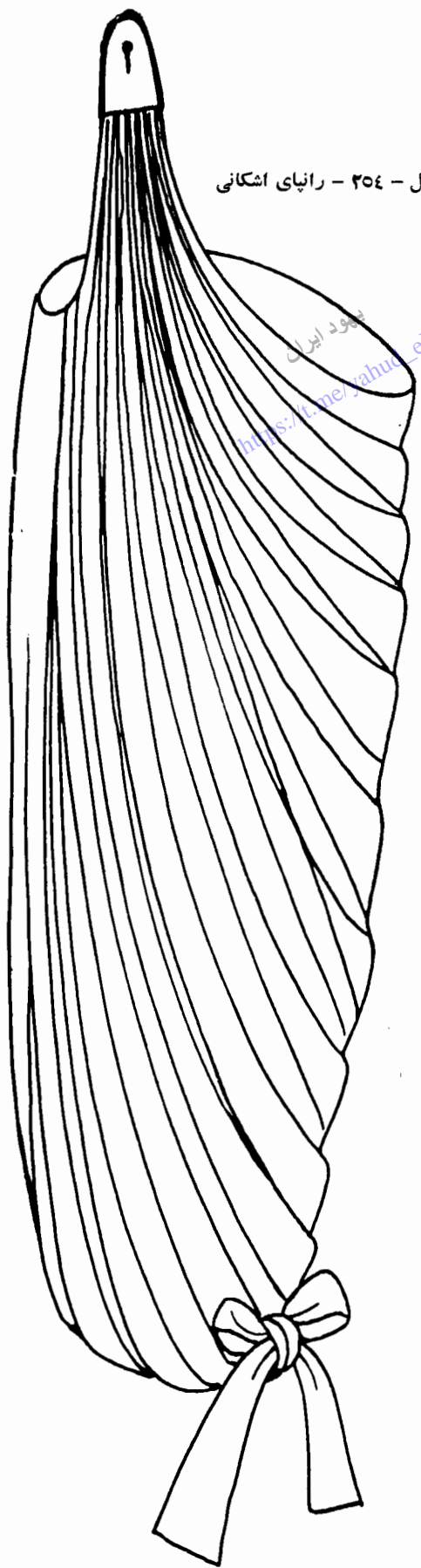


شکل - ۴۵۱ - رانای شاپور اول « در بیشاپور »

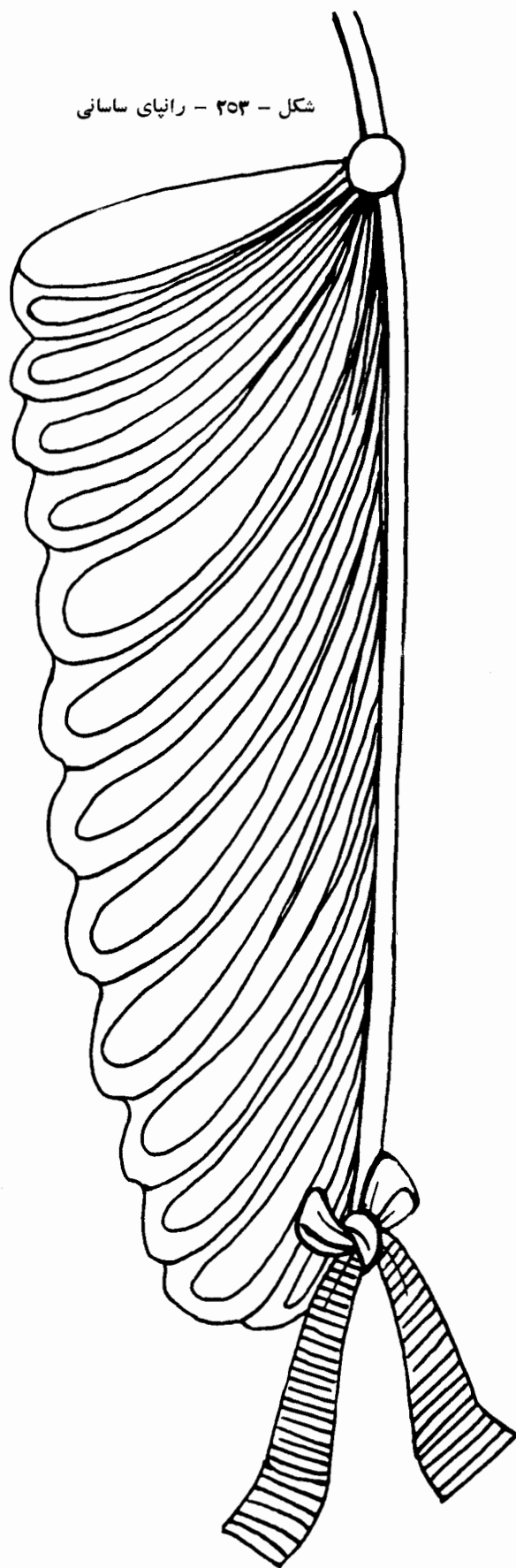


شکل - ۴۵۴ - رانای شاپور اول در نقشی دیگر از بیشاپور

شکل - ۲۵۴ - رانپای اشکانی



شکل - ۲۵۳ - رانپای ساسانی



پهلو د ایران
https://t.me/rahuc_elran

کلاهخودهای ساسانی

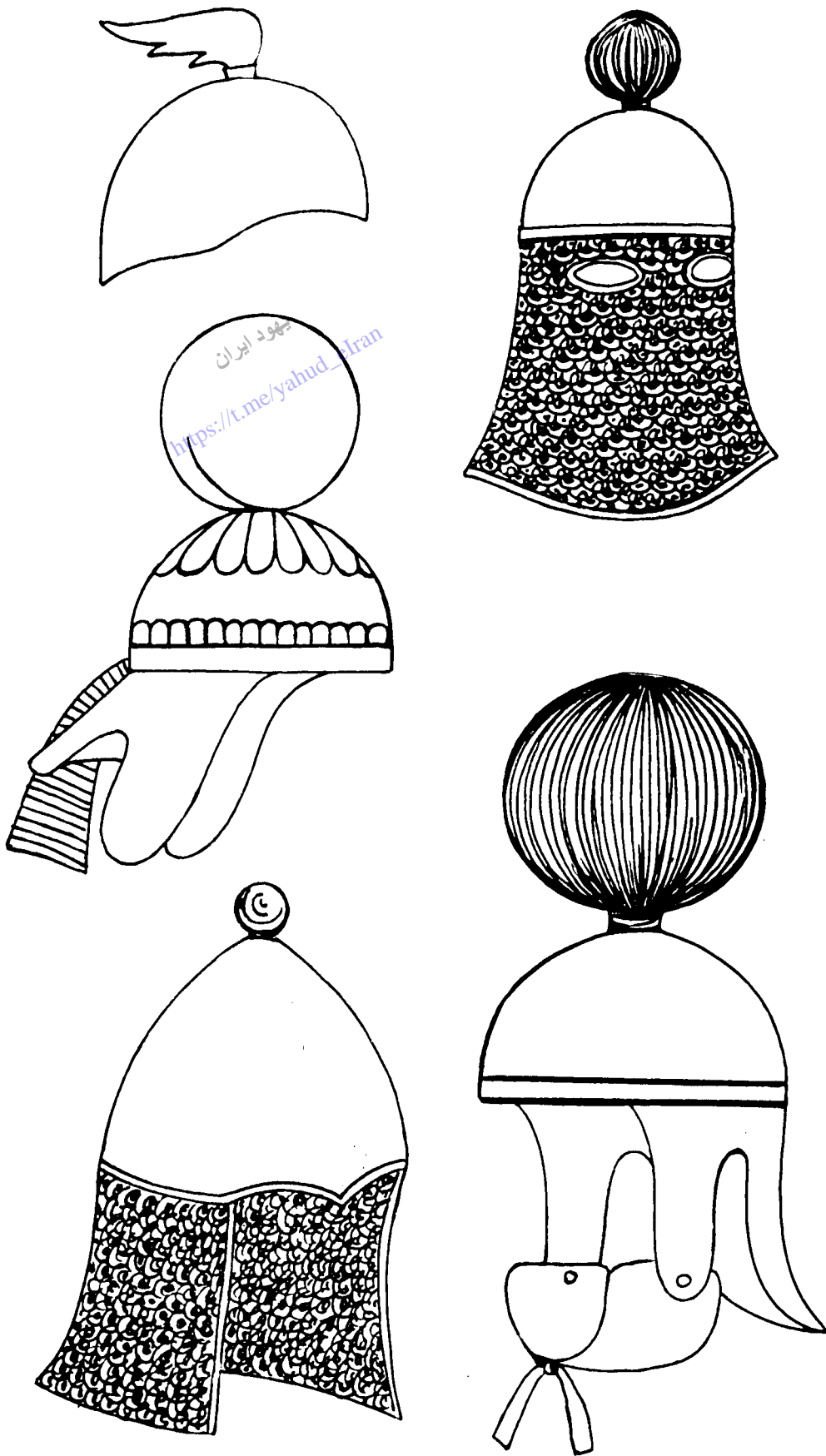
کلاهخودهای ساسانی « چنانکه در نقوش سنگی و فلزی نموده شده است » بشکل کلاه نمدی ساده و چون کاسه‌ی مسی است . گاهی هم زوائندی از نظر نقشه و گل و بته ، یا اضافاتی یکپارچه بمنظور حفاظ گوش و گردن دارد « شکل‌های - ۲۵۵ - » .

بر بالای این کلاهخودها اغلب جایی برای پر یا قبه تعبیه کرده‌اند و بر دور لبه‌ی آن از زره زنجیری و گاهی صفحات چرمی یا آهنی دارد و از آنها در نقش رستم روی سر اردشیر بابکان « شکل - ۲۵۶ - » و در نقوش فیروزآباد بر سر جنگجویان « شکل - ۲۴۴ - » و در بشقابی که میگویند محاصره‌ی قلعه‌ای را بوسیله‌ی ساسانیان نشان میدهد بر سر سواران بیرون قلعه « شکل - ۲۵۷ - » و در سنگ عقیق بر سر شاپور اول که با والربین سواره می‌جنگد « شکل - ۲۵۰ - » و در طاق بستان بر سر سوار جوشن پوش « شکل - ۲۴۷ - » میتوان دید .

سپرهای ساسانی

از سپرهای ساسانی « که گرد و کوچک‌اند » در دو جا بر سنگ و فلز تراشیده و طرح کرده‌اند :

- ۱ - در طاق بستان که در دست سوار جوشن پوش است « شکل - ۲۴۷ - » و بر روی آن طرح و نقشی ساخته‌اند « شکل - ۲۵۸ - » .
- ۲ - در بشقاب جنگجویان قلعه « شکل - ۲۵۷ - » که در دست سواران اول سمت چپ است .



شکل - ۲۰۰ - کلاهخودهای ساسانی



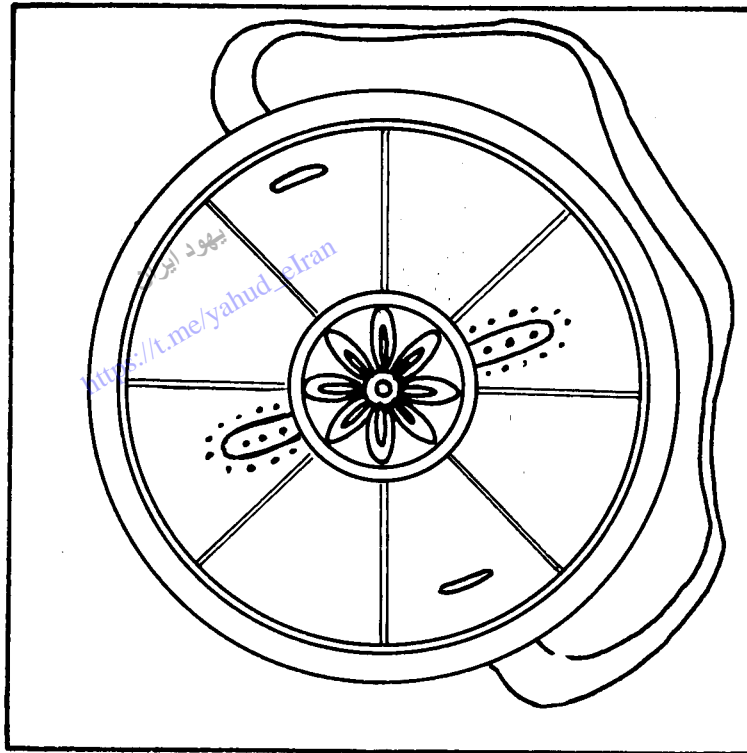
شکل - ۴۵۶ - کلاهدود اردشیر بابکان در نقش رستم

شمشیر ساسانیان

شمشیر ساسانیان برسنگها مخصوصاً بر بشقابهای فلزی طرح و ساخته شده است ، شمشیری است بلند ، راست ، پهن و دو دمه که در جلوی بدن از کمر آویخته میشده است . بر رو و بالای غلاف نیز جایی داشت که تسمه‌ای چرمی

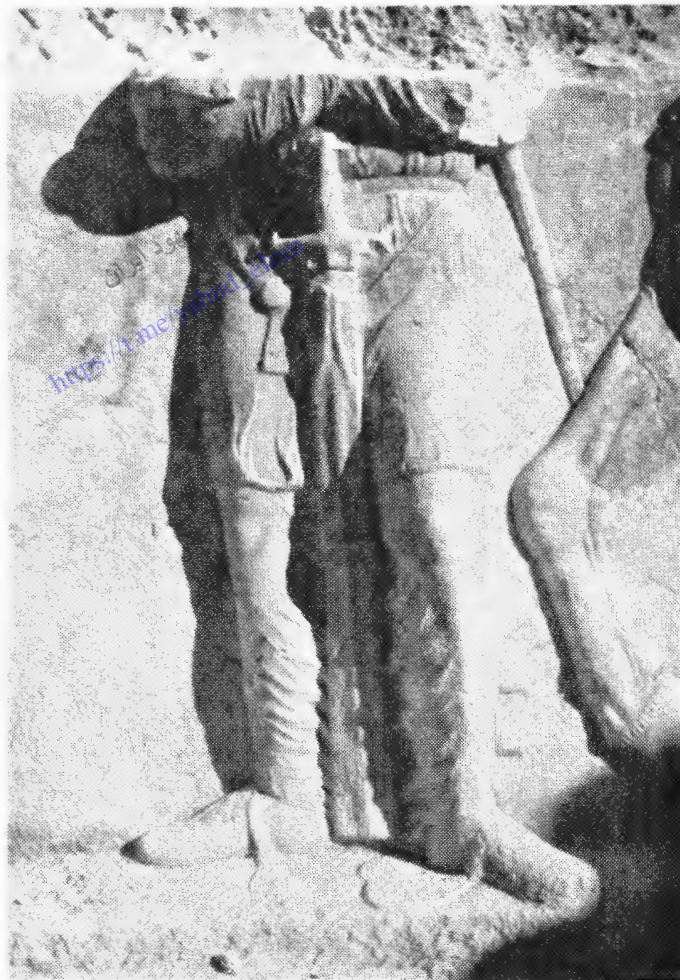


شکل - ۴۵۷ - سپر ساسانی در دست سوار اول سمت چپ
در پائین



شکل - ۲۵۸ - سیر دلاور طاق بستان

از آن رد شده بدو طرف کمر ، بند میشده است : از آن ، بر نقوش سنگی تنگ چوگان شاپور « شکل - ۲۵۹ - » و در نقش چهار نفری طاق بستان بر کمر مرد وسطی « شکل - ۱۸۹ - » و بر کمر ملترمین رکاب شاپور اول در نقش رجب « شکل - ۲۰۹ - » و بر کمر شاپور اول در نقش رستم « شکل - ۲۱۹ - » و بر کمر بهرام دوم در نقش رستم « شکل - ۲۲۷ - » و بر کمر شاپور اول در سنگ عقیق « شکل - ۲۵۰ - » و همچنین بر روی اغلب بشقابهای این دوره ، چون در بشقاب خسرو انوشیروان « شکل - ۱۹۴ - » و بشقاب مرد سواری که از ساری بدست آمده است « شکل - ۲۱۵ - » و در بشقاب مرد



شکل - ۴۵۹ - شمشیر ساسانی در تنگ چوگان

شیر شکار « شکل - ۲۶۰ - » ساخته اند و در شکل - ۲۶۱ - آنرا بهتر میتوان دید .

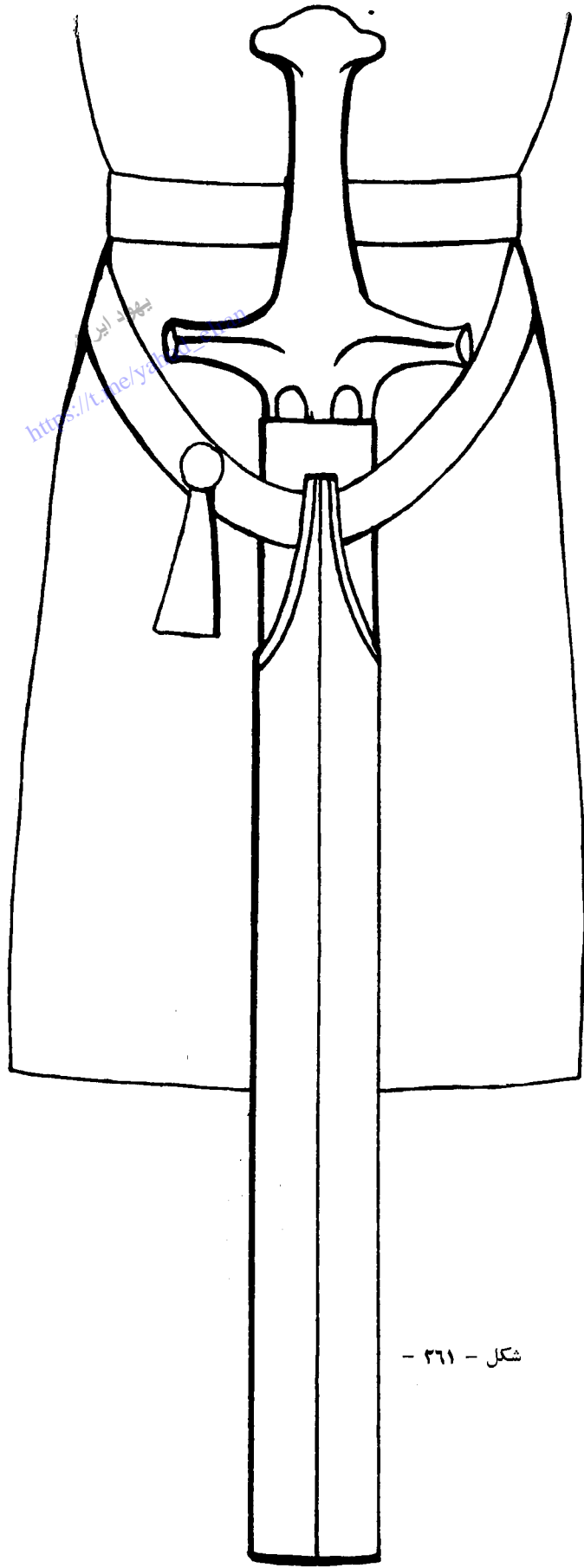
کمان ساسانیان

در همه‌ی مدارك این دوره ، کمان ساسانیان از نوعی است که در دست مردان بشقابهای نقش شکار ببر « شکل - ۲۱۶ - » و در بشقاب مرد شیر شکار



شکل - ۲۶۰ - شمشیر و کمان ساسانی

« شکل - ۲۶۰ - » و در بشقاب مرد آهو شکار « شکل - ۲۶۲ - » و در بشقاب وصله داری که مردی را در حال شکار شیر با لباس پرچین و چکمه نشان میدهد « شکل - ۲۶۳ - » ساخته‌اند (طرح روشن‌تری از کمان ساسانی را در شکل - ۲۶۳ - الف میتوان دید) .



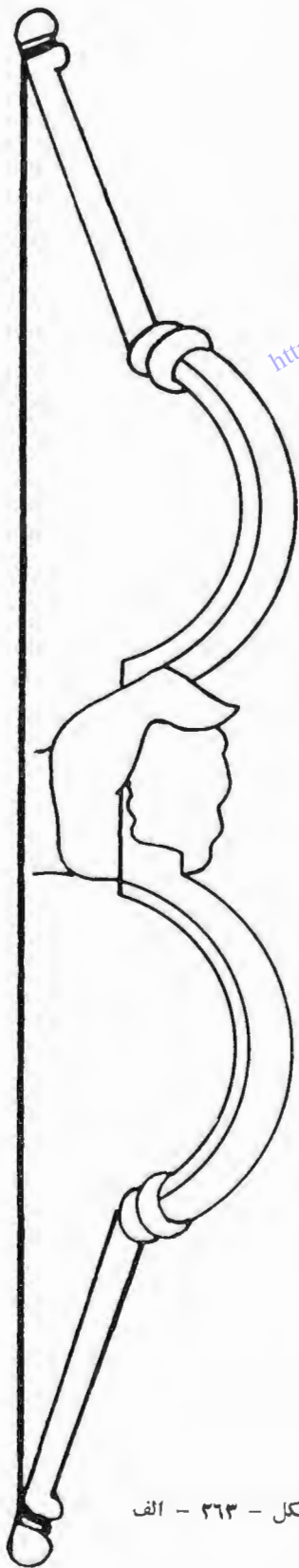
شکل - ۳۶۱ -



شکل - ۳۶۴ - کمان ساسانی در دست مرد آهوشکار



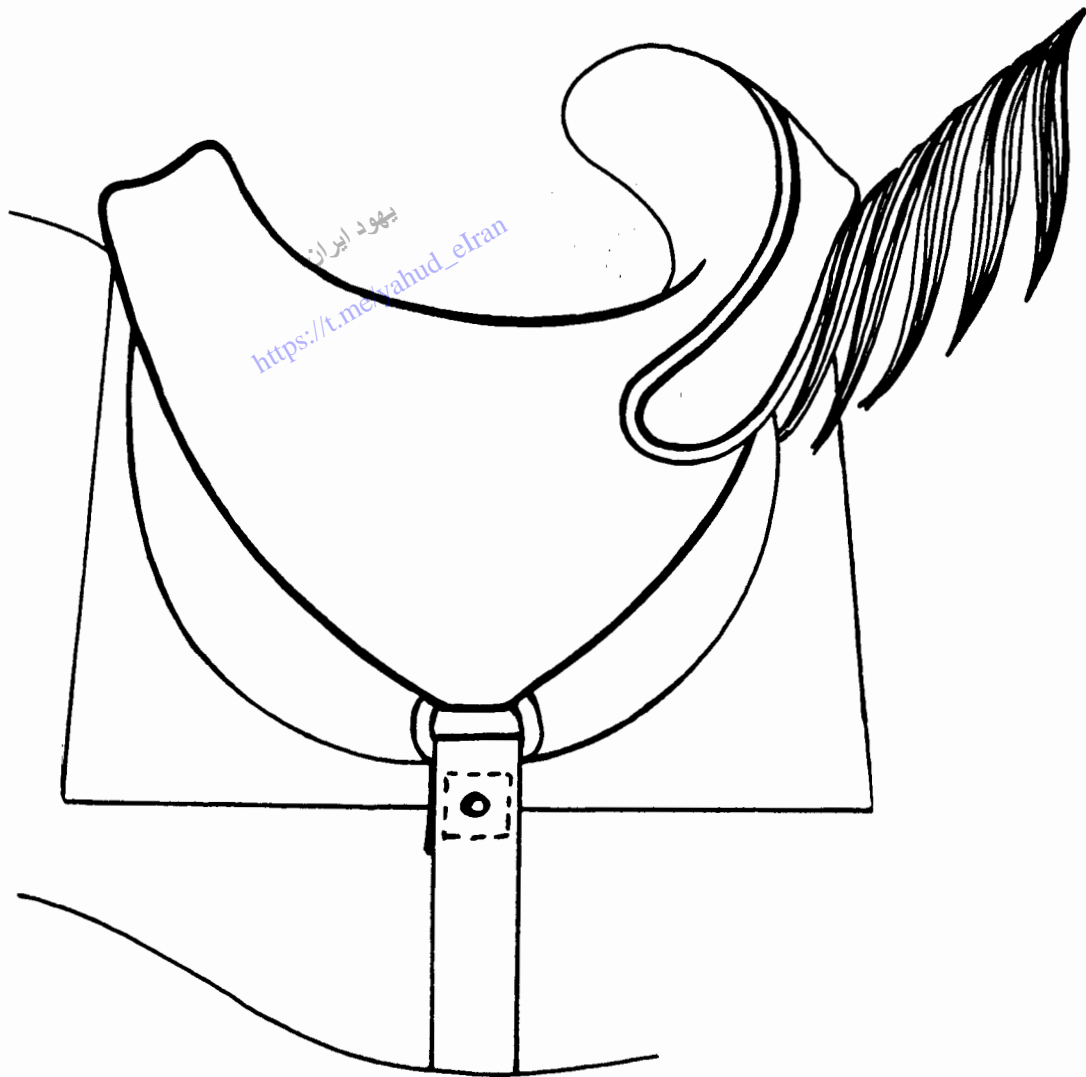
شکل - ۳۶۳ - کمان عهد ساسانی



شکل - ۳۶۳ - الف

زین اسب ساسانیان

ساسانیان علاوه بر زین عادی و معمول، زینی مخصوص نیز داشته‌اند که جلوی آن دارای زائده‌ای خوابیده بر روی ران سوار بود و او را در حین حمله و جنگ و گریز و چابکسواری از خطرات پرت شدن باز میداشت « شکل - ۲۶۴ - مدارك بسیاری، زائده‌ی این نوع زین‌ها را نشان میدهد،



شکل - ۳۶۴ - زین مخصوص زمان ساسانیان

ولی نمیتوان معلوم کرد که آیا این زائده یکطرفی یا دو طرفی است ؟
 بهر حال ، از این نوع زینها در نقش رجب برای شاپور اول « شکل - ۲۰۹ - »
 و برای اردشیر بابکان در نقش رستم « شکل - ۲۱۸ - » و در فیروزآباد
 « شکل - ۲۴۶ - » و برای جنگجوی فاتح در نقش رستم « شکل‌های - ۲۳۲ -
 - ۲۳۷ - و - ۲۳۹ - » ساخته‌اند .

پرچم ساسانیان

در باره‌ی پرچم این دوره ، کریستن سن می‌نویسد : (واحدهای بزرگ سپاه را « گند » می‌گفتند و فرماندهی آنها با گند سالاران بود . تقسیمات کوچکتر از آن را درفش و از آن کوچکتر را وشت می‌نامیدند . هر درفشی پرچمی مخصوص داشت . نقوش ساسانی نمونه‌ی چند از پرچم‌ها و علائم لشکری نشان می‌دهد . پرچم دراز و کم‌عرضی می‌بینیم که تا اندازه‌ای شبیه به نواری است که بر سر نیزه‌ها بسته باشند . در یکی از تصاویر نقش رستم پادشاهی از ساسانیان دیده میشود که نیزه‌ای در دست دارد و چهار نعل بجانب دشمن میتازد . نیزه‌ی دشمن در اثر ضربت خرد شده است . در آن نقش علمداری پیداست که چوب پرچمی در دست گرفته است و در بالای آن قطعه چوبی بطور افقی نصب شده است ، و سه گوی بر فراز آن دیده میشود . یکی در وسط و دو گوی دیگر در دو سر چوب قرار دارد . دو قطعه پارچه ابریشمی یا چیز دیگر از دو سر چوب آویخته است . در جزو غنائمی که اورلین «Aurline» پس از غلبه بر زنوبی «Zenoubie» بچنگ آورده بود از چند پرچم ایرانی نام برده شده است . وقتی میخواستند بحمله شروع کنند پرچمی برنگ آتش می‌افراشتند . فردوسی غالباً پرچمهای دلاوران قدیمی را وصف میکند و چون این اوصاف از منابع عهد ساسانی اخذ شده بلاشک پرچمهای ساسانیان را نمونه گرفته‌اند . در شاهنامه از پرچم بنفش سلطنتی نام برده شده که صورت خورشید بر آن منقوش است و شکل ماهی زرین در بالای آن ، و نیز از درفشی ذکر بمیان آمده مزین بصورت شیری که در چنگال خود گریزی و شمشیری دارد . پرچم دیگری سیاه رنگ بود و نقش گرگ داشته و یکی دیگر صورت ببر و همچنین بیرقهای با تصویر غزال یا گراز یا عقاب سلطنتی یا ازدهای هفت سر داشته‌اند .

سپس از پرچمی با صورت خورشید و از پرچم دیگری با نقش گورخر و از يك رایت حاشیه‌دار که متن آن ارغوانی و نقش ماه در آن رسم شده ، و پرچم دیگری مزین بشکل گاو میش و غیره نام برده شده است . پرچم ملی عهد ساسانی درفش کاویان بود که بموجب روایت از پیشدامن کاوک آهنگر ساخته شده بود « نقل از کتاب ایران در زمان ساسانیان صفحه‌ی - ۱۳۹ - سطر - ۶ - » .

در دنباله‌ی موضوع پرچم ، کریستن سن در همین کتاب صفحه‌ی ۳۵۸ - سطر - ۳ - می‌نویسد : رستم که شخصاً حرکات افواج ایران را اداره میکرد و در زیر خیمه نشسته و درفش کاویان را در برابر خود نصب نموده بود کشته شد و درفش کاویان که نمودار شوکت و قدرت ایران بود بدست عرب افتاد . ایرانیان این درفش را متعلق بادوار باستانی تاریخ خویش میدانستند : (چون هزار سال از دورهٔ ظلم دهاک «Dehagh» غاصب سپری شد آهنگری کاوک نام پیشدامن چرمین خود را بر نیزه کرد و قدم در میدان شورش نهاد . شورشیان دهاک را از تخت بزیر آوردند و فریدون را که شاهزادهٔ جوان از نسل پادشاهان سلف بود بر سریر پادشاهی نشاندند . از آن زمان پیشدامن کاوک آهنگر درفش سلاطین ایران شد) . چند تن از مورخان ایران و عرب این درفش را بصورتی که در جنگ قادسیه بچنگ عرب افتاد وصف کرده‌اند . بنا بر قول طبری این درفش که از پوست پلنگ بود هشت ارش عرض و دوازده ارش طول داشت . بلعمی گوید ایرانیان در هر جنگ که این درفش را در پیش روی داشتند مظفر میشدند و گوهری بر جواهر آن درفش می‌افزودند چندانکه این درفش غرق زر و سیم و گوهر و مروارید شده بود . توصیف مسعودی نیز از این درفش شبیه طبری است جز اینکه گوید آنرا بر چوبهائی نصب کرده‌اند که یکی بدیگری می‌پیوست . در عبارت دیگر گوید این عَلم پوشیده از یاقوت و مروارید و گوهرهای گوناگون بود . بنا بر قول خوارزمی این درفش از

پوست خرس یا به قولی از شیر ساخته شده بود و پادشاهان در جنگها بآن تیمن و تبرک می‌جستند و آنرا از زر و گوهرهای گرانبها پوشیده بودند. ثعالبی نیز حکایت میکند که پادشاهان درفش کاویان را موجب کامیابی خویش می‌شمردند و در تزئین آن بجواهر قیمتی با یکدیگر همچشمی میکردند و کمال جهد را در زیور بستن آن مینمودند چنانکه پس از مدتی در یکتای جهان و شاهکار قرون و اعجب عجایب روزگار شد. این درفش را پیشاپیش سپاه می‌بردند و جز فرمانده کل سپاه کسی را شایسته نگاهداری آن نمی‌دانستند. پس از آنکه جنگ بفیروزی خاتمه می‌پذیرفت پادشاه درفش را بگنجوری که مأمور نگاهداری آن بود می‌سپرد. بنا بروایت مطهر بن طاهر المقدسی این درفش در آغاز از پوست بزغاله یا از چرم شیر بود. بعد ایرانیان آنرا از زر و پارچه زربفت ساختند. فردوسی در جلد اول شاهنامه داستان ضحاک چنین گوید:

<p>از آن چرم کاهنگران پشت پای همان کاوه آن بر سر نیزه کرد چو آن پوست بر نیزه بر دید کی بیاراست آنرا بدیبای روم بزد بر سر خویش چون گرد ماه فرو هشت زو سرخ و زرد و بنفش از آن پس هر آنکس که بگرفت گاه بر آن بی بها چرم آهنگران ز دیبای پر مایه و گوهران که اندر شب تیره خورشید بود</p>	<p>پپوشند هنگام زخم درای همانگه بیازار برخاست گرد به نیکی یکی اختر افکند پی ز گوهر برو پیکر و زرش بوم یکی فال فرخ پی افکند شاه همی خواندش کاویانی درفش بشاهی بسر بر نهادی کلاه بر آویختی نو بنو گوهران بدانگونه گشت اختر کاویان جهان را از او دل پر امید بود</p>
--	--

.....

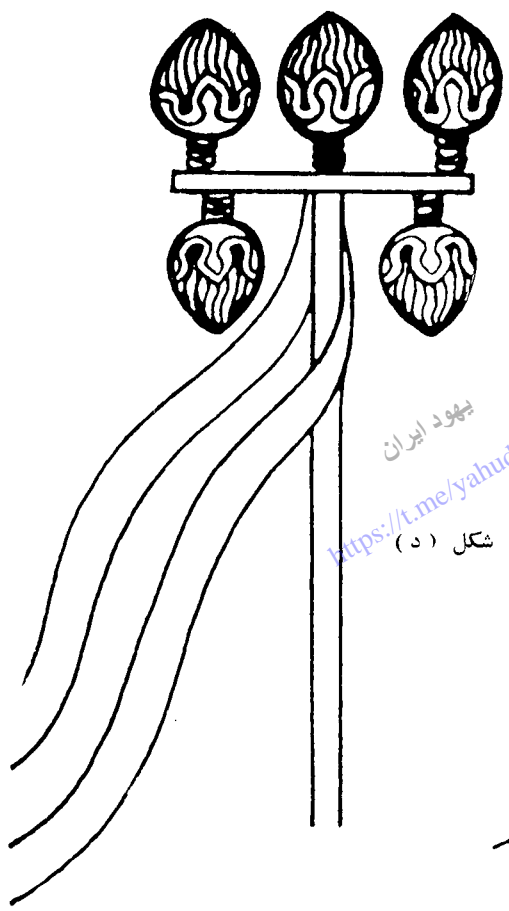
ابن خلدون گوید که صورت طلسمی با اعداد و علائم نجومی بر درفش کاویان دوخته شده بود .

*

ایضاً کریستن سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان « صفحه‌ی - ۱۴۱ - سطر - ۶ - » می‌نویسد : (در موزه‌ی لنین‌گراد ، جام‌نقره‌ای محفوظ است که منسوب بقرون نخستین عهد ساسانی است و قلعه را نشان میدهد که دشمن آنرا در میان گرفته است . دیوار کنگره دار این قلعه متکی بر ستونهای بزرگ است و دروازه مسدود قلعه در وسط ستونها نمایان است . در بالای قلعه برجی بنا شده که سه سرباز مسلح بر فراز آن مشغول دیده بانی هستند . پرچی بلند و باریک بر نیزه که در سمت چپ برج نصب شده در اهتزاز است . در بالای دیوار مقدم برج شیپور زنان که بر گرد آتشدان یا بنای دیگری فراهم آمده‌اند بوسیله‌ی بوق و شیپور محصورین را از حمله دشمن آگاه میکنند . از دو جانب مهاجمین سوار که با شمشیر و نیزه و سپرهای مدور مسلحند در رسیده‌اند . یکی از اسواران پرچی بدست گرفته که چهار گوشه‌ی آویخته دارد) .

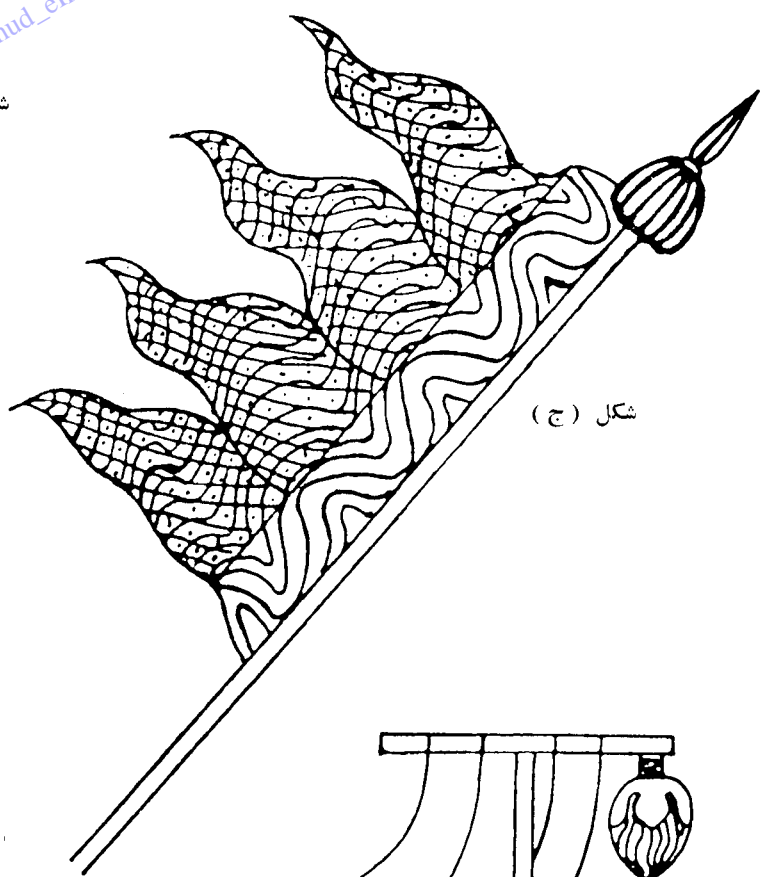
*

کریستن سن در باره‌ی دو پرچم دیگر این نقش که در دست مهاجمین است چیزی ننوشته است ، ولی در هر حال سه نمونه از پرچمهای ساسانیان را که مدارك سنگی « پرچمهای نقش رستم در شکل‌های - ۲۳۲ - و - ۲۴۲ - » و بشقاب دارای طرح قلعه « شکل - ۲۵۷ - » تثبیت میکنند بانضمام طرح « شکل - ۲۶۵ - » ارائه میدهد .

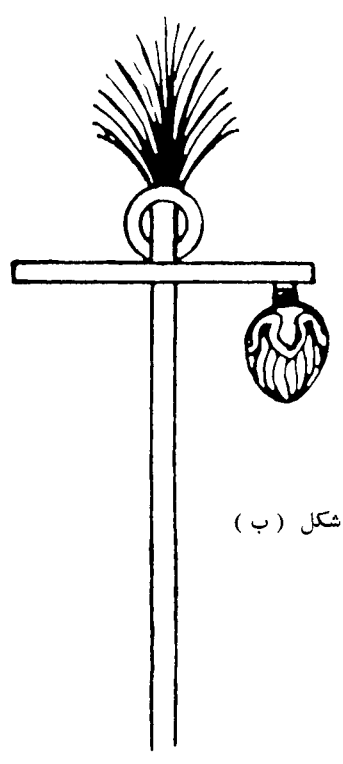


شکل (د)

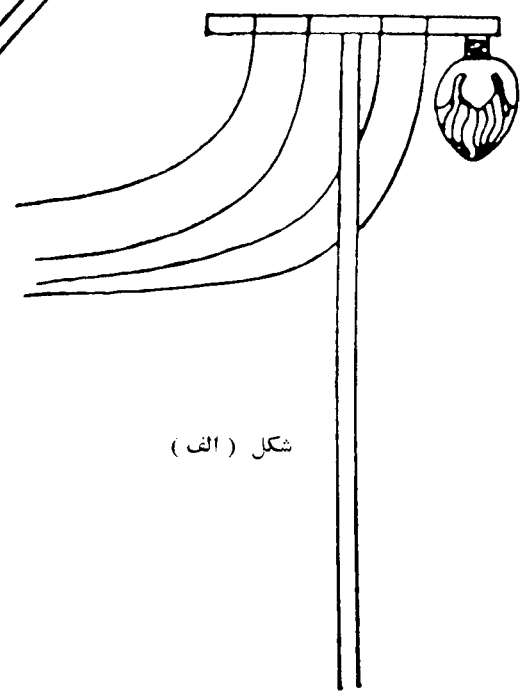
شکل - ۳۶۵ - پرچمهای ساسانیان .
 الف : پرچمی است که هم اکنون بهمین صورت در نقش رستم
 باقی مانده است و فلانین آنرا در سال (۴۱ - ۱۸۴۰) در
 کتاب مسافرت در ایران بشکل (ب) طرح نموده است .



شکل (ج)



شکل (ب)



شکل (الف)

پوشاک بانوان ساسانی

برای لباس بانوان ساسانی مدارکی از نقوش سنگی (مانند اناهیتا « الهه‌ی زیبایی و ثروت ») و چند طرح در بشقابهای موجود در موزه‌های کشورهای بیگانه هست که شکلهائی از انواع لباس بانوان این دوره را نشان میدهد .

*

در مقایسه‌ی چندین نقش سنگی اناهیتا و نقوش دیگر با هم ، بنظر میرسد که بانوان ساسانی پیراهن بلند ، بسیار پرچین و گشاد می پوشیده‌اند و آن را با نواری در زیر پستان‌ها « مانند بانوان اشکانی » جمع کرده می‌بستند « شکل - ۲۶۶ - اناهیتا » و نقش موزائیک یک بانوی ساسانی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران « شکل - ۲۶۷ - » .

از طرز قلم زنی و چین‌سازی پیراهن و دامن پیداست که در انتهای دامن بر پشت‌پا ، پارچه‌ای اضافه و پُرچین بآن دوخته‌اند « مانند شکل - ۲۶۸ - » .

گاهی چادری گشاد و پُرچین بسر میکردند که تا بوسط ساق پا میرسیده است . نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای ساخته شده مینماید که هر یک از بانوان چادری بخود پیچیده دارند « شکل - ۲۶۹ - » .

این پیراهنهای بلند با دامن پُرچین ، اغلب دیده شده است که دارای آستین بلند است ولی بی‌آستین نیز دیده شده است « مانند بانوی بادبزن بدست



شکل - ۳۶۶ - آناهیتا در محل نقش رستم

نقش موزائیک بيشاپور که پيراهن بی آستین پوشیده است . « شکل - ۲۷۰ - » .

.....

یخه‌ی پیراهن بانوان ساسانی ، اغلب گرد است ولی یخه‌ی جلو باز تا پائین‌تر از زیر پستانها نیز « مانند پیراهن روئی بانوان اشکانی » دیده شده

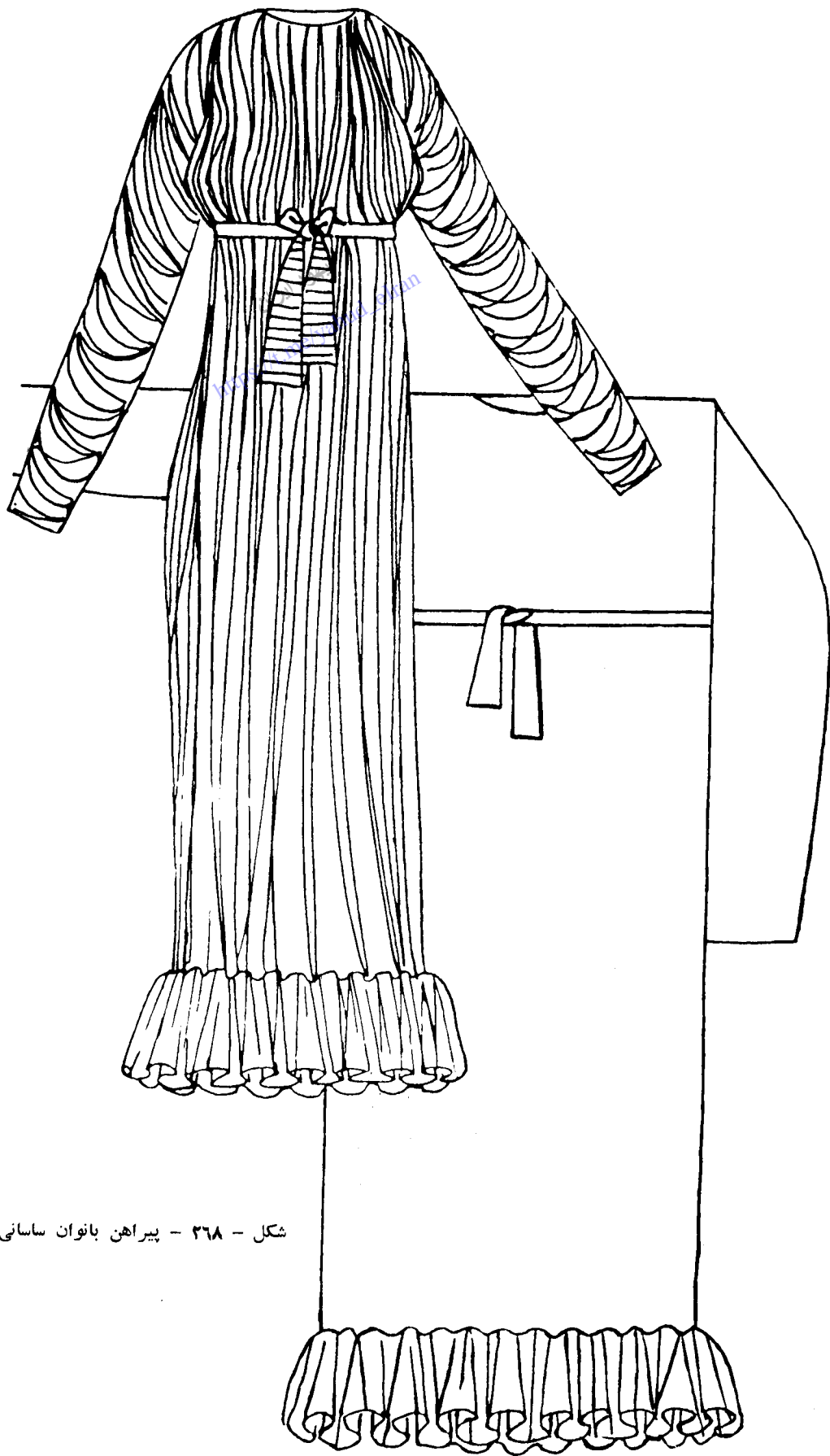


شکل - ۳۶۷ - بانوی ساسانی ، « موزائیک از بیشاپور »

است (نظیر پیراهن رقاصه‌ی منقوش روی کوزه‌ی کلاردشت که در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است « شکل - ۲۷۱ - ») .

*

در نقش بشقاب ضیافت شاه که بهرام گور و بانو سپینود را ساخته‌اند « شکل - ۱۹۷ - » سپینود پیراهنی بلند با دامن پُرچین پوشیده و بر روی آن نیز پیراهنی دیگر بر تن دارد که بعلت بد نقش شدن و اشتباه کاری سازنده‌ی آن نمیتوان بطور مشخص پیراهن روئی را با آستین یا بی آستین شناخت زیرا يك آستین مربوط به پیراهن بلند او و دیگری مربوط به پیراهن روئی او است و در این میان بر سینه نیز نقشی از ارخالق دارد ، و ارخالق



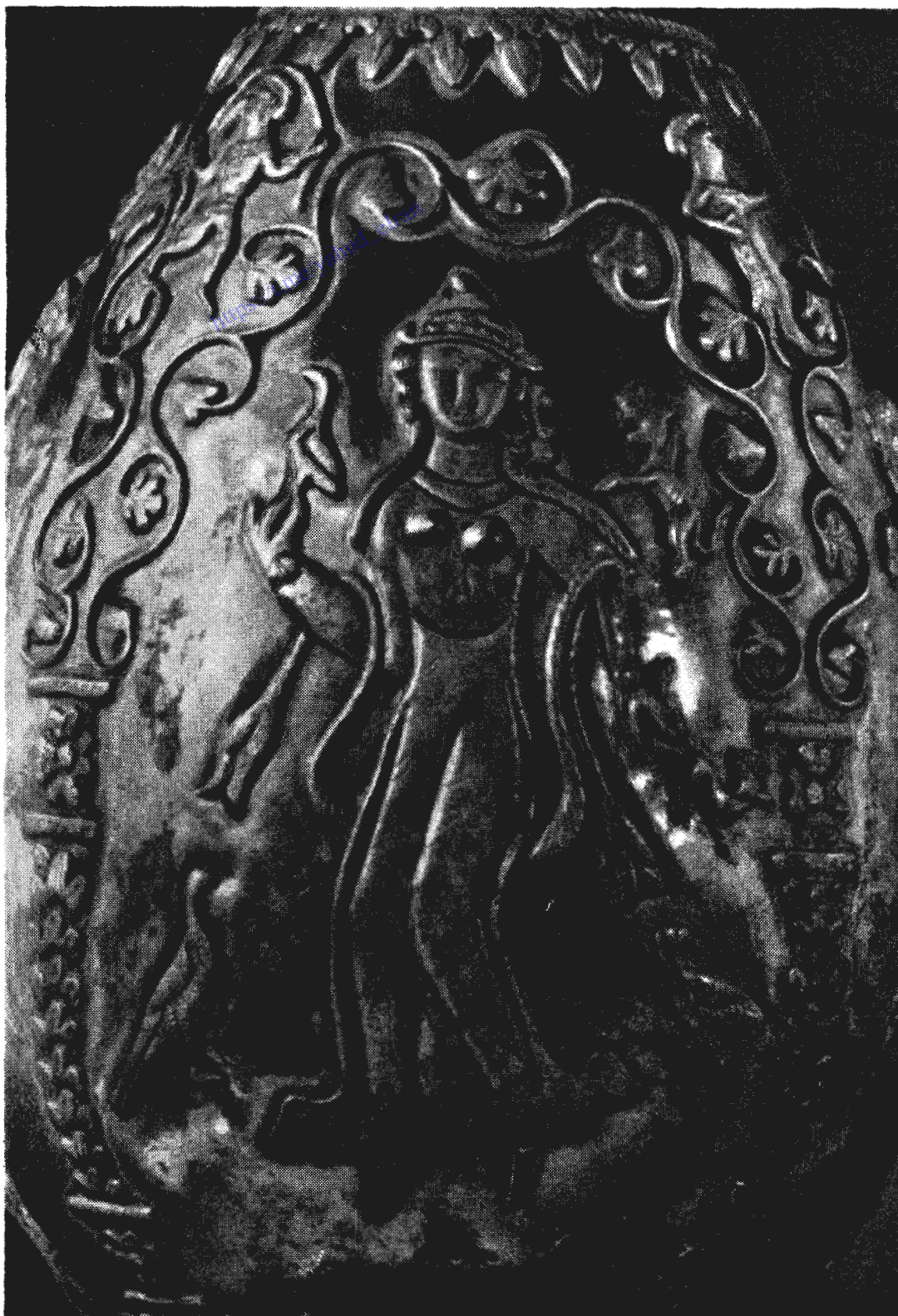
شکل - ۲۶۸ - پیراهن بانوان ساسانی



شکل - ۳۶۹ - چادر بانوان ساسانی



شکل - ۲۷۰ - بانوی ساسانی « موزائیک از بیشاپور »



شکل - ۳۷۱ - رقاصه‌ی ساسانی بر روی گوزه‌ی بدست آمده از کلاردشت

نیز که با آستین است، و طرح، نوعی است که هیچیک از آستین‌ها را نمیتوان برای ارخالق بحساب آورد.

*

در طرح بشقابی که شاهزاده‌ای را در بزم نشان میدهد « شکل - ۲۷۲ - »



شکل - ۲۷۲ - لباس بانوان ساسانی در مجلس بزم شاهزاده

دو زن را ساخته‌اند که هر يك دستمالی روی دهان خود به پشت سر بسته‌اند و هر يك شلواری چون شلوار مردان بپا دارند . قبائلی پوشیده‌اند که تا بوسط ساق پا می‌رسد ، و قبا ، در جلوی دامن سه چاك دارد که با حساب قرینه سازی گرداگرد آن باید دارای شش چاك باشد بر سراسر دوره‌ی دامن و چاك‌ها حاشیه بسته‌اند « شکل - ۲۷۳ - » .

*

بر روی کوزه هائی « موجود در موزه‌ی هرمیتاژ مربوط بساسانیان » رقاصه هائی را ساخته‌اند که برهنه‌اند و چادری تن‌نما بخود پیچیده و نیم‌پیراهنی آستین‌دار که پائین آن تا بناف می‌رسد ، پوشیده‌اند « دوره‌ی پائین این نیم‌پیراهنی ، کنگره‌های منحنی مزین دارد . « شکل‌های - ۲۷۴ و ۲۷۵ - » .

*

بانوان ساسانی جبّه‌ای نیز داشتند که در مواقع لزوم بر دوش می‌افکندند . مانند اناهیتای طاق بستان در کرمانشاه « شکل - ۲۷۶ - » .

پایان



شکل - ۳۷۳ - پیراهن بانوان ساسانی



شکل - ۳۷۴ - رقصه‌ی ساسانی



شکل - ۳۷۵ - رقصه‌ی ساسانی



شکل - ۴۷۶ - مجسمه آناهیتا در طاق بستان



شکل - ۴۷۷ - نقش یک بانوی ساسانی بر عقیق

یهود ایران

https://t.me/yahud_eIran

پیرس نوشته‌ها

۱ توضیحات و مقدمات

پوشاک مادی

۸ پوشاک مادی
۱۰ کلاه مادی
۱۶ پیراهن مادی
۱۸ شلوار مادی
۱۹ کفش مادی
۲۰ کمر بند مادی
۲۴ جبه و شنل مادی
۲۶ شنل مادی

پوشاک پارسیان : « پارسی - هخامنشی »

۳۲ پوشاک پارسیان

۳۸	بلاپوش پارسیان
۴۱	دامن پارسیان
۶۰	کلاه پارسیان
۶۹	کفش پارسیان

بهبود ایران
https://t.me/yahud_elfran

پوشاک زنان پارسی

۷۵	پوشاک زنان پارسی
۸۱	بافندگی زنان قدیم ایران
۸۴	ارغوانی ، رنگ مرغوب و محبوب دوران قدیم

پوشاک جنگی پارسیان

۸۷	پوشاک جنگی پارسیان
۹۰	زره - جوشن
۹۸	عرابه‌های جنگی هخامنشیان
۱۰۳	اختراع دیگر کوروش
۱۰۵	سپرهای هخامنشی
۱۰۹	تیردانه‌های هخامنشی
۱۱۴	کمانهای هخامنشی
۱۱۵	کماندانه‌های هخامنشی
۱۱۶	تبر ، کمر بند و قمه‌ی پارسی
۱۲۲	پرچم - علامت

پوشاک پارت‌ها

۱۲۴ یهود ایران پوشاک پارت‌ها : « اشکانیان »

https://t.me/yahud_eIran

پوشاک رزمی پارت‌ها

۱۵۴ پوشاک رزمی پارت‌ها

۱۵۸ کمان پارتی

۱۶۱ شمشیر پارتی

۱۶۱ رانپای پارتی

۱۶۶ کلاهخود و جوشن

۱۸۱ کمر بند ، سربند و کفش اشکانی

۱۸۲ سربند اشکانی

۱۸۴ کفش اشکانی

۱۹۱ پرچم اشکانی

پوشاک زنان اشکانی

۱۹۴ پوشاک زنان اشکانی

۲۰۸ چادر و انواع پیراهن زنان اشکانی

پوشاک ساسانیان

۲۱۵ پوشاک ساسانیان

صفحات	پیرس نوشته‌ها
۲۴۱	شئل ساسانیان
۲۴۷	شلوار ساسانیان
۲۵۱	کلاه ساسانیان
۲۵۵	کفش ساسانی
۲۵۷	رنگهای البسه‌ی ساسانیان « از سطر ششم »
۲۶۷	پوشاک رزمی ساسانیان
۲۸۶	رانپای ساسانیان
۲۹۱	کلاهخودهای ساسانی
۲۹۱	سپرهای ساسانی
۲۹۳	شمشیر ساسانیان
۲۹۶	کمان ساسانیان
۳۰۰	زین اسب ساسانیان
۳۰۲	پرچم ساسانیان
۳۰۷	پوشاک بانوان ساسانی
۳۲۱	پیرس نوشته‌ها
از - ۳۲۵ - تا ۳۵۶	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها

یهود ایران

https://t.me/yahud_eIran

پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها

- | | | |
|---|----|---|
| ۱ | ۱۰ | ۱ - کلاه مادی نوع اول « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |
| ۲ | ۱۱ | ۲ - کلاه مادی نوع اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |
| ۳ | ۱۲ | ۳ - نوع دوم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |
| ۴ | ۱۲ | ۴ - نوع دوم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |
| ۵ | ۱۳ | ۵ - نوع سوم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |
| ۶ | ۱۳ | ۶ - نوع سوم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » . |

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۷	- نوع چهارم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۴	۷
۸	- نوع چهارم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۴	۸
۹	- کلاه نوع پنجم مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۵	۹
۱۰	- پیراهن مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۶	۱۰
۱۱	- پیراهن مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۷	۱۱
۱۲	- شلواری مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۸	۱۲
۱۳	- شلواری مادی بر تن دو مرد طرفین نقش « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۹	۱۳
۱۴	- کفش مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۰	۱۴
۱۵	- کمر بند مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۱	۱۵

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۶ -	کمر بند مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۱	۱۶
۱۷ -	یک نفر مادی با قمه « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۲	۱۷
۱۸ -	کمر بندهای مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۲	۱۸
۱۹ -	کمر بند میخدار مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۳	۱۹
۲۰ -	کمر بند کماندان مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۴	۲۰
۲۱ -	سر کمر بند کماندان مادی بدست اسلحه‌دار مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۵	۲۱
۲۲ -	کماندان مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۶	۲۲
۲۳ -	قمه‌ی مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۷	۲۳
۲۴ -	جبه‌ی مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۲۸	۲۴

- ۲۵ - شئل مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .
- ۲۵ ۲۸
- ۲۶ - جبّه و شئل بر دوش قوم ماد « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .
- ۲۶ ۲۹
- ۲۷ - يك سوار مادی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .
- ۲۷ ۲۹
- ۲۸ - ته نیزه‌ی یکنفر مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .
- ۲۸ ۳۰
- ۲۹ - ته نیزه‌ی یکنفر مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .
- ۲۹ ۳۰
- ۳۰ - پوشش عمومی یکنفر مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .
- ۳۰ ۳۱
- ۳۱ - يك منظره از شکار ایرانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .
- ۳۱ ۳۳
- ۳۲ - جنگ مهر با گاوانر « عکس از روی کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .
- ۳۲ ۳۴
- ۳۳ - مهر برهنه با باشلق « عکس از روی کارت‌ی چاپ شده در رم » .
- ۳۳ ۳۵

- ۳۴ - قسمتی از منظره‌ی شکار ایرانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس ». ۳۶ ۳۴
- ۳۵ - قسمتی از منظره‌ی شکار پارسیان « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس ». ۳۶ ۳۵
- ۳۶ - جنگ با حیوان افسانه‌ای « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۳۷ ۳۶
- ۳۷ - بالاپوش پارسی « طرح مؤلف با استفاده از نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۳۹ ۳۷
- ۳۸ - بالاپوش پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۴۰ ۳۸
- ۳۹ - بالاپوش پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۴۰ ۳۹
- ۴۰ - بالاپوش جلو باز « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۴۰ ۴۰
- ۴۱ - دامن پارسی از روبرو و نیمه‌ی پشت « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۴۱ ۴۱

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۴۲	دامن پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۲	۴۲
۴۳	دامن پارسی از پهلو و روبرو « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۲	۴۳
۴۴	دامن دو راسته‌چین پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۳	۴۴
۴۵	دامن دو راسته‌چین پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۴	۴۵
۴۶	دامن دو راسته‌چین در حال حرکت « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۵	۴۶
۴۷	دامنهای یکرسته و دو راسته‌چین پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۶	۴۷
۴۸	وضعیت کمربند و اسلحه‌ی پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۷	۴۸
۴۹	وضعیت کمربند پارسی در نیمرخ پشت « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۴۸	۴۹
۵۰	زارع پارسی با بالاتنه‌ی برهنه با یکدامن « عکس از روی کتاب پوپ » .	۴۹	۵۰

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۵۱	- شکار شیر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۴۹	۵۱
۵۲	- شکار شیر با عرابه « عکس از روی کتاب پوپ » ^{ایران}	۵۰	۵۲
۵۳	- پادشاه هخامنشی در حال جدال با دو شیر « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .	۵۱	۵۳
۵۴	- مردی هخامنشی که شیری را بغل زده میفشد « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۵۲	۵۴
۵۵	- مجسمه‌ی نقره‌ای مردی هخامنشی (عکس از روی کتاب « اشمیت ») .	۵۲	۵۵
۵۶	- پیراهنهای منقش شوشی « عکس رنگی از روی سربازان جاوید شوشی موزه‌ی لوور » .	۵۲ - ۵۳	۵۶
۵۷	- نقوش تزئینی روی البسه‌ی شوشی « طرح مؤلف از روی پیراهنهای منقش سربازان جاوید شوشی » .	۵۴	۵۷
۵۸	- نقش تزئینی دیگری از لباس شوشی « طرح مؤلف از روی کاشی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۵۴	۵۸
۵۹	- سر یکنفر پارسی در سه حالت « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۶۲	۵۹

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۶۰ - کلاه نمدی بومیان پارسی « عکس از روی یک کلاه کنونی بومیان پارس » .	۶۴	۶۰
	۶۱ - کلاه پارسیان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۶۵	۶۱
	۶۲ - کلاه کوتاه پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۶۶	۶۲
	۶۳ - نوعی کلاه یا تاج پارسی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۶۷	۶۳
	۶۴ - تاج هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۶۸	۶۴
	۶۵ - تاج هخامنشی « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۶۹	۶۵
	۶۶ - تاج و نقش داریوش بزرگ « عکس از روی نقوش برجسته‌ی بیستون در کرمانشاهان » .	۷۰	۶۶
	۶۷ - کفش داریوش بزرگ « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۷۱	۶۷
	۶۸ - کفش کوروش بزرگ « عکس از روی نقوش برجسته‌ی پارسا کد در مشهد مرغاب » .	۷۲	۶۸

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۶۹	کفش هخامنشی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۷۳	۶۹
۷۰	کفش مخصوص هخامنشیان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۷۴	۷۰
۷۱	پوشش زنی بومی از عهد پارسیان « عکس از روی کتاب پوپ » .	۷۶	۷۱
۷۲	زن بومی با لباس عهد پارسی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۷۶	۷۲
۷۳	زنان بومی عهد پارسیان سوار بر اسب « عکس از روی کتاب پوپ » .	۷۷	۷۳
۷۴	تصاویر ملکه‌ها و بانوان عهد هخامنشی « عکس از روی قطعه فرش مکشوف در پازیریک سبیری » .	۸۰	۷۴
۷۵	تصویری از ملکه‌ها و بانوان عهد هخامنشی « عکس از روی قطعه فرش مکشوف در پازیریک سبیری » .	۸۰ - ۸۱	۷۵
۷۶	لباس بانوان هخامنشی از روبرو و نیمرخ « طرح رنگی مؤلف از روی نقش فرش عهد هخامنشی مکشوف در پازیریک سبیری، و استنباط رنگ آمیزی از روی نقوش شوش و نوشته‌های تاریخ‌نویسان » .	۸۰ - ۸۱	۷۶

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۸۶ -	یکنفر پارسی بَرَسَم° بدست « عکس از روی کتاب هرتسفلد » .	۹۹	۸۵
۸۷ -	منظره‌ای از شکار ایرانیان « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .	۱۰۰	۸۶
۸۸ -	یک عرابه‌ی چرخ کوتاه از عهد پارسیان « عکس از روی کتاب پوپ » .	۱۰۱	۸۷
۸۹ -	عرابه‌ی نیمه زره‌پوش هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۰۲	۸۸
۹۰ -	عرابه‌ی جنگی داسدار و سوار زره‌پوش هخامنشی « طرح مؤلف طبق نوشته‌ی گزنفون » .	۱۰۴	۸۹
۹۱ -	جنگ پارسیان و یونانیان؟ « عکس از روی کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس » .	۱۰۷	۹۰
۹۲ -	سپرهای سبده‌ی هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۰۷	۹۱
۹۳ -	سپرهای معمولی هخامنشیان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۰۸	۹۲
۹۴ -	سپر هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید » .	۱۰۹	۹۳

- ۱۰۴ - کماندان هخامنشی « عکس از روی نقوش
برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۱۵ ۱۰۴
- ۱۰۵ - انواع تبرهای پارسی « عکس از روی کتاب
پوپ ». ۱۱۶ ۱۰۵
- ۱۰۶ - تبرهای پارسی (دنباله‌ی شکل‌های - ۱۰۵ - همین
کتاب « عکس از روی کتاب پوپ »). ۱۱۷ ۱۰۵
- ۱۰۷ - تبرهای پارسی (دنباله‌ی شکل‌های - ۱۰۵ - همین
کتاب « عکس از روی کتاب پوپ »). ۱۱۸ ۱۰۵
- ۱۰۸ - کمربند پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش
برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۱۹ ۱۰۶
- ۱۰۹ - قمه‌های پارسی « عکس از روی کتاب پوپ ». ۱۲۰ ۱۰۷
- ۱۱۰ - انواع قمه‌های پارسی (دنباله‌ی شکل‌های - ۱۰۷ -
همین کتاب « عکس از روی کتاب پوپ »). ۱۲۱ ۱۰۷
- ۱۱۱ - عقاب روی صفحه‌ی طلا « عکس از روی کتاب
پوپ ». ۱۲۳ ۱۰۸
- ۱۱۲ - عقاب روی کاشی رنگی « عکس رنگی ». ۱۲۲ - ۱۲۳ ۱۰۹
- ۱۱۳ - یکنفر اشکانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی
تخت جمشید ». ۱۲۵ ۱۱۰

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۱۱۴ - مرد اشکانی بر لوح گیلی « عکس از روی کتاب فردریک زاره » .	۱۲۸	۱۱۱
	۱۱۵ - نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ سروک بهبهان » .	۱۲۹	۱۱۲
	۱۱۶ - نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ سروک بهبهان » .	۱۳۰	۱۱۳
	۱۱۷ - نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ سروک بهبهان » .	۱۳۱	۱۱۴
	۱۱۸ - مرد باکلاه‌خود مشترک اشکانی - ساسانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۳۲	۱۱۵
	۱۱۹ - سوار اشکانی در حال شکار « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ سروک بهبهان » .	۱۳۳	۱۱۶
	۱۲۰ - نقش اشکانیان (عکس از روی طرح مؤلف « طراحی شده از روی نقش برجسته‌ی سرپل ذاب ») .	۱۳۴	۱۱۷
	۱۲۱ - سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۳۵	۱۱۸
	۱۲۲ - سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۳۵	۱۱۹
	۱۲۳ - سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۳۶	۱۲۰

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۲۴	سکه‌ی مهرداد دوم « عکس از روی کتاب پوپ » .	۱۳۷	۱۲۱
۱۲۵	لباس کنونی مردم شرق ایران « طرح مؤلف از روی البسه‌ی موجود و مورد استفاده‌ی مردم آنسامان » .	۱۳۸	۱۲۲
۱۲۶	مردان اشکانی ، حکاکی شده بر استخوان « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۳۹	۱۲۳
۱۲۷	مردان اشکانی . حکاکی شده بر استخوان « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۰	۱۲۴
۱۲۸	چهره و لباس مهر اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۱۴۱	۱۲۵
۱۲۹	مرد اشکانی « عکس از روی نقش برجسته‌ی تکه سنگی افتاده بر دامنه‌ی کوه بیستون » .	۱۴۲	۱۲۶
۱۳۰	سپاهیان اشکانی از نقوش پالمیر سوریه « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۴	۱۲۷
۱۳۱	مردی اشکانی از نقوش برجسته‌ی پالمیر سوریه « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۶	۱۲۸
۱۳۲	هیئت و پوشاک مردی اشکانی . از نقوش برجسته‌ی شهر هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۷	۱۲۹

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۱۳۳ - مجسمه‌ی پادشاه اشکانی هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۸	۱۳۰
	۱۳۴ - کلاه پادشاه اشکانی هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۰	۱۳۱
	۱۳۵ - سنتروک « اشك دهم » پادشاه اشکانی « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۱	۱۳۲
	۱۳۶ - مجسمه‌ی فلزی مردی مشهور به پارسی « عکس از روی کتاب هرتسفلد » .	۱۵۲	۱۳۴
	۱۳۷ - مردی اشکانی ؟ « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۳	۱۳۳
	۱۳۸ - ردیف سپاهیان اشکانی از نقوش برجسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۷	۱۳۵
	۱۳۹ - کمانهای اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك نقاشی و مسكوك » .	۱۵۸	۱۳۶
	۱۴۰ - کمان اشکانی « عکس از روی کتاب دورا - اروپوس » .	۱۵۹	۱۳۷
	۱۴۱ - کمان اشکانی بر سکه‌ی واردان اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۵۹	۱۳۸

- ۱۴۲ - سه افسر اشکانی با شمشیر ، از نقوش برجسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .
 ۱۳۹ ۱۶۰ https://t.me/yahud_elfran
- ۱۴۳ - مرد اشکانی ایلامی « سورن اشکانی ؟ » (عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران) .
 ۱۴۰ ۱۶۱
- ۱۴۴ - نیمرخ مرد اشکانی « عکس » .
 ۱۴۱ ۱۶۲
- ۱۴۵ - نیمرخ رانیای مرد اشکانی « عکس » .
 ۱۴۲ ۱۶۳
- ۱۴۶ - هیئت عمومی مرد اشکانی ایلامی از پشت « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .
 ۱۴۳ ۱۶۴
- ۱۴۷ - مرد اشکانی با رانپا از مجسمه‌های پالمیر سوریه « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .
 ۱۴۴ ۱۶۵
- ۱۴۸ - سوار زره‌پوش اشکانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ سروك بهبهان » .
 ۱۴۵ ۱۶۷
- ۱۴۹ - سواران اشکانی با سپر و نیزه و تیردان از نقوش برجسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .
 ۱۴۶ ۱۶۸

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۱۵۰ - سوار زره‌پوش اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك و نوشته‌های تاریخ نویسان » .	۱۷۰	۱۴۷
	۱۵۱ - اسب زره‌پوش « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در طاق بستان کرمانشاهان » .	۱۷۱	۱۴۸
	۱۵۲ - مرد اشکانی در شکار شیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۲	۱۴۹
	۱۵۳ - سوار اشکانی زره‌پوش . طرح بر دیوار خرابه‌ی دورا اوروپوس « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۳	۱۵۰
	۱۵۴ - سر یکمرد اشکانی با کلاهخود مخروطی در نمرود داغ « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۵	۱۵۱
	۱۵۵ - نوعی کلاه عهد اشکانی، طرح‌شده بر صدف موجود در موزه‌ی ایران باستان « عکس » .	۱۷۶	۱۵۲
	۱۵۶ - بلاش سوم اشکانی با کلاهخود « عکس » .	۱۷۷	۱۵۳
	۱۵۷ - مجسمه‌ی افسر اشکانی موجود در موزه‌ی موصل « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۸	۱۵۴

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۵۸ -	نقش دو مرد جنگی بر بشقاب موجود در موزه‌ی هرمیتاژ « عکس از روی کتاب موزه‌ی هرمیتاژ » .	۱۸۰	۱۵۵
۱۵۹ -	کمر بند سورن اشکانی (طرح مؤلف از روی مجسمه‌ی مرد اشکانی ایلامی « سورنا » موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران) .	۱۸۲	۱۵۶
۱۶۰ -	مهرداد دوم اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۳	۱۵۷
۱۶۱ -	بلاش دوم اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۳	۱۵۸
۱۶۲ -	واردان اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۴	۱۵۹
۱۶۳ -	کفش اشکانی « طرح مؤلف از روی نقاشی‌های کتاب دورا اوروپوس » .	۱۸۵	۱۶۰
۱۶۴ -	کفش اشکانی در نقاشی دورا اوروپوس « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۱۸۵	۱۶۱
۱۶۵ -	مردان اشکانی در مراسم مذهبی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۱۸۶	۱۶۲

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۱۶۶ - کفش مرد ایلامی « سورنا » از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران .	۱۸۷	۱۶۳
	۱۶۷ - کفش ساقه‌دار اشکانی « عکس از روی مجسمه‌ی مفرغی مرد ایلامی، موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۱۸۸	۱۶۴
	۱۶۸ - کفش ساقه‌دار اشکانی در نیمرخ و از بالا « عکس از روی مجسمه‌ی مفرغی » .	۱۸۹	۱۶۵ - ۱۶۶
	۱۶۹ - نوعی دیگر از کفش ساقه‌دار اشکانی « طرح مؤلف از روی نقش برجسته‌ی سپاهیان اشکانی پالمیر در شکل - ۱۲۷ - همین کتاب » .	۱۹۰	۱۶۷
	۱۷۰ - پرچم اشکانی « عکس از روی نقش برجسته‌ی از شهر هاترا ، در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۲	۱۶۸
	۱۷۱ - پرچم اشکانی ؟ « عکس از روی سکه‌ی بغداد اول در کتاب هرتسفلد » .	۱۹۳	۱۶۹
	۱۷۲ - پرچم اشکانی ؟ « عکس از روی سکه‌ی فرادات اول در کتاب هرتسفلد » .	۱۹۳	۱۷۰
	۱۷۳ - مجسمه‌ی پرنسس - و اشفاری - دختر سنتر وک اشک دهم « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۵	۱۷۱

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۷۴ -	يك بانوی اشکانی از پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۶	۱۷۲
۱۷۵ -	بانوی عهد اشکانی از پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۸	۱۷۳
۱۷۶ -	زن پالمیری « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۰۰	۱۷۴
۱۷۷ -	برگذاری مراسم مذهبی اشکانیان « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۲۰۱	۱۷۵
۱۷۸ -	زنان اشکانی در میان مردان « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۲۰۲	۱۷۶
۱۷۹ -	يك بانوی اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۲۰۳	۱۷۷
۱۸۰ -	يك بانوی اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۲۰۴	۱۷۸
۱۸۱ -	زیورآلات زن اشکانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب دورا اوروپوس » .	۲۰۴	۱۷۹
۱۸۲ -	مجسمه‌ی زن اشکانی از سرب « عکس از روی کتاب فردريك زاره » .	۲۰۵	۱۸۰

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۸۳ -	سکه‌ی بلاش دوم اشکانی « عکس » .	۲۰۶	۱۸۱
۱۸۴ -	سکه‌ی بلاش سوم اشکانی « عکس »	۲۰۶	۱۸۲
۱۸۵ -	هیئت عمومی يك زن اشکانی « طرح مؤلف از روی سکه‌های بلاش اول و دوم اشکانی » .	۲۰۷	۱۸۳
۱۸۶ -	چادر زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۰۹	۱۸۴
۱۸۷ -	پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۱۰	۱۸۵
۱۸۸ -	پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۱۱	۱۸۶
۱۸۹ -	مجسمه‌ی - اوبال - زن اشکانی از شهر هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۱۲	۱۸۷
۱۹۰ -	پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۱۴	۱۸۸
۱۹۱ -	نقش چهار نفری « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان کرمانشاهان » .	۲۱۷	۱۸۹
۱۹۲ -	نمایش پیراهنی از نقش چهار نفری « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۱۸	۱۹۰

- ۱۹۳ - پیراهنی از مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .
 ۱۹۱ ۲۱۹
- ۱۹۴ - پیراهنی از مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .
 ۱۹۲ ۲۲۰
- ۱۹۵ - پوشاک مردان طاق کوچک بستان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .
 ۱۹۳ ۲۲۱
- ۱۹۶ - نقش خسرو انوشیروان بر بشقاب « عکس از روی کتاب پوپ » .
 ۱۹۴ ۲۲۲
- ۱۹۷ - نقش شاپور دوم بر بشقاب دیلمان گیلان « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .
 ۱۹۵ ۲۲۳
- ۱۹۸ - نقش سنگ حکاکی شده‌ی موجود در موزه‌ی بریتانیا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .
 ۱۹۶ ۲۲۴
- ۱۹۹ - بهرام گور و سپینود « عکس از روی کتاب پوپ » .
 ۱۹۷ ۲۲۵
- ۲۰۰ - نوعی قبای عهد ساسانی « طرح مؤلف از روی نقش خسرو انوشیروان در کتاب پوپ » .
 ۱۹۸ ۲۲۶
- ۲۰۱ - نقش خسرو انوشیروان « عکس از کتاب پوپ » .
 ۱۹۹ ۲۲۷

ردیف	بیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۲۰۲ - نوعی قبای ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان و نقش خسرو انوشیروان بر بشقاب شکل - ۱۹۴ - » .	۲۲۸	۲۰۰
	۲۰۳ - قبای یکی از مردان نقش طاق بستان « عکس از روی نقوش طاق بستان » .	۲۲۹	۲۰۱
	۲۰۴ - نوعی پیراهن مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۳۰	۲۰۲
	۲۰۵ - مجسمه‌ی شاپور اول « عکس » .	۲۳۱	۲۰۳
	۲۰۶ - نوعی لباس مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۳۲	۲۰۴
	۲۰۷ - مرد سوار قایق « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۳۳	۲۰۵
	۲۰۸ - نوعی پیراهن مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقش برجسته‌ی شاپور اول در نقش رجب » .	۲۳۴	۲۰۶
	۲۰۹ - شاپور اول « عکس از روی نقش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۵	۲۰۷
	۲۱۰ - قبای ساده‌ی ساسانیان « طرح مؤلف از روی مردان نقش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۶	۲۰۸

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۱۱ -	ارخالق ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۳۶	۲۱۰
۲۱۲ -	شاپور اول و ملتزمین و افسران « عکس از روی نقش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۷	۲۰۹
۲۱۳ -	نرسی پادشاه ساسانی که نوعی ارخالق بتن دارد « عکس از روی مجسمه‌ی نرسی » .	۲۳۸	۲۱۱
۲۱۴ -	پیراهن دامن‌گرد و ارخالق بر تن دونفر از نقوش برجسته « عکس از روی نقوش طاق کوچک بستان در کرمانشاهان » .	۲۳۸	۲۱۲
۲۱۵ -	شاپور دوم در شکار قوچ « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۳۹	۲۱۳
۲۱۶ -	بهرام گور در شکار گراز « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۳۹	۲۱۴
۲۱۷ -	نقش ارخالق ساسانیان بر بشقاب بدست‌آمده از ساری « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۴۰	۲۱۵
۲۱۸ -	نقش شکار ببر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۱	۲۱۶
۲۱۹ -	شنل‌های ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۴۲	۲۱۷

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۲۲۰ - اردشیر اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۴۳	۲۱۸
	۲۲۱ - شاپور اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۴۴	۲۱۹
	۲۲۲ - بهرام‌گور در حال شکار شیر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۵	۲۲۰
	۲۲۳ - بهرام‌گور با زنان در بزم « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۶	۲۲۱
	۲۲۴ - لباس بهرام‌گور « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۴۸	۲۲۲
	۲۲۵ - شلوار ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۴۹	۲۲۳
	۲۲۶ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۵۰	۲۲۴
	۲۲۷ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان » .	۲۵۱	۲۲۵
	۲۲۸ - انواع کلاه ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۵۲	۲۲۶

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۲۹ -	بهرام دوم و خویشاوندان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۵۳	۲۲۷
۲۳۰ -	کلاه ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان » .	۲۵۴	۲۲۸
۲۳۱ -	نوعی کلاه ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۵۴	۲۲۹
۲۳۲ -	کفش ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۵۶	۲۳۰
۲۳۳ -	کفش ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان » .	۲۵۷	۲۳۱
۲۳۴ -	جنگ دو مبارز « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۰	۲۳۲
۲۳۵ -	مرد جنگی فاتح « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۱	۲۳۳
۲۳۶ -	جنگجوی مغلوب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۲	۲۳۴
۲۳۷ -	یکی دیگر از جنگجویان مغلوب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۲	۲۳۵

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	عقب دامن جوشن «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۳	۲۳۶
	محل جلوی دامن جوشن ساسانی «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۴	۲۳۷
	خرابی جوشن در محل ساق پای مرد جنگجو «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۴	۲۳۸
	حلقه‌های جوشن ران و ساق مرد جنگی «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۵	۲۳۹
	حلقه‌های زانوی جوشن «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۶	۲۴۰
	بندهای جلوی سینه‌ی برگستوان اسب «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۷	۲۴۱
	برگستوان اسب مرد جنگجو «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۷	۲۴۲
	زره برگستوان اسب «عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم» .	۲۷۸	۲۴۳
	نبرد جنگجویان ساسانی «عکس از روی نقوش برجسته‌ی فیروزآباد» .	۲۷۹	۲۴۴

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۲۴۷ - نبرد جنگجویان ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی فیروزآباد » .	۲۸۱	۲۴۵
	۲۴۸ - جنگ اردشیر ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی فیروزآباد » .	۲۸۲	۲۴۶
	۲۴۹ - دلاور جوشن‌پوش «عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۳	۲۴۷
	۲۵۰ - جوشن جلوی سینه‌ی اسب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۳	۲۴۸
	۲۵۱ - جوشن سر و سینه‌ی اسب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۴	۲۴۹
	۲۵۲ - نقش شاپور و والرین «عکس از روی عقیق موجود در کتابخانه‌ی ملی پاریس » .	۲۸۵	۲۵۰
	۲۵۳ - رانپای شاپور اول «عکس از روی نقوش برجسته‌ی بیشاپور » .	۲۸۸	۲۵۱
	۲۵۴ - رانپای شاپور اول «عکس از روی نقش برجسته‌ی دیگری در بیشاپور » .	۲۸۹	۲۵۲
	۲۵۵ - رانپای ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۹۰	۲۵۳

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
	۲۵۶ - رانپای ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۹۰	۲۵۴
	۲۵۷ - کلاهخودهای ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۲۹۲	۲۵۵
	۲۵۸ - کلاهخود اردشیر بابکان « عکس از روی نقش برجسته‌های نقش رستم » .	۲۹۳	۲۵۶
	۲۵۹ - سپر ساسانی « عکس از روی بشقاب موجود در موزه‌ی هرمیتاژ » .	۲۹۴	۲۵۷
	۲۶۰ - سپر دلاور طاق بستان « طرح مؤلف » .	۲۹۵	۲۵۸
	۲۶۱ - شمشیر ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان » .	۲۹۶	۲۵۹
	۲۶۲ - شمشیر و کمان ساسانی « عکس از روی نقش بشقاب فلزی » .	۲۹۷	۲۶۰
	۲۶۳ - شمشیر ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك همین کتاب » .	۲۹۸	۲۶۱
	۲۶۴ - کمان ساسانی در دست مرد آهوشکار « عکس از روی بشقاب فلزی » .	۲۹۹	۲۶۲

ردیف	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۶۵ -	کمان عهد ساسانی «عکس از روی بشقاب فلزی» .	۳۰۰	۲۶۳
۲۶۶ -	کمان عهد ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۳۰۰	الف-۲۶۳
۲۶۷ -	زین مخصوص زمان ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۳۰۱	۲۶۴
۲۶۸ -	پرچمهای ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۳۰۶	۲۶۵
۲۶۹ -	اناهیتا « عکس از روی نقش برجسته‌ی محل نقش رستم » .	۳۰۸	۲۶۶
۲۷۰ -	بانوی ساسانی « عکس از روی نقوش موزائیک بیشاپور » .	۳۰۹	۲۶۷
۲۷۱ -	پیراهن بانوان ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارك موجود در همین کتاب » .	۳۱۰	۲۶۸
۲۷۲ -	چادر بانوان ساسانی « عکس از روی بشقاب فلزی » .	۳۱۱	۲۶۹
۲۷۳ -	بانوی ساسانی «عکس از روی موزائیک بیشاپور» .	۳۱۲	۲۷۰
۲۷۴ -	رقاصه‌ی ساسانی « عکس از روی کوزه‌ی فلزی بدست آمده از کلاردشت » .	۲۱۳	۲۷۱

- ۲۷۵ - لباس بانوان ساسانی در مجلس بزم شاهزاده «عکس
از روی بشقاب فلزی» .
- ۲۷۲ ۳۱۴
- ۲۷۶ - پیراهن بانوان ساسانی « طرح مؤلف از روی
مدارک موجود در همین کتاب .
- ۲۷۳ ۳۱۶
- ۲۷۷ - رقصه‌ی ساسانی « عکس از روی کوزه‌ی فلزی
آنعهد» .
- ۲۷۴ ۳۱۷
- ۲۷۸ - رقصه‌ی ساسانی « عکس از روی کوزه‌ی فلزی
آنعهد» .
- ۲۷۵ ۳۱۷
- ۲۷۹ - مجسمه‌ی اناهیتا « عکس از روی نقوش سنگی
طاق بستان» .
- ۲۷۶ ۳۱۸
- ۲۸۰ - نقش يك بانوی ساسانی «عکس از روی يك عقیق» .
- ۲۷۷ ۳۱۹

یهود ایران

https://t.me/yahud_eIran